



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
برنامه ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

الاختیار لتعلیل المختار

از کتاب الصلاة الی باب السجود السهو، ترجمه،
شرح مصطلحات، تخریج آحادیث، توثیق و بیان

مسایل وقواعد فقهی

(رساله ماستری)

تحقیق کننده: عبدالبشیر "عبادی"

استاد رهنما: پوهندوی دکتور محمد سلیم "مدنی" سال: 1402 هـ . ش 1445 هـ ق



پوهنتون اسلام
پوهنځی شرعیات و قانون
برنامه ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

الاختیار لتعلیل المختار

از کتاب الصلاة الی باب السجود السهو، ترجمه،
شرح مصطلحات، تخریج آحادیث، توثیق و بیان
مسائل وقواعد فقهی

(رساله ماستری)

تحقیق کننده: عبدالبشیر "عبادی"

استاد رهنما: پوهندوی دکتور محمد سلیم "مدنی" سال: 1402 هـ. ش 1445 هـ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام

معاونیت علمی

آمریت برنامه های فوق لیسانس

پوهنخی شرعیات و قانون

برنامه ماستری فقه و قانون

تصدیق نامه

محترم (عبدالبشیر) ولد (عبدالبصیر) دارنده ID نمبر: SH-MSF-s1400-848 محصل دور (نهم)

فقه و قانون که رساله ماستری خویش را تحت عنوان:

(الاختیار لتعلیل المختار از ابتداء کتاب الصلاة الی باب سجود السهو ترجمه، شرح مصطلحات)

به تاریخ ۲۱ / ۱۲ / ۱۴۰۲ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم

مستحق ۸۸ (نمره به عدد) هشتاد و هشت (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال

خواهاتیم.

اعضای هیات تحکیم :

شماره	نام استاد	مسئولیت	امضاء
۱	دکتور عبدالملک ثاقب	عضو هیات	
۲	استاد وزیر محمد سعیدی	عضو هیات	
۳	دکتور محمد سلیم مدنی	استاد رهنما و رئیس جلسه	

معاون علمی

آمر برنامه های فوق لیسانس

سپاس گذاری

سپاس و ستایش زبینه ذات اقدس و مقدس ایست که اشرف مخلوقات را با زیور خرد و اندیشه بیاراست و دانش و قلم را به او ارزانی داشت، تا با بهره گیری از این نعمت بی بدیل و در پناه گرانبهای سلامت و مهارت مایه ای معاش و انتعاش وی گردد. خداوند جل جلاله را سپاسگذارم که برایم توفیق عنایت فرمود تا بتوانم پله دیگری از موفقیت را ببیمایم و درس های خویش را به اتمام برسانم.

جا دارد بدین وسیله از وزارت محترم تحصیلات عالی کشور، پوهنتون سلام، پوهنهی شرعیات و بورد ماستری بابت فراهم نمودن زمینه تحصیلات عالی سپاسگذاری و تشکری کنم، و همچنان مراتب امتنان و سپاس گذاری خویش را خدمت استاد گرامی ام "**محترم پوهندوی دکتور محمد سلیم مدنی**" و هیأت های مناقش به خاطر تمام زحمات و رهنمایی های مفید شان در خصوص ترتیب و تکمیل این رساله عرض نموده و از بارگاه ایزد منان برای شان طول عمر با برکت استدعا دارم.

با احترام

عبدالرشید "عبادی"

خلاصه بحث

عنوانی که در این جزوه تحقیقی دیده میشود؛ از جمله مسایلی است که به باور بنده نهایت با ارزش و با اهمیت است؛ تحقیق کتاب (الاختیار لتعلیل المختار) بخش صلاة یکی از جزوه های تحقیقی مهم با ارزش بوده که متعلق به احکام و مسایلی است که همه روزه با آن سروکار داریم، و از جمله احکامی است که خداوند (جل جلاله) به صورت قطعی و حتمی به انجام آن امر نموده است از جانب دیگر کتاب فقهی که بنام (الاختیار لتعلیل المختار) بخاطر بحث انتخاب گردیده است از نظر علمای احناف از اعتبار خاص برخوردار است، بنأ روی همین اهمیت بنده آنرا بحیث رساله علمی تحقیقی با مشوره اساتید معزز انتخاب نموده ام.

در این رساله علمی و تحقیقی کتاب (الإختیار لتعلیل المختار) ابواب معینه آن مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است که مشتمل به یک مقدمه و سه فصل میباشد.

مقدمه حاوی معرفی و اهمیت موضوع، پیشینه موضوع، مواد و روش، اهداف، مشکلات تحقیق و خطه و پلان آن است.

در فصل اول این رساله، اوقات نماز، اوقات مستحب نماز، اوقات مکروهه نماز، احکام اذان، فرض های خارجی نماز، فرایض داخلی نماز، نماز وتر واجب، قرائت، جماعت و مکروهات نماز است، به ترتیب کتاب (الاختیار لتعلیل المختار) مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است که شامل موارد ذیل می گردد:

✓ هر کدام از ابواب به طور جداگانه متن عربی المختار للفتوی تحریر گردیده و با خط فاضل ترجمه آزاد شده است، سپس متن (الاختیار لتعلیل المختار) بدون تحریر متن عربی آن ترجمه شده است.

کلمات و اصطلاحات ابواب مذکور بطور جداگانه از هر باب مثل کلمه: نماز، زوال، کاذب، صادق، اسفار، شفق، اذان، واجب، فرض، مکاتبه، ام ولد، الأمه، الحره، أمی، تعوذ، ثناء، آمین، تشهد، مسبوق، سجده، وتر، قضاء، شرح و بیان شده است.

✓ توثیق و بیان مسائل که احکام و مسائل هر باب در مذهب احناف بصورت کلی از کتب منسوب به احناف بیان شده و در مذاهب دیگر به اساس همان رموزی که در متن (المختار

للفتوی) موجود می باشد مثل: حرف م «به امام محمد»، حرف س «به امام ابو یوسف» حرف ف (به امام شافعی) و حرف ز (به امام زفر) رحمهم الله دلالت می کند، بحث شده است.

✓ تخریح احادیث هرباب بصورت جداگانه که مکان وجود احادیث در کتب و مصادر مهم حدیث و یا مصادر دیگر با ذکر اسم کتاب، باب، جلد، صفحه، شماره حدیث و شماره باب حدیث بیان شده، همچنان درجه حدیث از حیث صحت و ضعف ذکر گردیده است.

✓ تخریح قواعد و ضوابط فقهی که قواعد مرتبط به هر باب از کتاب های معتبر قواعد فقهی تخریح گردیده است.

درفصل دوم این رساله ابواب چون: احکام نماز نفل، نماز وتر و نماز تراویح مورد بررسی قرار گرفته که متن عربی این ابواب از کتاب (المختار للفتوی) تحریر گردیده و ترجمه شده است، همچنان متن (الاختیار لتعلیل المختار) بدون تحریر متن عربی آن ترجمه شده است.

کلمات و مصطلحات این ابواب مذکور مثل کلمه: تطوع، نذر، تهجد، تراویح، استیعاب، دعاء... شرح و بیان شده است.

بیان مسائل که ابواب مذکور در مرحله اول در مذهب احناف مورد بررسی قرار گرفته و در مرحله دوم هر باب در مذاهب دیگر براساس رموزی که در متن کتاب (المختار للفتوی) ذکر شده است از کتاب منسوب به همان مذاهب توثیق و بیان شده است، احادیث ابواب ذکر شده تحریر گردیده که مکان وجود حدیث و حکم آن بیان شده است.

در فصل سوم ابواب مربوط به نماز کسوف، خسوف، استسقاء و احکام سجده السهو مورد بررسی قرار گرفته که تحقیق این فصل هم بر اساس همان منهجی است که در فصول قبلی بیان گردیده است.

در اخیر این رساله مختصراً از تمام مباحث نتیجه گیری آن بیان شده و رساله حاضر با پیشنهادات، فهرس آیات، احادیث، اعلام، منابع و مصادر به پایان رسیده است.

فهرست مطالب

صفحات	عناوین
	مقدمه
3.....	اهمیت موضوع.....
4	اسباب اختیار موضوع
4	پیشینه تحقیق.....
4	روش تحقیق.....
5	اهداف تحقیق.....
5	مشکلات تحقیق (محدودیت های تحقیق)
6	پلان تحقیق.....

فصل اول

احکام نماز

8	مبحث اول: احکام نماز.....
9	مطلب اول: اوقات نماز های فرض
12	مطلب دوم: شرح کلمات و اصطلاحات فقهی
16	مطلب سوم: توثیق و بیان مسائل
18	مطلب چهارم: تخریج احادیث و آثار
20	مطلب پنجم: تخریج قواعد و ضوابط فقهی
20	مبحث دوم: اوقات مستحب نماز.....
23	مطلب اول: توثیق و بیان مسائل.....
23	مطلب دوم: تخریج احادیث و آثار.....
25	مبحث سوم: اوقات مکروهه نماز.....

27	مطلب اول: شرح کلمات و اصطلاحات فقهی
28	مطلب دوم: توثیق و بیان مسائل
28	مطلب سوم: تخریج احادیث و آثار
30	مبحث چهارم: احکام اذان
35	مطلب اول: شرح کلمات و اصطلاحات فقهی
36	مطلب دوم: تخریج احادیث و آثار
37	مطلب سوم: تخریج قواعد و ضوابط فقهی
38	مبحث پنجم: فرض های خارجی نماز
43	مطلب اول: شرح کلمات و اصطلاحات فقهی
45	مطلب دوم: توثیق و بیان مسائل
45	مطلب سوم: تخریج احادیث و آثار
47	مطلب چهارم: تخریج قواعد و ضوابط فقهی
48	مبحث ششم: فرایض داخلی نماز
61	مطلب اول: شرح کلمات و اصطلاحات فقهی
64	مطلب دوم: تخریج احادیث و آثار
68	مطلب سوم: تخریج قواعد و ضوابط فقهی
70	مبحث هفتم: بیان وتر واجب، قرانت، جماعت و مکروهات نماز است
88	مطلب اول: شرح کلمات و اصطلاحات فقهی
90	مطلب دوم: توثیق و بیان مسائل
92	مطلب سوم: تخریج احادیث و آثار
97	مطلب چهارم: تخریج قواعد و ضوابط فقهی

فصل دوم

احكام نماز نفل و نماز تراويح

- 99 **مبحث اول: احكام نماز نفل**
- 104 **مطلب اول:** شرح كلمات و اصطلاحات فقهي
- 105 **مطلب دوم:** توثيق و بيان مسائل
- 106 **مطلب سوم:** تخريج احاديث و آثار
- 109 **مطلب چهارم:** تخريج قواعد و ضوابط فقهي
- 110 **مبحث دوم: احكام نماز تراويح**
- 112 **مطلب اول:** شرح كلمات و اصطلاحات فقهي
- 113 **مطلب دوم:** توثيق و بيان مسائل
- 114 **مطلب سوم:** تخريج احاديث و آثار
- 115 **مطلب چهارم:** تخريج قواعد و ضوابط فقهي

فصل سوم

نماز كسوف، خسوف، استسقاء و احكام سجده السهو

- 116 **مبحث اول: نماز خسوف، كسوف و استسقاء**
- 119 **مطلب اول:** شرح كلمات و اصطلاحات فقهي
- 120 **مطلب دوم:** توثيق و بيان مسائل
- 121 **مطلب سوم:** تخريج احاديث و آثار
- 121 **مطلب چهارم:** تخريج قواعد و ضوابط فقهي
- 122 **مبحث دوم: احكام سجده السهو**
- 126 **مطلب اول:** شرح كلمات و اصطلاحات فقهي
- 128 **مطلب دوم:** توثيق و بيان مسائل

129	مطلب سوم: تخریج احادیث و آثار.....
130	مطلب چهارم: تخریج قواعد و ضوابط فقهی.....
131	نتیجه گیری
136	فهرست آیات
138	فهرست احادیث
141	فهرست اعلام.....
143	فهرست منابع و مصادر.....

مقدمه

الحمد لله نحمده، ونستعينه، ونستغفره، ونتوب إليه، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا، ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له، ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمدا عبده ورسوله أما بعد:

سپاس و ستایش برای آن ذاتی که علم را با قلم ارج داد و بر آن قسم یاد نمود، و میان کسی که به دنبال دانش است و از آن کسی که از دانش بی خبر است فرق قایل شد، و به صورت مؤکد و مکرر توصیه به فراگیری علم نمود، و پیامبران خود را به عنوان معلم برای انسانیت مبعوث نمود.

ودرود فراوان بر برترین خلائق، امام انبیاء و الگوی انسانیت باد که هر سخنش، گوهری ارزشمند برای تشنگان راه هدایت و علم پروری است، و درود خداوند بر خاندان پاک و یاران گوهر بارش باد که خود را به صورت کامل در راه نشر و پخش دین مبین اسلام وقف نموده و همه تن به اشاعه تعالیم نبوی مشغول شدند.

بدون شک خداوند (جل جلاله) پیغمبر خود را با هدایت و دانش مفید که انسان را از گمراهی دور می دارد و راه های خیر و شر را بیان می نماید، فرستاد، و کتاب آسمانی که مشتمل بر حق بود و به سوی حقیقت دعوت می کرد، به او نازل کرد، تا برای مردم بیان کند آنچه به ایشان نازل شده تا ایشان فکر کنند. نبوت و رسالت را به او ختم کرد، و شریعت دائمی و آسان، و صالح به هر زمان و مکان مشتمل بر قواعد اساسی که ضامن بقای دین است، خاتم شریعت ها قرار داد.

امت اسلامی در حیات پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) احکام شریعت و مسائل دین را مستقیم از او فرا می گرفتند، الله تعالی او را از دنیا نبرد مگر بعد از اینکه دین را به پایه اکمال رسانده و نعمت خویش را به اتمام رساند، آنجا که می فرماید: {الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا}(1). ترجمه: (احکام دین شما را برای تان کامل کردم و نعمت خود را بر شما به اتمام رسانیدم و اسلام را به عنوان آئین خدا پسند برای شما برگزیدم.

و بعد از رحلت پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) بیرق دین را اصحاب کرام رضوان الله تعالی علیهم اجمعین حمل کردند، و در انحاء و اطراف عالم منتشر ساختند، امور دین را با تکیه بر قرآن و سنت استنباط و استخراج احکام از آنها نموده، به مردم یاد دادند.

(1) سورة المائدة، آية:3.

زمانیکه فتوحات اسلامی وسعت یافت و حادثات و وقایع زیاد شد، تا اینکه نیازمندی به اجتهاد و استنباط سخت احساس شد، اصحاب کرام رضی الله تعالی عنهم حسب فهم شان به نصوص و اجتهاد شان فتوا می دادند، سپس به دنبال آنها تابعین و تبع ایشان روان شدند، نفس خود را جهت خدمت دین و توضیح احکام آن نذر کردند، قواعد و ضوابط را با استمداد از کتاب الله (جل جلاله) و سنت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و اقوال صحابه رضی الله تعالی عنهم وضع کردند، اینگونه مجتهدان و فقهاء رحمهم الله زیاد شدند، و مذاهب فقهی ظهور کرد، و خداوند (جل جلاله) از میان مذاهب، چهار مذهب مشهور اسلامی را استمرار و بقاء نصیب کرد. و مذهب حنفی یکی از همان مذاهب چهارگانه مشهور با تأسیس امام اعظم ابوحنیفه نعمان بن ثابت رحمه الله متوفی (۱۵۰هـ) در کوفه و بغداد ظهور کرد، که قواعد و فروع اولی آن توسط شاگردان معروف او، امام ابویوسف یعقوب بن ابراهیم قاضی، و محمد بن حسن شیبانی و غیره... رحمهم الله تدوین شد. مذهب حنفی در کشور های زیادی مانند: عراق، مصر، سوریه، ترکیه، هند، افغانستان، پاکستان و شهرهای ماوراء النهر انتشار یافت، اکثر کشورهای اسلامی خالی از پیروان مذهب حنفی نیست. و از نتیجه این کثرت نفوذ و انتشار درمی یابیم که مذهب حنفی در میان مذاهب فقهی دیگر بیشترین سهم و حصه را در راستای تصنیفات و تألیفات دارا بوده است که تألیفات علمای حنفی را در بحث فقه و اصول قابل شمارش نیست، ولی از این مؤلفات به ما اندکی رسیده است و با آن هم خیلی زیاد است، متون، مختصرات، شروحات و حاشیه ها و تعلیقات و کتاب های فتواء و غیره است. و از میان آن کتاب ها «الإختیار لتعلیل المختار» در مذهب حنفی که مصنف رحمه الله در آن مسائل را به شکل واضح و وسیع با ذکر مبنای آن بیان نموده، و در میان علماء و دانشمندان قدیم و جدید حنفی بیشتر مروج و قابل اعتماد بوده که به آن توجه و اهتمام زیادی ورزیده اند. وقتی این کتاب از جایگاه و منزلتی خاصی والای برخوردار بوده، ترجیح دادم تحقیق خود را برای مدرک ماستری در ابوابی معین از این کتاب بزرگ زیر عنوان **(تحقیق، تخریج و توثیق مسائل کتاب الإختیار لتعلیل المختار بخش عبادات تنها چند باب معین باب الصلاة)** انجام دهم، آرزوی من نیز همین بود که به کتاب های علمای پیشین خدمت کنم، تا نام بنده ضعیف با نام آن بزرگان ذکر شده و در بهره مندی از آثار علمی آنان سهیم باشم، الحمد لله ذهنم خدمت به کتاب **(الإختیار لتعلیل المختار)** که یکی از کتاب های معتبر برای مذهب احناف است که توانسته در جمع علماء مقبولیت خاصی بیابد و به نحوی که مدارس، دارالعلوم ها، و حوزه های علمیه این کتاب تدریس می شود و کتابخانه شخصی هیچ محصل و طلبه ای خالی از این کتاب ارزشمند نمی باشد، واقع شد؛ مؤلف کتاب مذکور، علامه عبدالله بن محمود بن مودود الموصلی الحنفی⁽²⁾، در این

(2) الدمشقی: (599 - 683 هـ) (1203 - 1284م) عبد الله بن محمود بن مودود بن محمود الموصلي، الحنفي (أبو الفضل،

کتاب سعی بر این نموده که مسایل فقهی احناف را به صورت تحقیقی و تدقیقی اثبات نماید و در این امر موفق شده است.

با توجه به طولانی بودن کتاب (الاختیار لتعلیل المختار) خود را محدود در تحقیق، تخریج و توثیق مسائل کتاب مذکور بخش عبادات از باب صلاة إلى اخیر باب سجود السهو نمودم، معلومات مفصل مصنف در بحث تمهیدی را محترم عبدالنور یوسفی یکتن از فارغان سال 1400 در کتاب الطهارت نموده است و این جا گنجایش بحث آن نیست، از خداوند متعال توفیق، کمک و پذیرش خواهانم و این کار بر او تعالی دشوار نیست.

اهمیت موضوع:

هیچ مساله در ذات خود عاری از مفیدیت، مطلوبیت و اهمیت نیست؛ با این تفاوت که برخی از مسایل از جایگاه و اهمیت بیشتر برخوردارند؛ البته این بر میگردد به چیستی موضوع از این منظر عنوانی که در این جزوه تحقیقی دیده میشود؛ از جمله مسایلی است که به باور بنده نهایت با ارزش و با اهمیت است. تحقیق کتاب (الاختیار لتعلیل المختار) بخش: الصلاة یکی از جزوه های تحقیقی مهم با ارزش بوده که متعلق به احکام و مسایلی است که همه روزه با آن سروکار داریم، و از جمله احکامی است که خداوند (جل جلاله) به صورت قطعی و حتمی به انجام آن امر نموده است که با این تحقیق ما میتوانیم بر معنا و مفهوم کلمات و اصطلاحاتی که در کتاب (الاختیار لتعلیل المختار) به کار رفته است آشنایی کامل پیدا کنیم، مسایل را در مذهب حنفی و مذاهب دیگر به گونه درست فهمیده و احکام آنرا به صورت صحیح عملی نمائیم، بر مواضع آحادیث و آثار در مصادر اصلی آن که مؤلفان جهت اختصار از ذکر اسناد آن خود داری کرده اند آشنایی پیدا کنیم، همچنان باعث فهم درجات حدیث از حیث سند در قوت و ضعف میشود، با این تحقیق ما میتوانیم بر مبنا و مفهوم قواعد و ضوابط فقهی آشنایی پیدا کنیم این تحقیق باعث تقویت مسایلی که در مذهب حنفی به خصوص در کتاب الاختیار باب العبادات بخش صلاة ذکر گردیده نیز میشود، و در نهایت این تحقیق باعث غنای کتب فقهی نیز می گردد.

مجدالدین)، فقیه است در فقه حنفی، در ماه شوال المکرم سال: (599هـ)، در شهر موصل تولد شده است و در کوفه مسولیت قضاء را بدوش داشته و در نهم ماه محرم الحرام سال (683هـ)، در شهر بغداد وفات نموده است. از جمله تصنیفات وی: شرح الجامع الکبیر للشیبانی، المختار فی الفتوی، الاختیار لتعلیل المختار میباشد. معجم المؤلفین، عمر بن رضا بن محمد راغب بن عبد الغنی کحالة دمشق متوفی: (1408هـ)، مکتبه المثنی - بیروت، دار إحياء التراث العربی بیروت، (147/6).

اسباب اختیار موضوع:

- 1- چون کتاب (الاختیار لتعلیل المختار) به زبان ملی مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفته است؛ از این جهت بنده این کتاب و قسمت صلاة را به زبان فارسی مورد تحقیق و بررسی قرار دادم
- 2- منهجی را که برای تحقیق کتاب مذکور روی دست گرفته ام، جدید و قابل قبول علماء این عرصه میباشد.
- 3- نیاز جدی و ضرورت اساسی محصلان و طلاب علوم شرعی به مسائل کتاب الاختیار لتعلیل المختار.
- 4- کسب رضای خداوند (جل جلاله) با تحقیق کتاب مذکور.
- 5- پلان و پروژه را که بورد ماستری پوهنتون سلام آغاز نموده بخاطر ترجمه کتب فقهی همه مذاهب مخصوصاً کتب فقهی مشهور احناف

پیشینه تحقیق:

با جستجو و بررسی در گذشته این عنوان هویداء می گردد که در محیط زنده گی و جامعه ما کتاب (الاختیار لتعلیل المختار) مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفته است و کدام کتاب خاص و مستقل بالخصوص به زبان فارسی به رشته تحریر و تألیف در نیامده است، آنچه در این زمینه یافت میشود بعضی از تعلیقاتی است که از سوی علماء بالای کتاب (الاختیار لتعلیل المختار) به زبان عربی صورت گرفته است. که در نتیجه آن احادیث ذکر شده در این کتاب نیز تخریح گردیده است: از جمله (الاختیار لتعلیل المختار) از شیخ خالد عبدالرحمن العک، کتاب (الاختیار لتعلیل المختار) از شیخ الشعیب الأرنؤوط می باشد. ولی این کتاب ها به زبان عربی بوده و کسانی که به زبان عربی آشنایی ندارند نمیتوانند از این کتاب ها بصورت درست استفاده نمایند.

روش تحقیق:

در تحقیق و بررسی رساله حاضر از شیوه تحقیقی و کتابخانه استفاده و نکات ذیل را مراعات نموده ام:

- بعد از مطالعه شروح کتب و تعلیقاتی که بالای کتاب (الاختیار لتعلیل المختار) شده است؛ فهرست بحث خویش را تنظیم نموده و چهارجوب رساله خویش را مشخص نمودم.
- ابوابی را که در نظر داشتم تحقیق نمایم؛ مشخص نمودم.

- ابواب معین را ترجمه آزاد و مسائل آنرا توثیق نمودم.
- کلمات و مصطلحات موجود در کتاب را از کُتب لغت و کتب فقهی بیان نموده ام.
- در رساله حاضر به قدر توان خویش کوشش نموده ام تا از مصادر اصلی استفاده نمایم و در جایکه قادر به آن نبوده؛ از مصادر ثانوی استفاده نموده ام.
- کوشش فراوان نمودم تا امانت علمی را مراعات نمایم.
- مراجع و مصادر در پاورقی با ذکر شهرت مؤلف، جلد، صفحه و ابواب آن نوشته شده است.
- جهت ترجمه دقیق و معتبر آیات قرآن از تفسیر نور اثر خرم دل استفاده نموده ام.
- فهرست منظم از آیات، احادیث و اسماء اعلام مشهور در اخیر بحث حسب حروف الفباء ترتیب نموده؛ تا دسترسی به آیات، احادیث و مختصر شرح حال اعلام آسان تر شود.

اهداف تحقیق:

اهداف عمده این تحقیق در موارد ذیل خلاصه می گردد:

- 1- بررسی و تحقیق کتاب (الإختیار لتعلیل المختار) خدمتی است برای محصلان علوم شرعی.
- 2- فهم صحیح و درست کتاب مذکور خصوصاً بخش عبادات، ابواب معینه از صلاة.
- 3- ضمناً خدمتی ناچیزی به کتاب (الإختیار لتعلیل المختار) که از کتاب های مهمی در مذهب حنفی است، شده باشد.

مشکلات تحقیق (محدودیت های تحقیق)

- ✓ بارز ترین مشکلی که یک محصل و یک پژوهشگر در وطن عزیز مان افغانستان به آن مواجه می شود عدم دست رسی به مواد کافی است، از یک سو کتابخانه های کفایت کننده در این مرز و بوم کمیاب است. و از سوی دیگر سایت های که ضرورت پیدا میشود که در آن، کتاب های مورد نیاز میسر شود، اجازه دانلود را نمی دهند.
- ✓ چالشی بزرگی که من در تهیه و ترتیب رساله حاضر با آن مواجه شدم عدم وجود منابع به زبان فارسی بود، که ناگزیر از منابع عربی استفاده نمودم.

پلان تحقیق:

خطه و پلانی که طبق آن تحقیق خویش را پیش برده ام قرار ذیل می باشد؛ بحث حاضر شامل: خلاصه، مقدمه، سه فصل، نتیجه گیری، پیشنهادات، فهارس آیات، احادیث، اعلام و منابع می باشد؛ که خلاصه آن قرار ذیل است.

اهداء

سپاسگذاری

خلاصه

مقدمه: شامل موضوعات ذیل است:

أ- اهمیت موضوع

ب - اسباب اختیار موضوع

ج - روش تحقیق

ه - اهداف تحقیق

و- مشکلات تحقیق

ز- خطه تحقیق

فصل اول: اوقات نماز، اوقات مستحب نماز، احکام اذان، فرض های خارجی و داخلی نماز، نماز وتر واجب، قرائت، جماعت و مکروهات نماز.

مبحث اول: اوقات نماز

مبحث دوم: اوقات مستحب نماز

مبحث سوم: اوقات مکروهه نماز

مبحث چهارم: احکام اذان

مبحث پنجم: فرض های خارجی نماز

مبحث ششم: فرایض داخلی نماز

مبحث هفتم: بیان وتر واجب، قرائت، جماعت و مکروهات نماز

فصل دوم: احکام نماز نفل و تراویح

مبحث اول: احکام نماز نفل

مبحث دوم: احکام نماز تراویح

فصل سوم: نماز کسوف، خسوف، استسقاء و احکام سجده السهو

مبحث اول: نماز خسوف، کسوف و استسقاء

مبحث دوم: احکام سجد سهو.

خاتمه

الف - نتیجه گیری

ب - پیشنهادات

ج - فهرست آیات

د - فهرست احادیث

ه - فهرست اعلام

و - فهرست منابع

خلاصه البحث (عربی)

خلاصه بحث به انگلیسی

در پایان نواقصی که در تحریر این اثر وجود داشته باشد از خداوند توانا پوزش طلبیده و از اوتعالی میخواهم که سعی بنده را خالصانه بخاطر رضای خویش قبول فرموده و سبب نفع دیگران شود.

فصل اول

احکام نماز

این فصل دارای هفت مبحث میباشد.

مبحث اول: اوقات نماز

این مبحث دارای پنج مطلب میباشد

متن کتاب: (المختار للفتوی)

کتاب الصلاة وَفْتُ الْفَجْرِ إِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ الثَّانِي الْمُعْتَرِضُ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ، وَوَفْتُ الظُّهْرِ مِنْ زَوَالِ الشَّمْسِ إِلَى أَنْ يَبْلُغَ الظَّلُّ مِثْلِيهِ (سم ف) سِوَى فِيءِ الزَّوَالِ، وَإِذَا خَرَجَ وَفْتُ الظُّهْرِ عَلَى الْإِخْتِلَافِ دَخَلَ وَفْتُ الْعَصْرِ، وَآخِرُ وَفْتِهَا مَا لَمْ تَغْرُبِ الشَّمْسُ، وَإِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ دَخَلَ وَفْتُ الْمَغْرِبِ، وَآخِرُهُ مَا لَمْ يَغِبِ الشَّفَقُ، وَإِذَا خَرَجَ وَفْتُ الْمَغْرِبِ دَخَلَ وَفْتُ الْعِشَاءِ، وَآخِرُهُ مَا لَمْ يَطْلُعِ الْفَجْرُ، وَوَفْتُ الْوَيْلِ وَوَفْتُ الْعِشَاءِ⁽³⁾.

ترجمه متن کتاب (المختار للفتوی)

کتاب در مورد نماز است، وقت نماز صبح هنگامی است که فجر دوم طلوع کند و به کناره های آسمان روشنی پراکنده شود تا طلوع آفتاب، وقت نماز ظهر از زوال آفتاب شروع تا وقتی که سایه هر چیز به جز از سایه خودش دوچند سایه اصلی خودش گردد، هنگامیکه وقت نماز ظهر خارج شود بنا بر اختلاف دیدگاه وقت نماز عصر داخل میشود، و آخر وقت نماز عصر هنگامی است که آفتاب غروب نکرده باشد، وقتی که آفتاب پنهان شد وقت نماز شام داخل میگردد، و آخر وقت نماز شام همان است که شفق یعنی (همان سفیدی که بعد از سرخی باقی بماند) غایب نشده باشد، وقتی که خارج شود وقت نماز شام و وقت نماز خفتن داخل میشود و آخر وقت نماز خفتن همان است که فجر دوم طلوع نکرده باشد که عبارت از طلوع صبح صادق است، و وقت نماز وتر وقت نماز خفتن است.

ترجمه (الإختیار لتعلیل المختار)

(3) موصلی، الإختیار لتعلیل المختار، 1 / 37 الی 30.

کتاب الصلاة یعنی کتاب در مورد نماز است، صلاة به اعتبار معنی لغوی به معنی دعاء است. چنانچه خداوند (جل جلاله) میفرماید: {وَصَلِّ عَلَيْهِمْ} (4). ترجمه: «یعنی دعا کن برایشان». پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) میفرماید: «وَصَلَّاتٌ عَلَيْكُمْ الْمَلَائِكَةُ». ترجمه: «دعا کرد برای شما ملائکه»، صلاة در اصطلاح شریعت اسلامی: عبارت از ارکان مخصوص، اذکار معلوم با شرایط مشخص در اوقات تعیین شده است. و این نماز یک فرض محکم است که منکر آن کافر و ترک آن اصلاً جواز ندارد. ثبوت فرضیت نماز از قرآن، سنت و اجماع امت ثابت گردیده است.

قرآن کریم: چنانچه خداوند (جل جلاله) میفرماید: {إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا} (5). ترجمه: «یقیناً نماز است برای مومنان یک فرض تعیین شده». حدیث رسول الله (صلی الله علیه وسلم) میفرماید: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَحَجِّ الْأَيْبَتِ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ». ترجمه: «اسلام بر پنج رکن یا ستون بنا شده است، گواهی دادن بر اینکه نیست هیچ معبود بر حق به جز از یک الله واحد و حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) فرستاده الله است، ادای نماز، پرداخت زکات، حج خانه خدا و روزه گرفتن ماه مبارک رمضان است». اجماع امت هم به فرضیت نماز معتقد اند، و میگویند که سبب وجوب نماز وقت است به دلیل نسبت دادن نماز به وقت و این دلالت سببی است: کحد الزنا و کفارة الیمین. برای مکلف واجب است تعیین نمودن وقت به اداء نماز در یک قسمت وقت به طور مطلق، مگر وقتیکه نماز نخواند وقت کم ماند، در آنصورت تعیین کند همان وقت را برای وجوب، اگر تاخیر کرد از همان وقت گناه کار میشود؛ زیرا که الله (جل جلاله) امر نموده به نماز در مطلق وقت پس مقید کردن به یک قسمت آن درست نیست.

مطلب اول: اوقات نماز های فرض:

وقت نماز صبح هنگامی است که صبح صادق طلوع کند و روشنی پراکنده وتیت شود بسوی طلوع آفتاب. و فجر دو نوع است: فجر صادق و فجر کاذب است.

صبح کاذب: عبارت از آنست که: ابتداء طولانی گردیده و تاریکی را به دنبال دارد، که وقت نماز خفتن با آن پایان نمی یابد، و حرام نمی گردد خوردن برای روزه گیرنده.

صبح صادق: عبارت از سفیدی است که تیت و پراکنده شود در کناره های آسمان و سحر خیزی در آن وقت حرام است و داخل میشود وقت نماز صبح. پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «فریب اذان بلال و طلوع فجر را نخورید، بلکه فریب سحر خط شده را بخورید». وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ

(4) سوره توبه، آیه: 103.

(5) سوره النساء، آیه: 103.

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ لِلصَّلَاةِ أَوَّلًا وَآخِرًا وَإِنَّ أَوَّلَ وَفَتْ صَلَاةِ الْفَجْرِ حِينَ يَطْلُعَ الْفَجْرُ، وَآخِرُ وَقْتِهَا حِينَ تَطْلُعَ الشَّمْسُ». ترجمه: حضرت ابوهریره رضی الله تعالی عنه از پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) روایت کردند که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «یقیناً برای هر نماز اول و آخر وقت میباشد پس اول وقت نماز صبح طلوع صبح صادق است، آخر وقت نماز صبح هنگام است که آفتاب طلوع کند». مصنف رحمه الله گفت: وقت نماز پیشین از زوال آفتاب آغاز الی وقتیکه سایه هر چیز دو برابر خودش برسد غیر از سایه اصلی اش، در اول وقت نماز پیشین کدام اختلاف نیست اما در آخر وقت نماز پیشین اختلاف است، آنچه که در قسمت اول و آخر وقت نماز پیشین ذکر شده نظری امام ابوحنیفه رحمه الله است. اما از دیدگاه امام ابویوسف و امام محمد رحمهما الله این است که آخر وقت نماز پیشین همان است که سایه هر چیز یک برابر سایه اصلی اش گردد. و این روایت از حسن که از جمله علمای احناف نیز است. در المنتقی ذکر شده روایت اسد رحمه الله از ابوحنیفه رحمه الله هنگامیکه سایه هر چیز یک برابر بیشتر شود وقت نماز پیشین ختم میگردد اما وقت نماز دیگر داخل نمیشود تا زمانی که سایه هر چیز دو برابر از سایه اصلی خودش نگردد، پس در بین آن اوقات وقت مهمل و نامعلوم میباشد. دلیل برای امام ابویوسف و امام محمد رحمهما الله امامت حضرت جبریل علیه السلام است که حضرت عبدالله ابن عباس رضی الله تعالی عنهما از پیغمبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده است: أَنَّهُ قَالَ: «أَمَّنِي جِبْرِيلُ مَرَّتَيْنِ عِنْدَ النَّبِيِّ، فَصَلَّى بِي الظُّهْرَ فِي الْيَوْمِ الْأَوَّلِ حِينَ زَالَتْ الشَّمْسُ، وَالْعَصْرَ حِينَ صَارَ ظِلُّ كُلِّ شَيْءٍ مِثْلَهُ، وَصَلَّى بِي فِي الْيَوْمِ الثَّانِي الظُّهْرَ حِينَ صَارَ ظِلُّ كُلِّ شَيْءٍ مِثْلَهُ، وَالْعَصْرَ حِينَ صَارَ ظِلُّ كُلِّ شَيْءٍ مِثْلِيهِ، وَقَالَ: مَا بَيْنَ هَذَيْنِ الْوَقْتَيْنِ وَقْتُ لَكَ وَلَا مَتَكَ». ترجمه: حضرت عبدالله ابن عباس رضی الله تعالی عنهما از پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) روایت کرده، پیغمبر صلی الله علیه وسلم گفتند که: «امامت کرد حضرت جبریل علیه السلام برای من دو مرتبه در خانه من، نماز پیشین را أداء نمود در روز اول هنگامی زایل شدن آفتاب، و نماز دیگر را وقتیکه سایه هر چیز به مقدار مثل اش گردیده بود، و أداء نمود نماز پیشین را برای من در روز دوم وقتیکه گردیده بود سایه هر چیز به مقدار مثل اش، نماز دیگر را وقتی أداء نمود که گردیده بود سایه هر چیز دو برابر سایه خودش و گفت مابین این دو وقت، وقتی است برای تو و برای امت تو». دلیل امام ابوحنیفه رحمه الله قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) (أَبْرِدُوا بِالظُّهْرِ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحَرِّ مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ)(6). ترجمه: «نماز ظهر را به سردی برسانید که شدت گرما از گرمی آتش دوزخ است». و نیست سرد شدن پیش از اینکه سایه هر چیز مثل آن گردد؛ زیرا که شدت گرمی قبل از آن خصوصاً در حجاز بیشتر است. و همچنان آرخدیث امامت دلیل است برای آن؛ زیرا که امامت حضرت جبرئیل علیه السلام دلیل است بر اینکه وقت نماز ظهر هنگامی است که سایه هر چیز یک برابر سایه خودش گردد، نه وقت نماز دیگر که

(6) بخاری، صحیح البخاری، باب الإبراد بالظهر فی شدة الحر، شماره حدیث: (538)، (113/1).

محل اختلاف است. وقتیکه تعارض در خارج شدن وقت واقع شود پس با شک وقت خارج نمی گردد. وقتیکه خارج شود وقت نماز پیشین بنا بر اختلاف که است، وقت نماز دیگر داخل میگردد و آخر وقت نماز دیگر هنگامی است که آفتاب غروب نکرده باشد. لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: «مَنْ فَاتَتْهُ الْعَصْرُ حَتَّى غَابَتِ الشَّمْسُ فَكَأَنَّهَا وَتَرَ أَهْلَهُ وَمَالَهُ». ترجمه: پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرموده است که: «کسی را که فوت شود نماز دیگرش حتی اینکه آفتاب غایب شد، پس گویا اینکه ترک کرده اهل و مال اش را». پس گردانیدن فوت نماز به وقت غروب دلالت بر این میکند که آخر وقت نماز دیگر است. وقتیکه غایب شود آفتاب داخل میشود وقت نماز شام: لِرَوَايَةِ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: «أَوَّلُ وَقْتِ الْمَغْرِبِ حِينَ تَسْقُطُ الشَّمْسُ». از جهت روایت حضرت ابی هریره رضی الله تعالی عنه: گفت: «اول وقت نماز شام هنگام ناپدید شدن آفتاب است». کدام اختلاف در این نیست. و آخر وقت نماز شام هنگام است که شفق غایب نشده باشد، لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (وَقْتُ الْمَغْرِبِ مَا لَمْ يَغِبِ الشَّفَقُ). ترجمه: پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «وقت نماز شام هنگامی است که شفق غایب نشده باشد».

شفق: عبارت از سفیدی است که بعد از سرخی باقی میماند. وصاحبین میگویند که شفق در حقیقت همان سرخی است و این روایت اسد⁽⁷⁾ رحمه الله است، از امام ابوحنیفه رحمه الله همچنین از خلیل ابن احمد العروسی⁽⁸⁾ از جمله علمای اهل لغت رحمه الله نقل کرده است، از عبدالله ابن عمر رضی الله تعالی عنهما هم چنین نقل است، وَلِأَبِي حَنِيفَةَ قَوْلُهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (وَآخِرُ وَقْتِ الْمَغْرِبِ إِذَا اسْوَدَّ الْأُفُقُ). ترجمه: یک قول از امام ابوحنیفه رحمه الله این است پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «آخر وقت نماز شام وقت است که افق سیاه شود». و از ثعلبه چنین نقل شده که شفق عبارت از همان سفیدی است و این مذهب ابی بکر، عایشه و معاذ رضوان الله تعالی علیهم اجمعین نیز است. هنگامیکه وقت نماز شام خارج شد وقت نماز خفتن داخل میشود، بدون اختلاف. و آخر وقت نماز خفتن هنگام است که صبح صادق طلوع نکرده باشد: لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ (وَآخِرُ وَقْتِ الْعِشَاءِ مَا لَمْ يَطْلُعِ الْفَجْرُ). ترجمه: قول پیغمبر صلی الله علیه وسلم است فرمودند: «آخر وقت نماز

(7) اسد بن عمرو بن عامر بن عبدالله بن عمرو بن عامر بن اسلم، ابوالمنذر و بعضی دیگر گفته اند که ابوعمر و قشیری و الجلی و الکوفی. صاحب امام و یکی از امامان برجسته وقت بوده. امام ابوحنیفه رحمه الله و مطرف بن طریف و حجاج بن ارطاة و دیگران از او احادیث را شنیدند، محمد بن سعد گفت: اسد بن عمرو بجلی، ملقب به ابوالمنذر بود و احادیث زیاد نزدش بود و احادیث از جمله احادیث ثقه نیز بود، او با ابوحنیفه رحمه الله همراه بود و فقه را آموخت و از اهل کوفه بود و به بغداد آمد و بعد از عوفی بحیث قاضی شهر الشریقه منصوب شد. درباره وفات او اختلاف است، بعضی گفته اند: در سال: (188هـ) وفات نموده و بعضی دیگر گفته اند که در سال: (190هـ) وفات نموده است. الطبقات السنیه فی تراجم الحنفیه، تقی الدین بن عبد القادر التمیمی الداری الغزی (المتوفی: 1010هـ)، (169/1).

(8) خلیل بن احمد نحوی، العروسی، اللغوی، البصری بود که در آغاز سال های صد هجری قمری تولد شده و در سال: (175هـ)، وفات نموده است و استاذ امام سیبویه رحمه الله بود. البلغة إلى أصول اللغة، أبو الطیب محمد صدیق خان بن حسن بن علی ابن لطف الله الحسینی البخاری القنوجی (المتوفی: 1307هـ)، الناشر: رسالة جامعیة - جامعة تکریت، (208/1).

خفتن هنگام است که صبح صادق طلوع نکرده باشد». مگر اینکه نماز خفتن باید قبل از وتر خوانده شود. صاحبین به این نظر هستند که: اول وقت نماز وتر بعد از نماز خفتن است، آخر وقت نماز وتر تا وقتی است که صبح صادق طلوع نکرده باشد. این اختلاف در میان شان اختلاف در صفت شان است. پس نزد امام ابوحنیفه رحمه الله واجب است، هنگامیکه دو نماز واجب در یک وقت واحد جمع شود پس وقت ادای آن در همان وقت است، اگر چی امر شود به تقدیم یک از آن واجب ها مانند: ادای نماز وقتی نسبت نمازی فوتی. در نزد صاحبین رحمهما الله سنت است پس داخل میشود وقت نماز وتر به مجرد فارغ شدن از نماز فرضی مانند تمام سنت های دیگر. دلیل بر آن قَوْلُهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى زَادَكُمْ صَلَاةً فَصَلُّوْهَا مَا بَيْنَ الْعِشَاءِ الْأَخْرَةَ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ، إِلَّا وَهِيَ الْوُتْرُ» (9). ترجمه: پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «یقیناً الله متعالی برای شما نماز را زیاد کرده پس اداء نمایند آن نماز را که در میان نماز خفتن آخرت الی طلوع صبح صادق اداء میشود او نیست مگر نماز وتر است».

مطلب دوم: شرح کلمات و اصطلاحات فقهی

فرع اول: الصلاة: صلاة به اعتبار معنی لغوی به معنی دعاء (10) است. چنانچه خداوند (جل جلاله) میفرماید: {وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنْ صَلَاتِكَ سَكَنَ لَهُمْ} (11) أَي ادْع لَهُمْ. ترجمه: «و برای آنان دعا و طلب آمرزش کن که قطعاً دعاء و طلب آمرزش تو مایه آرامش (دل و جان) ایشان می شود (وسبب اطمینان و اعتقاد بیشتر شان میگردد)». صلاة از لحاظ لغوی به معنی های دیگر نیز آمده است. ابن العربی (12) رحمه الله گفته است: صلاة از طرف الله متعالی به معنی رحمت است، قول تعالی: {هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ} (13)، أَي يَرْحَمُ. ترجمه: «او کسی است که به شما عنایت و مرحمت می کند» یعنی رحم میکند. صلاة از طرف فرشتگان استغفار و دعا است. قول علیه الصلاة والسلام: (صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ عَشْرًا) (14)، أَي اسْتَعْفَرَتْ. ترجمه: «استغفار طلب کرد برایشان فرشتگان ده مرتبه» یعنی طلب بخشش خواست. وگاهی صلاة از طرف غیر فرشتگان هم به معنی استغفار آمده است:

(9) فوري، كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، فصل اول، احكام الصلاة الخارجة، شماره حديث: (19547)، (408/7).
 (10) ابن سیده، ابوالحسن علی بن اسماعیل النحوی، المخصص، طبع اول، سال: (1417هـ)، مطابق: (1993)، الناشر: دار احیاء التراث العربی، (55/4).

(11) سورة توبه، آیه: 103.
 (12) محمد بن عبد الله بن محمد بن عبد الله بن أحمد المعافري الاندلسي الإشبيلي، أبو بكر. در سال: (468هـ – 1076م)، در اشبیلیه تولد شده و در نزدیکی مراکش در سال: (543هـ – 1148م)، وفات نموده است، قاضی، حافظ للحديث، فقیه مالکی، مجتهد، مفسر نیز بوده است. موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، محمد بن علي ابن القاضي محمد حامد بن محمد صابر الفاروقي الحنفي التهانوي (المتوفى: بعد 1158هـ)، الناشر: مكتبة لبنان ناشرون – بيروت، الطبعة: الأولى - 1996م، (76/1).
 (13) سورة الاحزاب، آیه: 43.
 (14) (التركي ثم المرزوي، الزهد والرفائق لابن المبارك (بلييه) «مَا رَوَاهُ نُعَيْمُ بْنُ حَمَادٍ فِي نُسَخَتِهِ زَائِدًا عَلَى مَا رَوَاهُ الْمُرُوزِيُّ عَنِ ابْنِ الْمُبَارَكِ فِي كِتَابِ الزُّهْدِ»، باب التفكير في إتباع الجنائز، شماره حديث: (250)، (84/1).

حديثُ سَوْدَةَ: (إِذَا مُتْنَا صَلَّى لَنَا عُثْمَانُ بْنُ مَظْعُونٍ)، أَيِ اسْتَغْفَرَ، ترجمه: «اگر بمیریم، عثمان بن مظعون برای ما دعا می کند، یعنی استغفار می کند».

صلاة به معنی تعریف و توصیف خوبی از جانب الله جل جلاله بر رسولش (صلی الله علیه وسلم) نیز آمده است: قول تعالی: {أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ} (15). ترجمه: «آنان (همان برد باران با ایمانی هستند که) الطاف و رحمت و احسان و مغفرت خدای شان شامل حال آنان گردید» (16).

الصلاة در اصطلاح شرع: عبارت از ارکان مخصوص، اذکار معلوم و با شرایط خاص در اوقات تعیین شده است (17).

فرع دوم: زوال: خورشید از مرکز آسمان دور شده باشد (18).

فرع سوم: صبح کاذب و صادق: صبح صادق عبارت از آنست که از طرف مشرق طلوع کند مانند دم رو یا به طور مستقیم به طرف وسط آسمان بلند شود، بعد از آن زود از بین برود. این را فجر کاذب بخاطر گفته میشود که روشنی ظاهر میگردد و بعد از بین می رود به تعقیب آن تاریکی میآید در این وقت خوردن، نوشیدن برای روزه گیرنده حرام نگردیده و وقت نماز خفتن نیز خارج نمی شود. و وقت نماز صبح داخل نمی شود.

اما فجر دوم که فجر صادق است عبارت از آنست که در کناره آسمان طلوع صورت میگیرد و بعد به کناره های آسمان روشنی پراکنده شده و روشنی آن از بین نمی رود و از هر طرف به طرف وسط آسمان بلند میشود تا وقت طلوع آفتاب همه آسمان را روشنی فرا میگیرد، و این فجر را بنام فجر صادق بخاطر میگویند که وقتی روشنی ظاهر گردید در کناره های آسمان انتشار پیدا کرد دو باره از بین نرفته و تاریکی را به دنبال ندارد به همین خاطر فجر صادق گفته میشود. خوردن، نوشیدن برای روزه دار حرام بوده، و وقت نماز خفتن خارج گردیده و وقت نماز صبح داخل میشود (19).

فرع چهارم: إسفار: نماز خواندن در سفیدی صبح، افتیدن برگ درخت بر زمین، شدت گرفتن جنگ، قوی شدن شتر در هنگام سفر را إسفار گفته میشود (20).

(15) سورة البقرة، آية: 157.

(16) الزبيدي، محمد بن محمد بن عبدالرزاق، تاج العروس، دارالهداية، (438/38).

(17) الجرجاني، علي بن علي الزين الشريف، التعريفات، طبع اول، سال: 1403هـ، مطابق 1983م، الناشر: دارالكتب العلمية، بيروت، لبنان، (134/1).

(18) محمد النجار، ابراهيم مصطفى، احمد الزيات حامد عبدالقادر، المعجم الوسيط، ج: اول، ص: 407، الناشر: دارالدعوة.

(19) السمرقندي، محمد بن احمد بن ابي احمد، ابوبكر علاء الدين، متوفى: (540هـ)، تحفة الفقهاء، باب مواقيت الصلاة، طبع

دوم: (1414هـ)، (1994م)، دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، (99-100/1).

(20) محمد نجار، حامد عبدالقادر، احمد الزيات، ابراهيم مصطفى، المعجم الوسيط، تحقيق اللغة العربية، دارالنشر: دار الدعوة، (433/1).

فرع پنجم: شفق: رنگ سرخ است که، هنگام غروب خورشید در افق نمایان می شود و تقریباً تا قبل از شام ادامه می یابد. «لباس رنگینی بر خود دارد که گویی گرگ و میش باشد قول تعالی: ﴿فَلَا أُفْسِمُ بِالشَّفَقِ﴾⁽²¹⁾، ترجمه: «قسم به شفق»⁽²²⁾.

فرع ششم: أفق: (أفق) ناحیه و خط دایره ای است که بیننده آسمان چنان می بیند که گویی با زمین ملاقات می کند و در خشکی بر روی آب دایره ای کامل تشکیل می دهد و وسعت رؤیت در آن گفته می شود. علم و نظر: گفته میشود که فلانی افق گشاده دارد و فلانی افق تنگ دارد، قول تعالی: ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَبَيِّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾⁽²³⁾. ترجمه: «ما به آنان (که منکر اسلام و قرآنند) هر چه زود تر دلائل و نشانه های خود را در اقطار و نواحی (آسمان ها و زمین، که جهان کبیر است) و در داخل و درون خودشان (که جهان صغیر است) به آنان (که منکر اسلام و قرآنند) نشان خواهیم داد تا برای ایشان روشن و آشکار گردد که اسلام و قرآن حق است»⁽²⁴⁾.

فرع هفتم: قرآن: قرآن مفرد: از قرأ گرفته شده به معنی تلاوت است: قول تعالی: ﴿فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ﴾⁽²⁵⁾. ترجمه: «پس هرگاه ما قرآن را (توسط جبرئیل بر تو) خواندیم تو خواندن آن را (آرام و آهسته) پیگیری و پیروی کن. (وظیفه تو پیروی از تلاوت پیک وحی، و ابلاغ آسمانی است و بس). از جمله قول حسان بن ثابت⁽²⁶⁾ رضی الله تعالی عنه رابطه به مرثیه حضرت عثمان رضی الله تعالی عنه است که فرموده:

ضحوا بأشمت عنوان السجود به ... يقطع الليل تسبيحاً وقرآناً

ترجمه: شریف ترین چیزها را قربانی سجده کردند... شب را با تسبیح و تلاوت قرآن ختم میکردند. منظور از قرآناً تلاوت است. قرآن بر وزن فُعْلان، عُفْران و شُكْران و مهموز است از نظر جمهور از قراء، و ابن کثیر صاحب قرآن را به تخفیف قرائت نموده است مانند قران اصل قرآن از کلمه (القرء) به معنی ضم و جمع است، طوری که گفته شده است: (قرأت الماء في الحوض)، آب را داخل

(21) سورة الانشقاق، آیه: 16.

(22) عبدالحمید عمر، د أحمد مختار، معجم اللغة العربية المعاصرة، متوفی: 1424، طبع اول، سال: (1429هـ، 2008م)، الناشر: عالم الكتب، (12116/2).

(23) سورة الفصّلت، آیه: 53.

(24) محمد النجار، ابراهیم مصطفی، احمد الزیات حامد عبدالقادر، المعجم الوسيط، الناشر: دار الدعوة، (21/1).

(25) سورة القيامة، آیه: 18.

(26) ابو الولید، حسان بن ثابت، انصاری، شاعر رسول الله صلی الله علیه وسلم، از جمله مشهور ترین شاعر های اسلام و قبل از اسلام بوده و از قبیله بنی نجار اهل مدینه بود، و بعد از رسول الله صلی الله علیه وسلم زندگی کرده و از جمله دوست داران خلافت بود، و عمر او تقریباً به (120) میرسید. سر صناعة الإعراب، أبو الفتح عثمان بن جني الموصلي (المتوفى: 392هـ)، طبع اول: (1421هـ - 2000م)، دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، (94/1).

حوض جمع کردم، در اینجا قرائت به معنی جمع کردن است. قرآن را هم بخاطر قرآن گفته میشود که آیات و سوره ها را یکی با دیگری جمع نموده است.

قرآن در اصطلاح: عبارت از کلام خداوند متعال است که برای بیان و معجزه برحضرت محمد صلی الله علیه و سلم نازل شده است که در صحیفه ها جمع شده و عبادت کننده ها با تلاوت آن عبادت و به طور مکرر از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است(27).

فرع هشتم: سنت: در لغت طریقه و سیرت را گفته میشود، برابر است که سیرت و طریقه خوب باشد و یا سیرت و طریقه بد باشد. استعمال سنت در قرآن کریم و سنت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) زیاد استعمال گردیده است، مانند قول تعالی: {سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا} (28). ترجمه: «این سنت الهی، در مورد پیشینیان (و گذشتگانی هم که با انبیاء خود چنین رفتار ناهنجاری داشته اند) جاری بوده است، و در سنت خدا دگرگونی نخواهی دید.

سنت در اصطلاح فقهاء: چیزی است که از طرف پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) بدون وجوب ثابت گردیده است، و این سنت از جمله احکام تکلیفی پنجگانه است، مانند: واجب، حرام، سنت، مکروه و مباح میباشد(29). سنت از نظر محدثین و اصولین هم تعریف شده است که اینجا گنجایش ذکر آن نیست.

فرع نهم: اجماع: در لغت، قصد کردن، اتفاق نمودن و تصمیم گرفتن بالای یک چیز را گفته میشود، قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) است: (لا صیام لمن لم یجمع الصیام من اللیل)(30). ترجمه: «کسی که شب تصمیم به انجام روزه نگیرد و نیت آن را نکند، روزه اش صحیح نیست». قول تعالی: {فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ} (31). ترجمه: «پس همراه با معبود های تان قاطعانه تصمیم خود را بگیرید (وهرچه از دست تان برمی آید در باره من انجام دهید و هیچ کوتاهی مکنید، این کار را از روی مشورت کامل و تصمیم قاطع انجام دهید).

اجماع در اصطلاح: اجماع بعد از وفات رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در فروع دین است و دلیل است و شرعاً موجب عمل کردن است از جهت کرامت به این امت(32).

(27) السندي، د. أبو طاهر عبد القیوم عبد الغفور، جمع القرآن الکریم فی عهد الخلفاء الراشدین، (7/1-8)، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف بالمدينة المنورة.

(28) سوره، الاحزاب، آیه: 62.

(29) القطان، مناع بن خلیل متوفی: (1420هـ)، تاریخ التشريع الإسلامي، باب السنة، طبع پنجم: (1422هـ-2001م)، مکتبه وهیه، (71-72/1).

(30) ابن خزیمه، أبو بکر محمد بن إسحاق بن خزیمه بن المغیره بن صالح بن بکر السلمی متوفی: (311هـ)، صحیح ابن خزیمه، المحقق: د. محمد مصطفی الأعظمی، الناشر: المکتب الإسلامي - بیروت، (307/3).

(31) سوره یونس، آیه: 71.

(32) الشاشی، نظام الدین أبو علی أحمد بن محمد بن إسحاق متوفی: (344هـ)، أصول الشاشی، دار الكتاب العربي - بیروت، (288-287/1).

مطلب سوم: توثیق و بیان مسائل

اوقات نماز از دیدگاه فقهاء(33):

فرع اول: وقت نماز فجر(صبح): وقت نماز صبح از طلوع صبح صادق آغاز والی قبل از طلوع آفتاب ختم میگردد. با طلوع صبح صادق نماز صبح داخل شده و وقت نماز خفتن خارج می شود، سحری خوردن در آن وقت درست نیست. اما با طلوع صبح کاذب وقت نماز فجر داخل نشده، و وقت نماز خفتن خارج نمی شود و سحری خوردن در این هنگام نیز درست است، پس نظر به حدیث حضرت ابو هریره رضی الله تعالی عنه که از پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) روایت کردند و پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «یقیناً برای هر نماز اول وقت و آخر وقت میباشد پس اول وقت نماز صبح طلوع صبح صادق است، آخر وقت نماز صبح هنگام است که آفتاب طلوع نکرده باشد»(34).

فرع دوم: وقت نماز ظهر (پیشین): اول وقت نماز پیشین هنگام میلان آفتاب از طرف چپ به طرف راست بسوی قبله است. در اول وقت نماز پیشین اختلاف میان فقهاء نیست. اما در آخر وقت نماز پیشین اختلاف است. مگر از برخی نقل شده، در صورتی که سایه به اندازه یک تله شود، اول وقت نماز پیشین داخل میشود. امام نووی رحمه الله از ابوالطیب گفته که: خلاف آن چیزی است که فقهاء بر آن اتفاق نظر دارند. (لإمامة جبریل علیه السلام في اليوم الأول حين زالت الشمس). ترجمه: (از جهت امامت حضرت جبرئیل علیه السلام در روز اول هنگامیکه آفتاب میلان کرده بود). آخر وقت نماز پیشین نزد امام ابوحنیفه رحمه الله هنگامی است که سایه هر چیز دو برابر سایه اصلی اش گردد. آخر وقت نماز پیشین نزد صاحبین رحمهما الله هنگامی است که سایه هر چیز یک برابر سایه اصلی اش گردد(35).

فرع سوم: وقت نماز عصر(دیگر):

اول وقت نماز عصر هنگامی است که وقت نماز پیشین بنا بر هر دو قول خارج شود، قول امام ابوحنیفه رحمه الله و قول صاحبین رحمهما الله. از نظر امام ابوحنیفه رحمه الله اول وقت نماز عصر وقتی است که سایه هر چیز غیر از سایه زوال یک برابر گردد، وقت نماز عصر داخل میشود. نزد صاحبین رحمهما الله، اول وقت نماز عصر هنگامی است که سایه هر چیز یک برابر گردد و وقت

(33) غیتابی، البناية شرح الهداية، باب مواقيت الصلاة، طبعة الأولى، (1420هـ-2000م، دارالكتاب العلمية - بيروت - لبنان، (31-8/2).

(34) دارقطنی، سنن الدارقطنی، باب إمامة جبرائیل، شماره حدیث: (1030)، (492/1).

(35) غیتابی، البناية شرح الهداية، باب مواقيت الصلاة، طبعة الأولى، (1420هـ-2000م، دارالكتاب العلمية - بيروت - لبنان، (16-15/2).

نماز عصر داخل میشود. قول امام ابوحنیفه رحمه الله را از روی احتیاط در برابر روایت اسد از او مقید کرده است. روایت مشهور طوریکه وقت نماز پیشین خارج میشود و وقت نماز عصر داخل نمی شود. پس نظر به روایت فوق، اول وقت نماز عصر داخل نمی شود و قتیکه آخر نماز پیشین خارج شود. آخر وقت نماز عصر هنگامی است که آفتاب غروب نکرده باشد، یعنی آخر وقت نماز عصر غروب آفتاب است، این قول اکثری اهل علم است. امام شافعی رحمه الله در صحیح که نص وارد شده است نیز به نظر فوق است. نظر حسن بن زیاد رحمه الله این است که آفتاب به رنگ زرد تغییر کند، قاضی خان از او حکایت کرده است. سرخسی رحمه الله به این نظر است که: اعتبار به غروب آفتاب استواء است، این نظر امام ابوحنیفه رحمه الله هم است و نظر شعبی رحمه الله هم همین است. امام نخعی رحمه الله به این نظر است که وقت نماز عصر هنگامی است که روشنی آفتاب تغییر کند. إصطخری رحمه الله به این نظر است که: هنگامی که سایه هر چیز دو برابر سایه اصلی اش گردد، وقت نماز عصر خارج میشود در صورت تأخیرکردن بعد از آن گناه کار شده و نماز قضاء میشود. لقله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) «من أدرك ركعة من العصر قبل أن تغرب الشمس فقد أدركها» (36).

ترجمه: (کسی دریافت کند یک رکعت از نماز عصر را قبل از آنکه آفتاب غروب کند، در حقیقت نماز عصر را دریافت کرده است)، این حدیث در کتب الستة، امام بخاری رحمه الله از عبدالله بن مسلم از مالک، زید بن أسلم، عطاء بن یسار و بشر بن سعید و عبدالرحمن بن الأعرج از ابی هريرة رضوان الله تعالى عليهم اجمعين از پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) روایت کرده شده است. و امام مسلم از یحیی رضی الله تعالى عنه گفت: قرائت کردم برای مالک رحمه الله الی آخر. به همین قسم اقوال دیگر نیز در زمینه موجود است (37).

فرع چهارم: وقت نماز مغرب (شام):

اول وقت نماز شام هنگامی است که آفتاب غروب کرده باشد. و آخر وقت نماز شام هنگامی است که شفق غایب نشده باشد (38).

فرع پنجم: وقت نماز عشاء (خفتن):

اول وقت نماز خفتن هنگامی است که شفق یعنی: (رنگ سرخ است که، هنگام غروب خورشید در افق نمایان می شود و تقریباً تا قبل از شام ادامه می یابد) غایب شود. و اول وقت آخرت نیز هنگام

(36) هیثمی، موارد الظمان إلی زوائد ابن حبان، 11 باب فیمین أدرك ركعة من الصلاة، شماره حدیث: (283)، (93/1).
 (37) غیتابی، البناية شرح الهداية، باب مواقيت الصلاة، طبعة الأولى، (1420-2000م)، دارالكتاب العلمية - بيروت - لبنان، (21-20/2).

غایب شدن شفق است. و این إجماع است بر اختلاف که روی شفق است. آخر وقت نماز خفتن هنگامی است که صبح صادق طلوع نکرده باشد، و این إجماع است، به استثنای أترازی کسی دیگر مخالفت نکرده است. أترازی رحمه الله به این نظر است که: با سپری شدن سوم و یا نصف شب وقت نماز خفتن خارج میشود و نماز بعد از آن قضاء میگردد. اول وقت نماز وتر بعد از نماز خفتن است، و آخر وقت نماز وتر تا وقتی است که صبح صادق طلوع نکرده باشد(39).

مطلب چهارم: تخریج آحادیث و آثار

فرع اول: تخریج حدیث: «وَصَلَّتْ عَلَيْكُمُ الْمَلَائِكَةُ»:

درجه حدیث: أبو داود رحمه الله صحیح گفته است.

أبو داود، سنن أبو داود، باب ما جاء في الدعاء لرب، شماره حدیث: (3854)، (395/2).
النسائي، الكتاب: سنن النسائي الكبرى، باب ما يقول إذا افطر عند أهل بيت، شماره حدیث: (10129)، (81/6).

درجه حدیث: ابن ماجه رحمه الله صحیح گفته است.

ابن ماجه، سنن ابن ماجه، باب في ثواب من افطر صائما، شماره حدیث: (1747)، (555/1).

فرع دوم: تخریج حدیث: (بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَحَجِّ الْبَيْتِ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ)

بخاری، صحیح البخاری، باب دعاؤکم ایمانکم، حدیث شماره: (8)، (11/1).

مسلم، صحیح مسلم، باب بیان أركان الإسلام و دعائمه العظام، شماره حدیث: (20)، (45/1).

فرع سوم: تخریج حدیث: أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: (إِنَّ لِلصَّلَاةِ أَوْلًا وَآخِرًا وَإِنَّ أَوْلَ وَقْتِ صَلَاةِ الْفَجْرِ حِينَ يَطْلُعُ الْفَجْرُ، وَآخِرُ وَقْتِهَا حِينَ تَطْلُعُ الشَّمْسُ):

ترمذی: سنن الترمذی، باب منه، شماره حدیث: (151)، (283/1).

درجه حدیث: البانی رحمه الله صحیح گفته است.

دارقطنی، سنن الدارقطنی، باب إمامة جبرائيل، شماره حدیث: (1030)، (492/1).

فرع چهارم: تخریج حدیث: (أَمَّنِي جِبْرِيلُ مَرَّتَيْنِ عِنْدَ الْبَيْتِ...):

درجه حدیث: البانی رحمه الله حسن و صحیح گفته است.

(38) غیتابی، البناية شرح الهداية، باب مواقيت الصلاة، طبعة الأولى، (1420-2000م)، دارالكتاب العلمية - بيروت - لبنان، (25-24/2).

(39) غیتابی، البناية شرح الهداية، باب مواقيت الصلاة، طبعة الأولى، (1420-2000م)، دارالكتاب العلمية - بيروت - لبنان، (32-29/2).

أبو داود، سنن أبو داود، باب في المواقيت، شماره حديث: (393)، (150/1).

فرع پنجم: تخريج حديث: (مَنْ قَاتَنَهُ الْعَصْرُ حَتَّى غَابَتِ الشَّمْسُ فَكَانَ مَا وَتَرَ أَهْلَهُ وَمَالَهُ):

بخاري، صحيح البخاري، باب من ترك العصر، شماره حديث: (552)، (263/1).

مسلم، صحيح المسلم، باب تغليظ في تفويت الصلاة العصر، شماره حديث: (201)، (435/1).

فرع ششم: تخريج حديث: (أَوَّلُ وَقْتِ الْمَغْرِبِ حِينَ تَسْفُطُ الشَّمْسُ):

بخاري، صحيح البخاري، باب الوقت المغرب، شماره حديث: (559)، (116/1).

مسلم، صحيح مسلم، باب بيان أن اول وقت المغرب عند غروب، شماره حديث: (38)، (440/1).

فرع هفتم: تخريج حديث: (وَأَخِرُ وَقْتِ الْمَغْرِبِ إِذَا اسْوَدَّ الْأَفُقُ):

با جستجوی زیاد حديث فوق از كتب حديث دريافت نشد، اما از كتاب تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق وحاشية الشلبي، باب مواقيت الصلاة، مؤلف: عثمان بن لي بن محجن البارعي، فخر الدين الزيلعي الحنفي متوفى (743) هـ، حاشية: شهاب الدين أحمد بن محمد بن أحمد بن يونس بن إسماعيل بن يونس الشلبي (المتوفى: 1021)، الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية - بولاق، القاهرة، طبعة: الأولى، (1313) هـ، (81/1). ذكر شده است.

فرع هشتم: تخريج حديث: (وَأَخِرُ وَقْتِ الْعِشَاءِ مَا لَمْ يَطْلُعِ الْفَجْرُ):

با جستجوی زیاد حديث فوق در كتب حديث دريافت نشد، اما بر كتاب حديث (نصب الراية)، الهداية شرح بداية المبتدى لشيخ الاسلام برهان الدين المرغيناني مع نصب الراية تخريج أحاديث الهداية للعلامة جمال الدين الزيلعي اعتنى بهما ايمن صالح شعبان، باب نصب الراية، (455/1). ذكر شده است.

فرع نهم: تخريج حديث: (إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى زَادَكُمْ صَلَاةً فَصَلُّوْهَا مَا بَيْنَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ، أَلَا وَهِيَ الْوَتْرُ):

با جستجوی زیاد حديث فوق از كتب حديث دريافت نشد، اما در كتاب، تحفة الفقهاء مؤلف، محمد بن أحمد بن أبي أحمد، أبو بكر علاء الدين السمرقندي متوفى (540 هـ)، كتاب الصلاة، (201/1). ذكر شده است.

فرع دهم: تخريج حديث: (إِذَا مُتْنَا صَلَّى لَنَا عُثْمَانُ بْنُ مَطْعُونِ):

با جستجوی زیاد حديث فوق از كتب سته أحاديث دريافت نشد، اما از كتاب حديث التركي ثم المرزوي، باب التفكير في إتباع الجنائز، مؤلف، الزهد والرفائق لابن المبارك، يليه «مَا رَوَاهُ نَعِيمُ بْنُ حَمَادٍ فِي نُسَخَتِهِ زَائِدًا عَلَى مَا رَوَاهُ الْمَرْوَزِيُّ عَنِ ابْنِ الْمُبَارَكِ فِي كِتَابِ الزُّهْدِ»، شماره حديث: (250)، (84/1)، ذكر شده است.

مطلب پنجم: قواعد و ضوابط فقهی:

القاعدة: (201)، (الأصل في العبادات الحظر، وفي العادات الإباحة).

ترجمه: (اصل در عبادات منع است، و اصل در عادات إباحة و جواز است).

توضیح: انسان مکلف به انجام عبادات بعد از مشروع شدن از طرف الله (جل جلاله) است، از همین جهت انجام عبادتی که از طرف الله متعالی و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) مشروع نشده باشد جایز نیست. از همین جهت عبادات یک امر توقیفی است و انسان مکلف است که توقف کند تا زمانی که دلیل روشن و کیفیت انجام آن از طرف شارع مشروع نشود. بر آن قیاس کرده نمی شود. اصل در این قاعده قول رسول الله (صلی الله علیه وسلم) است که فرمودند: (صلوا كما رأيتُموني أصلي) (40). ترجمه: (نماز بخوانید طوری که من نماز میخوانم). از همین جهت صحابه کرام تا زمانی که از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در امر عبادت سوال نمی کردند انجام نمی دادند بلکه توقف میکردند. إباحة مطلقاً به معنی اجازه است. در شریعت عبارت از اختیار داشتن مکلف میان انجام فعل و ترک فعل.

عادت: ادامه دادن به چیزی است که برای طبیعت خوب قابل قبول باشد.

تطبیقات: نماز های پنجگانه تعداد رکعات، اوقات آن و کیفیت ادای آن، زکات، انواع آن، نصاب و مقدار و وقت آن، روزه، زمان و کیفیت ادای آن، حج، قربانی و کفارات و غیره... مشخص و معین است (41).

مبحث دوم: اوقات مستحب نماز:

که دارای دو مطلب میباشد:

متن کتاب (المختار للفتوی)

وَيُسْتَحَبُّ الْإِسْفَارُ بِالْفَجْرِ وَالْإِبْرَادُ (ف) بِالظُّهْرِ فِي الصَّيْفِ، وَتَقْدِيمُهَا فِي الشِّتَاءِ، وَتَأْخِيرُ الْعَصْرِ مَا لَمْ تَنْعَجِرِ الشَّمْسُ، وَتَعْجِيلُ الْمَغْرِبِ، وَتَأْخِيرُ الْعِشَاءِ إِلَى مَا قَبْلَ ثُلُثِ اللَّيْلِ وَيُسْتَحَبُّ فِي الْوَيْلِ آخِرُ اللَّيْلِ، فَإِنْ لَمْ يَثِقْ بِالْإِنْتِبَاهِ أَوْ تَرَ أَوْلَاهُ، وَيُسْتَحَبُّ تَأْخِيرُ الْفَجْرِ وَالظُّهْرِ وَالْمَغْرِبِ، وَتَعْجِيلُ الْعَصْرِ وَالْعِشَاءِ يَوْمَ الْعَيْمِ (42).

ترجمه متن (المختار للفتوی)

(40) ابن حجر، الدراریة فی تخریج أحادیث الهدایة، باب سجود السهو، شماره حدیث: (262)، (206/1).
(41) د. محمد مصطفی الزحیلی. القواعد الفقهیة وتطبیقاتها فی المذاهب الأربعة، القاعدة: (201)، الأصل فی العبادات الحظر، وفي العادات الإباحة، الطبعة: الأولى، 1427 هـ - 2006 م، دار الفكر - دمشق، (770-769/2).
(42) موصلی: (الاختیار لتعلیل المختار)، (1 / 38 الی 40).

مستحب است که در تابستان نماز صبح در روشنی اداء گردد و نماز ظهر در سردی، سرد نموده اداء گردد. و در زمستان وقت اداء گردد. به تأخیر اداء نمودن نماز دیگر تا وقتی که آفتاب تغیر نکرده باشد و وقت اداء نمودن نماز شام و به تأخیر اداء نمودن نماز خفتن الی قبل از سوم حصه شب و در نماز وتر هم مستحب است که در آخر شب اداء گردد. اگر مطمئن به بیدار شدن در آخر شب نبود بهتر است که وتر خود را در اول شب بخواند. مستحب است تأخیر نماز صبح، پیشین و شام و مستحب است به عجله اداء نمودن نماز عصر و خفتن در هنگام وجود ابر.

ترجمه (الإختیار لتعلیل المختار)

فصل در مورد مستحب بودن ادای نماز صبح در حالیکه روشنی بیاید: لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: «أَسْفِرُوا بِالْفَجْرِ»، وَفِي رِوَايَةٍ: «تَوَرُّوا بِالْفَجْرِ فَإِنَّهُ أَعْظَمُ لِلْأَجْرِ». ترجمه: پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «نماز صبح را در روشنی روز اداء نماید» در روایت دیگر چنین آمده است «نماز صبح را در روشنی روز اداء کنید؛ زیرا که این بزرگترین اجراست». امام طحاوی⁽⁴³⁾ رحمه الله گفته اند: نماز صبح را در تاریکی آغاز و در روشنی ختم نماید تا میان احادیث که رابطه به ادای نماز صبح در تاریکی و حدیث که به ادای نماز صبح در روشنی اداء گردد عمل شود. و در سردی اداء نمودن نماز صبح طوری که ما روایت کردیم، حدیث انس بن مالک رضی الله تعالی عنه است که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا كَانَ الشِّتَاءُ بَكَرَ بِالظُّهْرِ، وَإِذَا كَانَ الصَّيْفُ أَبْرَدَ بِهَا». ترجمه: «پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) نماز ظهر را در زمستان وقت اداء نموده و در تابستان سرد کرده اداء می نمود هنگامیکه زمستان میبود نماز صبح را وقت اداء مینمودند و در هنگام تابستان سرد کرده اداء می نمودند». مصنف رحمه الله گفت: تأخیر نمودن نماز عصر تا وقتی که آفتاب تغیر نکرده باشد درست است به دلیل حدیث حضرت رافع بن خدیج⁽⁴⁴⁾ رضی الله تعالی عنه: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَرَ بِتَأْخِيرِ الْعَصْرِ». ترجمه: «یقیناً پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) دستور داده به تأخیر نمودن

(43) طحاوی (239 - 321 هـ = 853 - 933 م): أحمد بن محمد بن سلامه بن سلمه ازدي، طحاوي، أبو جعفر، یکی از فقهای مشهور حنفی در مصر بود، تولد و نشأت او در «طحا» مصر شده و وفات او در قاهره صورت گرفته است، اول شافعی مذهب بود، سپس به مذهب حنفی گروید، دارای تالیفات کثیر است از جمله: شرح معانی الآثار، بیان السنة، الشفاعة، المحاضر والسجلات، مشکل الآثار، أحكام القرآن، العقيدة الطحاوية و غیره. محمد بن عبد الوهاب بن سلیمان التمیمی، الجواهر المضیة فی طبقات الحنفیة، الناشر: دار العاصمة، الرياض، المملكة العربية السعودية، الطبعة الأولى بمصر، 1349هـ، النشرة الثالثة، 1412هـ، (102/1).

(44) رافع ابن خدیج ابن رافع ابن عدی الحارثی الاوسی الانصاری (ابو عبدالله، یا گفته شده است ابو رافع المدنی) صحابه جلیل القدر رسول الله صلی الله علیه وسلم است، در غزوه احد و خندق شرکت کرده و به عمر 73 و یا 74 سالگی وفات نموده است. کتاب تقریب التهذیب، از ابو الفضل احمد بن علی بن محمد احمد بن حجر العسقلانی متوفی: (852هـ)، محقق: محمد عوامه، طبع اول: (1406 - 1986) دار الرشید- سوریا، (204/1).

نماز عصر». حضرت خالد حذاء⁽⁴⁵⁾ از ابی قلابه⁽⁴⁶⁾ رحمه الله روایت کرده: «یقیناً گفتم: «اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) هرگز بر چیزی مانند اتفاق در تأخیر نماز عصر و زود رسیدن به غروب آفتاب و روشن شدن در سحر توافق نکرده اند». معتبر تغییر غروب آفتاب است نه روشنی که در دیوار است، مصنف رحمه الله گفت: به وقت أداء نمودن نماز شام در تمام زمانها طوریکه در قبل بیان شد. قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) است که فرمودند: «همیشه امت من به خیر خواهند بود، تا زمانی که غروب را تا برخورد ستارگان به تأخیر نیندازند». گفت: تأخیر نمودن نماز خفتن الی قبل از سوم حصه شب، پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: (لَوْلَا أَنْ أَشَقَّ عَلَيَّ أُمَّتِي لَأَمَرْتُهُمْ بِتَأْخِيرِ الْعِشَاءِ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ). ترجمه: «اگر برای امت من مشقت نمی بود، البته دستور میدادم به تأخیر نمودن نماز خفتن الی سوم حصه شب». پس دلالت میکند بر اینکه این کار بهتر است، و تأخیر کردن نماز خفتن تا به وقت نصف شب مباح است، و تا بعد از نصف شب مکروه است؛ زیرا که جماعت های نماز کم میشود. این دلیل به بهتر بودن أداء نماز خفتن تا سوم حصه شب را میکند. مصنف رحمه الله گفت: مستحب است که نماز وتر در آخر شب أداء گردد، اگر کسی به بیدار شدن در آخر شب مطمئن نباشد، بهتر است که در اول شب أداء نماید. (لَمَّا رَوَى جَابِرٌ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ خَافَ أَنْ لَا يَفُومَ آخِرَ اللَّيْلِ فَلْيُوتِرْ أَوَّلَهُ، وَمَنْ طَمِعَ أَنْ يَفُومَ آخِرَ اللَّيْلِ فَلْيُوتِرْ آخِرَهُ، فَإِنَّ صَلَاةَ آخِرِ اللَّيْلِ مَحْضُورَةٌ الْمَلَائِكَةِ»). ترجمه: حضرت جابر رضی الله تعالی عنه روایت نموده است، پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «کسی ترسید که در آخر شب بیدار شده نمی تواند، پس او در اول شب باید نماز وتر خود را ادا نماید، و اگر مطمئن بود که در آخر شب بیدار میشود، پس بهتر است در آخر شب نماز وتر خود را ادا نماید؛ زیرا در نماز آخر شب فرشته ها حضور پیدا میکنند»، این کار بهتر است. مصنف رحمه الله گفت: مستحب است تأخیر نماز صبح، پیشین و شام، به وقت ادا نمودن نماز عصر و شام در روز های ابری، اما رابطه به نماز صبح در قبل حدیث روایت شده، اما نماز پیشین باید قبل از زوال آفتاب ادا نگردد، اما نماز شام قبل از غروب ادا نگردد، و به وقت ادا نمودن نماز عصر بخاطری این است که در وقت مکروهه برابر نشود، اما نماز خفتن در اول شب خوانده شود بخاطری که باعث کم شدن جماعت نشود بخاطر آمدن باران و برف.

(45) خالد بن مهران ابو منازل البصری الحذاء، امام و حافظ ثقه است که کنیه وی ابو المنازل مشهور به الحذاء یعنی مشهور به کفش یا یابوت است. سیر اعلام النبلاء، شمس الدین ابو عبد الله محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز الذهبی (المتوفی: 748هـ)، دار الحدیث- القاهرة، طبع: (1427هـ-2006م)، (320/6).

(46) نام ابی قلابه عبدالله بن زید جرمی بصری است و به ابی قلابه شهرت دارد و در شام قبل از محمد ابن سیرین وفات نموده است. التاریخ الأوسط (مطبوع خطاً باسم التاریخ الصغیر)، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره البخاری، ابو عبد الله، متوفی: (256هـ)، محقق: محمود ابراهیم زاید، دار الوعی، مکتبة دار التراث - حلب، القاهرة، طبع اول: (1397-1977)، (264/1).

مطلب اول: توثیق و بیان مسائل:

اوقات مستحب برای نمازها

فرع اول: نماز فجر (صبح): نماز صبح بهتر است که به روشنائی روز و یا روشن شدن صبح آدا گردد. وقتیکه آسمان بدون ابر و صاف باشد، با روشن شدن صبح آدا کردن نماز صبح بهتر است. مگر برای حاجی صاحبان در مزدلفه آدا کردن نماز صبح در تاریکی بهتر است، تأخیر نکنند؛ زیرا که شک در طلوع آفتاب واقع میشود. در فتاوی قاضی خان⁽⁴⁷⁾ رحمه الله آمده است، قرائت مسنون تلاوت بین چهل آیت قرآن کریم به طور ترتیل است. نماز تأخیر کرده شود؛ زیرا که فاسد شدن نماز یک خیال و گمان است پس بخاطر آن وقت مستحب نماز ترک نشود. کسی قصد تلاوت طولانی را دارد نماز صبح از تاریکی آغاز کند و اگر قصد آنرا ندارد بهتر است که به روشنائی روز نماز را آدا کند. و این نظر امام ابوحنیفه، امام ابویوسف و امام محمد رحمهم الله است⁽⁴⁸⁾.

فرع دوم: نماز ظهر (پیشین): نماز ظهر در موسم تابستان بهتر است سرد کرده وبا تأخیر خوانده شود و در موسم زمستان بهتر است وقت خوانده شود.

فرع سوم: نماز مغرب وعشاء (شام و خفتن): نماز شام بهتر است که زود خوانده شود و نماز خفتن بهتر است که در سوم قسمت شب خوانده شود: وقال رسول الله (صلى الله عليه وسلم): (لا تزال أمتي بخير ما عجلوا المغرب وأخروا العشاء)⁽⁴⁹⁾. ترجمه: (امت من همیشه در خیر است تا زمانیکه نماز شام را در اول وقت و نماز خفتن را در آخر وقت بخوانند)⁽⁵⁰⁾.

مطلب دوم: تخریج احادیث و آثار

فرع اول: تخریج حدیث: «أَسْفِرُوا بِالْفَجْرِ»، وَفِي رِوَايَةٍ: «نَوِّرُوا بِالْفَجْرِ فَإِنَّهُ أَكْبَرُ لِلْأَجْرِ»:

درجه حدیث: نسائی رحمه الله حسن صحیح گفته است.

نسائی، سنن نسائی، باب الإسفار، شماره حدیث: (548)، (272/1).

(47) إبراهيم بن إسماعيل بن أحمد بن إسحاق بن شيبث بن الحكم أبو إسحاق، ركن الإسلام الزاهد المعروف بالصفار، من أهل بيت علم وفضل. وهو شيخ قاضي خان. توفي سنة 534 هـ ببخارى، أنيس الفقهاء في تعريفات الألفاظ المتداولة بين الفقهاء. قاسم بن عبد الله بن أمير علي القونوي الرومي الحنفي (المتوفى : 978هـ)، طبع : (2004م-1424هـ)، محقق : يحيى مراد، دار الكتب العلمية، (44/1).

(48) غيتابى، البناية شرح الهداية، فصل و يستحب الإسفار بالفجر، الطبعة: الأولى، (1420هـ-2000م)، دار الكتب العلمية - بيروت، لبنان، (33-40/2).

(49) الهداية شرح بداية المبتدى لشيخ الإسلام برهان الدين المرغيناني مع نصب الرأية تخریج احادیث الهداية للعلامة جمال الدين الزيلعي اعتنى بهما ايمن صالح شعبان، نصب الرأية، دار الحديث القاهرة، (471/1).

(50) غيتابى، البناية شرح الهداية، فصل و يستحب الإسفار بالفجر، الطبعة: الأولى، (1420هـ-2000م)، دار الكتب العلمية - بيروت، لبنان، (54-33/2).

درجه حديث: ابن حبان رحمه الله صحيح گفته است.

ابن حبان، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، باب مواقيت الصلاة، شماره حديث: (1490)، (357/4).

فرع دوم: تخريج حديث: (كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا كَانَ الشَّتَاءُ بَكَرَ بِالظُّهْرِ، وَإِذَا كَانَ الصَّيْفُ أُبْرِدَ بِهَا):

بخاري، صحيح البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، محمد زهير بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة، (1422هـ)، شماره حديث: (93)، باب من برک على ركبتيه عند الإمام او المحدث، (30/1).

مسلم، صحيح المسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري، متوفى: (261هـ)، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، باب النهي عن سبق الإمام بركوع أو...، شماره حديث: (112)، دار إحياء التراث العربي - بيروت، (320/1).

فرع سوم: تخريج حديث: (أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَرَ بِتَأْخِيرِ الْعَصْرِ):

درجه حديث: ترمذی رحمه الله حسن صحيح گفته است.

ترمذی، سنن الترمذی، محمد بن عیسی بن سوره بن موسی بن الضحاک، الترمذی، أبو عیسی متوفی: (279هـ)، 120- باب ما جاء فی تعجيل العصر، شماره حديث: (159)، محقق: بشار عواد معروف طبع: سال: (1998م)، دار الغرب الإسلامي - بيروت، (229/1).

فرع چهارم: تخريج حديث: (لَوْلَا أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمَّتِي لِأَمْرَتِهِمْ بِتَأْخِيرِ الْعِشَاءِ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ):

بخاری، صحيح البخاری، باب من جاء النوم قبل العشاء لمن غلبه، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة الجعفي البخاري، محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة، طبعة: الأولى (1422هـ)، شماره حديث: (571)، (118/1).

مسلم، صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري متوفى: (261هـ)، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، 39- باب وقت العشاء تأخيرها، دار إحياء التراث العربي - بيروت، شماره حديث: (220)، (442/1).

فرع پنجم: تخريج حديث: (مَنْ خَافَ أَنْ لَا يَقُومَ آخِرَ اللَّيْلِ فَلْيُوتِرْ أَوَّلَهُ، وَمَنْ طَمِعَ أَنْ يَقُومَ آخِرَ اللَّيْلِ فَلْيُوتِرْ آخِرَهُ، فَإِنَّ صَلَاةَ آخِرِ اللَّيْلِ مَحْضُورَةٌ الْمَلَائِكَةِ):

با جستجوی زیاد حدیث فوق از کتب سته دریافت نشد، اما در کتاب ابن ابی شیبیه، ابو بکر عبد الله بن محمد العبسی الکوفی، المصنّف، (159-235)هـ، شماره حدیث: (6771)، (4/465)، محقق: محمد عوامه، دار القبلة، ذکر شده است.

مبحث سوم: اوقات مکروهه نماز

که دارای سه مطلب میباشد:

متن (المختار للفتوی)

فَصَلِّ: لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ، وَسَجْدَةُ التَّلَاوَةِ، وَصَلَاةُ الْجِنَازَةِ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَزَوَالِهَا وَغُرُوبِهَا إِلَّا عَصِرَ يَوْمِهِ عِنْدَ الْغُرُوبِ، وَلَا يُتَنَفَّلُ بَعْدَ الْفَجْرِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ، وَلَا بَعْدَ (ف) الْعَصْرِ حَتَّى تَغْرُبَ، وَلَا بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ بِأَكْثَرِ مِنْ رَكْعَتَيْ الْفَجْرِ، وَلَا قَبْلَ الْمَغْرِبِ، وَلَا قَبْلَ صَلَاةِ الْعِيدِ (ف)، وَلَا إِذَا خَرَجَ الْإِمَامُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَلَا يُجْمَعُ بَيْنَ صَلَاتَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ فِي حَضْرٍ وَلَا سَفَرٍ (ف) إِلَّا بَعْرَفَةَ وَالْمُرْدَلِفَةَ (51).

ترجمه متن (المختار للفتوی)

فصل در مورد اوقات که در آن نماز خواندن مکروه است. ادای نماز، سجده تلاوت و نماز جنازه در وقت طلوع، زوال و غروب آفتاب جایز نیست، مگر عصر همان روز، ادای نماز نفل بعد از نماز صبح تا وقت که آفتاب طلوع نکند، بعد از نماز عصر تا وقتی که آفتاب غروب نکند درست نیست، بعد از طلوع صبح صادق بیشتر از دو رکعت نماز آدا کردن، قبل از شام، قبل از نماز عید، در هنگام استاده شدن امام برای خطبه نماز جمعه نیز ادای نماز نفل درست نیست. جمع کردن بین دو نماز در یک زمان واحد، اگر چی نماز گذار در خانه باشد و یا در سفر نیز درست نیست. مگر در عرفات و مزدلفه جمع بین دو نماز درست است.

ترجمه: (الإختیار لتعلیل المختار)

فصل: ادای نماز، سجده تلاوت و نماز جنازه در وقت طلوع، زوال و غروب آفتاب جایز نیست: حَدِيثُ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ الْجُهَنِيِّ قَالَ: «ثَلَاثَةٌ أَوْقَاتٍ نَهَانَا رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) أَنْ نُصَلِّيَ فِيهَا وَأَنْ نُقْبِرَ فِيهَا مَوْتَانَا: عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ حَتَّى تَرْتَفِعَ، وَعِنْدَ زَوَالِهَا حَتَّى تَزُولَ، وَحِينَ تَضَيَّفُ لِلْغُرُوبِ حَتَّى تَغْرُبَ». ترجمه: از جهت حدیث که حضرت عقبه ابن عامر رضی الله تعالی عنه از پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) روایت نموده است گفت: «سه وقت است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) از نماز خواندن در آن وقت، دهن کردن میت در آن وقت نهی کرده است، هنگام طلوع آفتاب تا وقتی که آفتاب بلند شود، هنگام

(51) موصلي، الاختيار لتعليل المختار، (1 / 40 الى 42).

زوال آفتاب تا وقتیکه آفتاب زایل شود، هنگام غروب آفتاب تا وقتیکه آفتاب غروب کند». منظور از قبر نماز جنازه است. وَعَنْ عَمْرِو بْنِ عَبْسَةَ قَالَ: «قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَلْ مِنْ السَّاعَاتِ سَاعَاتٌ أَفْضَلُ مِنَ الْأُخْرَى؟ قَالَ: جَوْفُ اللَّيْلِ الْأَخِيرِ أَفْضَلُ فَإِنَّهَا مُتَقَبَّلَةٌ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ، ثُمَّ أَنْتَهُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ، وَمَا دَامَتْ كَالْحَجَفَةِ فَأَمْسِكَ حَتَّى تُشْرِقَ، فَإِنَّهَا تَطْلُعُ بَيْنَ قَرْنَيْ الشَّيْطَانِ وَيَسْجُدُ لَهَا الْكُفَّارُ، ثُمَّ صَلَّى فَإِنَّهَا مَشْهُودَةٌ مُتَقَبَّلَةٌ حَتَّى يَفُومَ الْعَمُودُ عَلَى ظِلِّهِ ثُمَّ أَنْتَهُ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ يُسَجَّرُ فِيهَا الْجَحِيمُ ثُمَّ صَلَّى إِذَا زَالَتْ إِلَى الْعَصْرِ ثُمَّ أَنْتَهُ فَإِنَّهَا تَغِيْبُ بَيْنَ قَرْنَيْ شَيْطَانٍ وَيَسْجُدُ لَهَا الْكُفَّارُ». ترجمه: حضرت عمرو بن عبس (52) رضی الله تعالی عنه می گوید: «گفتم یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) آیا ساعاتی بهتر از ساعات دیگر هست؟ فرمود: نیمه آخر شب بهتر است؛ زیرا که اوقات قبول دعاء است تا طلوع فجر، سپس توقف کنید تا خورشید طلوع کند، تا زمانی که به اندازه پوست است، نگه دارید تا بلند شود؛ زیرا آفتاب در میان شاخ شیطان می برآید و کافران بر آن سجده می کنند، سپس دعا کنید که در آینده شاهد آن خواهید بود، تا رکن بالا رود. در سایه آن توقف کن، زیرا ساعتی است که جهنم در آن فرو میرود، پس اگر تا بعد از ظهر گذشت، نماز بخوان، زیرا بین شاخ شیطان ناپدید می شود و کافران برایشان سجده میکنند. مصنف رحمه الله گفت: مگر عصر همان روز در وقت غروب برابر شد خوانده میشود؛ زیرا که سبب جزء قایم از وقت است طوری که بیان شده به تحقیق أداء میگردد طوری که واجب شده، قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: «مَنْ أَدْرَكَ رَكْعَةً مِنَ الْعَصْرِ قَبْلَ أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ فَقَدْ أَدْرَكَهَا». ترجمه: پیغمبر (صلی الله علیه السلام) گفت: «کسی دریافت کند یک رکعت از نماز عصر را قبل از آنکه آفتاب غروب کند، در حقیقت نماز دیگر را دریافت کرده است». مصنف رحمه الله گفت: (نفل بعد از نماز صبح تا زمانیکه آفتاب طلوع نکرده باشد، و نه بعد از نماز عصر تا زمانیکه آفتاب غروب نکرده باشد درست نیست. لِحَدِيثِ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ. (أَنَّ النَّبِيَّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) نَهَى عَنِ الصَّلَاةِ فِي هَذَيْنِ الْوَقْتَيْنِ). ترجمه: به دلیل حدیث ابی سعید الخدری رضی الله تعالی عنه «به تحقیق پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) از نماز خواندن در این دو وقت یعنی در وقت (طلوع و غروب) نهی نموده. و جایز است که در این اوقات نماز فوت شده، سجده تلاوت را اداء نمود و لاکن نماز، طواف اداء کرده نمی تواند. (لِأَنَّ النَّهْيَ لِمَعْنَى فِي غَيْرِهِ، وَهُوَ شَعْلُ جَمِيعِ الْوَقْتِ بِالْفَرَضِ، إِذْ تَوَابُ الْفَرَضِ أَكْبَرُ، فَلَا يَطْهَرُ النَّهْيُ فِي حَقِّ فَرَضٍ مِثْلِهِ، وَظَهَرَ فِي رَكْعَتِي الطَّوْفِ لِأَنَّهُ دُونَهُ). ترجمه: «زیرا که نهی معنای دیگری دارد یعنی وقت تمام وقت خود را به فرض مشغول ساخته است، زیرا که، ثواب فرض نسبت به دیگر

(52) عمرو بن عبس بن عامر بن خالد بن غاضره بن عتاب بن امرئ القیس بن بهته بن سلیم بن منصور بن عکرمة بن خصفة بن قیس غیلان که کنیه او ابونجیح است. او در آغاز اسلام نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم آمد و از پیامبر صلی الله علیه و سلم اجازه گرفت تا نزد او بماند یا به قومش بپیوندد. پس به او اجازه بازگشت نزد قومش را داد، سپس نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم آمد، پیش از فتح مکه، در شام مسکن گزین شد، و صفیه در سرزمین بنی سلیم پابین شد، ابوامامه باهلی در مورد نماز از او روایت کرده است. رجال صحیح مسلم، أحمد بن علی بن محمد بن ابراهیم، أبو بکر ابن منجویه (المتوفی: 428هـ)، محقق: عبد الله اللیثی، دار المعرفه - بیروت، طبع اول: (1407)، باب ذکر من اسمه عمرو، (64/2).

اعمال بیشتر است پس نهی در حق فرض مانند خود فرض ظاهر گردیده است. در دو رکعت طواف ظاهر شده بر اینکه طواف غیر فرض بوده است». مصنف رحمه الله گفت: بعد از طلوع صبح صادق هم بیشتر از دو رکعت نماز فجر درست نیست، و قبل از شام و نماز عید نفل خواندن درست نیست، زیرا که پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) با وجود که به خواندن نماز حریص بودن لاکن در همچون اوقات نماز نمی خواندن، و دوم تأخیر نماز شام مکروه است، و نه در هنگامیکه امام به خطبه خارج میشود، لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: «إِذَا خَرَجَ الْإِمَامُ فَلَا صَلَاةَ وَلَا كَلَامَ». ترجمه: پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرمودند: «هنگامیکه امام خارج شود به سوی نماز پس نماز و سخن نیست». مصنف رحمه الله گفت: دو نماز در یک وقت جمع نمی شود اگر چه که در خانه باشد و یا در سفر. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: {إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْثُوتًا} (53). أَيُّ مَوْثُوتًا. ترجمه: قول تعالی: «یقیناً نماز برای مؤمنان فرض تعیین شده است»، یعنی فرض تعیین شده، و در جمع کردن دو نماز در یک وقت تغییر وقت میآید، جمع کردن دو نماز صورتاً جایز است و وقتاً جایز نیست، و این تأویل است بر آنچه که روایت کرده شده: (أَنَّهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَمَعَ بَيْنَ صَلَاتَيْنِ). ترجمه: «پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) جمع کرده بین دو نماز»، توضیح آن این است که پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) تأخیر نموده نماز ظهر را الی آخرین وقت آن و مقدم نموده نماز عصر را در اول وقت آن. مصنف رحمه الله: مگر در عرفات بین نماز ظهر و عصر جمع کرده میشود، و در مزدلفه بین شام و عصر نیز جمع کرده میشود تفصیل این موضوع در بحث مناسک حج ان شاء الله میآید.

مطلب اول: شرح کلمات و اصطلاحات فقهی

فرع اول: مستحب: عبارت از آن است که شارع بدون إلزام درخواست کرده است، به طوری که انجام دهنده آن مورد عفو و ثواب قرار می گیرد و ترک آن محکوم و مجازات نمی شود و ممکن است به دلیل ترک برخی از مستحبات، سرزنش و ملامت شود (54).

فرع دوم: مکروه: نا پسندیدن، نفرت داشتن و یا متنفر بودن از چیزی، و یا اگر آن را نخواهید یا آن را نپذیرید آنرا مکروه گفته میشود، قَوْلُهُ تَعَالَى {وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ} (55)، ترجمه: «حال آن که (بنا بر سرشت انسانی) از آن بیزار و نفرت دارید» (56).

(53) سورة النساء، آية: 103.

(54) زیدان، د. عبدالکریم، الوجیز فی اصول الفقه، طبع جدیدة، سال: 2004م، صنعاء، ناشر: مکتبه فاروقیه، ص: 32.

(55) سورة البقرة، آية: 216.

(56) ابوالفتح ناصر بن عبدالسید أبی المکارم ابن علی، المطرزی، برهان الدین الخوارزمی، المغرب فی الترتیب المعرب، (ب، ت) ناشر: دار الکتب العربی، (406/1).

فرع سوم: مباح: در لغت مطلقاً به معنی اجازه داشتن می‌آید، و همچنان به معنی اظهار و اعلان نیز می‌آید. در اصطلاح عبارت از حکمی است که در آن درخواست طلب نیست، بلکه اختیار بین انجام عمل و ترک آن است. و یا اینکه عملی که لازم نیست و بین انجام آن و عدم انجام آن اختیار دارد، جایز و مباح نیز نامیده می‌شود⁽⁵⁷⁾.

مطلب دوم: توثیق و بیان مسائل:

نماز خواندن در سه وقت جایز نیست: وقت طلوع آفتاب، وقت زوال آفتاب، وقت غروب آفتاب. نزد امام ابوحنیفه رحمه الله آدای نماز های فرض در اوقات مکروهه جواز ندارد و همچنان آدای نماز های نفل هم در بعضی روایات جواز ندارد.

نزد امام شافعی رحمه الله آدای نماز فرض در اوقات مکروهه در تمام شهرها و نماز های نفل در اوقات مکروهه در مکه جواز دارد. قول امام ابوحنیفه رحمه الله اینکه آدای فرض جواز ندارد اگر اراده داشته باشد فرض و نفل را با هم، در آن وقت الف و لام برای جنس می‌گردد، پس لازم است که نفل هم جواز نداشته باشد، اگر جواز نداشته باشد، وقتیکه شروع کند در همان اوقات مکروهه باز فاسد کند همان نماز خویش را مناسب است که بالای شخص قضاء واجب نگردد لکن بالایش واجب می‌گردد طوریکه شمس الأئمه⁽⁵⁸⁾ رحمه الله در اصول خود ذکر کرده است بدون ذکر اختلاف، و تمرثاشی⁽⁵⁹⁾ رحمه الله در جامع صغیر خود، نزد امام ابوحنیفه و امام ابویوسف رحمهما الله و اگر چی اراده کرد در آن اوقات آدای فرض را به تنهای⁽⁶⁰⁾.

مطلب سوم: تخریج آحادیث و آثار

فرع اول: تخریج حدیث: عُبَّهَ بْنِ عَامِرٍ الْجُهَنِيِّ قَالَ: «ثَلَاثَةُ أَوْقَاتٍ نَهَانَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ نُصَلِّيَ فِيهَا وَأَنْ نَقْبُرَ فِيهَا مَوْتَانَا: عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ حَتَّى تَرْتَفِعَ، وَعِنْدَ زَوَالِهَا حَتَّى تَزُولَ، وَحِينَ تَصَيِّفُ لِلْغُرُوبِ حَتَّى تَغْرُبَ»:

(57) التهانوی، محمد بن علی ابن القاضی محمد حامد بن محمد صابر الفاروقی الحنفی، موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، ناشر: مكتبة لبنان ناشرون- بيروت، طبع اول، سال 1996م، (78/1).

(58) محمد بن احمد بن سهل، أبوبكر، شمس الأئمة سرخسی، در سال (483هـ-1090م)، وفات نموده، قاضی، مجتهد و از جمله علمای بزرگ احناف بوده که از خود تألیفات زیاد بجا مانده است. كشاف اصطلاحات الفنون والعلوم از محمد بن علي ابن القاضی محمد حامد بن محمد صابر الفاروقی الحنفی التهانوی (المتوفی: بعد 1158هـ)، طبع اول: 1996م، مكتبة لبنان ناشرون - بيروت، (624/1).

(59) محمد بن عبدالله بن احمد، خطیب العمری التمرثاشی الغزی الحنفی، شمس الدین، در غزه در سال: (939هـ - 1532م) تولد شده و در غزه در سال (1004هـ - 1596م) وفات نموده است و از جمله شیخ های احناف در عصر و زمانه خود میباشد و دارای تألیفات زیاد نیز است. كشاف اصطلاحات الفنون والعلوم از محمد بن علي ابن القاضی محمد حامد بن محمد صابر الفاروقی الحنفی التهانوی (المتوفی: بعد 1158هـ)، طبع اول: 1996م، مكتبة لبنان ناشرون - بيروت، (1247/2).

(60) البابرتی، العناية شرح الهدایة، فصل فی الأوقات التي تكره فيها الصلاة، ب، ت، دارالفکر، (231/1).

با جستجوی زیاد حدیث فوق از کتب سته دریافت نشد، اما در کتاب البغوی، محیی السنة، أبو محمد الحسین بن مسعود بن محمد بن الفراء الشافعی متوفی: (516)هـ، شرح السنة، باب الاوقات التي تُهَي عن الصلاة فيها، شماره حدیث: (778)، (327/3)، المكتب الإسلامي، دمشق، بیروت. ذکر شده.

فرع دوم: تخريج حديث: عَمْرُو بْنُ عَبْسَةَ قَالَ: (قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَلْ مِنْ السَّاعَاتِ سَاعَاتٌ أَفْضَلُ مِنَ الْأُخْرَى؟ قَالَ:...) .

با جستجوی زیاد حدیث فوق از کتب سته دریافت نشد، اما در کتاب الطبرانی، الدعاء للطبرانی، باب أي الليل اجوب دعوة، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم متوفی: (360)هـ، محقق: مصطفى عبد القادر عطا، شماره حدیث: (131)، (58/1) الأولى، (1413). دار الكتب العلمية – بیروت، ذکر شده است.

فرع سوم: تخريج حديث: (مَنْ أَدْرَكَ رَكْعَةً مِنَ الْعَصْرِ قَبْلَ أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ فَقَدْ أَدْرَكَهَا):

بخاری، صحیح البخاری، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، محقق محمد زهير بن ناصر الناصر، باب من ادرك ركعة من العصر قبل للغروب، شماره حدیث: (556)، (116/1)، الطبعة: الأولى، (1422)هـ، دار طوق النجاة.

مسلم، صحیح المسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري متوفی: (261)هـ، باب من ادرك ركعة من الصلاة فقد ادرك تلك الصلاة، شماره حدیث: (608)، (424/1)، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي – بیروت.

فرع چهارم: تخريج حديث: أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، (أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنِ الصَّلَاةِ فِي هَذَيْنِ الْوَقْتَيْنِ):

بخاری، صحیح البخاری، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، محقق محمد زهير بن ناصر الناصر، باب الصلاة بعد الفجر حتى ترتفع الشمس، شماره حدیث: (581)، (120/1)، الطبعة: الأولى، (1422)هـ، دار طوق النجاة.

مسلم، صحیح المسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري متوفی: (261)هـ، باب الاوقات التي نهى عن الصلاة فيها، شماره حدیث: (1958)، (207/2)، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي – بیروت.

فرع پنجم: تخريج آثار: (لِأَنَّ النَّهْيَ لِمَعْنَى فِي غَيْرِهِ، وَهُوَ شَعْلُ جَمِيعِ الْوَقْتِ بِالْفَرْضِ، إِذْ تَوَابُ الْفَرْضِ أَعْظَمُ، فَلَا يَظْهَرُ النَّهْيُ فِي حَقِّ فَرْضٍ مِثْلِهِ، وَظَهَرَ فِي رَكْعَتَيْ الطَّوَّافِ لِأَنَّهُ دُونَهُ):

با جستجوی زیاد در کتب احادیث دریافت نشد اما در کتاب موصلی، الاختیار لتعلیل المختار، کتاب الصلاة، (45/1). ذکر شده است.

فرع ششم: تخریج حدیث: (إِذَا خَرَجَ الْإِمَامُ فَلَا صَلَاةَ وَلَا كَلَامَ):

بخاری، صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، محقق محمد زهیر بن ناصر الناصر، باب لا یفرق بین اثنین یوم الجمعة، شماره حدیث: (910)، (8/2)، الطبعة: الأولى، (1422)هـ، دار طوق النجاة. در لفظ حدیث تفاوت است اما در معنی یکسان است. والله اعلم.

مبحث چهارم: احکام اذان است

که این مبحث دارای سه مطلب میباشد:

متن (المختار للفتوی)

بَابُ الْأَذَانِ وَصِفَتُهُ مَعْرُوفَةٌ وَلَا تَرْجِيعَ فِيهِ، وَالْإِقَامَةُ مِثْلُهُ (ف)، وَيَزِيدُ فِيهَا بَعْدَ الْفَلَاحِ قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ مَرَّتَيْنِ، وَهُمَا سُنَّتَانِ لِلصَّلَاةِ الْخَمْسِ وَالْجُمُعَةِ، يَزِيدُ فِي أَذَانِ الْفَجْرِ بَعْدَ الْفَلَاحِ الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ مَرَّتَيْنِ، وَيُرْتَلُ الْأَذَانُ، وَيَحْدُرُ الْإِقَامَةُ، وَيَسْتَقْبَلُ بِهِمَا الْقِبْلَةَ، وَيَجْعَلُ إِصْبَعَيْهِ فِي أُذُنَيْهِ وَيَحْوُلُ وَجْهَهُ يَمِينًا وَشِمَالًا بِالصَّلَاةِ وَالْفَلَاحِ، وَيَجْلِسُ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ إِلَّا فِي الْمَغْرِبِ، وَيُكْرَهُ التَّلْحِينُ فِي الْأَذَانِ، وَإِذَا قَالَ: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ قَامَ الْإِمَامُ وَالْجَمَاعَةُ، وَإِذَا قَالَ: قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ كَبَرُوا، وَإِذَا كَانَ الْإِمَامُ غَائِبًا أَوْ هُوَ الْمُؤَدِّئُ لَا يَقُومُونَ حَتَّى يَحْضُرَ، وَيُؤَدِّئُ لِلْفَائِئَةِ وَيَقِيمُ، وَلَا يُؤَدِّئُ لِصَلَاةٍ قَبْلَ وَقْتِهَا، وَلَا يَتَكَلَّمُ فِي الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ، وَيُؤَدِّئُ وَيَقِيمُ عَلَى طَهَارَةٍ (61).

ترجمه متن (المختار للفتوی)

باب در مورد اذان و صفت معروفه آن است، و ترجیع (62) در آن درست نیست، اقامت مثل اذان بوده لکن در اقامت بعد از حی علی الفلاح، قد قامت الصلاة دو مرتبه زیاد کرده میشود، اذان و اقامت هر دو برای نماز های فرضی پنج وقته و نماز جمعه سنت میباشد، در اذان نماز صبح بعد از حی علی الفلاح، الصلوة خیر من النوم دو مرتبه زیاد کرده میشود، اذان به ترتیل یعنی به آهستگی و نیکویی أداء میگردد و اقامت به حدر یعنی به سرعت أداء میگردد، اذان و اقامت هر دو رو به قبله گفته میشود، گردانیدن انگشتان در گوش ها و گردانیدن روی در حی علی الصلاة به طرف راست و در حی علی الفلاح به طرف چپ میباشد، بین اذان و اقامت می نشیند مگر در نماز شام، خوش آوازی و به آهنگ موسیقی اذان دادن مکروه است، هنگامیکه حی علی الصلاة گفته شود امام ایستاده شود و جماعت قائم شود، قبل از دخول وقت نماز اذان گفته نشود، در جریان اذان و اقامت سخن گفته نشود،

(61) موصلي، الاختيار لتعليل المختار، (42 / 1 - 44).

(62) ترجیع به معنی خفیه گفتن مؤذن شهادتین: (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ) را دو مرتبه باز دو باره مراجعه کرده صدای خود را در شهادتین بلند میکند. نزد امام ابوحنیفه رحمه الله ترجیع جواز ندارد و نزد امام شافعی رحمه الله

أذان وإقامت با طهارت و وضوء گفته شود.

ترجمه متن (الإختیار لتعلیل المختار)

باب در مورد أذان است، أذان مطلق إعلان را گفته میشود، قَالَ تَعَالَى: ﴿وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ (63).
ترجمه: قول الله متعالی: (إعلان از طرف الله (جل جلاله) و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) است).

أذان در شریعت: خبر دادن به وقت نماز توسط الفاظ معلوم و مأثور بر صفت خاص که سنت محکم و تأکید شده است. إمام أبو حنیفه رحمت الله علیه گفت: قومی که نماز جماعت را در شهر بدون أذان و إقامت أداء کنند خلاف سنت کار کردند و گناه کار نیز شده اند. بعضی میگویند أذان و إقامت واجب است و این قول إمام محمد رحمه الله است که میگویند اگر جمع شوند مردم یک شهر بر ترک أذان البته همایشان جنگ کرده شود، و این قول دلالت بر وجوب أذان میکند، جمع میان دو قول بر این است که گناه ترک سنت مؤکده مانند واجب یکسان است، علیه تارکین أذان جهاد کرده میشود، چونکه أذان از جمله خصوصیات و شعائر دین مقدس اسلام است.

صفت این أذان مشهور بوده که عبارت اند از: (اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ). ترجمه: «الله (جل جلاله) بزرگ است، الله (جل جلاله) بزرگ است، الله (جل جلاله) بزرگ است، گواهی میدهم که نیست معبودی لایق پرستش و بندگی به جز از الله (جل جلاله) گواهی میدهم که نیست معبودی لایق پرستش و بندگی به جز از الله (جل جلاله)، و گواهی میدهم که حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) فرستاده الله (جل جلاله) است، و گواهی میدهم که حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) فرستاده الله (جل جلاله) است، بیایید بسوی نماز، بیایید بسوی کامیابی، بیایید بسوی کامیابی، الله (جل جلاله) بزرگ است، الله (جل جلاله) بزرگ است، نیست معبودی به جز از خدا (جل جلاله). به همین قسم عبدالله بن زید بن عبد ربه (64) رضی الله تعالی عنه أذان نازل شده از طرف آسمان را حکایت نموده است، و حضرت عمر رضی الله تعالی عنه و جماعه دیگر از صحابه کرام رضوان الله تعالی علیهم اجمعین به او مؤافقت کرده اند. فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (عَلَّمُهُ بِلَا لَّا فَإِنَّهُ أُنْذَى مِنْكَ صَوْتًا). ترجمه: پس

جواز دارد. بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، علاء الدين، أبو بكر بن مسعود بن أحمد الكاساني الحنفي (المتوفى: 587هـ)، طبع دوم: (1406هـ - 1986م)، الناشر: دار الكتب العلمية، فصل بيان الكيفية الأذان، (148/1).
(63) سورة توبه، آیه: 3.

(64) عبدالله بن زید بن عبد ربه بن ثعلبة بن زید بن الحارث بن الخزرج الانصاري الخزرجي أبو محمد المدني. و بعضی در نسب وی چیزی دیگر گفته است. در عقبه و غزوه بدر اشتراک داشته است. و او کسی است که در خواب نداء کردن برای نماز

رسول الله گفت: (صلی الله علیه وسلم) برای عبدالله بن زید رضی الله تعالی عنه «یاد بدهید همان اذان را برای حضرت بلال رضی الله تعالی عنه زیرا که حضرت بلال صدای بلند تر دارد نسبت به تو»، برایش یاد داد و حضرت بلال رضی الله تعالی عنه بعد از آن، آن کلمات اذان را میگفت. مصنف رحمه الله گفت: پست و بلند کردن در اذان نیست، زیرا که جماعه که روایت کردند اذان نازل شده را از طرف آسمان او عبارت از اصل اذان است که ترجیح روایت نشده است، و همچنان آنها گفتند، باز صبر کرد لحظه اندک باز گفتند مثل همین، و زیاد کردند در اذان قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ را دو مرتبه، و در اقامت إجماعاً ترجیح نیست، و آنچه که روایت کرده شده: (أَنَّهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ لَقَنَّ أَبَا مَحْذُورَةَ الْأَذَانَ وَأَمْرَهُ بِالْتَّرْجِيحِ). ترجمه: «یقیناً پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) تلقین کردند اذان را برای اَبی محذوره و امر کرد او را به ترجیح، یعنی بلند و پست کردند و خوش آوزی نمودند». پس یقیناً ترجیح تعلیم است، و در تعلیم غالباً ترجیح میشود بخاطر حفظ کردن پس گمان میشود که ترجیح از جمله اذان است، پس ترجیح صدا را آهسته کشیدن توسط شهادتین در قدم اول، باز بلند کردن صدا توسط شهادتین است. مصنف رحمه الله گفت: اقامت مثل اذان است و زیاد کرده میشود در اقامت بعد از حی علی الفلاح قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ را، چنانچه که روایت کردیم ما. وَلِمَا رُوِيَ عَنْ أَبِي مَحْذُورَةَ أَنَّهُ قَالَ: «عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْأَذَانَ خَمْسَ عَشْرَةَ كَلِمَةً، وَالْإِقَامَةَ سَبْعَ عَشْرَةَ كَلِمَةً». ترجمه: آنچه روایت کرده شده از اَبی محذوره یقیناً گفت «آموزانید مرا رسول الله (صلی الله علیه وسلم) اذان را پانزده کلمه و اقامت را هفده کلمه». ائمه حدیث گفتند: صحیح ترین حدیث که رابطه به اذان و اقامت روایت شده حدیث اَبی محذوره⁽⁶⁵⁾ رضی الله تعالی عنه است. مصنف رحمه الله گفت: اذان و اقامت هر دو سنت است برای نماز های پنج و قته فرضی و جمعه، (لِأَنَّهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ وَاطْبَ عَلَيْهِمَا فِيهَا، وَلِأَنَّ لَهَا أَوْقَاتًا مَعْلُومَةً، وَتُؤَدَّى فِي الْجَمَاعَاتِ فَتَحْتَاجُ إِلَى الْإِعْلَامِ وَلَا كَذَلِكَ غَيْرُهَا). ترجمه: یقیناً پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) پایداری نمود به اذان و اقامت در نماز ها؛ زیرا که برای نماز ها وقت معلوم است که باید به جماعت أداء گردیده و ضرورت به اعلان دارد دیگر نماز ها چنین نیست. امام محمد رحمه الله گفت، کسیکه نماز بخواند در خانه اش بدون اذان و اقامت نماز آن شخص درست است، و اگر اذان و اقامت گفت برایش بهتر و خوب است، جواز آن حدیث است که عبدالله ابن عمر رضی الله تعالی عنهما چنین روایت است، و از عبدالله ابن مسعود رضی الله تعالی عنهما یقیناً که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) نماز می خواند در خانه اش بدون اذان و اقامت و میگفتند که کسانی که در اطراف ما زندگی میکنند اذان و اقامت آنها برای ما کفایت میکند و اگر گفته شود بهتر است؛ زیرا که اذان و اقامت هر دو

را دیده است. و در خواب دیدن او در سنت اولی بعد از بنای مسجد است. تهذیب التهذیب، أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی (المتوفی: 852هـ)، (197/5).
(65) عبدالملک بن اَبی محذوره القریشی که در مسجد الحرام مؤذن بود. از جمله علمای مشهور وقت هم بود، متوفی سال: (965-354هـ م، طبع اول: 1411-1991م)، دار الوفاء للطباعة والنشر والتوزیع - المنصورة (139/1).

اذکار هستند که تعلق میگیرد به نماز مانند تعلق گرفتن دیگر اذکار به نماز. مصنف رحمه الله گفت: (زیاد کرده میشود در اذان صبح بعد از حی علی الفلاح: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ، یعنی نماز بهتر است از خواب را دو مرتبه، لِمَا رُوِيَ: (أَنَّ بِلَالَ أَتَى بَابَ حُجْرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِيُعَلِّمَهُ بِصَلَاةِ الْفَجْرِ وَهُوَ رَاقِدٌ، فَقَالَ: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا أَحْسَنَ هَذَا، اجْعَلْهُ فِي أَذَانِكَ). ترجمه: آنچه که روایت کرده شده است: «به تحقق حضرت بلال رضی الله تعالی عنه به دروازه رسول الله (صلی الله علیه وسلم) آمد تا اینکه تعلیم بدهد او را رسول الله در نماز صبح کلمات را در حالیکه حضرت پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) خوابیده بود، پس حضرت بلال رضی الله تعالی عنه این کلمات را دو مرتبه گفت: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ، الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ، یعنی نماز بهتر است از خواب، نماز بهتر است از خواب، پس رسول الله (صلی الله علیه وسلم) گفت چی خوب کلمات را گفتید ای بلال! این کلمات را در اذانت اضافه کن». این کلمات را امت از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) تا به امروز به میراث گرفت، و در غیر اذان صبح تثویب یعنی ثواب گرفتن نیست، لِقَوْلِ بِلَالٍ: «قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا بِلَالُ تَوْبٌ بِالْفَجْرِ وَلَا تُتَوَّبُ فِي غَيْرِهَا». ترجمه: از جهت قول حضرت بلال رضی الله تعالی عنه: «رسول الله (صلی الله علیه وسلم) برای من گفت یا بلال ثواب بگیرد در اذان نماز صبح که چنین ثواب را در اذان های دیگر نماز گرفته نمی توانید». زیرا که نماز صبح وقت خواب و بی پروایی است و در دیگر نماز ها چنین نیست. و از امام ابو یوسف رحمه الله نقل است کدام مانع نیست براینکه امراء خیر داده شود؛ زیرا که حضرت عمر رضی الله تعالی عنه هنگامیکه سرپرستی خلافت را بدوش گرفت کسی را بخاطر خبر دادن او برای اوقات نماز ها تعیین کرد، گفته شده است که از این شیوه برای خبر دادن قاضی، مفتی و تمام کسانی که به امور مسلمانها مشغول هستند کار گرفته شود، گفته شده در زمان ما باید ثواب گرفته شود در تمام نماز از جهت بوجود آمدن کوتاهی در امور دینی، تثویب به معنی زیاد کردن خبر بین اذان و اقامت است توسط آنچه که تمام اهل شهر بفهمند. مصنف رحمه الله گفت: اذان به ترتیل یعنی به نیکویی و اقامت به حدر یعنی به سرعت گفته شود، بخاطر همین موضوع حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) حضرت بلال رضی الله تعالی عنه را دستور داده (وَيَسْتَقْبِلُ بِهِمَا الْقِبْلَةَ) بخاطر گفتن اذان و اقامت روبه قبله باشد، از جهت حدیث نازل شده از طرف آسمان، پس او متوجه کرده بود خود را به طرف قبله در وقت اذان و اقامت، و بگرداند انگشت هایش را در گوش هایش، به همین دلیل دستور داد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) حضرت بلال رضی الله تعالی عنه را و گفت که حضرت بلال رضی الله تعالی عنه صدای بلند دارد نسبت به تو، می گردانید رویش را در وقت حی علی الصلاة به طرف راست، و در وقت حی علی الفلاح به طرف چپ، و پاها در جای خودش قرار داشت. و همچنان نقل شده از فعل حضرت بلال رضی الله تعالی عنه زیرا همین نقل خطاب برای تمام مردم است که آنها را متوجه

ساختن به انجام عمل است بر آن، و آنچه که غیر از اینها است او عبارت از تکبیر و تهلیل است، تکبیر بمعنی الله اکبر گفتن یعنی الله (جل جلاله) بزرگ است، تهلیل یعنی لا إله الا الله محمد رسول الله است یعنی گواهی دادن بر اینکه نیست کسی لائق عبادت و بنده گی به جز یک ذات واحد و لاشریک و حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) فرستاده الله (جل جلاله) است. مصنف رحمه الله گفت: بین اذان و اقامت نشسته میشود در تمام نماز ها به جز نماز شام، صاحبین گفتند که در نماز شام هم نشست سبک شده میتواند؛ زیراکه فاصله آوردن در بین اذان و اقامت در تمام نماز ها سنت است، مگر اینکه در نماز شام یک جلسه سبک به شرط اینکه از تأخیر کردن پرهیز شود کفایت میکند. نظر امام ابو حنیفة رحمه الله چنین است: مستحب است تیزی کردن و وقفه نه آوردن بین اذان و اقامت و در ایجاد جلسه میان اذان و اقامت تأخیر میآید، و فاصله آوردن به مقدار تلاوت سه آیت قرآن کریم توسط سکون نیز حاصل میگردد. و این روایت حسن بن زیاد رحمه الله از امام ابو حنیفه رحمه الله است، و با تبدیل کردن جای نیز فاصله حاصل میگردد. خوش آوازی، تلحین یعنی با آهنگی موسیقی اذان دادن مکروه میباشد؛ زیراکه این کار بدعت است، و قتیکه گفته شود حی علی الصلاة امام و جماعت استاده شود بخاطر اجابت برای دعاء، و قتیکه قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ گفته شد تکبیر گفته شود، از جهت تصدیق برای او، زیراکه تکبیر امانت شریعت است، از امام ابو یوسف رحمه الله نقل است: امام تکبیر احرام را نگوید تا و قتیکه مؤذن از تکبیر فارغ نشود تا اینکه مؤذن تکبیر احرام را دریافت کند، اگر امام یا مؤذن غایب باشند تا حاضر نشوند قیام نکنند. لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: «لَا تَقُومُوا حَتَّى تَرَوْنِي قُومْتُ مَقَامِي». ترجمه: از جهت قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «تا زمانیکه من را ندیدید که در مقام خود ایستاده نشده ام ایستاد نشوید»؛ زیرا اینکه کدام فایده در ایستاده شدن نیست. برای نمازهای فوت شده اذان و اقامت هر دو داده میشود، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) چنین فعل کرده هنگامیکه نماز صبح شان در شب عروسی فوت شده بود. مصنف رحمه الله گفت: پیش از دخول وقت اذان گفته نشود؛ زیراکه اذان بخاطر اعلان و خبر است که در وقت آن مشروع شده. در قبل از وقت اذان گفتن راه گم کردن است، و اگر قبل از وقت اذان گفته شد باید دو باره اعاده گردد، امام ابویوسف رحمه الله گفت: به طور خاص اگر قبل از دخول در نماز صبح اذان گفته شود دو باره اعاده نمی گردد؛ زیراکه حضرت بلال رضی الله تعالی عنه در شب اذان گفته است. وَلَنَا قَوْلُهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ لِبَلَالٍ: «لَا تُؤَدِّنْ حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكَ الْفَجْرُ هَكَذَا وَمَدَّ يَدَهُ عَرْضًا»، ترجمه: دلیل برای ما قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) است برای حضرت بلال رضی الله تعالی عنه فرمودند: «اذان نگوید تا و قتیکه روشن نشود برای تو صبح صادق و دراز کرد دست خود را اینچنین». و اذان حضرت بلال رضی الله تعالی عنه برای نماز نبود، لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: «إِنَّ بِلَالَ لَا يُؤَدِّنْ بِلَيْلٍ لِيَرْكَعَ قَائِمُكُمْ، وَيُوقِظَ نَائِمُكُمْ، وَيَسْحَرَ صَائِمُكُمْ». ترجمه: از جهت قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم): «یقیناً حضرت بلال اذان می گوید در شب تا

رکوع کند ایستاده شما، و بیدار شود خوابیده شما سحر خیزی کند روزه دار شما»، سخن در اذان برای نماز است. مصنف رحمه الله گفت: در جریان اذان و اقامت سخن گفته نشود، و جواب سلام داده نشود؛ زیرا که این کار در تعظیم پروردگار خلل واقع نموده و نظم را تغییر میدهد، اذان و اقامت با طهارت گفته شود؛ زیرا که این کار یک ذکر است، پس مستحب است که با طهارت گفته شود مانند تلاوت قرآن کریم، که بدون طهارت درست نیست، اگر مؤذن بدون طهارت اذان گفت جایز است همرا با کراهیت از جهت حصول مقصد، بعضی گفته است که اذان بدون طهارت مکروه نیست، بعضی دیگر میگویند که اقامت نیز بدون طهارت مکروه نیست، اما قول صحیح این است که مکروه است، تا اینکه میان اقامت و نماز فاصله ایجاد نشود، اگر اذان و اقامت را بدون طهارت گفت اعاده نکند. اگر اذان گوینده: شخص جنب، طفل که عقل نداشته باشد، دیوانه، مست و زن باشد مستحب است که اذان اعاده گردد، بخاطریکه اذان و اقامت باید به طریقه سنت گفته شود. اقامت اعاده نمی شود زیرا که تکرار آن مشروع نیست، اذان را نشسته گفتن مکروه است؛ زیرا که خلاف سنت است که به ما میراث مانده. اگر شخص اذان گوینده فاجر باشد، یا در مقابل اذان اجوره بگیرد امام ابوحنیفه رحمه الله اذان آنها را مکروه دانسته است. مستحب است که شخص اذان گوینده انسان نیک عمل، پرهیزگار، عالم به سنت، به اوقات نماز و برآن مواظبت کند، باشد. و الله اعلم.

مطلب اول: شرح کلمات و اصطلاحات فقهی

فرع اول: اذان: اذن، اذان، مفرد است، و مصدر آن اذِن است به معنی اعلان و بلند نمودن صدا توسط الفاظی معلوم و مأثور برای انجام نماز در اوقات تعیین شده آن است. اذان را امام مسجد بلند میکند. اذان دو نوع است: یکی اذان برای نماز است و یکی اذان برای اقامه نماز است (66).

فرع دوم: واجب: عبارت از آنست که: انجام آن از طرف شارع لازم است، به طوریکه با ترک آن مورد نکوهش و بدگویی قرار می گیرد همراه با نکوهش و بدگویی و مجازات، و انجام دهنده آن مورد ستایش قرار می گیرد همراه با ستایش و ثواب (67).

فرع سوم: ترتیل: عبارت از تلاوت قرآن کریم با آرامش خاطر و آهسته و با فهم و بدون عجله و به هر حرف از حروفی قرآن کریم حق و مستحق آنرا دادن، ترتیل گفته میشود؛ زیرا که قرآن کریم به

(66) عبدالحمید عمر، د أحمد مختار، معجم اللغة العربية المعاصرة، متوفی: 1424، طبع اول، سال: 1429هـ، 2008م، الناشر عالم الکتب، (78/1).

(67) زیدان، د. عبدالکریم، الوجیز فی اصول فقه، طبع جدید، سال: (2004م)، صنعاء، ناشر: مکتبه فاروقیه، (27).

همین طور نازل شده است: قال الله تعالى: {وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا} (68). «وما قرآن کریم را قسمت به قسمت و آرام آرام (توسط حضرت جبرئیل علیه السلام، بر تو فرو می خوانیم».

فرع چهارم: حدر: عبارت از به سرعت تلاوت کردن قرآن کریم همراه با رعایت احکام تجویدی آن (69).

فرع پنجم: بدعت: هر آن چیزیکه بعد از پیغمبر خدا (صلی الله علیه وسلم) پیدا شده بدعت است، هر آنچه که موافق اصول و قواعد سنت حضرت پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) باشد و قیاس کرده شده باشد آنرا بدعت حسنه گفته میشود و هر آن چیزیکه مخالف اصول و قواعد سنت حضرت پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) باشد آنرا بدعت سیئه و ضلالت گفته شده است (70).

مطلب دوم: تخریج احادیث و آثار

فرع اول: تخریج حدیث: اذان و اقامت: (اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ...):

درجه حدیث: البانی رحمه الله حسن صحیح گفته است.

سجستانی، سنن أبی داود، باب کیف الأذان، شماره حدیث: (499)، (187/1).

درجه حدیث: ابن ماجه رحمه الله حسن صحیح گفته است.

ابن ماجه، سنن ابن ماجه، (2) باب الترجیع فی الأذان، شماره حدیث: (709)، (235/1).

فرع دوم: تخریج حدیث: (عَلَّمَهُ بِلَالًا فَإِنَّهُ أُنْدَى مِنْكَ صَوْتًا):

درجه حدیث: البانی رحمه الله صحیح گفته از طریق نقل.

ابن خزيمة، صحیح ابن خزيمة، باب الترجیع الأذان مع تثنية الإقامة، شماره حدیث: (379)، (196/1).

فرع سوم: تخریج حدیث: (أَنَّ عَلَيْهِ الصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ - لَقِّنَ أَبَا مَخْذُومَةَ الْأَذَانَ وَأَمَرَهُ بِالترْجِيعِ):

درجه حدیث: البانی رحمه الله حسن صحیح گفته است.

أبو داود، سنن أبو داود، 28- باب كيف الأذان، شماره حدیث: (502)، (191/1).

فرع چهارم: تخریج حدیث: (أَنَّ بِلَالَ أَتَى بَابَ حُجْرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِيُعَلِّمَهُ بِصَلَاةِ الْفَجْرِ وَهُوَ رَاقِدٌ، فَقَالَ: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا أَحْسَنَ هَذَا، اجْعَلْهُ فِي أَدَانِكَ):

(68) سورة الفرقان، آية: 32.

(69) الحفيان، أحمد محمود عبد السميع الشافعي، الوافي في كيفية ترتيل القرآن الكريم (شرح واف لمتني الجزرية وتحفة الأطفال)، باب التجويد، طبع اول: (1421هـ - 2000م)، دار الكتب العلمية - بيروت، (93/1).

با جستجوی زیاد حدیث مذکور در کتب احادیث یافت نشد اما در کتاب طبرانی، مسند الشامیین، شماره حدیث: (1254)، (236/2)، و حنفی، المحيط البرهانی فی الفقه النعمانی فقه الإمام أبي حنيفة رضي الله عنه، الفصل السادس عشر فی التغنی و الألحان، (343/1)، و حنفی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، فصل بیان کیفیتة الأذان، (148/1) ذکر شده است.

فرع پنجم: تخریج حدیث: (لَا تُؤَدُّنَّ حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكَ الْفَجْرُ هَكَذَا وَمَدَّ يَدَهُ عَرْضًا):

درجه حدیث: البانی رحمه الله حسن گفته است.

أبو داود، سنن أبو داود، 41 - باب فی الأذان قبل دخول الوقت، شماره حدیث: (534)، (147/1).

مطلب سوم: تخریج قواعد و ضوابط فقهی

قاعده: (قَاعِدَةٌ مُخَالَفَةُ الْإِذْنِ)، تَكَرَّرَ الْأَذَانُ:

ترجمه: (قاعده مخالفت کردن از رخصت، تکرار اذان):

دو اذان یکجا گفته نمی شود مگر در یک صورت بنا بر یک قول: وقتیکه اذان داده شد برای نماز قضائی قبل از زوال و نماز را تکمیل نمود و زوال آفتاب هم رفع گردید باز دو باره البته اذان میگوید برای نماز ظهر. چند صورت دیگر دارد:

1- اگر تأخیر کرد اذان وقتی را إلى آخر وقت، اذان گفت و نماز خواند پس وقتیکه نماز را تکمیل کرد که وقتی نماز دیگر شروع شد پس اذان میگوید برای آن نماز و کوتاهی کرده امام نووی رحمه الله بر درک این صورت.

2- وقتیکه نزدیک شد بین نماز وقتی و نماز قضائی و مقدم کرده شد نماز قضائی را نسبت به نماز وقتی پس در اذان آن چند قول است، اما در نماز فرضی صحیح همین است که اذان گفته شود در صورتیکه فاصله زیاد در بین شان بیاید.

3- وقتیکه تأخیر شد نماز ظهر برای تمام مسافرین در سفر بدون نیت باز إرادة تقدیم نماز عصر را کردند پس اذان گفته اند برای نماز عصر وقتیکه برای نماز عصر اذان گفتند، برای نماز فوت شده هم اذان گفته میشود بنا بر آن چیزیکه اهل عراق ترجیح داده اند و امام نووی رحمه الله هم از ایشان پیروی کرده است(71).

(70) التهانی، محمد بن علی ابن القاضی محمد حامد بن محمد صابر الفاروقی الحنفی، موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، طبع اول، سال: (1996م)، ناشر: مكتبة لبنان ناشرون- بيروت، (314/1).

(71) زرکشی، أبو عبد الله بدر الدين محمد بن عبد الله بن بهادر، المنتور في القواعد الفقهية، تکرار الأذان، الطبعة: الثانية، 1405 هـ - 1985 م، وزارة الأوقاف الكويتية، (111/1).

مبحث پنجم: فرض های خارجی نماز

این مبحث دارای چهار مطلب میباشد:

متن (المختار للفتوی)

بَابُ مَا يُفْعَلُ قَبْلَ الصَّلَاةِ وَهِيَ سِتُّ فَرَائِضَ: طَهَارَةُ الْبَدَنِ مِنَ النَّجَاسَاتَيْنِ، وَطَهَارَةُ التَّوْبِ، وَطَهَارَةُ الْمَكَانِ، وَسُتْرُ الْعَوْرَةِ، وَاسْتِقْبَالُ الْقِبْلَةِ، وَالنِّيَّةُ، وَعَوْرَةُ الرَّجُلِ مَا تَحْتَ سُرَّتِهِ إِلَى تَحْتِ رُكْبَتَيْهِ، وَكَذَلِكَ الْأُمَّةُ وَبَطْنُهَا وَظَهْرُهَا عَوْرَةٌ، وَجَمِيعُ بَدَنِ الْحُرَّةِ عَوْرَةٌ إِلَّا وَجْهَهَا وَكَفَّيْهَا؛ وَفِي الْقَدَمِ رِوَايَتَانِ، وَمَنْ لَمْ يَجِدْ مَا يُزِيلُ بِهِ النَّجَاسَةَ صَلَّى مَعَهَا وَلَمْ يُعِدْ، وَمَنْ لَمْ يَجِدْ تَوْبًا صَلَّى عُريَانًا قَاعِدًا مُؤْمِيًا، وَهُوَ أَفْضَلُ مِنَ الْقِيَامِ، وَمَنْ كَانَ بِحَضْرَةِ الْكَعْبَةِ يَتَوَجَّهُ إِلَى عَيْنِهَا، وَإِنْ كَانَ نَائِيًا عَنْهَا يَتَوَجَّهُ إِلَى جِهَتِهَا، وَإِنْ كَانَ خَائِفًا يُصَلِّي إِلَى أَيِّ جِهَةٍ قَدَرَ، وَإِنْ اشْتَبَهَتْ عَلَيْهِ الْفِئْلَةُ وَلَيْسَ لَهُ مَنْ يَسْأَلُهُ اجْتَهَادًا وَصَلَّى وَلَا يُعِيدُ (ف) وَإِنْ أَخْطَأَ، فَإِنْ عَلِمَ بِالْخَطَأِ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ اسْتَدَارَ وَبَنَى، وَإِنْ صَلَّى بِغَيْرِ اجْتِهَادٍ فَأَخْطَأَ أَعَادَ، وَيُنَوِّي الصَّلَاةَ الَّتِي يَدْخُلُ فِيهَا نِيَّةً مُتَّصِلَةً بِالتَّحْرِيمَةِ، وَهِيَ أَنْ يَعْلَمَ بِقَلْبِهِ أَيَّ صَلَاةٍ هِيَ وَلَا مُعْتَبَرَ بِاللِّسَانِ، وَإِنْ كَانَ مَأْمُومًا يُنَوِّي فَرَضَ الْوَقْتِ وَالْمُتَابِعَةَ(72).

ترجمه متن (المختار للفتوی)

باب در مورد افعال است که قبل از نماز انجام میشود، او افعال شش فرض است، پاکی بدن از نجاست غلیظه (سخت) و خفیفه (سبک)، پاکی لباس، پاکی جای، پوشانیدن عورت، روبه طرف قبله و نیت میباشد. عورت مرد از زیر ناف شروع الی زیر زانو ها میباشد، همچنان کنیز شکم و پشت آن عورت است، تمام بدن زن آزاد عورت است، مگر روی و کف دست های آن عورت نیست، در قدم های آن دو روایت است، کسیکه پیدا نکرد چیزی را که نجاست را از بین ببرد بخواند نماز را و دو باره نماز خود را اعاده نکند. کسیکه لباس پیدا نکرد نماز خود را برهنه نشسته و به اشاره بخواند، نشسته خواندن بهتر است از ایستاده شدن کرده، کسیکه در کعبه حضور داشته باشد خود را متوجه به عین کعبه کند، و اگر از کعبه دور باشد خود را متوجه به جهت کعبه کند، اگر شخص نماز گذار ترسو باشد نماز بخواند به هر طرف که قادر باشد، اگر شخص نماز گذار قبله را اشتباه کرد و کسی را پیدا نکرد که از او پرسان کند اجتهاد نموده نماز بخواند اگر در صورتیکه قبله را خطا کرده باشد دو باره اعاده نمی کند. پس اگر به خطاء خود فهمید در حالیکه در نماز بود بگرداند روی خود را بسوی قبله و به نماز خود ادامه دهد، اگر نماز خواند بدون اجتهاد و کوشش و قبله را خطاء کرده بود

(72) موصلی: الاختیار لتعلیل المختار، (1 / 45 - 48).

نماز خود را دو باره آدا نماید، نیت کند نماز را که داخل میشود در آن نماز، نیت که متصل به تکبیر تحریمه باشد. شخص نماز گذار میدانند با قلب خود کدام نماز است و نیت زبان اعتبار ندارد، اگر اشاره کننده باشد نیت فرض وقتی و متابعت آن را میکند.

ترجمه متن (الإختیار لتعلیل المختار)

باب در مورد افعال است که قبل از نماز انجام میشود، که شش فرض است، پاکی از نجاست ها، پاکی لباس، پاکی جای، پوشانیدن عورت، روبه طرف قبله و نیت میباشد، اما رابطه به پاکی بدن پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: **فَلِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ امْرِئٍ حَتَّى يَضَعَ الطَّهُورَ مَوَاضِعَهُ»**. ترجمه: قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) است که فرمودند: «قبول نمی کند الله (جل جلاله) نماز شخصی را که تا طهارت را در جای خود قرار ندهد». یقیناً نماز موجب طهارت و پاکی از نجاست حکمی است، **وَقَوْلُهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: «اغسلي عنك الدَّمَّ وَصَلِّي»**. ترجمه: قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) است فرمودند: «پاک کنید از خود خون را و نماز بخوانید»، موجب پاکی از نجاست حقیقی است، اما پاکی لباس: **فَلِقَوْلِهِ تَعَالَى: {وَتِيَابِكُمْ فَطَهِّرْ}**(73). ترجمه: (و جامه خویش را پاکیزه دار). اما پاکی جایی: **فَلِقَوْلِهِ تَعَالَى: {وَطَهِّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ}**(74). ترجمه: قول تعالی: (و خانه ام را برای طواف کننده گان و قیام کننده گان و رکوع برندگان و سجده برندگان تمیز و پاکیزه گردان). و اما رابطه به پوشانیدن عورت: **فَلِقَوْلِهِ تَعَالَى: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»**(75). ترجمه: (ای آدمی زادگان! در هر نماز گاه و عبادت گاهی، خود را با لباس مادی که عورت شما را بپوشاند، و با لباس معنوی که تقوا نام دارد بیارائید). ائمه تفسیر رحمه الله گفتند: لباس همان چیزی است که عورت را بپوشاند، مستحب همین است که در سه لباس نماز بخواند، قمیص، إزار و عمامه و اگر در یک لباس نماز خواند که تمام بدن را بپوشاند درست است، **قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (أَوْ كُلُّكُمْ يَجِدُ تَوْبِينَ؟)**. ترجمه: پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) گفت: (آیا تمام شما میآید دو لباس؟)، هنگامیکه سوال شد از نماز خواندن در یک لباس. **وَقَالَ أَبُو الدَّرْدَاءِ: «صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي تَوْبٍ وَاحِدٍ مُتَوَشَّحًا بِهِ فَدَخَلَ بَيْنَ طَرَفَيْهِ»**. ترجمه: حضرت أبو درداء رضی الله تعالی عنه گفت: «نماز داد برای ما رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در یک جامه که دو سر آن از هم جدا بود». برای زن جائز نیست مگر اینکه بپوشاند سر و تمام بدن خود را توسط یک لباس، نماز خواندن در یک تومبان طوریکه روایت شده است مکروه میباشد: **(أَنَّ عَلَيْهِ الصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ نَهَى أَنْ يُصَلِّيَ الرَّجُلُ فِي تَوْبٍ لَيْسَ عَلَى عَاتِقِهِ مِنْهُ شَيْءٌ)**. ترجمه: «یقیناً پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) مردی را از نماز

(73) سورة المدثر، آية: 4.

(74) سورة الحج، آية: 26.

خواندن در لباسیکه در شانه اش چیزی نیست نهی کرده است». امام أبو حنیفه رحمه الله گفت: نماز خواندن در تومبان مشابهت به فعل اهل جفا دارد، و در لباس که بدن توسط آن پوشانده شود از جفا دور است، و در جامه و چادر عادت مردم است، مصنف رحمه الله گفت: عورت مرد از زیر ناف تا جایکه از زانو ها تجاوز نکند، وَقَوْلُهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (الرُّكْبَةُ مِنَ الْعَوْرَةِ). ترجمه: قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم): «زانو ها از جمله عورت است»؛ زیرا که زانو ها جایی ملاقات استخوان های ساق و ران است، پس میگوییم که احتیاطاً عورت است، کنیز هم همین طور است، بلکه اولی این است که شکم و پشت کنیز عورت است؛ زیرا که موضوع خواست و تمایل است، پس مشابهت دارد به آنچه که مابین ناف و زانو است، مکاتبه، مدبره، و ام ولد مانند کنیز است. مصنف رحمه الله گفت: تمام بدن زن آزاد عورت است، قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (الْحُرَّةُ عَوْرَةٌ مَسْئُورَةٌ). ترجمه: پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) گفت: «زن آزاد تمام بدن آن عورت و پوشیده است»، مگر روی آن و کف دست های آن. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: {وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا} (76). ترجمه: «و زینت خویش را (همچون سر، سینه، بازو، ساق، گردن، زیوری که حلقه ای بوده زنان در دست و مچ پای میبندن، گردن بند، بازوبند و غیره را نمایان نسازند)، مگر آن مقدار (از جمال خلقت، مانند روی و انگشتان دست ها)، و آن چیزیکه از وسائل زینتی: (مانند لباس و انگشتری و سرمه و حنا) که (طبیعی) پیدا می گردد. حضرت عبدالله ابن عباس رضی الله تعالی عنهما گفت: سرمه و انگشتر از جمله ضروریات ایجاد زینت پیدایش موضوع و محل آن است، پس سرمه زینت روی است، انگشتر زینت دست است؛ زیرا که در وقت معامله و یا عقد نکاح ضرورت به کشف و ظاهر ساختن آن است، و در قدم ها دو روایت است، روایت صحیح آن است که پایها در نماز عورت نیست، اما در خارج از نماز عورت است، اگر در جریان نماز بازو های زن برهنه شد نماز آن درست است؛ زیرا که او از جمله زینت که ظاهر میگردد دستبند یا انگواست. ضرورت به گرفتن آن در وقت خدمت از جمله آشپزی و نان پخته کردن است، و ستر کردن او بهتر است، و عورت دو نوع است، یکی عورت غلیظه: (بد و زشت، دیگری عورت خفیفه یا سبک میباشد)، پس مانع از عورت غلیظه آنچیزی است آشکار گردد زیاده از اندازه یک درهم، و در عورت خفیفه چهارم حصه عضو است طوری که در نجاست چنین است، یعنی در نجاست غلیظه یا سخت زیاده از یک درهم باشد ممانعت است اما در نجاست سبک زیاده از چهارم حصه عضو باشد ممانعت است. ذکر یا آله مردانگی خودش به تنهای یک عضو است، و همچنان آله زنانه خودش به تنهای یک عضو است. مصنف رحمه الله گفت: کسیکه در یافت نکرد چیزی را که توسط آن نجاست را دور کند همراه با همان نجاست نماز خود را بخواند دو باره اعاده نکند؛ زیرا که

(75) سورة الأعراف، آیه: 31.

(76) سورة النور، آیه: 31.

تکلف به اندازه توان است، اگر چهارم حصه لباس پاک بود و یا بیشتر از آن نماز بخواند و برهنه نماز نخواند؛ زیرا که چهارم حصه قایم مقام کل است شرعاً طوریکه تعریف شده، و اگر کمتر از چهارم حصه لباس پاک باشد نزد امام محمد رحمه الله نماز بخواند توسط آن؛ زیرا که او یک فرض را ترک نموده است، و اگر به طور برهنه نماز بخواند چندین فرض ترک میشود، صاحبین گفتند که نماز گذار در این حالت اختیار دارد که نماز را می خواند یا نمی خواند، بهتر است نماز خواندن توسط همان لباس که کمتر از چهارم حصه پاک است؛ زیرا که هر واحد از نماز که به طور برهنه خوانده میشود همراه با نجاست منع است نزد صاحب اختیار رحمه الله، مگر او وقتیکه نماز خواند در لباس نجس که عورتش پوشیده بود و ستر عورت واجب است در نماز و خارج از نماز پس این اولی و بهتر است. اگر کسی لباس را دریافت نکرد بهتر است که برهنه، نشسته و با اشاره نماز بخواند و این بهتر است نسبت به ایستاده شدن، چونکه به دو مصیبت مبتلا شده است، پس هر کدام را که می خواست انتخاب کند، مگر نشسته اگر نماز خواند بهتر است؛ زیرا که اشاره عوض از ارکان است نه عوض از ستر عورت، به همین طور نماز خواندن از صحابه کرام رضوان الله تعالی علیهم اجمعین روایت کرده شده است: اما استقبال قبله یعنی روبرو شدن به طرف قبله قول تعالی: ﴿قُولُوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ﴾⁽⁷⁷⁾. ترجمه: «روهای خویشتن را (به هنگام نماز) به جانب آن کنید). کسیکه شهروند مکه باشد توجه میکند به عین کعبه، اگر از مکه دور باشد توجه میکند به جهت کعبه، از جهت قایم شدن جهت در وقت عاجزی در مقام عین کعبه؛ زیرا که تکلف به اندازه طاقت و توان است. مصنف رحمه الله گفت: اگر ترسنده باشد نماز بخواند به هر طرف که قادر باشد، لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَنَمَّ وَجْهُ اللَّهِ﴾⁽⁷⁸⁾. ترجمه: «به هر سوی که روی کنید خدا آنجا است». ترس از دشمن، حیوان درنده، چوب در بحر، به ترس اینکه اگر رو به قبله ایستاده شده غرق شود. از جهت وجود عذر که واقع شده است. در تمام این صورت ها عجز و ناتوانی متحقق شده بخاطر عذر. و قبله محل کعبه و هوا از کعبه الی آخرین نقطه آسمان است. اعتبار در بنا نیست؛ زیرا که بنا نقل داده شده است. و جایز نیست نماز خواندن بسوی سنگ کعبه که به جای دیگر نقل داده شده باشد، و اگر نماز خواند بر کوهی که از کعبه بلند باشد، جایز است، پس دلالت میکند بر اینکه اعتبار بر بناء ندارد. مصنف رحمه الله گفت: اگر اشتباه شد بر شخص نماز گذار قبله و کسی نبود که از او در باره قبله سوال کند، اجتهاد نموده و نماز خود را بخواند، اگر در صورتیکه خطاء کرده باشد دو باره نماز خویش را اعاده نمی کند. طوریکه روایت شده است: لِمَا رُوِيَ «أَنَّ جَمَاعَةً مِنَ الصَّحَابَةِ اسْتَبْهَتَ عَلَيْهِمُ الْوَيْلَةُ فِي أَيْلَةٍ مُظْلِمَةٍ، فَصَلَّى كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ إِلَى جِهَةٍ وَخَطَّ بَيْنَ يَدَيْهِ خَطًّا، فَلَمَّا أَصْبَحُوا وَجَدُوا الْخُطُوطَ إِلَى غَيْرِ الْوَيْلَةِ،

(77) سورة البقرة، آية: 144.

(78) سورة البقرة، آية: 115.

فَأَخْبِرُوا بِذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: تَمَّتْ صَلَاتُكُمْ». ترجمه: روایت کرده شده است: «جماعه از صحابه کرام در یک شب تاریک قبله برایشان اشتباه شد، هر کدام ایشان نمازهای شان را به یک طرف خواندن و و پیش روی خود را خط کشیدن. وقتیکه صبح کردند دیدن که خط ها به سوی غیر قبله کشیده شده است، پس صحابه کرام به آن خط های اشتباه شده رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را خبر دادن، پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) برایشان گفتند که نماز های شما تمام شده است». وَفِي رِوَايَةٍ: (لَا إِعَادَةَ عَلَيْكُمْ)⁽⁷⁹⁾. ترجمه: در روایت دیگر چنین آمده است: «نیست دو باره اعاده کردن نماز برای شما». واجب در نماز توجه کردن به طرف با تحری و فکر کردن است، زیرا که تکلیف به اندازه توان است. مصنف رحمه الله گفت: اگر به خطا خود دانست در حالیکه در نماز بود دور بدهد خود را بسوی قبله و نماز خود را بخواند، لِمَا رُوِيَ: (أَنَّ أَهْلَ قُبَاءٍ لَمَّا بَلَغَهُمْ نَسْخُ الْقِبْلَةِ وَهُمْ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ اسْتَدَارُوا إِلَيْهَا). طوریکه روایت شده: «یقیناً اهل قباء هنگامیکه تبدیل قبله برایشان رسید در حالیکه آنها در جریان أداء نماز صبح بودند دور دادند خود را بسوی قبله»، هنگامیکه تحویل قبله را دانستن رویی های خود را بسوی آن قبله فرض شده گردانیدن، پس خود را دور دادن بسوی آن؛ زیرا که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فعل اهل قباء را خیلی خوب دانست و امر به دو باره اعاده کردن نکرد. اگر نماز بدون اجتهاد و کوشش خوانده شد پس اگر خطا کرد بود دو باره نماز خویش را اعاده کند، و همچنان اگر کسی بود که از او پرسان میکرد اما پرسان نکرد از تحویل قبله؛ زیرا که شخص نماز گذار ترک نموده واجبی را توسط تحری و سوال کردن، پس اگر دانست که او بر حق است، پس دوباره اعاده نکند از جهت وجود توجه کردن به سوی قبله، اگر شروع کرد نماز را بدون تحری و فکر کردن، باز دانست در نماز که برحق است تکبیر تحریمه را از آغاز دو باره میگیرد، و امام أبویوسف رحمه الله گفت نماز اش تمام شده است؛ زیرا که اگر قطع کند نماز خود را و از سر بگیرد کدام فایده در آن نیست دلیل برای صاحبین: یقیناً حال نماز گذار بعد از دانستن قویتر است برای یقین حاصل شدن به سوی قبله، و بناء قوی بالای ضعیف جایز نیست، و از همین جهت ما گفتیم: اشاره کننده هنگامیکه قادر به رکوع و سجده کردن پیدا کرد بناء نکند؛ زیرا بناء قوی بالای ضعیف میشود طوریکه در اینجا است، کسی اجتهاد و کوشش خود را بخاطر أداء نماز بسوی جهت قبله انجام داد، پس اگر نماز خواند بسوی غیر آن نماز خواند پس نماز اش فاسد شده است، اگر دانست که یقیناً آن نماز گذار به قبله رسیده. و امام أبویوسف رحمه الله گفت این جایز است، بخاطریکه مقصد نماز گذار رسیدن به قبله است برایش حاصل شده است. صاحبین رحمهما الله به این نظر هستند که نماز گذار فرض را ترک نموده که لازم برای او بوده در هنگام شروع نماز که او عبارت از أداء نمودن نماز بسوی محل که فکر و تحری شده است، پس گردید ترک تحری و فکر کردن رابطه به محل قبله به

(79) موصلی، الاختیار لتعلیل المختار، کتاب الصلاة، (51/1).

مانند ترک نیت و امثال آن. وَأَمَّا النِّيَّةُ فَلِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّةِ). ترجمه: اما رابطه به نیت قول علیه الصلاة والسلام است: «دار مدار هر عمل موقوف بر نیت است»؛ زیرا که اخلاص نیست مگر با نیت، و ما امر شدید به اخلاص: قَالَ تَعَالَى: {وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ} (80)، ترجمه: قال الله تعالى: «در حالی که جز این برایشان دستور داده نشده است که مخلصانه و حقگرایانه خدای را بپرستند و تنها شریعت او را آئین (خود) بدانند». مصنف رحمه الله گفت: نماز گذار که متصل تکبیر تحریمه داخل نماز میشود نیت خود را میکند، و او توسط قلب خود میداند که کدام نماز است و نیت به زبان اعتبار ندارد»، زیرا که نیت عمل قلبی است. امام محمد بن حسن (81) رحمه الله گفت: نیت توسط قلب فرض است و یاد آوری آن توسط زبان سنت است و جمع کردن میان آن هر دو بهتر است، و احتیاطاً در هنگام شروع کردن نماز نیت کند، بخاطریکه با تکبیر آمیخته میشود، چنانچه که امام طحاوی رحمه الله گفته است. و از امام محمد رحمه الله برای کسیکه خارج از منزل اش میخواهد نماز فرض را در جماعت اداء کند، پس وقتی که به امام رسید امام تکبیر گفت اما نیت خود را حاضر ننمود، جایز است؛ زیرا که شخص نماز گذار باقی است بر نیتش توسط پیش شدن بر چیزی که متحقق شده است آنچیزی را که نیت کرده است، اگر ادای نفل را میخواست کفایت میکند نیت اصلی نماز، و در نماز قضایی تعیین کردن فرض حتمی است، و در نماز وقتی فرض همان وقت یا پیشین همان وقت را نیت میکند، و اگر اشاره کننده باشد فرض وقتی و متابعت آن فرض وقتی را نیت میکند، یا نیت میکند شروع کردن در نماز امام و یا نیت إقتداء را میکند در نماز اش به امام.

مطلب اول: شرح کلمات و اصطلاحات فقهی

فرع اول: فرض: در لغت قطع و تقدیر را گفته میشود، در اصطلاح عبارت از حکمی است که به دلیل قطعی لازم الاتباع است و حکم آن این است که ترک کننده آن بدون عذر مستحق عذاب و منکر آن کافر است (82).

(80) سوره، البینة، آیه: 5.

(81) أحمد الكواکبي (1054 - 1124 هـ) (1644 - 1712 م) احمد بن محمد بن حسن بن احمد الكواکبي الحلبي. عالم و فقيه است که در حلب تولد شده و در آنجا بزرگ شده است و مسولیت فتوی را طبق مذهب حنفی در قسطنطنیه بدوش داشته و در آنجا وفات نموده است. از جمله تصنیفات ایشان: حاشیه علی جزء النبا، حاشیه علنار شاد الطالب لوالده فی الفروع، حاشیه علی الفرائد السنیه لوالده. معجم المؤلفین، عمر بن رضا بن محمد راغب بن عبد الغنی کحالة الدمشق متوفی: (1408 هـ)، مکتبه المثنی - بیروت، دار إحياء التراث العربی بیروت، (90/2).

(82) الحنفی، قاسم بن عبدالله بن امیر علی القونوی الرومی، انیس الفقهاء فی تعریفات الالفاظ المتداوله بین الفقهاء، طبع: (2004م-1424 هـ)، محقق: یحیی حسن مراد، ناشر: دارالکتب العلمیه.

فرع دوم: مکاتبه: ابن الاثیر می گوید که مکاتبه به معنی نوشتن است که مردی به غلام خود از مالی بنویسد که کم کم به او بدهد و اگر بپردازد آزاد می شود، به همین خاطر کتابت نام گذاری شده است که: غلام مقدار پولی را در بدل نفس خود برای مولای خود می نویسد، و مولا در بدل پرداخت پول آن، آزاد شدن غلام را می نویسد، مصدر کتب کتابت است. قول تعالی: {وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا} (83). ترجمه: «کسانی از بردگان تان که خواستار (آزادی خود با) عقد قرار داد شدند، با ایشان عقد قرار داد ببندید اگر خیر (و صلاحیت بر پای خود ایستادن در زندگی آزاد و امانت در پرداخت مقداری کم کم باز خرید) در ایشان را سراغ دیدید». معنی کتاب و مکاتبه این است که: مرد غلام و یا کنیز خود را مکاتبه میکند در مقابل مقدار پولیکه تدریجاً پرداخت نماید، در هر وقت به تدریج به این مقدار اگر کنیز و یا غلام تمام آن مقدار پول مکاتبه شده را پرداخت نمود پس او آزاد میشود. مولا را مکاتب گفته میشود (84).

فرع سوم: أم ولد: وقتی که کنیز از مولای خود طفل به دنیا بیاورد بنام أم ولد گفته میشود، خرید و فروش و در ملکیت خود گرفتن آن درست نیست.. لقله عَلَيْهِ السَّلَامُ «أَعْتَقَهَا وَلَدَهَا» (85)، ترجمه: (کنیز را اولادش آزاد کرده).

فرع چهارم: الأمة: کنیز را گفته میشود که در ملکیت کسی باشد خلاف آزاد است. و جمع آن أم و إماء است. قول تعالی: (وَلَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ) (86). ترجمه: (وبی گمان کنیز مؤمنه بهتر است از زن مشرکه ولو که زیبایی و ثروت او شما را به تعجب بیاورد). در جای دیگر خداوند متعالی فرموده است: (وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ) (87). ترجمه: (مردان و زنان مجرد خود را و غلامان و کنیزان شایسته (ازدواج) خویش را (با تهیه نفقه و پرداخت مهریه) به ازدواج یکدیگر در آورید) (88).

فرع پنجم: الحرة: به معنی زن آزاد، خلاف کنیز است. جمع آن حرائر است. حدیث عُمَرَ: قال رسول الله (صلى الله عليه وسلم): «قال للنساء اللاتي كن يخرجن إلى المسجد لأردنكن حرائر» (89). ترجمه: (برای زنانی که به مسجد می رفتند گفت که شما زنان را البته آزاد می کنم). یعنی برای وقت خود در خانه

(83) سورة النور، آية: 33.

(84) الإفريقي محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين ابن منظور الأنصاري الرويفعي، لسان العرب، متوفى: (711هـ) طبع سوم: سال (1414)، دار صادر- بيروت، (700/1).

(85) العيني، المؤل أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفي بدر الدين متوفى: (855هـ)، البناية شرح الهداية، طبع اول: (1420هـ-2000م)، دار الكتب العلمية - بيروت، لبنان، (93/6).

(86) سورة البقرة، آية: 221.

(87) سورة النور، آية: 32.

(88) حسن عز الدين بن حسين بن عبد الفتاح أحمد الجمل، مخطوطة الجمل - معجم وتفسير لغوي لكلمات القرآن، الطبعة: الأولى، (2003 - 2008م)، الهيئة المصرية العامة للكتاب، مصر، (118/1).

بمانید، پس به مسجد نروید، زیرا حجاب فقط بر زنان آزاد است نه کنیزان. مجموعه زنان آزاد آزاد است(90).

مطلب دوم: توثیق و بیان مسائل

افتتاح نماز متعلق به انجام فرض ها و سنن دارد، پس بدون جمع کردن فرایض فرض صحیح نمی گردد و بدون انجام سنت ها فرض تمام نمی شود. اما شرایط شش گانه از نماز که عبارت از: پاکی بدن، پوشانیدن عورت، استقبال قبله، وقت، نیت و تکبیر افتتاح است. در پنج آن اختلاف نیست لکن در تکبیر افتتاح اختلاف است. پس نزد ابي بکر الأصم(91) شروع نماز به مجرد نیت کردن صحیح میگردد نه تکبیر افتتاح. نماز بدون نیت فاسد میگردد. لَقَوْلِ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ امْرِئٍ حَتَّى يَضَعَ الطَّهْرَ مَوَاضِعَهُ)(92). ترجمه: (قبول نمی کند الله (جل جلاله) نماز شخصی را که تا طهارت را در جای خود قرار ندهد)، و روی خود را به طرف گرداند و الله اکبر بگوید. نزد امام ابوحنیفه و امام محمد رحمهما الله شروع نماز به هر ذکر که ثنای خالص الله (جل جلاله) در آن باشد و بزرگی الله متعالی را بیان کند صحیح میگردد. مثلاً: بگوید که: الله اکبر، الله أعظم و یا هر نام الله (جل جلاله) که همراهی صفت ذکر شود. مانند: الرحمن أعظم، الرحيم أجل یا اینکه الحمد الله بگوید، سبحان الله یا لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ برابر است که تکبیر را زیبا کند یا نکند نماز صحیح میگردد. نزد امام ابویوسف رحمه الله تکبیر شرعی نمی گردد تا زمانیکه از الفاظ تکبیر مشتق نشده باشد و این سه الفاظ است: الله أكبر، الله الأكبر و الله الكبير(93).

مطلب سوم: تخریج آحادیث و آثار

فرع اول: تخریج حدیث: (لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ امْرِئٍ حَتَّى يَضَعَ الطَّهْرَ مَوَاضِعَهُ):

بخاری، صحیح البخاری، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، محقق محمد زهیر بن ناصر الناصر، باب في الصلاة، شماره حدیث: (6954)، طبع اول: (1422)هـ، دار طوق النجاة، (23/9).

(89) أبو السعادات المبارك بن محمد الجزري، النهاية في غريب الحديث والأثر، باب الحاء مع الراء، بيروت، (1399 هـ - 1979 م)، المكتبة العلمية، (931/1).

(90) محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني، أبو الفيض، الملقب بمرتضى، الزبيدي، تاج العروس من جواهر القاموس، دار الهداية، (581/10).

(91) عبدالرحمن بن كيسان، أبوبكر الأصم، در سال: (225 - 840 م)، وفات نموده است، فقيه معتزلی و مفسیر است، دارای فصاحت زبان بوده و کتابهای زیاد تألیف نموده است. موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، محمد بن علي ابن القاضي محمد حامد بن محمد صابر الفاروقي الحنفي التهانوي (المتوفى: بعد 1158 هـ)، طبع اول: (1996 م)، مكتبة لبنان ناشرون - بيروت.

(92) الكاساني، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، شماره حدیث: (130)، (384/1).

(93) سمرقندي، تحفة الفقهاء، باب افتتاح الصلاة، طبع اول: (1414 هـ، 1994 م)، دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، (123/1).

فرع دوم: تخريج حديث: (اغسلي عنك الدم وصلّي):

بخارى، صحيح البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، محقق محمد زهير بن ناصر الناصر، باب الاستحاضة، شماره حديث: (306)، الطبعة: الأولى، (1422هـ)، دار طوق النجاة، (68/1).

مسلم، صحيح المسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري متوفى: (261هـ)، باب المستحاضة و غسلها و صلاتها، شماره حديث: (64)، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي - بيروت، (263/1).

فرع سوم: تخرج حديث: (أو كلُّكم يجدُ ثوبين):

بخارى، صحيح البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، محقق محمد زهير بن ناصر الناصر، باب الصلاة في الثوب والواحد ملتحفا به، شماره حديث: (358)، طبعة اول: (1422هـ)، دار طوق النجاة، (81/1).

مسلم، صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري متوفى: (261هـ)، باب الصلاة في ثوب واحد و صفت لبسه، شماره حديث: (276)، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي - بيروت، (263/1).

فرع چهارم: تخريج حديث: وَقَالَ أَبُو الدَّرْدَاءِ: (صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ مُتَوَشِّحًا بِهِ قَدْ خَالَفَ بَيْنَ طَرَفَيْهِ):

درجه حديث: ابن ماجه رحمه الله حسن گفته است.

ابن ماجه، كفاية الحاجة في شرح سنن ابن ماجه، محمد بن عبد الهادي التتوي، أبو الحسن، نور الدين السندي متوفى: (1138هـ)، باب الصلاة في الثوب الذي يجامع فيه، شماره حديث: (541)، دار الجيل - بيروت، (193/1).

فرع پنجم: تخريج حديث: (أَنَّ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ نَهَى أَنْ يُصَلِّيَ الرَّجُلُ فِي ثَوْبٍ لَيْسَ عَلَى عَاتِقِهِ مِنْهُ شَيْءٌ):

درجه حديث: دارمی رحمه الله إسناد حديث را صحيح گفته است.

الدارمي، سنن الدارمي، أبو محمد عبد الله بن عبد الرحمن بن الفضل بن بهرام بن عبد الصمد الدارمي، التميمي السمرقندي متوفى: (255هـ)، تحقيق: حسين سليم أسد الداراني، باب الصلاة في الثوب الواحد، شماره حديث: (1411)، (2000هـ/1412م)، دار المغني للنشر والتوزيع، (864/2).

فرع ششم: تخريج حديث: (الرُّكْبَةُ مِنَ الْعَوْرَةِ):

درجه حديث: البانی رحمه الله حسن گفته است.

أبو داود، سنن أبو داود، أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني متوفى: (275هـ)، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، باب في قول عز وجل: (وقل للمؤمنيات يغضضن، شماره حديث: (4114)، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت، (64/4).

فرع هفتم: تخریج حدیث: (إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّةِ):

بخاری، صحیح البخاری، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، محقق محمد زهیر بن ناصر الناصر، باب بدء الوحي، شماره حديث: (1)، الطبعة: الأولى، (1422هـ)، دار طوق النجاة، (6/1). مسلم، صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري متوفى: (261هـ)، باب قوله صلى الله عليه وسلم (إنما الاعمال بالنية) وأنه يدخل فيه، شماره حديث: (45)، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي - بيروت، (1514/3).

مطلب چهارم: تخریج قواعد و ضوابط فقهی

القاعدة: (27): (درء المفسد أولى من جلب المنافع):

ترجمه: دفع نمودن مفسد مقدم است نسبت به جلب منافع کرده

توضیح: در اصل شریعت بخاطر جلب منفعت و دفع مفسده آمده است، وقتیکه مصلحت با مفسده در تعارض قرار گیرد دفع مفسده نسبت به جلب منفعت غالباً مقدم کرده میشود؛ زیراکه شریعت به دنبال جلوگیری از فساد است و به حرام بیش از امر به معروف توجه می کند.

اصل این قاعده قول رسول الله (صلى الله عليه وسلم) است که فرمودند: (ما نهيتكم عنه فاجتنبوه، وما أمرتكم به فأتوا منه ما استطعتم)⁽⁹⁴⁾. ترجمه: (آنچه را که شما را نهی کردم از آن دوری کنید و آنچه را که به شما امر کردم تا می توانید انجام دهید).

تطبیقات

- 1- کسی لباسی پیدا نکند باید استنجاء کردن را ترک کند، اگر چی در یک طرف دریا هم که قرار داشته باشد؛ زیراکه نهی از آشکار شدن عورت بر امر رفع نجاست غلبه دارد.
- 2- وقتیکه غسل برای زن واجب گردید و دریافت نکرد کدام لباس یا ستره، باید غسل را به تأخیر بیندازد؛ زیرا اگر زن خود را در معرض مردان قرار دهد، مفسده است از حالت بدون غسل کرده.

استثناءات:

جایز است تقدیم مصلحت بر مفسده در صورتیکه مصلحت بزرگتر باشد:

(94) مسلم، صحیح مسلم، باب توفیره صلى الله عليه وسلم، شماره حديث: (130)، دار إحياء التراث العربي - بيروت، (1829/4).

1- نماز خواندن به جهت غیر قبله، مفسده و حرام است، اگر از روی ناتوانی یا اجبار، رو به قبله ممکن نباشد، واجب است که روی اش را به سمت که روبرو است بگرداند روی خود را و به آن طرف نماز بخواند تا اینکه مقصد نماز با فوت شدن یک شرط نماز که مناسبت ندارد مصلحت آن همراه با مصلحت که مقصد نماز است، فوت نشود.

2- پوشاندن صورت بر زن در حال احرام حرام است و بدون آشکار ساختن چیزی از سری خود ممکن نیست و پوشاندن سر در نماز واجب است پس اگر نماز خواند مصلحت واجب را مراعات کند(95).

مبحث ششم: فرایض داخلی نماز

که این مبحث دارای سه مطلب میباشد

متن (المختار للفتوی)

بَابُ الْأَفْعَالِ فِي الصَّلَاةِ، وَيَنْبَغِي لِلْمُصَلِّي أَنْ يَخْشَعَ فِي صَلَاتِهِ وَيَكُونَ نَظْرُهُ إِلَى مَوْضِعِ سُجُودِهِ، وَمَنْ أَرَادَ الدُّخُولَ فِي الصَّلَاةِ كَبَّرَ، وَيَرْفَعُ يَدَيْهِ لِإِحَادِي إِبْهَامَاهُ شَحْمَتِي (ف) أَدْنِيهِ، وَلَا يَرْفَعُهُمَا (ف) فِي تَكْبِيرِهِ سِوَاهَا، ثُمَّ يَعْتَمِدُ بِيَمِينِهِ عَلَى رُسْغِ يَسَارِهِ تَحْتَ سُرَّتِهِ (ف) وَيَقُولُ: سُبْحَانَكَ (س) اللَّهُمَّ إِلَى آخِرِهِ، وَيَتَعَوَّذُ وَيَقْرَأُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَيُخْفِيهَا (ف)، ثُمَّ إِنْ كَانَ إِمَامًا جَهَرَ بِالْقِرَاءَةِ فِي الْفَجْرِ وَالْأُولَيَيْنِ مِنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ وَفِي الْجُمُعَةِ وَالْعِيدَيْنِ، وَإِنْ كَانَ مُنْفَرِدًا إِنْ شَاءَ جَهَرَ وَإِنْ شَاءَ خَافَتْ، وَإِنْ كَانَ مَأْمُومًا لَا يَقْرَأُ (ف)، وَإِذَا قَالَ الْإِمَامُ: وَلَا الضَّالِّينَ، قَالَ: آمِينَ، وَيَقُولُهَا الْمَأْمُومُ وَيُخْفِيهَا (ف)، فَإِذَا أَرَادَ الرُّكُوعَ كَبَّرَ وَرَكَعَ، وَوَضَعَ يَدَيْهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ، وَيَرْجُ أَصَابِعَهُ وَيَبْسُطُ ظَهْرَهُ، وَلَا يَرْفَعُ رَأْسَهُ وَلَا يُنْكَسُهُ، وَيَقُولُ: سُبْحَانَ رَبِّي الْعَظِيمِ ثَلَاثًا، ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ وَيَقُولُ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، وَيَقُولُ الْمُؤْتَمُّ: رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ (س) ف)، ثُمَّ يُكَبِّرُ، وَيَسْجُدُ عَلَى أُنْفِهِ وَجَبْهَتِهِ وَيَضَعُ رُكْبَتَيْهِ قَبْلَ يَدَيْهِ، وَيَضَعُ يَدَيْهِ حَذَاءَ أَدْنِيهِ (ز) ف)، وَيَبْدِي ضَبْعِيهِ، وَيُجَافِي بَطْنَهُ عَن فَخْذِيهِ، وَلَا يَفْتَرِشُ ذِرَاعِيهِ، وَيَقُولُ: سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى ثَلَاثًا، وَلَوْ سَجَدَ عَلَى كَوْرٍ عِمَامَتِهِ أَوْ فَاضِلٍ ثَوْبِهِ جَازَ، ثُمَّ يُكَبِّرُ وَيَرْفَعُ رَأْسَهُ وَيَجْلِسُ، فَإِذَا جَلَسَ كَبَّرَ وَسَجَدَ، ثُمَّ يُكَبِّرُ وَيَنْهَضُ (ف) قَائِمًا وَيَفْعَلُ كَذَلِكَ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ إِلَّا الْاسْتِقْنَاحَ وَالنَّعُودَ، فَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ مِنَ السَّجْدَةِ الثَّانِيَةِ افْتَرَشَ رِجْلَهُ الْيُسْرَى فَجَلَسَ عَلَيْهَا وَنَصَبَ الْيُمْنَى، وَوَجَّهَ أَصَابِعَهُ نَحْوَ الْقِبْلَةِ، وَوَضَعَ يَدَيْهِ عَلَى فَخْذِيهِ، وَبَسَطَ أَصَابِعَهُ وَتَشَهَّدَ. وَالتَّشَهُدُ: التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ (ف) وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ

(95) د. محمد مصطفی الزحيلي، القواعد الفقهية وتطبيقاتها في المذاهب الأربعة، قاعده(27)، درء المفساد أولى من جلب المنافع، الطبعة: الأولى، 1427 هـ - 2006 م، الناشر: دار الفكر - دمشق، (242-238/1).

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ (ف)، وَلَا يَزِيدُ عَلَى النَّشْءِ فِي الْقَعْدَةِ الْأُولَى، ثُمَّ يَنْهَضُ مُكَبَّرًا وَيَقْرَأُ فِيهِمَا فَاتِحَةَ الْكِتَابِ، وَيَجْلِسُ فِي آخِرِ الصَّلَاةِ، وَيَتَشَهَّدُ وَيُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَيَدْعُو بِمَا شَاءَ مِمَّا يُشْبِهُ أَلْفَاظَ الْقُرْآنِ وَالْأَدْعِيَةِ الْمَأْثُورَةِ، ثُمَّ يُسَلِّمُ عَنْ يَمِينِهِ فَيَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ، وَعَنْ يَسَارِهِ كَذَلِكَ (96).

ترجمه متن (المختار للفتوى)

باب است در مورد افعال که در داخل نماز انجام میشود، و مناسب است برای نماز گذار اینکه در نماز عاجزی نماید، و نظراش به جای سجده باشد، کسیکه اراده داخل شدن در نماز را داشته باشد تکبیر یعنی الله اکبر گفته و دست های خود را بلند نماید، و برابر کند انگشتان بزرگ خود را تا به نرمه گوش ها، و بلند نکند دستان خویش را غیر از همین تکبیر یعنی تکبیر تحریمه، باز دست چپ خود را توسط دست راست خود در زیر ناف بسته نماید، و سُبْحَانَكَ (سف) اللَّهُمَّ را اِلَى آخِرِهِ بگویند، ترجمه: پاک هستی تو ای خدا الی آخر، و تَعُوذُ یعنی أَعُوذُ بِاللَّهِ را بخواند، و بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را بخواند، یعنی شروع میکنم بنام خدای که بخشاینده نعمت ها است در دنیا بر مؤمن و هم بر کافر و بخشاینده گناه ها است در آخرت بر مؤمن نه بر کافر، آهسته میخواند، اگر نماز گذار امام باشد در دو رکعت نماز صبح، دو رکعت نماز شام، دو رکعت نماز خفتن، نماز جمعه و هر دو عید قرائت را بلند میخواند. اگر نماز گذار تنها باشد خواست بلند بخواند و اگر خواست خفیه و یا آهسته بخواند، اگر شخص نماز گذار مقتدی باشد قرائت نمی کند، و قتیکه امام به آیت وَلَا الضَّالِّينَ رسید امام آمین میگوید و نماز گذار ها هم آهسته آمین میگویند، پس و قتیکه اراده رکوع کردن را کرد الله اکبر گفته رکوع کند، و بگذارد دست های خود را بر زانو های خود، و گشاده بگیرد انگشتان دست خود را و هموار بگیرد پشت خود را، سر خود را بلند و پایین نگیرد، و کلمات سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ، یعنی پاک است پروردگار من که بزرگ است را حد اقل سه مرتبه بگوید، باز بلند می نماید سر خود را و میگوید سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، ترجمه: شنید الله (جل جلاله) برای کسیکه حمد او را بجا آرد. و میگویند مقتدی ها: رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، ترجمه: پروردگار ما برای تو است حمد و تعریف و توصیف، باز الله اکبر گفته سجده میکند بر بینی خود، باز به پیشانی و میگذارد زانو های خود را قبل از گذاشتن دست ها، و میگذارد دست های خود را به برابر گوش ها، دور میگیرد بازو و شکم خود را از ران های خود، و هموار نمی کند بازو های خود را، اگر بر بالای عمامه یا لُنْگِی و یا لباس اضافی دیگر سجده کرد جایز است، باز تکبیر گفته و سر خود را بلند میکند و مینشیند، و قتیکه نشست الله اکبر گفته سجده کند، باز الله اکبر گفته بلند میشود به قیام، و چنین فعل را در رکعت دوم انجام میدهد مگر افتتاح و تعوذ نمی

(96) موصلي : الاختيار لتعليل المختار، (1/ 48-54).

گوید، پس وقتی که بلند نمود سر خود را در رکعت دوم از سجده رکعت دوم، هموار میکند پای چپ خود را مینشیند بر بالای آن، و پای راست خود را ایستاده میکند، و روبرو میسازد انگشتان پای راست خود را به سوی قبله، و میگذارد دست های خود را بر بالای ران خود و کشاده میکند انگشتان دست خود را و تشهد میخواند: تشهد یعنی: (التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ (ف) وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ (ف)). ترجمه: «تمام عبادت قولی، تمام عبادت بدنی و تمام عبادات مالی خاص برای الله متعالی است، سلام بر تو ای نبی الله (صلی الله علیه وسلم) و رحمت الله (جل جلاله) و برکات الله (جل جلاله) بر تو باد، سلام برای ما و برای بنده های صالح الله (جل جلاله)، گواهی میدهم که نیست هیچ معبود به جز الله (جل جلاله) و گواهی میدهم که حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) بنده و فرستاده او است»، در قعده اول غیر از تشهد چیزی زیاد نمی کند، باز بلند میشود تکبیر گوینده و میخواند در دو رکعت آخر سوره فاتحه را فقط، و می نشیند در آخر نماز و تشهد را دو باره میخواند و درود میفرستد برای نبی (صلی الله علیه وسلم) و دعاء میکند به آنچه که خواست به آنچه که خواست به آنچه که خواست به الفاظ قرآن کریم و دعا های مأثوره یعنی دعاهایکه به آیت و حدیث ثابت گردیده است، باز سلام میدهد به طرف راست خود و میگوید: (السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ)، یعنی سلامتی بر شما و رحمت الله (جل جلاله) برای شما باد) و به طرف چپ خود نیز سلام میدهد با همان الفاظ.

ترجمه متن (الإختیار لتعلیل المختار)

باب در مورد افعال که در داخل نماز انجام میشود، مصنف رحمه الله گفت: مناسب برای نماز گذار اینکه عاجزی نماید در نماز اش، قول تعالی: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾ (97). ترجمه: «یقیناً مؤمنان پیروز و رستگارند، کسانی اند که در نماز شان خشوع و خضوع یعنی عاجزی و تواضع دارند». وَكَانَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) إِذَا صَلَّى كَانَ لِحُوفِهِ أَزِيْرٌ كَأَزِيْرِ الْمَرْجَلِ). ترجمه: «حضرت پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) بودند وقتی که دعا میکردند، شکمش مثل وزوز دیگ وزوز می کرد». نظر نماز گذار به جای سجده باشد، لِمَا رُوِيَ: (أَنَّ عَلَيْهِ الصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ كَانَ لَا يُجَاوِزُ بَصْرَهُ فِي صَلَاتِهِ مَوْضِعَ سُجُودِهِ تَخَشُّعًا لِلَّهِ تَعَالَى). ترجمه: طوری که روایت شده «یقیناً که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) در وقت نماز چشم شان از موضع سجده دور نمی شد بخاطر خشوع و عاجزی و فروتنی به الله متعالی». و این نظر کردن به موضوع سجده نزدیکتر است برای تعظیم و بزرگ داشتن الله (جل جلاله) از نظر کردن طرف راست و چپ. مصنف رحمه الله گفت: کسی اراده داخل شدن به نماز را دارد،

(97) سورة المؤمنون: آیات: 1 الی 2.

الله اکبر گوید، لِقَوْلِهِ تَعَالَى: {وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى} (98). ترجمه: «و نام پروردگار خود را ببرد و نماز بگذارد و فروتنی کند». وَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ امْرِئٍ حَتَّى يَضَعَ الطَّهَوْرَ مَوَاضِعَهُ) (99). پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند که: «الله (جل جلاله) نماز شخصی را قبول نمی کند که او پاکی را در جای خودش نگذارد». رو به طرف قبله بیستند و بگویند الله اکبر یعنی الله بزرگ است، اگر نماز را به الفاظ دیگری آغاز نمود که شامل ثناء و تهلیل و تسبیح میشود و یا به نام های دیگری مانند قول: الرَّحْمَنُ أَكْبَرُ. یعنی رحمن بزرگتر است، کفایت میکند. مصنف رحمه الله گفت: امام ابویوسف رحمه الله به این نظر است که تکبیر گفتن به الفاظ الله اکبر جایز است به الفاظ دیگر جایز نیست، و این قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) است، که اللهُ أَكْبَرُ، اللهُ الْأَكْبَرُ، اللهُ الْكَبِيرُ، اللهُ كَبِيرٌ، از این کلمات کرده نیکوتر دیگر الفاظ دیگر نیست، و از طرف دیگر همین الفاظ از پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) برای ما باقی مانده است، وَأَفْعُلُ وَفَعِيلٌ در صفات الله متعالی یکسان است، دلیل برای صاحبین: وَلَهُمَا قَوْلُهُ تَعَالَى: {وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى} (100)، ترجمه: «و نام پروردگار خود را ببرد و نماز بگذارد». رابطه به تکبیر افتتاح نازل شده است، مطلق ذکر اعتبار دارد، مقید کردن آیت به خبر واحد جایز نیست، اگر نماز را به الفاظ الله الرحمن افتتاح کرد، نزد امام ابوحنیفه رحمه الله جایز است از جهت وجود ذکر». امام محمد رحمه الله گفت جایز نیست تکبیر به الفاظ الله الرحمن، مگر اینکه ضم کرده شود همراهی آن الفاظ، صفت از صفات الله (جل جلاله) را مانند: أَجَلٌ وَاَعْظَمٌ، و اگر کسی بجای الله اکبر: اللَّهُمَّ، گفت، صحیح این است که جایز می باشد، معنی آن این است که: ای خدا، و میم مشدد قایم مقام نداء است. اگر کسی بجای الله اکبر اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي گفت: جایز نیست زیرا که تعظیم خالص در آن نیست، اگر آغاز کند شخص گنگ و ناخوان نماز را به نیت جایز است، بهتر است که مقتدی ها متصل با امام تکبیر بگویند و نزد صاحبین رحمهما الله مقتدی ها بعد از امام تکبیر گویند، اما در سلام دادن اتفاقاً مقتدی ها بعد از امام سلام گویند. فرق این است که تکبیر شروع نماز است و عجله کردن به آن بهتر است، اما سلام خارج شدن از نماز است، پس تأخیر در آن بهتر است، منظور از کلمه یحذف آوردن مد در همزه الله اکبر و با الله اکبر است، که درست نیست باید حذف شود، و همین طبق سنت است؛ زیرا که مد آوردن در اول کلمه اکبر کفر است از جهت استفهام بودنش، و مد آوردن در آخر آن لحن است از جهت قواعدی عربی. مصنف رحمه الله گفت: بلند کند هر دو دست ها را برابر هر دو نرمی گوش، لِقَوْلِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوَائِلِ بْنِ حُجْرٍ: «إِذَا افْتَتَحْتَ الصَّلَاةَ فَارْفَعْ يَدَيْكَ حِدَاءً أُذُنَيْكَ».

(98) سورة الأعلى، آية: 15.

(99) ابن جوزي، التحقيق في أحاديث الخلاف، مسألة إذا خاف ضرر البرد تيمم و في الإعادة، شماره حديث: (286)، (241/1).

(100) سورة الأعلى، آية: 15.

ترجمه: از جهت قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) برای وائل پسر حجر (101): «وقتیکه نماز را شروع کردید پس بلند کنید هر دو دست هایت را برابر گوش هایت». و بلند کند هر دو دست های خود را در حالتی استاده تا اینکه باشد انگشتان همرا با کف دست به طرف قبله و کشاده گی در بین انگشتان نیآورد و تکبیر قنوت و نماز هر دو به همین طور میباید و بلند نمی کند هر دو دست های خود را در تکبیر غیر از این تکبیر ها، لِقَوْلِهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: (لَا تُرْفَعُ الْأَيْدِي إِلَّا فِي سَبْعِ مَوَاطِنَ). ترجمه: قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) است: «بلند کرده نشود دست ها مگر در هفت موارد». و سه مورد آنرا ذکر کرده است: آغاز نماز ها، نماز وتر، نماز های هر دو عید، و چهار موارد آن در بحث حج ذکر شده است. مصنف رحمه الله گفت: باز بسته کرده میشود توسط دست راست خود بند دست چپ را در زیر ناف، لِقَوْلِهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: (ثَلَاثٌ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ: تَعْجِيلُ الْإِفْطَارِ، وَتَأْخِيرُ السُّحُورِ، وَوَضْعُ الْأَيْمِينِ عَلَى الشَّمَالِ تَحْتَ السُّرَّةِ). ترجمه: قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم): «سه چیز از جمله اخلاق پیغمبران است، عجله کردن در افطار، تأخیر نمودن در سحر خیزی و نهادن دست راست بالای دست چپ در زیر ناف». زنها دست های خود را بالای سینه های خود میگذارند؛ زیرا که این با ستر است برای زن و میگیرد توسط کف دست راست خود بند دست چپ خود را، هنگامیکه فارغ شد از تکبیر گفتن در نماز که بالغ تر است در تعظیم الله (جل جلاله)، همچنان در تکبیرات دعای قنوت و جنازه، ایستاده شدن دوامدار است، مانند قرائت. روایت کرده حسن رحمه الله از امام ابوحنیفه رحمه الله چیزیکه روان شده رابطه به تکبیرات نماز وتر و نماز های عیدین، قول امام محمد رحمه الله است که مشایخ ما او را اختیار نموده است. در تکبیرات نماز وتر و نماز های عیدین قومه است و قرائت در آن نیست، طوریکه در بین رکوع و سجده و بین تکبیرات عیدین است که هر دوی آنرا ارسال کرده است؛ زیرا که نهادن قومه و قرائت کدام فایده نمی رساند از جهت پی در پی بودن تکبیرات. مصنف رحمه الله گفت: بگوید: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ إِلَى آخِرِهِ... و امام محمد رحمه الله وَجَلَّ تَنَازُؤُكَ، زیاد کرده یعنی بزرگ است تعریف و توصیف تو ای خدا، و زیاد کرده نمیشود بر آن. امام ابویوسف رحمه الله گفت جمع میکند بین قول امام محمد و خودش، وَجَّهْتُ وَجْهِي رَا إِلَي آخِرِهِ بخواند؛ زیرا که حدیث وارد شده برای دو قول پس جمع کرده میشود بین هر دو قول. وَلَهُمَا مَا رَوَى ابْنُ مَسْعُودٍ وَأَنَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَنَّه كَانَ إِذَا كَبَّرَ لِإِفْتِتَاحِ الصَّلَاةِ قَرَأَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ». إِلَى آخِرِهِ، ترجمه: دلیل برای صاحبین چیزی است که روایت شده از عبدالله ابن مسعود و انس رضی الله تعالی عنهما، از رسول الله (صلی الله علیه وسلم): «يَقِينًا بِبِعْمَبِر (صلی الله علیه

(101) وائل ابن حجر بضم المهملة وسكون الجيم ابن سعد ابن مسروق الحضرمي صحابي جليل القدر رسول الله است از جمله پادشاهان يمن بوده سپس در كوفه زندگي نموده و در وقت ولايت امير معاويه رض وفات نموده است. أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: 852هـ)، تقريب التهذيب، محقق: محمد عوامة، دار الرشيد - سوريا طبع اول: (1406 - 1986)، (580/1).

وسلم) وقتیکه برای شروع نماز تکبیر میگفت و بعد «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ» را الی آخر میخواند»، و همچنان از حضرت ابوبکر و حضرت عمر رضی الله عنهما چنین روایت شده است، و آنچه که روایت شده از حدیث توجه در ابتداء اسلام بوده است، پس وقتیکه تسبیح مشروع شد و حدیث توجه منسوخ شد، طوریکه روایت شده میگفتند در رکوع: «رَكَعَ لَكَ ظَهْرِي»، یعنی خم شد برای تو پشت من، و در سجده: «سَجَدَ لَكَ وَجْهِي»، یعنی عاجزی و فروتنی کرد برای تو روی من. پس وقتیکه آیت {فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ} (102). ترجمه: «نام پروردگار بزرگ خود را ورد زبان ساز (وسپاسگذار نعمت های فراوان او باش، و به ستایش وی پرداز). بگردانید این کلمات را در رکوع، و آیت: {سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى} (103). ترجمه: «تسبیح و تقدیس کن پروردگار والا مقامی خود را» نازل شد، پس بگردانید این کلمات را در سجده های نماز تان و منسوخ شده آنچه که قبلاً در سجده های خود میگفتید، پس به همین طور آنچه مورد بحث ماست، موافقت بین این دو حدیث است. مصنف رحمه الله گفت: قَالَ: (تَعَوَّذُ)، یعنی أَعُوذُ بِاللَّهِ میگوید اگر امام باشد یا منفرد «لِقَوْلِهِ تَعَالَى: {فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ} (104). ترجمه: «هنگامی که خواستی قرآن بخوانی، از وسوسه های شیطان مطرود (از رحمت یزدان)، به خدا پناه ببر(تا شیطان تو را از فهم معنی قرآن و عمل بدان باز ندارد). اگر خواستی که قرآن بخوانی در صورتیکه مقتدی باشی تَعَوَّذُ، یعنی أَعُوذُ بِاللَّهِ را بخوان، امام ابویوسف رحمه الله گفت: اگر شخص نماز گذار مقتدی باشد أَعُوذُ بِاللَّهِ را بخواند؛ زیراکه تَعَوَّذُ تابع برای ثنا یعنی «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ» است، و او برای نماز است نزد امام ابویوسف رحمه الله، از طرف دیگر رابطه به تَعَوَّذُ نص وارد شده است از جهت حفاظت عبادت از وقوع خلل، خلل که به سبب وسوسه های شیطانی واقع میشود. نماز شامل برقرائت، ذکر و افعال میشود، پس این اولی میباشد، نزد صاحبین شروع قرائت توسط نص است و برای مقتدی قرائت نیست، از همین جهت اگر مقتدی بخاطر انجام رکعات باقی مانده خود ایستاد شد نزد صاحبین نظر به حاجت پیدا کردن به قرائت تَعَوَّذُ یا أَعُوذُ بِاللَّهِ را بخواند، نزد امام ابویوسف رحمه الله تَعَوَّذُ یا أَعُوذُ بِاللَّهِ را بخواند؛ زیراکه تَعَوَّذُ بعد از ثناء میآید، و در نماز عید امام أَعُوذُ بِاللَّهِ را قبل از تکبیر بگوید نزد امام ابویوسف رحمه الله و در نزد صاحبین بعد از تکبیر أَعُوذُ بِاللَّهِ را بگوید. تَعَوَّذُ یا أَعُوذُ بِاللَّهِ آهسته خوانده شود، لِحَدِيثِ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: «خَمْسٌ يُخْفِيهِنَّ الْإِمَامُ: النَّعُوذُ، وَالنَّسْمِيَّةُ، وَالنَّامِيْنُ، وَرَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، وَالنَّشْهُدُ» (105). ترجمه: نظر به حدیث عبدالله ابن مسعود رضی الله عنهما: «پنج چیزی است که امام باید او را آهسته بخواند: أَعُوذُ بِاللَّهِ، بسم الله، آمین گفتن، ربنا لك الحمد و تشهد». مصنف رحمه الله گفت: بخواند نماز

(102) سورة الواقعة، آية: 74.

(103) سورة الأعلى، آية: 1.

(104) سورة النحل، آية: 98.

گذارد (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) را؛ لِأَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُقْرَأُهَا؛ زیرا که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) میخواندن. گفت: آهسته خوانده شود، لِحَدِيثِ أَنَسٍ قَالَ: «صَلَّيْتُ خَلْفَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَخَلْفَ أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ وَكَانُوا يَفْتَتِحُونَ الْقِرَاءَةَ بِالْحَمْدِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». وَفِي رِوَايَةٍ: «كَانُوا يُخْفُونَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». ترجمه: نظر به حدیث حضرت انس رضی الله تعالی عنه گفت: «نماز خواندم در عقب حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) و حضرت ابوبکر، حضرت عمرو حضرت عثمان رضوان الله تعالی علیهم اجمعین، هنگامیکه قرائت را شروع میکردند به حمد و ثناء پروردگار جهانیان آغاز می نمودند» و در روایتی «أَنَّهَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ رَأَى أَنَّهُمْ يَخْفَوْنَ بِهَا». وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُعَفَّلٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: «أَنَّهُ سَمِعَ ابْنَهُ يَجْهَرُ بِهَا فَقَالَ: يَا بُنَيَّ إِيَّاكَ وَالْحَدِيثَ فِي الْإِسْلَامِ، صَلَّيْتُ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَخَلْفَ أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ وَكَانُوا لَا يَجْهَرُونَ بِالتَّسْمِيَةِ، فَإِذَا أَرَدْتَ الْقِرَاءَةَ فَقُلْ: {الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ}» (106). ترجمه: از عبدالله بن مغفل رضی الله عنه: یقیناً او از پسرانش شنید که بلند می خواند بسم الله الرحمن الرحيم را، گفتم ای پسرکم پرهیز کن از نو آوری در اسلام، من نماز خواندم در عقب رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و حضرت ابوبکر و عمر رضی الله تعالی عنهما که بسم الله الرحمن الرحيم را بلند نمی خواندن، وقتیکه خواستید قرائت کنید پس بگوید: {الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ}. ترجمه: «ستایش خداوندی را سزاوار است که پروردگار جهانیان است». مصنف رحمه الله گفت: پس اگر امام باشد قرائت را بلند بخواند در دو رکعت نماز صبح، دو رکعت اول از نماز شام، دو رکعت نماز خفتن، نماز جمعه و نماز های هر دو عید، و این حدیث است که از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) برای ما روایت شده است، میراث باقی مانده از زمان اول آغاز اسلام الی زمانه ما. آهسته خوانده میشود قرائت در نماز عصر و پیشین: لِقَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «صَلَاةُ النَّهَارِ عَجْمَاءُ». ترجمه: «نماز روز مانند شخص گنگ است یعنی آهسته خوانده میشود»؛ زیرا که حدیث همین طور به میراث مانده است، تنها گذار اگر باشد خواست بلند بخواند؛ زیرا که او امام است به نفس خود، و اگر خواست خفیه و یا آهسته بخواند؛ زیرا که برای او نیست که بشنود از او غیرش، اما بلند قرائت کردن تنها گذار بهتر است، نظر به این حدیث مبارک: لِقَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ صَلَّى وَحْدَهُ عَلَى هَيْئَةِ الْجَمَاعَةِ صَلَّى خَلْفَهُ صُفُوفٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ» (107). ترجمه: «پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «کسی نماز خواند به تنهایی به صورت جماعت نماز میخواند در عقب او صف های از ملائکه». مصنف رحمه الله گفت: و اگر مقتدی باشد قرائت نمی کند، گفت:

(105) عیسی، کتاب المصنف فی الأحادیث والآثار، شماره حدیث: (8849)، طبعه الأولى، 1409، مكتبة الرشد – الرياض، (267/2).

(106) سورة الفاتحة، آية: 1.

(107) هندي، كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، فضل الأذان أحكامه و آدابه، شماره حدیث: (23232)، (354/8).

لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا﴾ (108). ترجمه: «هنگامی که قرآن خوانده می شود، گوش فرا دهید و خاموش باشید». حضرت عبدالله ابن عباس و ابوهریره رضوان الله تعالى عليهم اجمعين و جماعه ديگر از مفسرين گفتند كه: نازل شده در نماز چیزی خاص هنگامیكه بودند قرائت میکردند در عقب او پیغمبر (صلی الله علیه وسلم). و از ابی هریره رضی الله تعالى عنه روایت شده است، گفت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) «إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ، فَإِذَا قَرَأَ فَأَنْصِتُوا» (109). ترجمه: «گردانیده شده امام بخاطر تکمیل شدن نماز، پس وقتیکه قرائت کرد خاموش باشید». پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) گفت: (مَنْ كَانَ مَأْمُومًا فِقِرَاءَةِ الْإِمَامِ لَهُ قِرَاءَةٌ). ترجمه: «کسیکه باشد مقتدی پس قرائت امام قرائت مقتدی است». و روایت کرده است شعبی رضی الله تعالى عنه از پیغمبر (صلی الله علیه وسلم): «لَا قِرَاءَةَ خَلْفَ الْإِمَامِ». یعنی نیست قرائت از عقب امام»، وقتیکه امام گفت: «وَلَا الضَّالِّينَ» یعنی نگردان ما را از جمله گمراهان، پس مقتدی آمین گوید، یعنی دعای ما را قبول کن، مقتدی ها نیز آمین میگویند ولی آهسته میگویند. پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) گفت: «إِذَا قَالَ الْإِمَامُ: وَلَا الضَّالِّينَ». ترجمه: هنگامیكه امام گفت: وَلَا الضَّالِّينَ یعنی نگردان ما را از جمله گمراهان، پس مقتدیا بگویند كه آمین، فَإِنَّ الْإِمَامَ يَقُولُهَا». ترجمه: پس یقیناً امام میگوید آمین، و روایت کرده حضرت وائل ابن حجر از نبی (صلی الله علیه وسلم) آهسته قرائت کردن را، و آنچه روایت شده برای ما از حدیث عبدالله ابن مسعود رضی الله تعالى عنهما، گفت: «پس وقتیکه إرادہ رکوع را کردی تکبیر بگو»؛ زیراكه پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) در هر نماز كه بلند و آهسته بود تکبیر میگفت». گفت: رکوع کرد: (لِقَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِلْأَعْرَابِيِّ حِينَ عَلَّمَهُ الصَّلَاةَ: ثُمَّ أقرأ مَا تَبَيَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ثُمَّ ارْكَعْ). ترجمه: از جهت قول حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) برای صحرائشین هنگامیكه او را طریقه ادای نماز را تعلیم داد و برایش گفت كه باز بخوان آنچه آسان است از قرآن باز رکوع کن، و رکوع ثابت میگردد به آنچه اطلاق میشود برآن نام رکوع؛ زیراكه رکوع عبارت از انحناء است، یعنی خم شدن، بعضی گفته است: اگر به قیام نزدیک بود جایز نمی باشد و اگر به رکوع نزدیک بود جایز است. گفت: بگذارد دست های خود را بر زانو ها و گشاده بگیرد انگشتان خود را، لِقَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِأَنَسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: «إِذَا رَكَعْتَ فَضَعْ يَدَيْكَ عَلَى رُكْبَتَيْكَ وَفَرِّقْ بَيْنَ أَصَابِعِكَ». ترجمه: از جهت این قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) برای انس رضی الله تعالى عنه: «وقتیکه رکوع کردی پس بگذار دست هایت را بر زانو هایت و فاصله ایجاد کن میان انگشتان خود». و هموار گرفته شود پشتش؛ زیراكه پیغمبر (صلی الله علیه وسلم): (كَانَ إِذَا رَكَعَ لَوْ وُضِعَ عَلَى ظَهْرِهِ قَدْحٌ مَاءٍ لَأَسْتَقَرَّ). ترجمه: «پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) وقتیکه رکوع میکردند، اگر کاسه از آب را بالای پشت شان گذاشته میشد البته قرار میگرفت»، سری خود را بلند و

(108) سورة الأعراف، آية: 204.

پایین نکنند، چنانچه که فعل کرده رسول الله (صلی الله علیه وسلم) ونهی کرده رسول الله (صلی الله علیه وسلم) از پایین کردن خود را در رکوع مانند پایین کردن مرکب). بگوید سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ، پاک است پروردگار که بزرگ است سه مرتبه، لِقَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (إِذَا رَكَعَ أَحَدُكُمْ وَقَالَ فِي رُكُوعِهِ: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ ثَلَاثًا فَقَدْ تَمَّ رُكُوعُهُ). ترجمه: قول علیه الصلاة والسلام: «هنگامیکه رکوع کرد یکتن از شما و گفت در رکوع پاک است پروردگار من که بسیار بزرگ است، پس در حقیقت رکوع آن شخص تمام میشود»، و این حد کمتر آن است، اگر کسی زیاده از سه بار تسبیح میگوید، پس او بهتر است، مگر اینکه دراز کردن آن برای امام از جهت فرار کردن مردم از جماعت مکروه است. باز بلند کند سری خود را و بگوید: میشوند الله متعالی برای کسیکه حمد او را میگوید، و میگویند مقتدی ها پروردگار ما برای تو است تعریف و توصیف، یا میگویند که ای خدا پروردگار ما برای تو است حمد و تعریف و توصیف، و برای هر دو اثر آمده، و جمع نکند میان هر دو آن، و امام نیز جمع نکند میان هر دوی آن، صاحبین به این نظر هستند که هر دوی آنرا جمع میکنند، و این روایت حضرت حسن رضی الله تعالی عنه از پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) تا اینکه تاریک آنچه که غیر او او را خاص کرده نگردد. و نیست برای ما آن ذکر هائیکه برای مقتدی خاص شده است. برای امام ابوحنیفه رحمه الله قول حضرت پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) است: (إِذَا قَالَ الْإِمَامُ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، قُولُوا: رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ). ترجمه: «هنگامیکه گفت امام سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، یعنی شنید الله حمد کسیکه راکه برایش حمد میگوید و شما بگوید پروردگار ما برای تو است حمد و تعریف و ستایش». تقسیم شده ذکر بین آنها یعنی بین امام و مقتدی، پس منافع شرکت است، اگر امام بیاید به تحمید و تأخیر کرده میشود از قول مقتدی، پس میگردد امام تابع و این جایز نیست، و تنها گذار هر دوی آن را جمع میکند، سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ وَ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ را در روایت حضرت حسن رضی الله تعالی عنه، در روایت دیگر تنها گذار صرف سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ میگوید و بس، و در روایت حضرت امام ابویوسف رحمه الله تنها گذار صرف رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ را میگوید و بس غیر آنرا نمی گوید، اکثری مشایخ به همین نظر آخری هستند، باز تکبیر گفته میشود، طوریکه گذشت. سجده میکند بر بینی و پیشانی خود؛ زیرا که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) بر آن پایداری نموده است، اگر اقتصار کرده بر بینی جایز است لکن گناه کار شده است، و صاحبین به این نظر هستند که جایز نیست مگر از جهت عذر، اگر اقتصار کرد بر پیشانی اجماعاً درست است و گناه کاری ندارد، اصل در آن قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) است: (أُمِرْتُ أَنْ أَسْجُدَ عَلَى سَبْعَةِ أَعْظُمٍ: الْوَجْهِ، وَالْكَفَّيْنِ، وَالرُّكْبَتَيْنِ، وَالْقَدَمَيْنِ). ترجمه: «امر شده ام که، سجده کنم بر هفت استخوان: روی، هر دو کف دست، هر دو زانو، و هر دو پای»، دلیل برای صاحبین قول حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) است فرمودند: (مَكَّنْ جَبْهَتَكَ وَأَنْفَكَ مِنَ الْأَرْضِ). ترجمه: «قرار دهید پیشانی و بینی ات را در زمین». دلیل

(109) طحاوی، شرح معانی الآثار، باب القراءة خلف الإمام، شماره حدیث: (1292)، (217/1).

برای او این است که یقیناً بینی محل سجده است و به دلیل جواز سجده بر بالای آن هنگام عذر، اگر بینی محل سجده نمی بود، سجده کردن بر آن جایز نمی بود، مانند: رخسار و زرخ، پس هنگامیکه سجده کرد بر بینی می باشد سجده کننده، پس بیرون میشود از عهده سجده در این قول الله متعالی: {وَاسْجُدْوا} (110)، ترجمه: «سجده کنید»؛ زیرا که پیشانی و بینی دارای یک استخوان است، باز سجده کردن به یک طرف و به طرف دیگر جایز می باشد، مصنف رحمه الله گفت: بگذارد زانو های خود را پیش از دست ها، و بگذارد دست های خود را برابر گوش های خود، فعل رسول الله این چنین نقل شده است: (صلی الله علیه وسلم). دور بگیرد بازو های خود را و فراخ بگیرد شکم خود را از ران خود، لِمَا رُوِيَ: (أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُجَافِي فِي سُجُودِهِ حَتَّى إِنَّ بَهْمَةً لَوْ أَرَادَتْ أَنْ تَمُرَّ لَمَرَّتْ). ترجمه: طوریکه روایت کرده شده، پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فراخی می آوردند در سجده حتی به اندازه که اگر یک حیوان میخواست که عبور کند البته عبور میکرد. بازو های خود را هموار نکنید، از جهت نهی پیغمبر (صلی الله علیه وسلم)، (لِنَهْيِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ افْتِرَاشِ النَّعْلَيْنِ). ترجمه: پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) از هموار کردن بازو ها مانند روبا در نماز نهی کرده است. بگویند: (سبحان ربی الله اعلی)، یعنی پاک است پروردگار من که خیلی بلند است، سه مرتبه؛ زیرا که آیت: {سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى} (111). ترجمه: «به پاکی یاد کن نام پروردگارت را که خیلی بلند است». پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) گفت: بگردانید این کلمات را در سجده های تان. اگر سجده کرد شخص نماز گذار بر بالای دستار یا لنگی یا به کدام لباسی اضافی دیگر نماز اش جایز است. حضرت عبدالله ابن عباس رضی الله تعالی عنهما گفت: «رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْجُدُ عَلَى كَوْرٍ عِمَامَتِهِ». ترجمه: من دیدم که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) سجده میکردند بر دستار یا لنگی خود، وَقَالَ أَيْضًا: (إِنَّهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ صَلَّى فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ يَتَّقِي بِفُضُولِهِ حَرَّ الْأَرْضِ وَبَرْدَهَا) (112)، ترجمه: و همچنان گفت: یقیناً رسول الله (صلی الله علیه وسلم) نماز خواند در یک لباس و پرهیز میکردند از اضافه آن نظر به گرمی و سردی زمین. اگر سجده کرد بر تخت و کوخ یعنی (شاخه های درخت که برای نگهبانی ساخته میشود)، نماز شخص جایز است، اگر شخص نماز گذار سجده کرد بر بالای گیاه، پنبه که سختی و حجم آن یافت شود توسط پیشانی مانند: فرش و بوریا، نمد، بوریا جایز است. باز تکبیر گوید طوریکه بیان کردیم، و بلند میکند سری خود را و مینشیند. واجب در بلند کردن این است که آنچه که شامل نام میشود؛ زیرا که واجب است که فاصله بین دو سجده بیاید و تا اینکه متحقق گردد به آنچه که ذکر کردیم، گفته شده که اگر نزدیک بود به نشستن جایز است و اگر به نشستن نزدیک نباشد جایز نیست،

(110) سورة الحج، آية: 77.

(111) سورة الأعلی، آية: 1.

(112) فوري، كنز العمال في سنن الأفعال والأفعال، فصل في الشرط: جامع الشروط القبلة و غيرها، شماره حديث: (21689)، (21/8).

پس وقتیکه نشست تکبیر گفته سجده کند، لِقَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (ثُمَّ اسْجُدْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ سَاجِدًا، ثُمَّ اجْلِسْ حَتَّى تَسْتَوِيَ جَالِسًا) (113). ترجمه: از جهت قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم): «باز سجده کند حتی اینکه خوب مطمئن شود از سجده کردن، باز بنشیند حتی اینکه خوب برابر بنشیند». باز تکبیر گوید و بلند شود به ایستاده شدن، لِحَدِيثِ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَنْهَضُ عَلَى صُدُورِ قَدَمَيْهِ» (114). ترجمه: از جهت حدیث ابوهریره رضی الله تعالی عنه: یقیناً پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) بلند میشدند بر سینه قدم های خود». گفت: چنین فعل را که در رکعت اول انجام داده بودند در رکعت دوم نیز به همین طور انجام میدادند. (لِقَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِرِفَاعَةٍ: ثُمَّ أَفْعَلْ ذَلِكَ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ) (115). ترجمه: «قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) است برای حضرت رفاعه رضی الله تعالی عنه باز چنین فعل را انجام دهید در تمام رکعات نماز». گفت: مگر دوباره رکعت دوم را آغاز نمی کنید؛ زیرا که محل آن ابتداء نماز است، و تعوذ را نمی خوانید، او هم در ابتدای قرائت است، فقط یک بار جایز میباشد. باز تعدیل ارکان فرض نیست. امام ابویوسف رحمه الله گفت فرض است، و او آرام گرفتن در رکوع و سجده کردن است و تمام کردن قیام از رکوع و نشستن بین دو سجده است، دلیل برای امام ابویوسف رحمه الله قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) است: (قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِأَعْرَابِيٍّ حِينَ أَخَفَّ صَلَاتَهُ: " أَعِدْ صَلَاتَكَ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ) (116). ترجمه: «قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) برای صحرا نشین هنگامیکه سبک بدون رعایت رکوع و سجده و تعدیل ارکان نماز خواند، دوباره نماز بخوان؛ زیرا که در حقیقت تو نماز نخواند»، دلیل برای صاحبین رحمهما الله یقیناً او آمد به آنچه که اطلاق میشود بر آن اسم رکوع و سجده که او عبارت از انحاء یعنی خم کردن پشت و گذاشتن پیشانی است، پس داخل میشود در تحت این آیت قرآنی کریم: {ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا} (117). ترجمه: «رکوع کنید و سجده نمائید». و طمانیت در رکوع و سجده دوامدار است، امر به فعل تقاضای دوام را نمی کند، و جایز نیست زیاده روی در کتاب الله توسط خبر واحد، آنچه که روایت شده تقاضایی وجوب را میکند و این واجب است نزد ما، حتی واجب میگردد سجده سهو در صورت ترک آن به صورت فراموشی و بعضی به این نظر هستند که سجده سهو در بدل ترک واجب سنت است. پس وقتیکه بلند کرد سر اش را در رکعت دوم از سجده دوم، هموار کند پای چپ خود را و بالای آن بنشیند و پای راست خود را ایستاده کند، و روبرو بسازد انگشتان پای راست خود را به طرف قبله، و دست های خود را بر بالای رانهای خود بگذارد و فراخ بگیرد انگشتان دست خود را و تشهد یعنی التحیيات را بخواند، اینچنین حکایت شده از

(113) بخاری، صحیح البخاری-م، باب امر النبی صلی الله علیه وسلم الذی لا، شماره حدیث: (793)، (158/1).

(114) قاری، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، باب الصفة الصلاة، شماره حدیث: (796)، (657/2).

(115) مکی، مسند الإمام الشافعی، الباب السادس فی صفة الصلاة، شماره حدیث: (208)، (70/1).

(116) بُسْتِي، الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان، باب الذکر الخبر الدال علی أنه قوله صلی الله علیه وسلم، شماره حدیث:

(1787)، (88/5).

(117) سورة الحج، آية: 77.

حضرت وائل رضی الله تعالی عنه و عائشه رضی الله تعالی عنها: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در تشهد نشست، «وَالشَّهْدُ: التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ». ترجمه: «تمام عبادت قولی، تمام عبادت بدنی و تمام عبادت مالی خاص برای الله متعالی است، سلام بر تو ای نبی الله (صلی الله علیه وسلم) و رحمت الله (جل جلاله) و برکات الله (جل جلاله) بر تو باد، سلام برای ما و برای بنده های صالح الله (جل جلاله)، گواهی میدهم که نیست هیچ معبود به جز الله (جل جلاله) و گواهی میدهم که حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) بنده و فرستاده او است». و این تشهد حضرت عبدالله ابن مسعود رضی الله تعالی عنهما است، طوریکه روایت کرده شده است: یقیناً حضرت حماد(118) رضی الله تعالی عنه از دست امام ابوحنیفه رحمه الله گرفت و برای او تشهد را یاد داد. گفت: حضرت ابراهیم نخعی(119) رحمه الله از دست من گرفت و برای من تشهد را یاد داد، حضرت علقمه رضی الله تعالی عنه از دست ابراهیم نخعی رحمه الله گرفت برایش تشهد را یاد داد، و حضرت عبدالله ابن مسعود رضی الله تعالی عنهما از دست حضرت علقمه رضی الله تعالی عنه گرفت و برایش تشهد را یاد داد، و حضرت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) از دست عبدالله ابن مسعود رضی الله تعالی عنهما گرفت و برایش تشهد را یاد داد، پس گفت بگو التحیات لله» الی آخر طوریکه ذکر کردیم در گذشته، و گرفتن این روایت عبدالله ابن مسعود رضی الله تعالی عنهما نسبت به روایت دیگر بهتر است، زیرا گرفتن حضرت پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) از دست عبدالله ابن مسعود رضی الله تعالی عنهما و دستور حضرت پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) دلالت به تاکید بیشتر میکند. اتفاق کردن ائمه حدیث بر اینکه نقل نشده کدام سند خوبتر رابطه به تشهد از سند عبدالله ابن مسعود کرده، از طرف دیگر در اینجا و او عطف زیاد ذکر شده و این و او عطف بیشتر بودن تعریف و توصف را واجب میگرداند، زیرا که معطوف غیر معطوف علیه است. اما در تشهد حضرت عبدالله ابن عباس رضی الله تعالی عنهما یک تعریف و توصف است که بعضی آن صفت برای بعضی دیگر آن است. قعه اول نزد امام طحاوی رحمه الله و امام کرخی(120) رحمه الله سنت است. و بعضی به این نظر هستند که واجب است، اما صحیح همین قول است؛ زیرا که حضرت

(118) حماد بن ابی سلیمان، مسلم کوفی، علامه، امام، فقیه عراقی، ابومسلم کوفی، اصلش از اصفهان است، و با انس ابن مالک رضی الله عنه ملاقات نموده است، در سال 120 هجری وفات نمود. محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز، شمس الدین أبو عبد الله الذهبی (المتوفی: 748 هـ)، سیر أعلام النبلاء، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، بيروت، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، 1405 هـ / 1985 م، (221-222/5).

(119) ابراهیم نخعی: (46 - 96 هـ = 666 - 815 م)، ابراهیم بن یزید بن قیس بن الأسود، أبو عمران نخعی، یکی از فقهاء و بزرگان تابعین بود، از اهل کوفه بود و به تقوا و صلاح شهرت داشت در زمان حاکمیت حجاج ثقفی وفات نمود. أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، تهذیب التهذیب، الناشر: دار الفکر - بیروت، الطبعة الأولى، 1404 - 1984 م، (219/4).

(120) کرخی (260 - 340 هـ = 874 - 952 م)، عبید الله بن حسین کرخی، أبو الحسن، یکی از مشهورترین فقهای احناف در زمانش بود، در کرخ متولد گردیده و در بغداد وفات نمود، تألیفات زیاد دارد، از جمله: رساله در اصول که فروع احناف را تشریح نموده است، شرح الجامع الصغیر، شرح الجامع الکبیر و غیره. صالح بن محمد بن حسن الأسمری، مجموعة الفوائد البهیة علی منظومة القواعد البهیة، الناشر: دار الصمیعی للنشر والتوزیع، الطبعة: الطبعة الأولى، 1420 هـ - 2000 م، ص 107.

محمد (صلی الله علیه وسلم) واجب گردانید سجده سهو را با ترک این قعه، واجب نمی گردد واجبی مگر به ترک واجب. گفت: در قعه اول غیر از خواندن تشهد دیگر چیزی زیاد کرده نمی شود، لِمَا رَوَتْ عَائِشَةُ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا: (أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ لَا يَزِيدُ عَلَى النَّشْءِ فِي الرَّكْعَتَيْنِ) (121). آنچه که روایت کرده حضرت عائشه رضی الله تعالی عنها: «به تحقیق پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) در دو رکعت اول چیزی دیگری را غیر از خواندن تشهد زیاد نمی کردند». باز تکبیر گوینده بلند شوند، وقتیکه جفت اول نماز تمام شد و جفت دوم بالای شخص نماز گذار باقی مانده، پس انتقال میکند بسوی جفت دوم و در دو رکعت اخیر سوره فاتحه را قرائت میکند، خواندن سوره فاتحه سنت است و به اثر ثابت گردیده است، و اگر نماز گذار خواست که تسبیح گوید باز هم جایز نیست؛ زیرا که قرائت سوره فاتحه واجب نیست. و حضرت حسن رضی الله تعالی عنه از ابو حنیفه رحمه الله روایت کرده قرائت در دو رکعت اخیر نماز واجب است. اگر کسی او را ترک کرد به صورت فراموشی برایش سجده سهو لازم میشود. و در آخر نماز طوریکه بیان نمودیم می نشیند، در نشست اول طوریکه روایت کردیم، تشهد میخواند چنانچه که گفتیم، و درود میفرستد به پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) که این سنت است به دلیل این قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) برای ابن مسعود رضی الله تعالی عنهما هنگامیکه یاد داد تشهد را برایش: «وقتیکه چنین فعل کردید و گفتید پس به تحقیق نمازت تمام شده است». تمام شدن نماز به یک از دو امر معلق است، پس در هنگام وجود یکی از آن نماز تمام میشود، پس دلالت میکند بر اینکه درود فرستادن بر نبی (صلی الله علیه وسلم) فرض نیست، بلکه نزد ما واجب است در بیرون از نماز عمل به امر وارد شده در قرآن، پس لازم نیست برای ما عمل کردن بر آن در نماز. مصنف رحمه الله گفت: دعاء کند نماز گذار به آنچه خواست، به آن الفاظ که به قرآن کریم و حدیث پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) مشابهت دارد، لِقَوْلِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (ثُمَّ اخْتَرُ مِنَ الدُّعَاءِ أَطْيَبِيَّهً) (122). ترجمه: از جهت قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) «باز اختیار کن از دعاء زیباتر و خوبتر». و نشستن اخیر در نماز فرض بوده و خواندن تشهد در نماز واجب میباشد: لِقَوْلِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي حَدِيثِ الْأَعْرَابِيِّ: (إِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنْ آخِرِ سَجْدَةٍ وَقَعَدْتَ قَدَرَ النَّشْءِ فَقَدْ تَمَّتْ صَلَاتُكَ) (123)، قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) در حدیث اعرابی: «وقتیکه بلند کردی سرت را از سجده آخر و نشست کردی به اندازه تشهد پس به تحقیق نمازت تمام شده است». تمام شدن نماز توسط قعه بدون تشهد معلق شده است. مقدار فرض در نشستن آخر به مقدار تشهد است. مصنف رحمه الله گفت: باز سلام دهد از طرف راست خود پس گوید: سلامتی بر شما و رحمت الله بر شما، و از طرف چپ چنین سلام دهد، از جهت روایت عبدالله ابن مسعود رضی الله تعالی عنهما، يَقِينًا بِپیغمبر (صلی الله علیه وسلم)، «كَانَ يُسَلِّمُ عَنْ يَمِينِهِ حَتَّى يُرَى بَيَاضُ حَدِّهِ الْأَيْمَنِ، وَعَنْ شِمَالِهِ حَتَّى

(121) الموصلي، الاختيار لتعليل المختار، كتاب الصلاة، (58/1).

(122) المرغيناني، أبو الحسن برهان الدين، الهداية في شرح بداية المبتدي، باب مدخل، (53/1).

يُرَى بَيَاضُ خَدِّهِ الْأَيْسَرِ» (124)، ترجمه: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) سلام میداد به طرف راست خود حتی اینکه سفیدی رخسار راست خود را میدید و از طرف چپ سفیدی رخسار چپ خود را میدید. نیت کند از طرف راست به ملائکه و مردم و از طرف چپ هم چنین نیت از مردم و ملائکه را کند؛ زیرا که این خطاب حاضرین است، و نیت کند امام را در طرف که او در آن طرف قرار دارد، و اگر امام در روبروی نماز گذار قرار داشته باشد در سلام دادن نماز گذار هر دو طرف امام را ذکر کند. و بعضی میگویند که فقط در طرف راست ذکر کند. اما تنها گذار نیت فرشته ها را کند و بس. خارج شدن به لفظ السلام فرض نیست طوریکه ما روایت کردیم، از حدیث حضرت عبدالله ابن مسعود رضی الله تعالی عنهما و آن حدیث منافی فرضیت سلام است. وَأَمَّا قَوْلُهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (تَحْلِيلُهَا التَّسْلِيمُ) (125). ترجمه: اما قول پیغمبر (صلى الله عليه وسلم) فرمودند: «حلال شدن آنچه که در نماز درست نبود عبارت از سلام است»، که دلالت بر وجوب و یا سنت میکند. و ما هم بر آن نظر هستیم (126).

مطلب اول: شرح کلمات واصطلاحات فقهی

فرع اول: أمي: کسی را گفته میشود که قادر به نوشته کردن نباشد. زجاج رحمه الله گفته است که: أمي کسی است خصلت امت بودن را دارد لکن کتاب الله را نه آموخته است بی سواد است. در قرآن کریم آمده است: (وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي) (127). ترجمه: (بعضی از آنان افراد بی سوادى هستند که از کتاب خدا (تورات) جز (یک مشت خرافات و دروغ هائی که احبار شان به هم بافته اند و با) آرزو های (آنان سازگار است) نمی دانند).

أبو اسحق (128) رحمه الله گفته است که معنی أمي منسوب است بسوی کسیکه او را بی سواد پیدا کرده است. زیرا نوشتن اکتسابی است، به او نسبت داده شده است. به این معنا که مادرش او را به دنیا آورد بی سواد. و نویسندگان در عرب از اهل طائف آموختند و اهل حیره آن را از اهل طائف گرفتند و اهل حیره از اهل انبار گرفتند. ما ملتی بی سواد هستیم، نه می نویسیم و نه حساب می کنیم. منظور

(123) ألباني، تمام المنة في التعليق على " فقه السنة "، باب تمام المنة، شماره حدیث: (170)، (183/1).

(124) طحاوي، شرح معاني الآثار، باب السلام في الصلاة كيف هو؟ شماره حدیث: (1583)، (266/1).

(125) طحاوي، شرح معاني الآثار، باب السلام في الصلاة هل او من فروض أو...، شماره حدیث: (1634)، (273/1).

(126) الموصلي، الاختيار لتعليل المختار، كتاب الصلاة، (54/1).

(127) سورة البقرة، آية: 78.

(128) ابو اسحق بن قاسم بن سوید بن کیسان غنوی عینی ملقب أبا العتاهية شاعر، و از شهر حجاز در نزدیک مدینه منوره بوده و در بغداد زندگی نموده و در سال (211هـ) وفات نموده است، تاج العروس من جواهر القاموس، محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني، أبو الفيض، الملقب بمرتضى، الزبيدي (المتوفى: 1205هـ)، المحقق: مجموعة من المحققين، الناشر: دار الهداية، (451/35).

او این بود که از بدو تولد مادرشان، نوشتن و حساب را یاد نگرفته اند، بنابراین به شکل اصلی خود هستند. و در حدیث: پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: (روان شدم من برای امتی ناخوان) (129).

فرع دوم: تعوذ: به معنی پناه خواستن به الله بزرگ است، خداوند متعال به رسول خود (صلی الله علیه وسلم) دستور داده است که به طور کلی از شیطان در هنگام خواندن قرآن، عصبانیت، وسواس و در هنگام دیدن خواب بد به خدا پناه ببرند. به طور خاص: قال الله تعالی: ﴿وَأِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (130). ترجمه: «هر گاه وسوسه ای از شیطان (در این مسیر) متوجه تو گردید (به هوش باش و در مقابل آن مقاومت کن و) خود را به خداوند بسیار (و به سایه لطف او پناه بر) که او بسا شنوا و آگاه است (و تو را می پاید و محافظت می نماید)،». وقال الله تعالی: ﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ (98) إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (99)﴾ (131). ترجمه: «هنگامی که خواستی قرآن بخوانی، از وسوسه های شیطان مطرود (از رحمت یزدان) به خدا پناه ببر (تا اهریمن تو را از فهم معنی قرآن و عمل بدان باز ندارد، بی گمان شیطان هیچ گونه تسلطی بر کسانی ندارد که ایمان دارند و بر پروردگارشان تکیه می نمایند)» (132).

فرع سوم: تسمیه: ذکر کردن نام الله متعالی مصئونیت از شیطان است و مصئونیت از خلط شدن شیطان با انسان در غذا، نوشیدنی، همبستری و داخل شدن آن در خانه است. عن جابر بن عبد الله رضي الله عنهما أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ، فَذَكَرَ اللهُ عِنْدَ دُخُولِهِ، وَعِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: لَا مَبِيتَ لَكُمْ وَلَا عِشَاءَ، وَإِذَا دَخَلَ فَلَمْ يَذْكُرِ اللهُ عِنْدَ دُخُولِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: أَدْرَكْتُمْ الْمَبِيتَ، وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللهُ عِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ: أَدْرَكْتُمْ الْمَبِيتَ وَالْعِشَاءَ» (133). ترجمه: «از جابر بن عبدالله رضي الله عنه روایت است که از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) شنید که میگفت: «هنگامی که مردی وارد خانه اش میشود در وقت داخل شدن به خانه و خوردن طعام نام الله را به یاد بیاورد، شیطان می گوید: جایی برای ماندن و غذا خوردن نیست، هنگامیکه وارد خانه اش شود در وقت داخل شدن نام الله را به یاد نیآورد، شیطان میگوید: شب را به شب گذرانی سپری کردی» (134).

فرع چهارم: ثناء: مفرد جمع آن ثناءات است به معنی مدح و تعریف و ستایش است، حمد و ستایش از فطرت انسان است، سخاوتمند نیست که بخشش می کند... در مورد ستایش، حتی اگر گرانترین

(129) ابن منظور، محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين الأنصاري الرويفعي الإفريقي، متوفى: (711هـ)، الكتاب: لسان العرب، الطبعة: الثالثة، - 1414 هـ، الناشر: دار صادر - بيروت، (34/12).

(130) سورة فصلت، آية: 36.

(131) سورة النحل، آيات 98 الى 99.

(132) التويجری، محمد بن ابراهيم بن عبدالله، مختصر الفقه الإسلامي في ضوء القرآن والسنة، طبع: 11 سال: (1431هـ-2010م)، دار أصدقاء المجتمع، المملكة العربية السعودية.

(133) أخرجه مسلم برقم (2018).

(134) مرجع سابق

باشد. قال رسول الله (صلى الله عليه وسلم): (إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيُبْدَأْ بِتَحْمِيدِ اللَّهِ وَالتَّثْنَاءِ عَلَيْهِ). ترجمه: «وقتی یکی از شما نماز می خواند، با حمد و ثنای خداوند متعالی شروع کند» (135).

فرع پنجم: آمین: آمین کلمه ای است که بعد از دعا گفته میشود به معنای «خدایا دعای ما را اجابت کن» (136).

فرع ششم: تحمید: منظور از تحمید، حمد و تعریف الله متعالی را گفتن است طوری که در این قول (سمع الله لمن حمده)، «خداوند می شنود هر که او را حمد گوید» آمده است، هنگامیکه نماز گذار سر خود را از رکوع بلند میکند این کلمات را بخواند، (137).

فرع هفتم: تشهد: منظور از آن التحيات است که رسول الله (صلى الله عليه وسلم) در آخر هر نماز جفت، تشهد را میخواندند که عبارت اند از: (التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ)، ترجمه: «تمامی درودها و ثناهای دارای خیر و مبارک و تمامی نمازها و نیکویی ها از آن (و برای) الله است، سلامتی بر تو ای نبی و رحمة الله و برکت های او (بر تو باد)، سلام بر ما و بر بندگان صالح (و نیکوکار) الله گواهی می دهم که الهی (برحق) نیست جز الله (معبود برحق) و گواهی می دهم که محمد رسول الله است. و این تشهد حضرت عبدالله ابن مسعود رضی الله تعالی عنهما است، اما مختار نزد امام شافعی رحمه الله تشهد عبدالله ابن عباس رضی الله تعالی عنهما است. عبارت از: التَّحِيَّاتُ الْمُبَارَكَاتُ الطَّيِّبَاتُ لِلَّهِ سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ سَلَامٌ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. ترجمه: «تمامی درودها و ثناهای دارای خیر و مبارکی و تمامی نمازها و نیکویی ها از آن (و برای) الله است، سلام بر تو ای نبی و رحمة الله و برکت های او (بر تو باد)، سلام بر ما و بر بندگان صالح (و نیکوکار) الله، گواهی می دهم که الهی (برحق) نیست جز الله (معبود برحق) و گواهی می دهم که محمد رسول الله است. امام شافعی رحمه الله به این نظر است که میگوید: من تشهد حضرت عبدالله ابن عباس رضی الله تعالی عنهما را بخاطر اختیار کردم که او از جمله صحابه جوان است، رضوان الله تعالی علیهم اجمعین، آنها فقط چیزی را انتخاب می کردند که موضوع در نهایت حل و فصل شده باشد، اما حضرت عبدالله ابن مسعود رضی الله تعالی عنهما از جمله بزرگان صحابه است، آنچه را که در ابتداء بوده نقل کرده

(135) عمر، د احمد مختار عبدالحمید، طبع اول: سال (1429هـ-2008م)، معجم اللغة العربية المعاصرة، متوفی: (1424هـ)، بمساعدة فريق عمل، ناشر: عالم الكتب.

(136) ابراهيم مصطفى، محمد النجار، احمد الزيات، حامد عبدالقادر، المعجم الوسيط، تحقيق / مجمع اللغة العربية، دار النشر: دار الدعوة.

(137) العيني، ابو محمد محمود بن احمد بن موسى بن حسين الغيتابي، بدر الدين العيني، (المتوفى: 855هـ) البناية شرح الهداية، طبع اول، 1420 (هـ-2000م)، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، لبنان، (227/2).

است، طوریکه از تطبیق و غیر آنرا نقل کرده است، دیگر اینکه تشهد عبدالله ابن عباس به موافقت قرآن کریم نزدیکتر است: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: {تَحِيَّةٌ...} (138).

فرع هشتم: مسبوق: کسیکه رکعت اول و یا بیشتر از یک رکعت را همراه با امام دریافت نکند، مسبوق گفته میشود (139).

فرع نهم: رکوع: رکوع در نماز، عبارت از این است که نمازگذار پس از قیام برای قرائت، سری خود را پایین نموده، تا وقتی که کف های دستش به زانو برسد یا کمری خود را راحت کند، فقهاء آن را به گونه ای تخمین زده اند که اگر ظرف پراز آب بالای پشت نماز گذار گذاشته شود، آب نه ریزد. راغب اصفهانی (140) رحمه الله گفتند که: رکوع به معنی خم شدن است و گاهی به صورت استعمال می شود خاص در نماز است چنان که هست، و گاهی در خضوع و خشوع، چه در عبادت و چه در امور دیگر استعمال میگردد (141).

فرع دهم: سجده: سجده عبارت از اطمینان، و تمایل: تسلیم و خواری کردن در نماز است، و یا اینکه گذاشتن پیشانی بر زمین است، و سجده را بخاطر سجده میگویند که نهایت خشوع و خضوع در آن بکار گرفته میشود. قال الله تعالى: {مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ}، (142). ترجمه: «محمد فرستاده خدا است، و کسانی که با او هستند در برابر کافران تند و سرسخت، و نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند. ایشان را در حال رکوع و سجود می بینی. آنان همواره فضل خدای را می جویند و رضای او را می طلبند. نشانه ایشان بر اثر سجده در پیشانی هایشان نمایان است (143).

مطلب دوم: تخریج احادیث و بیان مسائل

فرع اول: تخریج حدیث: (وَكَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا صَلَّى كَانَ لِحُجُوفِهِ أَزِيزٌ كَأَزِيزِ الْمَرْجَلِ):

درجه حدیث: البانی رحمه الله صحیح گفته است.

(138) السرخسی، محمد بن احمد بن ابی سهل شمس الائمة، المبسوط، المتوفى: 483هـ، طبع: بدون طبع، تاریخ النشر: 1414هـ 1993م)، الناشر: دار المعرفة - بيروت، (27/1).

(139) أن دوزی، رینهارت بیتر، متوفى: (1300هـ)، تکملة المعاجم العربية، طبع اول، سال: (1979-2000م)، الناشر: وزارة الثقافة والإعلام، الجمهورية العراقية، (26/6).

(140) أبو القاسم الحسين بن محمد المعروف بالأصفهانی (المتوفى: 502هـ)، تفسیر الراغب الأصفهانی، أبو القاسم الحسين بن محمد المعروف بالأصفهانی (المتوفى: 502هـ)، المقدمة وتفسیر الفاتحة والبقرة، د. محمد عبد العزيز بسيوني، طبع اول: 1420 هـ - 1999 م، كلية الآداب - جامعة طنطا، (1/1).

(141) الزبيدي، محمد بن محمد بن عبد الرزاق، أب[و] الفيض، الملقب بمرتضى، الحسيني، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق مجموعة من المحققين، الناشر دار الهداية، (122/21).

(142) سورة الفتح، آية: 29.

(143) ابو حبيب، د: سعدی، القاموس الفقهي لغة واصطلاحا، الطبعة: الثانية (1408 هـ 1988 م)، الناشر: دار الفكر. دمشق - سورية، (166/1).

نسائي، سنن الصغرى للنسائي، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، متوفى: (303هـ)، تحقيق: عبد الفتاح أبو غدة، باب البكاء فى الصلاة، شماره حديث: (1214)، الطبعة: الثانية، (1406هـ، 1986م)، مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب، (13/3).

فرع دوم: تخريج حديث: وَأَيْلِ بْنِ حُجْرٍ: (إِذَا افْتَتَحْتَ الصَّلَاةَ فَاَرْفَعْ يَدَيْكَ حِذَاءَ أُذُنَيْكَ):
درجه حديث: أبو داود رحمه الله حسن صحيح گفته است.

أبو داود، سنن أبو داود، سليمان بن الأشعث أبو داود السجستاني الأزدي، تحقيق: محمد محيي الدين.
فرع سوم: تخريج حديث: (لَا تُرْفَعُ الْأَيْدِي إِلَّا فِي سَبْعِ مَوَاطِنَ):

الخراساني، معرفة السنن والآثار، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخسروجردي الخراساني، أبو بكر البيهقي متوفى: (458هـ)، باب القول عند رونت البيت، شماره حديث: (9808)، محقق: عبد المعطي أمين قلجعي، طبع اول: (1412هـ - 1991م)، جامعة الدراسات الإسلامية (كراتشي - باكستان)، دار قتيبة (دمشق - بيروت)، دار الوعي (حلب - دمشق)، دار الوفاء (المنصورة - القاهرة)، (2017).

فرع چهارم: تخريج حديث: (ثَلَاثٌ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ: تَعْجِيلُ الْإِفْطَارِ، وَتَأْخِيرُ السُّحُورِ، وَوَضْعُ الْيَمِينِ عَلَى الشَّمَالِ تَحْتَ السَّرَّةِ):
مسلم، صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري متوفى: (261هـ)، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، 9- باب فضل السحور و تأكيد استحبابه، شماره حديث: (49)، دار إحياء التراث العربي - بيروت، (771/).

فرع پنجم، تخريج حديث: (أَنَّهُ كَانَ إِذَا كَبَّرَ لِافْتِتَاحِ الصَّلَاةِ قَرَأَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ):
مسلم، صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري متوفى: (261هـ)، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، 13- باب حجة من قال لا يجهر بالبسملة، شماره حديث: (52)، دار إحياء التراث العربي - بيروت، (299/1).

فرع ششم: تخريج حديث: حَدِيثِ أَنَسٍ قَالَ: (صَلَّيْتُ خَلْفَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَخَلْفَ أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ وَكَانُوا يَفْتَتِحُونَ الْقِرَاءَةَ بِالْحَمْدِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)، وَفِي رِوَايَةٍ: «كَانُوا يُخْفُونَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ):

مسلم، صحيح المسلم، أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري النيسابوري، باب حجة من قال لا يجهر بالبسملة، شماره حديث: (918). دار الجيل بيروت + دار الأفاق الجديدة - بيروت، (12/2).

فرع هفتم: تخريج حديث: (عَبْدُ اللَّهِ بْنِ مَعْقَلٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - : «أَنَّهُ سَمِعَ ابْنَهُ يَجْهَرُ بِهَا فَقَالَ: يَا بُنَيَّ إِيَّاكَ وَالْحَدَّثَ فِي الْإِسْلَامِ، صَلَّيْتُ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَخَلْفَ أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ وَكَانُوا لَا يَجْهَرُونَ بِالتَّسْمِيَةِ، فَإِذَا أَرَدْتَ الْقِرَاءَةَ فَقُلْ، بِالْحَمْدِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ):

درجه حديث: إسناده را حديث را حسن فى الشواهد.

شيباني، مسند الإمام أحمد بن حنبل، حديث عبدالله بن مغفل المزنى رضى الله تعالى عنه، شماره حديث: (20578)، (55/5).

فرع هشتم: تخريج حديث: (صَلَاةُ النَّهَارِ عَجْمَاءُ):

با جستجوی زیاد حديث مذکور در كتب آحادیث یافت نشد بلکه كتاب العبسي، الكتاب المصنف فى الأحاديث والآثار، أبو بكر بن أبي شيبة، عبد الله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان بن خواستي متوفى: (235هـ)، باب فى قرائت النهار كيف هى فى الصلاة، شماره حديث: (3664)، طبع اول: (1409)، محقق: كمال يوسف الحوت، مكتبة الرشد – الرياض ذكر شده است.

فرع نهم: تخريج حديث: (إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ، فَإِذَا قَرَأَ فَأَنْصِتُوا):

درجه حديث: البانى رحمه الله صحيح گفته است.

أبو داود، سنن أبو داود، أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني، 69 – باب الإمام يصلى من قعود، شماره حديث: (604)، دار الكتاب العربي - بيروت، (135/1).

درجه حديث: البانى رحمه الله حسن صحيح گفته است.

نسائي، سنن الصغرى للنسائي، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، النسائي (متوفى: 303هـ)، تحقيق: عبد الفتاح أبو غدة، باب تأويل قوله عز وجل: (و إذا قرئ القرآن)، شماره حديث: (921)، طبع: (1406 - 1986)، مكتب المطبوعات الإسلامية – حلب، (141/2).

فرع دهم: تخريج حديث: (مَنْ كَانَ مَأْمُومًا فَقِرَاءَةُ الْإِمَامِ لَهُ قِرَاءَةٌ):

درجه حديث: البانى رحمه الله حسن گفته است.

ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ابن ماجه أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني، وماجة اسم أبيه يزيد، متوفى: (273هـ) تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، (13): باب من قرأ الإمام فأنصتوا، شماره حديث: (850)،

دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي، (277/1).

فرع يازدهم: تخريج حديث: (لَا قِرَاءَةَ خَلْفَ الْإِمَامِ):

مسلم، صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، 20- باب سجود التلاوة، شماره حديث: (106)، دار إحياء التراث العربي – بيروت.

فرع دوازدهم: تخريج حديث: (لِقَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِلْأَعْرَابِيِّ حِينَ عَلَّمَهُ الصَّلَاةَ: ثُمَّ أَفْرَأَ مَا تَيْسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ثُمَّ ارْكَعْ)، (406/1).

بخارى، جزء القراءة خلف الإمام، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، أبو عبد الله متوفى: (256هـ)، شماره حديث: (79)، طبع اول، (1400هـ، 1980م)، المكتبة السلفية، (31/1).

فرع سيزدهم: تخريج حديث: (إِذَا رَكَعْتَ فَضَعْ يَدَيْكَ عَلَى رُكْبَتَيْكَ وَفَرَّقْ بَيْنَ أَصَابِعِكَ):

ابن خزيمة، صحيح ابن خزيمة، أبو بكر محمد بن إسحاق بن خزيمة بن المغيرة بن صالح بن بكر السلمي النيسابوري متوفى: (311هـ)، محقق: د. محمد مصطفى الأعظمي، باب ذكر البيان أن التطبيق غير جازع بعد، شماره حديث: (597)، المكتب الإسلامي - بيروت، (302/1).

درجه حديث: إسناده حديث را صحيح گفته است.

فرع چهاردهم: تخريج حديث: (كَانَ إِذَا رَكَعَ لَوْ وُضِعَ عَلَى ظَهْرِهِ قَدْحٌ مَاءٍ لَأَسْتَقَرَّ):

درجه حديث: هيثمي رحمه الله ضعيف گفته است.

هيثمي، مجمع الزوائد، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد للحافظ نور الدين علي بن أبي بكر متوفى (807)، طبع: (1408هـ، 1988م)، دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، (219/5).

فرع پانزدهم: تخريج حديث: (إِذَا رَكَعَ أَحَدُكُمْ وَقَالَ فِي رُكُوعِهِ: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ ثَلَاثًا فَقَدْ تَمَّ رُكُوعُهُ):

درجه حديث: الباني رحمه الله صحيح گفته است.

أبو داود، سنن أبو داود، أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني، 53- باب ما يقول الرجل في ركوعه و سجوده، شماره حديث: (871)، دار الكتاب العربي - بيروت، (325/1).

فرع شانزدهم: تخريج حديث: (إِذَا قَالَ الْإِمَامُ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمَدَهُ، قُولُوا: رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ):

بخاري، صحيح البخاري، باب فضل اللهم ربنا لك الحمد، شماره حديث: (796)، (158/1).

مسلم، صحيح مسلم، باب التسميع و التحميد و التأمين، شماره حديث: (71)، (306/1).

فرع هفدهم: تخريج حديث: (أُمِرْتُ أَنْ أَسْجُدَ عَلَى سَبْعَةِ أَعْظَمِ: الْوَجْهِ، وَالْكَفَّيْنِ، وَالرُّكْبَتَيْنِ، وَالْقَدَمَيْنِ):

بخاري، صحيح البخاري، باب السجود على الأنف، شماره حديث: (812)، (162/1).

مسلم، صحيح المسلم، باب أعضاء السجود، والنهي عن كف الشعر، شماره حديث: (230)، (354/1).

درجه حديث: الباني رحمه الله صحيح گفته است.

نسائي، سنن النسائي، باب السجود على اليمين، شماره حديث: (1097)، (209/2).

فرع هژدهم: تخريج حديث: (مَكَّنْ جِبْهَتَكَ وَأَنْفَكَ مِنَ الْأَرْضِ):

دارقطني، سنن الدارقطني، أبو الحسن علي بن عمر بن أحمد بن مهدي بن مسعود بن النعمان بن دينار البغدادي، متوفى: (385هـ)، طبعة: الأولى، (1424هـ - 2004م)، باب في أخذ الشمال باليمين في

الصلاة، شماره حديث: (1320)، مؤسسة الرسالة، بيروت - لبنان، (157/2).

درجه حديث: أبي يعلى رحمه الله سند حديث را ضعيف گفته است.

أبي يعلى، مسند أبي يعلى، أبو يعلى أحمد بن علي بن المثنى بن يحيى بن عيسى بن هلال التميمي،
الموصلي متوفى(307)هـ، باب يسجد فى اعلى جبهته من قصاص الشعر، شماره حديث: (2176)،
طبع اول: (1404هـ، 1984م)، دار المأمون للتراث – دمشق، (127/4).

فرع نزههم: تخريج حديث: (أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُجَافِي فِي سُجُودِهِ حَتَّى إِنَّ بَهْمَةَ لَوْ
أَرَادَتْ أَنْ تَمُرَّ لَمَرَّتْ):

درجه حديث: ابن حبان رحمه الله إسناده حديث را صحيح گفته است.

ابن حبان، الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن معبد،
التميمي، أبو حاتم، الدارمي، البستي متوفى: (354)هـ، باب ذكر ما يستحب للمصلى أن يجافى فى
سجوده حتى...، شماره حديث: (1919)، طبع اول، (1408هـ، 1988م)، مؤسسة الرسالة، بيروت،
(247/5).

فرع بيستم: تخريج حديث: (رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْجُدُ عَلَى كَوْرِ عِمَامَتِهِ):

درجه حديث: أبو بكر البيهقي رحمه الله حديث را مرسل صالح گفته است.

أبو بكر البيهقي، السنن الكبرى، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخسروجردي الخراساني، متوفى:
(458)هـ، محقق: محمد عبد القادر عطا، باب الكشف عن الجبهة فى السجود، (2659)، طبع سوم:
(1424هـ، 2003م)، دار الكتب العلمية، بيروت – لبنان، (151/2).

فرع بيست و يكم: تخريج حديث: (لِنَهْيِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ افْتِرَاشِ الثَّعْلَبِ):

درجه حديث: البانى رحمه الله حسن گفته است.

أبو داود، سنن أبو داود، أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي
السجستاني متوفى: (275)هـ، محمد محيي الدين عبد الحميد، باب صلاة من لا يقيم صلبه فى الركوع
و السجود، شماره حديث: (862)، المكتبة العصرية، صيدا – بيروت، (228/1).

فرع بيست و دوم: تخريج حديث: (التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ):

بخاري، صحيح البخاري، باب الأخذ باليدين، شماره حديث: (6265)، (59/8).

مسلم، صحيح المسلم، 16- باب التشهد فى الصلاة، شماره حديث: (55)، (301/1).

مطلب سوم: تخريج قواعد و ضوابط فقهي

القاعدة: (306): (الأصل أن ما غير الفرض فى أوله غير فى آخره)

ترجمه: اصل این است که آنچیزیکه فرض را در ابتداء تغییر میدهد و در آخر هم تغییر میدهد).
توضیحات: یقیناً برای فرض اُعمال زیادی است، در مقدمه فرض نیت است و عمل طبق نیت میباشد، اگر نیت تغییر کند عمل هم تغییر میکند، پس اگر تغییر نیت در آخر عمل حاصل گردد پس نزد امام ابوحنیفه رحمه الله در عمل تغییرات میآید، خلاف دیدگاه امام ابویوسف و امام محمد رحمهما الله است. مثال: نیت اقامت برای مسافر، اِقتدای مسافر بر مقیم و در این مورد مسائل زیاد است.

تطبیقات

1 – تیمم کننده وقتیکه آب را میبیند در آخر نماز خود بعد از اینکه به مقدار تشهد نشست میکند و قبل از اینکه سلام دهد، نماز اش فاسد گردیده نزد امام ابوحنیفه رحمه الله؛ زیرا که اگر دیدن آب در اول فرض حاصل میشد فرض اش تغییر میکرد، همچنان که دیدن آب در آخر فرض حاصل شده فرض نیز تغییر کرده. اما نزد صاحبین نماز فاسد نمی گردد.

2 – شخص برهنه، وقتیکه لباس برایش میرسد، یا لباسیکه به مقدار اینکه عورتش را پنهان کند و یا مقدار آنچیزیکه می پوشاند عورتش را بعد از نشست کردن به مقدار تشهد و قبل از سلام دادن، نماز اش فاسد گردیده نزد امام ابوحنیفه رحمه الله مانند تیمم کننده واری، اما نزد صاحبین فاسد نمی شود؛ زیرا که حکم آخر شده نیت در آخر فرض، فرض را تغییر نمی دهد.

3 – زن وقتیکه در پهلوی مرد در آخر نماز ایستاد میشود نماز شخص فاسد گردیده نزد امام ابوحنیفه رحمه الله، اما نزد صاحبین فاسد نگردیده است.

4 – مسح کننده وقتیکه مدت مسح اش تمام شود، یا مسیح از پایش بی افتد اگر چی بدون فعل شخص هم باشد، بعد از نشست کردن به مقدار تشهد و قبل از سلام دادن نماز اش فاسد گردیده است نزد امام ابوحنیفه رحمه الله. اما نزد صاحبین فاسد نشده است.

5 – ناتوان وقتیکه قادر به رکوع کردن و سجده کردن میشود بعد از اینکه به مقدار تشهد نشست میکند و قبل از سلام دادن نماز اش فاسد گردیده است نزد امام ابوحنیفه رحمه الله و نزد صاحبین فاسد نشده است.

6 – زن هنگامیکه حالت حیض برایش پیش شود بعد از نشست کردن به مقدار تشهد و قبل از سلام دادن نماز اش فاسد گردیده است نزد امام ابوحنیفه رحمه الله اما نزد صاحبین فاسد نشده است.

7 – کسی در صبح بود که آفتاب طلوع کرد بعد از اینکه به مقدار تشهد نشست کرده و قبل از سلام دادن نماز اش فاسد گردیده است و نزد صاحبین فاسد نگردیده است (144).

(144) زحیلی، د. محمد مصطفی، القواعد الفقهية وتطبيقاتها في المذاهب الأربعة، قاعده: 306، الطبعة: الأولى، 1427 هـ - 2006 م، دار الفكر - دمشق، (1069-1070/2).

مبحث هفتم: بیان وتر واجب، قرائت، جماعت و مکروهات نماز است

که این مبحث دارای چهار مطلب میباشد

متن کتاب (المختار للفتوی)

فَصَلِّ الْوُتْرَ وَاجِبٌ (سم ف)، وَهِيَ ثَلَاثٌ (ف) رَكَعَاتٍ كَالْمَغْرِبِ لَا يُسَلَّمُ بَيْنَهُنَّ، وَيَقْرَأُ فِي جَمِيعِهَا، وَيَقْنُتُ فِي الثَّلَاثَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ (ف)، وَيَرْفَعُ يَدَيْهِ وَيُكَبِّرُ، ثُمَّ يَقْنُتُ، وَلَا قُنُوتَ فِي غَيْرِهَا (ف). فَصَلِّ الْقِرَاءَةَ فَرَضٌ فِي رَكَعَتَيْنِ سُنَّةٌ (ف) فِي الْأَخْرَيَيْنِ، وَإِنْ سَبَّحَ فِيهِمَا أَجْزَأَهُ (ف)، وَمَقْدَارُ الْفَرَضِ آيَةٌ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ (سم ف)، وَالْوَاجِبُ الْفَاتِحَةُ وَالسُّورَةُ أَوْ ثَلَاثُ آيَاتٍ. وَالسُّنَّةُ أَنْ يَقْرَأَ فِي الْفَجْرِ وَالظُّهْرِ طَوَالَ الْمُفَصَّلِ، وَفِي الْعَصْرِ وَالْعِشَاءِ أَوْسَاطَهُ، وَفِي الْمَغْرِبِ قِصَارُهُ، وَفِي حَالَةِ الضَّرُورَةِ وَالسَّفَرِ يُقْرَأُ بِقَدْرِ الْحَالِ وَلَا يَتَعَيَّنُ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ لِشَيْءٍ مِنَ الصَّلَوَاتِ، وَيُكْرَهُ تَعْيِينُهُ. فَصَلِّ الْجَمَاعَةَ سُنَّةً مُؤَكَّدَةً، وَأُولَى النَّاسِ بِالْإِمَامَةِ أَعْلَمُهُمْ بِالسُّنَّةِ، ثُمَّ أَقْرَبُهُمْ، ثُمَّ أَوْلَاهُمْ، ثُمَّ أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا، ثُمَّ أَحْسَنُهُمْ وَجْهًا، وَلَا يُطَوَّلُ بِهِمُ الصَّلَاةُ، وَيُكْرَهُ إِمَامَةُ الْعَبِيدِ (ف) وَالْأَعْرَابِيِّ وَالْأَعْمَى (ف) وَالْفَاسِقِ وَوَلَدِ الزَّانَا (ف) وَالْمُبْتَدِعِ، وَلَوْ تَقَدَّمُوا وَصَلُّوا جَازَ، وَلَا تَجُوزُ إِمَامَةُ النِّسَاءِ وَالصَّبِيَّانِ (ف) لِلرِّجَالِ، وَمَنْ صَلَّى بِوَاحِدٍ أَقَامَهُ عَنِ يَمِينِهِ، فَإِنْ صَلَّى بِاثْنَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ تَقَدَّمَ عَلَيْهِمْ، وَيُصَفُّ الرِّجَالُ ثُمَّ الصَّبِيَّانُ ثُمَّ الْخَنَائِيُّ ثُمَّ النِّسَاءُ، وَلَا تَدْخُلُ الْمَرْأَةُ فِي صَلَاةِ الرَّجُلِ إِلَّا أَنْ يُنَوِّبَهَا (ف) الْإِمَامُ، وَإِذَا قَامَتْ إِلَى جَانِبِ رَجُلٍ فِي صَلَاةٍ مُشْتَرَكَةٍ فَسَدَتْ (ف) صَلَاتُهُ، وَيُكْرَهُ لِلنِّسَاءِ حُضُورُ الْجَمَاعَاتِ، وَأَنْ يُصَلِّيَنَّ جَمَاعَةً (ف)، فَإِنْ فَعَلْنَ وَقَفَتِ الْإِمَامُ وَسَطَهُنَّ، وَلَا يَقْتَدِي الطَّاهِرُ بِصَاحِبِ عُدْرٍ (ف)، وَلَا الْقَارِئُ بِالْأُمِّيِّ، وَلَا الْمُكْتَسِبِيُّ (ف) بِالْعَرَبِيَّانِ، وَلَا مَنْ يَرْكَعُ وَيَسْجُدُ (ف) بِالْمُومِيِّ وَلَا الْمُفْتَرِضُ (ف) بِالْمُنْتَفِلِ، وَلَا الْمُفْتَرِضُ بِمَنْ يُصَلِّي فَرَضًا آخَرَ (ف). وَيَجُوزُ اقْتِدَاءُ الْمُتَوَضِّئِ (م) بِالْمُتَمَيِّمِ، وَالْعَاسِلِ بِالْمَاسِحِ، وَالْقَائِمِ (م) بِالْقَاعِدِ، وَالْمُنْتَفِلِ بِالْمُفْتَرِضِ. وَمَنْ عَلِمَ أَنَّ إِمَامَهُ عَلَى غَيْرِ طَهَارَةٍ أَعَادَ (ف) وَيَجُوزُ أَنْ يَفْتَحَ عَلَى إِمَامِهِ وَإِنْ فَتَحَ عَلَى غَيْرِهِ فَسَدَتْ صَلَاتُهُ، وَمَنْ حَصِرَ عَنِ الْقِرَاءَةِ أَصْلًا فَقَدَّمَ غَيْرَهُ جَازَ (سم)، وَإِنْ قَدَّتْ إِمَامُهُ فِي الْفَجْرِ سَكَتَ (سف). فَصَلِّ يُكْرَهُ لِلْمُصَلِّي أَنْ يَعْبَثَ بِثَوْبِهِ، أَوْ يُرْفِعَ أَصَابِعَهُ، أَوْ يَتَخَصَّرَ، أَوْ يَعْقِصَ شَعْرَهُ، أَوْ يُسَدِّلَ ثَوْبَهُ، أَوْ يُعْجِي أَوْ يَلْتَفِتَ، أَوْ يَتَرَبَّعَ بِغَيْرِ عُدْرٍ، أَوْ يَقْلِبَ الْحَصَى إِلَّا لِضَّرُورَةٍ، أَوْ يَرُدَّ السَّلَامَ بِلِسَانِهِ أَوْ بِيَدِهِ (ف)، أَوْ يَنْمَطِي، أَوْ يَنْتَابِ، أَوْ يُعْمِضَ عَيْنَيْهِ، أَوْ يَعِدَّ النَّسِيحَ أَوْ الْآيَاتِ (سم) وَلَا بَأْسَ بِقَتْلِ الْحَيَّةِ وَالْعُقْرَبِ فِي الصَّلَاةِ، وَإِنْ أَكَلَ أَوْ شَرِبَ أَوْ تَكَلَّمَ أَوْ قَرَأَ مِنَ الْمُصْحَفِ (سم) فَسَدَتْ صَلَاتُهُ، وَكَذَلِكَ إِذَا أَنْ أَوْ تَأَوَّهَ أَوْ بَكَى بِصَوْتٍ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِنْ ذِكْرِ الْجَنَّةِ أَوْ النَّارِ. وَإِنْ سَبَقَهُ الْحَدِيثُ تَوْضًا وَبَنَى (ف)، وَالِاسْتِنْفَافُ أَفْضَلُ، وَإِنْ كَانَ إِمَامًا اسْتَخْلَفَ (ف)، وَإِنْ جَنَّ أَوْ نَامَ فَاحْتَلَمَ أَوْ أُعْمِيَ عَلَيْهِ اسْتَقْبَلَ، وَإِنْ سَبَقَهُ الْحَدِيثُ بَعْدَ التَّشَهُدِ تَوْضًا وَسَلَّمَ (ف)، وَإِنْ تَعَمَّدَ الْحَدِيثَ تَمَّتْ (ف) صَلَاتُهُ. فَصَلِّ وَيَقْضِي الْفَائِتَةَ إِذَا ذَكَرَهَا كَمَا فَاتَتْ سَفَرًا أَوْ حَضْرًا، وَيُقَدِّمُهَا عَلَى الْوَقْتِيَّةِ إِلَّا أَنْ يَخَافَ قَوَّتَهَا، وَيُرْتَّبُ الْفَوَائِتُ فِي الْقَضَاءِ

وَيَسْقُطُ التَّرْتِيبُ بِالنَّسْيَانِ، وَخَوْفِ قَوْتِ الْوَقْتِيَّةِ، وَأَنْ تَزِيدَ عَلَى خَمْسٍ (ز) وَإِذَا سَقَطَ التَّرْتِيبُ لَا يَعُودُ، وَيَفْضِي الصَّلَاةَ الْخَمْسَ وَالْوَتْرَ، وَسُنَّةَ الْفَجْرِ إِذَا قَاتَتْ مَعَهَا، وَالْأَرْبُعَ قَبْلَ الظُّهْرِ يَفْضِيهَا بَعْدَهَا (145).

ترجمه متن کتاب (المختار للفتوى)

فصل در مورد نماز وتر واجب است، وتر واجب سه رکعت است، مانند نماز شام، در میان رکعات سلام داده نمیشود و در تمام رکعات قرائت کرده میشود، و دعای قنوت در رکعت سوم قبل از رکوع خوانده میشود، و بلند میکند دست های خود را و تکبیر میگویند باز قنوت میخواند در غیر از نماز وتر در دیگر جای دعای قنوت نیست. فصل در مورد قرائت کردن در نماز است: در دو رکعت اول قرائت کردن فرض است، در دو رکعت اخیر سنت است، اگر تسبیح هم گفته شود در دو رکعت اخیر کفایت میکند، مقدار فرض یک آیت است در هر رکعت، قرائت سوره فاتحه، همراه با یک سوره و یا سه آیت واجب است. در نماز های صبح و پیشین سنت است که از سوره های (طوال مفصل) خوانده شود. در نماز های عصر و خفتن (اوسط المفصل) خوانده میشود، و در نماز شام (قصار مفصل) خوانده شود، و در حالت ضرورت و سفر قرائت کند به قدر حالت، تعیین نمی کند کدام سوره و آیت از قرآن کریم برای کدام رکعت و یا رکعات از نماز قرائت کرده شود. تعیین کردن آیات و یا سوره از قرآن کریم بخاطر ادای نماز مکروه است. فصل در مورد جماعت است، جماعت یک سنت مؤکده است، بهترین کس برای امامت دانتز به سنت باشد، باز قرائت کننده تر به قرآن از روی فصاحت و بلاغت باشد، باز با تقواترین باشد، باز کلان سالتزین باشد، باز کسی باشد که دارای اخلاق نیکو باشد، باز کسی باشد که زیبا روی و بزرگ قوم باشد، و نماز برایشان طولانی کرده نشود. امامت غلام، صحرائشین، کور، فاسق، حرامی، بدعت کار مکروه میباشد و اگر پیش نماز شدند جایز است، امامت زنان و طفلان برای مردان جایز نیست. اگر کسی با یک نفر جماعت کرد مقتدی در طرف راست امام قرار گیرد، اگر کسی امامت کرد برای دو نفر و بیشتر از آن، امام پیش استاده شود و مقتدی ها پشت سر. اول صف مردان تنظیم شود باز طفلان، باز خنثی (کسیکه نر و ماده باشد)، باز زنان، و داخل نشود زن در نماز که مرد ها وجود دارد، مگر اینکه امام نیت آنرا بکند. و اگر زن در پهلوی مرد ایستاد شد و نماز را مشترکاً آداء کردن، نماز مرد فاسد شده است، و برای زنان مکروه است که در نماز های مشترک حضور پیدا کنند و نماز ها را به جماعت آداء کنند، و اگر جماعت کردن امام باید در وسط شان ایستاده شود. شخص سالم در عقب شخص که عذر دارد اقتداء نکند، شخص خوانا و قرائت کننده بر شخص عوام یا ناخوان اقتداء نکند، شخص که لباس دارد بر شخص که برهنه است و لباس ندارد اقتداء نکند، شخص که قادر به انجام رکوع و سجده است بر شخص که

(145) موصلی، الاختیار لتعلیل المختار، (54-65/1).

به اشاره است اقتداء نکند، اقتداء فرض گذار به نفل گذار جایز نیست، اقتداء فرض گذار بر فرض گذار دیگر درست نیست، اقتداء شخصی که وضوء دارد بر شخص که تیمم دارد جایز است، اقتداء شخص که پای خود را میشوید بر شخص که مسح میکند درست است، اقتداء شخص که توانای ایستاده شدن را دارد بر شخصی که نشسته است درست است، اقتداء شخص نفل گذار بر شخص فرض گذار درست است، کسی دانست که امام طهارت نداشته است نماز خود را دو باره اداء کند. برای امام فتح دادن جایز است، اگر به غیر از امام فتح داد نماز اش فاسد شده است، کسی اگر از قرائت کردن بند شد و نتوانست که قرائت کند اصلاً، کسی دیگر را اگر پیش نماز میکند جایز است، و اگر چی دعای قنوت را خواند در نماز صبح و سکوت کرد. فصل در مورد مکروهات نماز است، مکروه است برای نماز گذار اینکه بازی کند با لباس خود با زدن انگشتان دست خود و صدای انگشتان دست خود را بکشد، یا انگشتان پای خود را به صدا در آورد و یا کمر خود را به صدا بیاورد، یا موی های خود را جمع نموده و بسته کند، یا کالای خود را بپوشد، یا روی خود را دور داده نظر کند، یا اینکه بدون عذر چهار زانو در نماز بنشیند، یا سنگ ها را بدون ضرورت دور کند، یا اینکه جواب سلام را به زبان و یا به دست خود رد کند، یا اینکه دست های خود را دراز کند، یا خمیازه کند، یا چشم های خود را پنهان کند، یا تسبیحات و آیات را شمار کند. در کشتن مار و گزدم در داخل نماز کراهیت نیست، اگر کسی در داخل نماز خورد و نوشید، یا سخن گفت و قرائت نمود از قرآن کریم، نماز شخص فاسد میشود، و همچنان اگر شخص نماز گذار آه کشید و درد مند شد، یا به صدای بلند گریان کرد نماز اش نیز فاسد شده و اگر سبب گریان نمودنش ذکر جنت دوزخ باشد در آنصورت نماز فاسد نمی گردد. اگر برای شخص نماز گذار بی وضوی پیش شد وضوء گرفته نماز خود را ادامه دهد، و اگر از ابتداء دو باره اداء کند بهتر است. و اگر امام باشد جایزین کند شخص که در پشت سر اش قرار دارد، اگر شخص نماز گذار دیوانه شد، یا خواب کرد و شیطان بازی داد، یا به بهوشی روبرو شد در این صورت ها نماز فاسد میشود، اگر بی وضوی بعد از تشهد برای نماز گذار پیش شد، وضوء بگیرد و سلام بدهد، و اگر قصد بی وضوی را کرد نمازش تمام شده است. فصل در مورد نماز های فوت شده است، اگر در سفر و در خانه نماز شخص فوت شده باشد، قضاء می آورد نماز های فوت شده را وقتیکه به یاد آورد، نماز قضای نسبت به نماز وقتی در صورتیکه خوف فوت شدن آن نماز را نداشته باشد پیش ادا کرده میشود. نماز های فوت شده به ترتیب اداء میشود، در صورت فراموشی، ترس از فوت شدن نماز وقتی، و زیاد شدن نماز قضای بیشتر از پنج وقت در این صورت ها ترتیب ساقط میشود، اگر ترتیب ساقط گردید دو باره اعاده نمی کند. قضای آورده میشود نماز های پنج وقته، نماز وتر و سنت نماز صبح در صورتیکه فوت شده باشد. و چهار رکعت سنت نماز پیشین که قبل از فرض قرار دارد، اگر قضاء شد بعد از فرض قضاء آورده میشود.

ترجمه متن (الإختیار لتعلیل المختار)

فصل در مورد نماز وتر واجب است: لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى زَادَكُمْ صَلَاةً إِلَى صَلَاتِكُمُ الْخَمْسِ أَلَا وَهِيَ الْوَتْرُ فَحَافِظُوا عَلَيْهَا). ترجمه: قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم): «بِقِينَا اللَّهُ (جل جلاله) زیاد کرده برای شما نماز را همراه با نماز های پنج وقته تان، آگاه باشید که او نماز وتر است پس محافظت کنید بر آن». و زیادت از جنس مزید علیه میباشد و قضیه فرض در آن قطع نمی باشد بلکه ما واجب میگویم. امام ابویوسف رحمه الله و امام محمد رحمه الله به این نظر هستند که نماز وتر سنت است نظر به این حدیث: لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (ثَلَاثٌ كُتِبَتْ عَلَيَّ وَلَمْ تُكْتَبْ عَلَيْكُمْ). ترجمه: قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم): سه چیز برای من فرض کرده شده است، در حالیکه برای شما فرض نشده بود. و در روایت دیگر: «واین برای شما سنت است: نماز وتر، نماز چاشت و قربانی»، ما گفتیم که کتابت یعنی فرض. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا) (146). ترجمه: «نماز را (به تمام وکمال و در وقت مشخص) بر پای دارید بی گمان نماز بر مؤمنان فرض و دارای اوقات معلوم و معین است». برای فرایض مکتوبات گفته میشود، پس نفی کتابت نفی فرضیت است، ما فرض نمی گویم بلکه واجب میگویم. اما قول «وَهِيَ لَكُمْ سُنَّةٌ» و این نماز وتر سنت است، و جوب نماز وتر به اساس سنت ثابت است، زیرا که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) امر نموده به انجام نماز وتر، امر تقضای وجوب را میکند، و این نزد صاحبین رتبه اعلی است از تمام سنت های دیگر کرده، حتی اینکه کسی قادر به انجام آن باشد نشسته اداء نمودن آن جایز نیست، و بر بالای سواری بدون عذر خواندن نماز وتر جایز نیست، در صورت فوت قضاء آورده شود. درالمحیط ذکر شده است. نماز وتر مانند نماز شام سه رکعت است، سلام در میان سه رکعت داده نمیشود، لِمَا رَوَى ابْنُ مَسْعُودٍ وَابْنُ عَبَّاسٍ وَأَبِيُّ بَنْ كَعْبٍ وَعَائِشَةُ وَأُمُّ سَلَمَةَ: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُوتِرُ بِثَلَاثٍ لَا يُسَلِّمُ إِلَّا فِي آخِرِهَا». ترجمه: طوریکه از حضرت عبدالله ابن مسعود، حضرت ابی بن کعب، حضرت عائشه و ام سلمه رضوان الله تعالی علیهم اجمعین روایت کردند که: «پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) نماز وتر را سه رکعت می خواندن و سلام نمی دادند مگر در رکعت آخر»، و در تمام رکعات نماز وتر قرائت کرده میشود، و مستحب همین است که: در رکعت اول سوره فاتحه را همراه با سوره {سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى} (147). ترجمه: «تسبیح و تقدیس کن پروردگار والا مقام خود را». بخواند و در رکعت دوم، سوره فاتحه را همراه با سوره قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ بخواند و در رکعت سوم، سوره فاتحه را همراه با سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، بخواند، به همین طور قرائت از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در این باره نقل شده،

(146) سورة النساء، آية: 103.

(147) سورة الأعلى، آية: 1.

هنگامیکه در وجوب نماز وتر اختلاف پیدا شد، احتیاطاً قرائت در تمام رکعات نماز وتر واجب گردید، و در رکعت سوم قبل از رکوع دعای قنوت خوانده میشود و دست ها بلند کرده میشود، طوریکه روایت شده. تکبیر گفته میشود طوریکه گذشت، باز دعای قنوت خوانده میشود، لِمَا رَوَى عَلِيُّ وَابْنُ مَسْعُودٍ وَابْنُ عَبَّاسٍ وَأَبِيُّ بِنُ كَعْبٍ: «أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقْنُتُ فِي الثَّلَاثَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ». ترجمه: از حضرت علی، عبدالله ابن مسعود، عبدالله ابن عباس و ابی بن کعب رضوان الله تعالى عليهم اجمعین روایت شده است: «رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در رکعت سوم قبل از رکوع دعای قنوت را خواندن». در نماز وتر دعای تعین نشده است، وَعَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَنَّهُ كَانَ يَقْرَأُ (اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ وَاللَّهُمَّ اهْدِنَا) (148). ترجمه: پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) قرائت میکردند دعای: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ وَاللَّهُمَّ اهْدِنَا»، معنی قول امام محمد رحمه الله این است که گفتند لَيْسَ فِيهِ دُعَاءٌ مُؤَقَّتٌ غَيْرُ ذَلِكَ. یعنی غیر از همین دعای قنوت دیگر دعای نیست. کسی اگر این دعا را به طور نیکو قرائت کرده نمیتواند: اللَّهُمَّ اغْوِرْ لَنَا بِه طور تکرار بگوید، يَا رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً (149). را بگوید. ابوليث رحمه الله درود فرستادن به پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) را در نماز وتر اختیار کرده است، و این قول را نخعی رحمه الله روایت کرده است. اما بعضی ها به این نظر هستند که درود خواندن مکروه است، بخاطریکه رابطه به این کدام حدیث وارد نشده است، غیر نماز وتر در دیگر جای قنوت نیست، لِقَوْلِ ابْنِ مَسْعُودٍ: «مَا قَنَّتْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي صَلَاةِ الصُّبْحِ إِلَّا شَهْرًا لَمْ يَقْنُتْ قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ». ترجمه: قول عبدالله ابن مسعود رضی الله تعالی عنهما: «رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در نماز صبح قنوت نخواندن مگر یک ماه، قبل از آن، و بعد از آن ماه دیگر قنوت نخواندن». حضرت ام سلمه رضی الله تعالی عنها روایت کرده است: (أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنِ الْقُنُوتِ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ). ترجمه: «یقیناً رسول الله (صلی الله علیه وسلم) نهی کرده از خواندن دعای قنوت در نماز صبح». وَمَا رَوَى أَنَسٌ «أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقْنُتُ فِي صَلَاةِ الصُّبْحِ». آنچه که حضرت انس رضی الله تعالی عنه روایت کرده: «یقیناً رسول الله دعای قنوت را در نماز صبح می خواندن». اما این حدیث با حدیث حضرت عبدالله ابن عباس رضی الله تعالی عنهما در تعارض است و به آن حدیث که حضرت قتاده از حضرت انس رضی الله تعالی عنه روایت کرده: (قَنَّتْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الصُّبْحِ بَعْدَ الرُّكُوعِ يَدْعُو عَلَى أَحْيَاءٍ مِنَ الْعَرَبِ ثُمَّ تَرَكَهُ) (150). ترجمه: «قنوت را در نماز صبح بعد از رکوع و برای قبایل از عرب خواندن و دعا کردن، باز خواندن آنرا ترک کردند». پس دلالت میکند بر اینکه خواندن دعای قنوت غیر از نماز وتر در دیگر جای خوانده نمی شود منسوخ شده است، اگر کسی نماز صبح را پشت سر امام که دعای قنوت را میخواند آداء کند، مقتدی از او پیروی نموده تا اینکه

(148) موصلی، الاختیار لتعلیل المختار، باب الصلاة الوتر، (55/1).

(149) سورة البقرة، آية: 103.

از امام مخالفت نشود، نزد امام ابویوسف رحمه الله. نزد صاحبین رحمهم الله در این حالت مقتدی از امام پیروی نکند؛ زیرا که حکم دعای قنوت در نماز صبح منسوخ شده؛ زیرا که مانند تکبیر پنجم در نماز جنازه می‌گردد، دیدگاه مختار این است که استاده سکوت کند. اگر کسی دعای قنوت را فراموش کرد، و بعد از رکوع به یاد آورد دو باره اعاده نکند. اما از نظر امام ابوحنیفه رحمه الله این است که: برگردد بسوی دعای قنوت بخواند باز رکوع کند. فصل در مورد فرض بودن قرائت در دو رکعت اول است: لِقَوْلِهِ تَعَالَى: {فَأَقْرَأُوا مَا نَسَّسَ مِنَ الْقُرْآنِ} (151). ترجمه: «پس آن مقدار از قرآن را (در نماز) بخوانید که برایتان میسر است». در غیر از نماز قرائت فرض نیست، پس فرض بودن قرائت در نماز تعیین شده است. وَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (الْقِرَاءَةُ فِي الْأَوَّلَيْنِ قِرَاءَةٌ فِي الْآخِرَيْنِ) (152). ترجمه: «قرائت در دو رکعت اول قرائت در دو رکعت آخر است». یعنی قرائت کردن در دو رکعت اول قایم مقام دو رکعت آخر است. مانند: سخنان بزرگان: سخن وزیر سخن امیر است. قرائت در دو رکعت آخر سنت است، اگر کسی تسبیح هم بگوید کفایت میکند، طوری که بیان شد. مصنف رحمه الله گفت: مقدار فرض در قرائت در هر رکعت یک آیت است. نزد صاحبین رحمهم الله مقدار فرض در قرائت سه آیت کوتاه یا یک آیت دراز عوض آن است. زیرا که قرآن کریم نام است برای معجزه، و غیر از قرآن کریم کدام معجزه دیگری نیست. دلیل برای قول اول: قَوْلُهُ تَعَالَى: {فَأَقْرَأُوا مَا نَسَّسَ مِنْهُ} (153)، بدون قید کردن، و آنچیکه آیت نیست خارج است و ما بقیه آن باقی است. قرائت سوره فاتحه فرض نمی باشد بخاطریکه در آیت مطلق ذکر شده است. وَقَوْلُهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ). قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) است: «نیست نماز مگر با سوره فاتحه»، علاوه از احادیث اخبار آحاد هم است، جایز نیست نسخ کردن مطلق از کتاب الله توسط احادیث و خبر واحد، پس حمل کرده میشود بر وجوب نه بر فرض طوری که گفتیم. سوره فاتحه واجب است، یک سوره کوتاه و یا سه آیت است؛ زیرا که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) بر آن مواظبت کرده بدون ترک. از همین جهت در صورت ترک آن به طوری فراموشی سجده سهود واجب گردیده است. سنت است که در نماز صبح و ظهر طوال مفصل، در عصر و خفتن و ساط مفصل و در نماز شام قصار مفصل خوانده شود. همین قسم حضرت عمر رضی الله تعالی عنه برای ابی موسی اشعری رضی الله تعالی عنه نوشت، شناخته نشده مگر توقیفاً، و بعضی گفته اند که: در نماز صبح مستحب است که از چهل آیت الی پنجاه آیت خوانده شود، و بعضی گفته اند که: از چهل آیت شصت آیت خوانده شود، ابن زیاد رحمه الله روایت کرده که از شصت آیت صد آیت خوانده شود، رابطه به هر قول آثار وارد شده است. و بعضی

(150) مرجع سابق.

(151) سورة المزمل، آیه: 20.

(152) عینی، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، باب الوجوب للقراءة للإمام و المأموم فی، (19/6).

(153) سورة المزمل، آیه: 20.

گفته اند که صد آیت برای پرهیزگاران است، و شصت آیت در جماعت های تعیین شده است. در مساجد جاده ها چهل آیت خوانده شود، در نماز پیشین، سی آیت، در نماز های عصر و خفتن بیست آیت خوانده شود. اصل این است که امام به اندازه قرائت کند که به کم شدن جماعت روبرو نشود. اگر تنها گذار در خانه باشد پس بهتر است که بخاطر بدست آوردن ثواب بیشتر بخواند. در حالت ضرورت و سفر به اندازه حالت خوانده شود، از جهت دفع مشکل. سنت است که در هر رکعت یک سوره مکمل را همراه با سوره فاتحه بخواند. مستحب است که در هر رکعت نماز جمع بین دو سوره کرده نشود؛ زیرا که از کسی نقل نشده است. و اگر جمع کرد بین دو سوره در هر رکعت کدام باقی ندارد. و همچنان یک سوره در دو رکعت جمع کرده نشود. گفت: تعیین کرده نشود آیت و سوره از قرآن کریم برای نمازهای تعیین شده؛ زیرا نص مطلق آمده است، تعیین کردن سوره و یا آیت برای نماز مشخص مکروه میباشد. بخاطریکه باقی از قرآن کریم ترک کرده میشود. مگر اینک بخاطر قرائت جای که برایش آسان است قرائت کند. یا تبرکاً به قرائت حضرت پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) همراه با فهم که تمام قرآن یکسان است خوانده شود. رکعت اول نسبت به رکعت دوم در نماز صبح بخاطر کمک کردن برای مردم در جماعت طولانی تر خوانده شود. در تمام نماز های دیگر مکروه است. مصنف رحمه الله گفت: امام محمد رحمه الله میفرماید که طولانی کردن رکعت اول نسبت به رکعت دوم در تمام نماز ها مستحب است، طوریکه نقل شده از پیغمبر (صلی الله علیه وسلم): ما گفتیم رکعات نماز در استحقاق قرائت یکسان هستند، کدام دلیل برای بهتر بودن رکعت اول نیست، غیر از نماز صبح؛ زیرا در صبح وقت خواب و بی پروای مردم است، رکعت اول طولانی خوانده میشود. آنچه روایت کرده شده حمل کرده میشود بر طولانی کردن از جهت وجود افتتاح و اغوذ بالله گفتن در این کدام اعتبار نیست که از سه آیت کمتر شود، از جهت عدم نگاه داشتن از آن. فصل در مورد نماز جماعت است، جماعت سنت مؤکده است، پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: (الْجَمَاعَةُ مِنْ سُنَنِ الْهُدَى). ترجمه: «جماعت از جمله روش های هدایت است». وَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَمَرَ رَجُلًا يُصَلِّيَ بِالنَّاسِ ثُمَّ أَنْطَلِقُ إِلَى قَوْمٍ يَنْخَلِفُونَ عَنِ الْجَمَاعَةِ فَأُحَرِّقُ عَلَيْهِمْ بُيُوتَهُمْ). ترجمه: پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «به تحقیق قصد کردم اینکه دستور دهم شخصی را که برای مردم نماز بخواند باز بروم بسوی قوم که از جماعت تخلف میکنند به جماعت حضور پیدا نمی کنند و بسوزانم خانه های ایشان را». و این امر تأکیدی است که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) بر آن مواظبت نموده است. پس جایز نیست ترک آن مگر از جهت عذر، اگر نماز جماعت را اهل شهر ترک کرد، آنها را دستور داده میشود بر انجام آن، اگر قبول کردن خوب و اگر نکردند همایشان جنگ کرده میشود بخاطریکه نماز از جمله شعائر دین مقدس اسلام است. مصنف رحمه الله گفت: بهترین مردم به امامت کسی است که عالم به سنت باشد، قرائت زیبای داشته باشد که نماز درست شود، از گناه قبیح و بد ظاهری پرهیز کند. از

نظر امام ابو یوسف رحمه الله بهترین کس برای قرائت کسی باشد که قرائت کننده خوب کتاب الله (جل جلاله) باشد. لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (يَوْمُ الْقَوْمِ أَقْرُوهُمْ لِكِتَابِ اللَّهِ). ترجمه: «قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم): «امامت کند قوم را کسیکه قرائت خوبتر و دانایی بیشتر به کتاب الله متعالی را داشته باشد». ما گفتیم، ضرورت به علم بیشتر اولی است، و در زمان حضرت پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) اطلاق میکردند قرآن کریم را همرا با احکامش، پس قاری ترین آنها یعنی داناترین شان به کتاب الله (جل جلاله) باشد، باز دانا ترین شان به حدیث باشد، باز با تقوی ترین شان باشد: لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (مَنْ صَلَّى خَلْفَ عَالِمٍ تَقِيٍّ فَكَأَنَّمَا صَلَّى خَلْفَ نَبِيِّ). ترجمه: پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «کسی نماز بخواند پشت هر عالم پرهیزگار پس گویا اینکه پشت پیغمبر نماز خوانده باشد». باز مسن یا کلان سالتترین شان به امامت باشد، لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (وَإِذَا سَافَرْتُمَا فَادْنَا وَأَقِيمَا وَلِيَوْمِكُمَا أَكْبَرُكُمَا سِنًا). ترجمه: پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «وقتیکه سفر کردید شما اذان و اقامت بگوید و البته امامت کند برای شما کلان سالتترین شما، باز نیکوترین از روی اخلاق، باز نیکوترین باشد از لحاظ مقام و منزلت، اصل این است که امام دارای اوصاف باشد که مردم علاقمند باشند به اقتداء کردن، و دعوت کند مردم را بر جماعت، انتخاب چنین شخص بخاطر امامت بهتر است؛ زیرا که جماعت و قتیکه زیاد شد آن بهتر است، حتی گفته شده که کسی در نماز زیاد سرفه میکند یعنی (صدای خود را در سینه اش رفت و برگشت میدهد) انتخاب آن شخص بحیث امام مکروه میباشد. و همچنان کسی ایستاد شد در غیر موضع وقف، مکروه میباشد، ایستاده نشود در مواضع که ایستاده شدند در آنجا باعث کم شدن جماعت شود. مصنف رحمه الله گفت: طولانی کرده نشود نماز برای مقتدی ها به اندازه که باعث فرار از جماعت شود. بلکه سبک و کوتا خوانده شود به صورت تمام. از جهت حدیث معاذ رضی الله تعالی عنه که او نماز را برای قومش طولانی می خواند. پس رسول الله (صلی الله علیه وسلم) گفت: (أَفْتَانٌ أَنْتَ يَا مُعَاذُ صَلِّ بِالْقَوْمِ صَلَاةً أضعفهم فَإِنَّ فِيهِمُ الصَّغِيرَ وَالْكَبِيرَ وَدَا الْحَاجَةَ). ترجمه: «آیا تکلیف میآورید ای معاذ برای قومت، نماز بخوان برایشان نماز ضعیف ها را؛ زیرا که در میان قومت طفلان، بزرگان و صاحبان حاجت موجود است». مصنف رحمه الله گفت: امامت غلام، صحرائنشین، کور، فاسق، حرامی، و بدعت کار مکروه میباشد؛ زیرا که امامت ایشان جماعت را کم میسازد؛ چونکه مقام و جایگاه ایشان در نزد مردم پایین آمده است، رابطه به اعرابی یا صحرائنشین اغلباً در اعرابی نادانی وجود دارد. قَالَ اللهُ تَعَالَى: {وَأَجْدُرُ إِلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللهُ عَلَى رَسُولِهِ} (154).

ترجمه: «بادیه نشینان عرب، کفر و نفاق شان شدید تر است از (کفر و نفاق شهرنشینان عرب؛ زیرا سنگدل تر و جفاپیشه ترند و با اهل خیر و صلاح نشست و برخاست کمتری دارند) و آنان بیشتر سزاوارند که از مقررات و قوانین چیزی بی خبر باشند که خداوند بر پیغمبرش نازل کرده است،

(154) سورة التوبة، آية: 97.

خداوند آگاه (از احوال بندگان، اعم از مؤمنان و کافران و منافقان) و حکیم (در کار خود، از جمله تعیین سزا و جزای مردمان) است». فاسق بخاطر فسق اش مکروه است، کور از نجاست خود داری کرده نمی تواند، ولد زنا را عادتاً در بین مردم نامش سبک میگیرند، ونباشد برای او کسیکه او را علم یاد بدهد و نادانی بالای آن غلبه کرده باشد. اگر چنین اشخاص پیش نماز شوند و جماعت بدهند جایز است. قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (صَلُّوا خَلْفَ كُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ). گفت: پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «نماز بخوانید پشت هر صاحب نیک و بد». و مکروه بودن امامت در حق آنها طوری است که نقص شان ذکر شده است، و اگر نقص از اشخاص رفع شد، پس صحرانشین، بهتر از شهر نشین میشود، و غلام از شخص آزاد بهتر میشود، و ولد زنا از شخص که به طور راست و حق پیدا شده بهتر میشود، کور از شخص بنا کرده بهتر میشود، در این صورت ها حکم بر ضد آن قرار میگیرد. اما در قسمت شخص بدعت کار از امام ابوحنیفه رحمه الله کدام نظری در قسمت نماز خواندن پشت سر بدعت کار دیده نمی شود. امام ابویوسف رحمه الله گفت: بسیار بد است که پیشوای قوم صاحب بدعت و خواهشات باشد. و از امام محمد رحمه الله چنین نظر است که: جایز نیست نماز خواندن پشت سری گروه رافضیه و جهمیه و قدریه. مصنف رحمه الله گفت: امامت زن ها و طفلان برای مردان درست نیست، اما رابطه به امامت زن ها، قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) است که فرمودند: (أَخْرُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَخْرَهُنَّ اللَّهُ). ترجمه: «به تأخیر بی اندازید آنها را از آنجاییکه به تأخیر انداخته شده آنها را الله (جل جلاله)»، و یقیناً پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) از پیش شدن زن به نماز بحیث امام نهی کرده است. اما در قسمت طفلان، نماز طفل نفل واقع میشود پس اقتداء کردن بر آن جایز نیست. و بعضی گفته اند امامت طفلان در نماز تراویح درست است؛ زیرا که تراویح از جمله نماز های فرضی نیست، قول صحیح قول اول است؛ زیرا که امامت طفل اگر نفل هم باشد از نفل شخص بالغ کرده ضعیف تر است، پس بنا کرده نمی شود بر آن. گفت: کسیکه نماز خواند با یک نفر در جماعت، شخص مقتدی در پهلوی امام میستند و نماز میخواند: از جهت حدیث عبدالله ابن عباس رضی الله تعالی عنهما: «وَقَفْتُ عَنْ يَسَارِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَخَذَ بِذَوَابْتِي فَأَدَارَنِي إِلَى يَمِينِهِ»⁽¹⁵⁵⁾، عبد الله ابن عباس رضی الله تعالی عنهما فرمودند که: «استاد شدم از طرف چپ حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) پس رسول الله (صلی الله علیه وسلم) از موی های پیشانی من گرفت و من را دور داد به طرف راست». پس دلالت میکند بر اینکه طرف راست بهتر است، و ایستاده شدند از طرف چپ نماز را فاسد نمی کند، و یقیناً فعل اندک نماز را فاسد نمی کند. مصنف رحمه الله گفت: پس اگر نماز خوانده شود برای دو و یا بیشتر از آن در آن صورت جماعت شود. از جهت حدیث انس رضی الله تعالی عنه: «أَقَامَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالْيَتِيمِ وَرَاءَهُ، وَأُمُّ سُلَيْمٍ وَرَاءَنَا». ترجمه: «ایستاد شد همراهی من رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و یتیمک

(155) موصلی، الاختیار لتعلیل المختار، باب الصلاة الجماعة، (58/1).

پشت سرشان بود و ام سلیم پشت سری ما بود»، وَلَقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (الْإِثْنَانِ فَمَا فَوْقَهُمَا جَمَاعَةً). ترجمه: قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم): «دو نفر و یا بیشتر از آن اگر باشد جماعت شود». مصنف رحمه الله گفت: در صف نماز اول مردان، باز طفلان، باز خنثی در آخر زنان قرار داشته باشد، اما رابطه به مردان: فَلَقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (لِيلِنِي أَوْلُو الْأَحْلَامِ مِنْكُمْ). ترجمه: قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم): «تا اینکه نزدیک شوند صاحبان بلوغ یعنی: (آن کسانی که خواب میبینند) از شما». اما رابطه به قرار گرفتن طفلان در صف بعد از مردان نظر به حدیث انس رضی الله تعالی عنه است: اما خنثی پس احتمال این می‌رود که زن باشد، و در صف نماز که از زن ها پیش شده احتمال این می‌رود که مرد باشد. گفت: داخل نشود زن در نماز مرد مگر اینکه امام نیت دخول زن را در نماز بکند. امام زفر رحمه الله به این نظر است که داخل میشود زن در نماز بدون نیت مانند مرد واری، دلیل برای ما این ست که: یقیناً وقتیکه زن از یک طرف به مرد وصل شد، احتمالاً ضرری وارد میشود بر طریقه که او ایستاده شود در پهلوئی مرد، پس نماز شخص فاسد میشود و برای مرد ضرور است که از او خود را نگاه کند توسط ترک نیت. اگر ایستاد شد زن در پهلوئی مرد در نماز مشترک نماز مرد فاسد شده است، قیاس تقاضا میکند که فاسد نشده طوریکه نماز زن فاسد نشده است. دلیل قول ما این است که زن ترک نموده فرض مقام را؛ زیرا که او مامور بود بر اینکه در آخر ایستاد شود. پس او مختص به امر است نه به غیر از آن، پس نماز مرد فاسد میگردد. و اگر ایستاد شد در صف فاسد نمود نماز کسانی را که طرف راست، چپ و پشت سر و در برابر او قرار داشته باشد، و دو زن نماز چهار تن را فاسد میسازد، یک از طرف راست، دیگر از طرف چپ و دو تن دیگر را از پشت سر. سه زن نماز پنج تن را فاسد میسازد. از امام محمد رحمه الله چنین نقل است که فاسد میکنند نماز سه تن را سه تن الی آخر صف، و این قول صحیح و مختار است، بر قول امام ابوحنیفه رحمه الله کرده. و همچنان از امام ابویوسف رحمه الله هم چنین است، فاسد میکند نماز دو تن را دو تن الی آخر صف، اگر باشند زن ها یک صف مکمل فاسد میکنند نماز کسانی را که در پشت سری آنها قرار دارد، و شرط برابری این است که، باشد نماز به طور مطلق مشترک باشد. در مقام و منزلت برابر باشند. و از اهل شهوت باشند، و در میان شان کدام پرده نباشد. و کمترین فاصله میان آنها مثل زین ستر باشد. گفت: حضور پیدا کردن زن ها در جماعت مکروه است، لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (يُبُونَهُنَّ خَيْرٌ لَّهُنَّ). ترجمه: قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم): «خانه های شان برای نماز بهتر است»؛ زیرا که حضور پیدا کردن زن ها در جماعت برای جوانان خوف فتنه وجود دارد به طور اجماع، اما بزرگسالان زن در نماز های صبح، شام، و خفتن خارج شده میتوانند. مصنف رحمه الله گفت: در تمام نماز ها خارج شده میتوانند بخاطر واقع شدن امن و آرامی از فتنه در حق زنها، انسان های بدکار در نماز پیشین و عصر پراکنده می شوند، و در وقت نماز شام مصروف خواندن نماز شام می شوند. و

در نماز های صبح و خفتن انسان های فاسق و بدکار خواب هستند. برای هر فرو افتنده جمع کننده است. مختار در زمان ما این است که جایز نیست، از جهت وجود و فساد و ظاهر شدن گناه. مصنف رحمه الله گفت: نماز جماعت را بخوانند؛ زیرا که آنها خالی از کمبودی واجب و یا مستحب نیست؛ زیرا که برای زن ها اذان و اقامت و پیش شدن امام را برایشان مکروه قرار داده شده است. اگر جماعت کردند زن ها، امام در وسط شان قرار گیرد. به همین قسم از حضرت عائشه صدیقه رضی الله تعالی عنها روایت کرده شده که او حمل کرده شده بر ابتداء. مصنف رحمه الله گفت: شخص پاک، به شخص که دارای عذر است، قاری به شخص اُمی، شخص لباس دار به شخص برهنه، شخص که رکوع و سجده میکند به شخص اشاره کننده، شخص فرض گذار به شخص نفل گذار اقتداء نکند. اصل این است که نماز مقتدی از لحاظ صحت و فساد بستگی دارد بر نماز امام. لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (الإمام ضامنٌ). قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) «إمام ضامن نماز مقتدی است»، یعنی ضامن است به درست اداء کردن نماز مقتدی، بناً ناقص بر بنای کامل جایز میباشد، و بنای کامل بر بنای ناقص جایز نمی باشد؛ زیرا که ضعیف اساساً صلاحیت قوی را ندارد. زیرا اینکه به اندازه نقصان بناء بر معدوم میشود و این محال است. وقتیکه دانسته شد، پس میگویم که حالت شخص پاک از شخص صاحب عذر قویتر است، و حالت قاری از شخص عوام کرده قویتر است، حالت شخصی که قادر به رکوع و سجده دارای لباس است قویتر است از شخص که برهنه است، حالت شخصی که قادر به رکوع و سجده کردن است قویتر است از شخص اشاره کننده کرده، حالت شخص فرض گذار از شخص نفل گذار کرده قویتر است، پس در پشت سر آنها نماز خواندن جواز ندارد. مصنف رحمه الله گفت: نماز گذار فرض از پشت سری نماز گذار فرض دیگر جایز نیست؛ زیرا که مقتدی همراه با امام شریک هستند، پس ضروری است که در انجام فرض متحد باشند. اگر شخص ناخوان و عوام برای دو شخص قرائت کننده و دو شخص ناخوان اِمامت کرد، نماز تمام شان فاسد شده است، صاحبین به این نظر هستند که نماز امام و کسانیکه حالت امام را دارند چونکه برابر هستند درست شده است. طوریکه اگر تنها گذار بخوانند درست است. نزد امام ابوحنیفه رحمه الله یقیناً تمام شان قادر به قرائت و به پیش کردن قرائت کننده هستند؛ زیرا که قرائت امام قرائت مقتدی است نظر به حدیث. پس اگر قرائت را ترک کردن با وجود قادر بودن بر قرائت، نماز شان باطل شده است. و اگر عاجز بودند از انجام بعضی حروف، گفتند که مناسب است اِمامت نکند غیر از او طوریکه بیان کردیم، از جهت کم شدن جماعت در آن. پس اگر نماز خواند به تنهای و دریافت نکرد آیات را که خالی از آن حروف باشد نماز شخص اجماعاً درست است. اگر پیدا کرد و قرائت کرد به آن آیات که در آن چنین حروف باشد، گفته شده جایز است مانند شخص گنگ که به تنهای نماز می خواند. و بعضی گفته اند جایز نیست مانند قاری که نماز بخواند بدون قرائت. به خلاف شخص گنگ که گاه گاهی امام را پیدا کرده نمی تواند. مصنف

ترک کنیم اورا توسط آن چی که روایت کردیم. در آن اصلاح نماز است که او متفرق میشود. گفت: کسی عاجز ماند از قرائت کردن در نماز، پس اگر کسی دیگر را پیش نماز کند جایز است، و نظر صاحبین این است که: جایز نیست؛ زیرا که این قضایا کم است، پس قیاس کرده نمیشود بر مورد نص. دلیل برای امام صاحب این است که کسی شخصی دیگر را پیش نماز میکند از جهت یک علت است که او عاجز شدن از تمام کردن نماز است که موجود شده است. ما تسلیم نمی شویم که این قضیه کم است، اگر قرائت کرد شخصی به اندازه اینکه نماز جواز قرار گیرد جایز نمی باشد اجماعاً. گفت: اگر دعای قنوت خواند امام در نماز صبح و مقتدی سکوت کرد این مسئله قبلاً بیان شد. فصل در مورد مکروهات نماز است، برای نماز گذار بازی کردن به لباس های خود مکروه است. لِقَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ لَكُمْ الْعَبَثَ فِي الصَّلَاةِ) (157). ترجمه: به دلیل قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم): «یقیناً الله (جل جلاله) بازی کردن به لباس را مکروه قرار داده است»؛ زیرا که این کار خللی در خشوع ایجاد میکند. (وَرَأَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا يَعْْبَثُ فِي صَلَاتِهِ فَقَالَ: أَمَا هَذَا لَوْ خَشَعَ قَلْبُهُ لَخَشَعَتْ جَوَارِحُهُ) (158). ترجمه: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) مردی را دید که در نماز با لباس های خود بازی میکرد، به صدا میآورد انگشتان خود را، طوریکه ذکر کردیم، از جهت نهی پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) از این کار، یا اینکه، بادست هایش کمر و یا پهلوی های خود را گرفت؛ زیرا که در این کار ترک سنت میشود، از جهت نهی پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) از این کار که او عبارت از نهادن دست بر کمر و یا پهلوی های خود است. یا اینکه موی های سری خود را بافت، و جمع نمود در وسط سرش و بافت نمود و گره کرد در پشت سرش طوریکه زنها این کار را انجام میدهند؛ زیرا که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: (نَهَى أَنْ يُصَلِّيَ الرَّجُلُ وَرَأْسُهُ مَعْفُوصٌ) (159). ترجمه: «نهی نموده رسول الله (صلی الله علیه وسلم) از اینکه نماز بخواند شخص و موی سر او بافته شده باشد». یا اینکه لباسش را فراخ کرد از جهت نهی پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) از سدل، که عبارت از گرداندن آن لباس بر بالای سری خود میباشد، باز هموار کند اطراف آنرا به بغل های خویش؛ زیرا که این کار از ساخته های اهل کتاب است، یا اینکه خواندن و نواختن نظر به حدیث، از جهت حدیث ابی ذر رضی الله تعالی عنه: «نَهَانِي خَلِيلِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ ثَلَاثٍ: عَنْ أَنْ أَنْفُرَ نَقْرَ الدِّيكِ، أَوْ أُفْعِيَ إِفْعَاءَ الْكَلْبِ، أَوْ أَفْتَرِشَ أَفْتِرَاشَ التُّغْلَبِ» (160). ترجمه: (نهی کرده دوست من پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) از سه چیز: صدا زدن مثل صدای مرغ، نشستن مانند نشستن سگ، از هموار کردن مانند هموار کردن روبا). وَ الْإِفْعَاءُ:

(157) مصري، مسند الشهاب، باب إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ لَكُمْ الْعَبَثَ فِي الصَّلَاةِ، شماره حدیث: (1087)، (155/2).

(158) فوري، علاء الدين علي بن حسام الدين المتقي الهندي البرهان، كنز العمال في سنن الأفعال والأفعال، متوفى: (975هـ) محقق: بكرى حيانى - صفوة السقا، طبع پنجم: (1401هـ - 1981م)، شماره حدیث: (22530)، الناشر: مؤسسة الرسالة، (197/8).

(159) طبرانی، المعجم الكبير، أبو رافع عن أم سلمه، (252/23)، شماره حدیث: (512).

نشستن بر سرین، ایستاد کردن رانها، جمع نمودن زانو ها بسوی سینه، گذاشتن دست ها بر زمین، یا اینکه گردانیدن چهره خود را به طرف راست و چپ؛ زیرا که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم): (نَهَى عَنِ الْإِلْتِفَاتِ فِي الصَّلَاةِ، وَقَالَ: تِلْكَ خِلْسَةٌ يَخْتَلِسُهَا الشَّيْطَانُ مِنْ صَلَاتِكُمْ) (161). ترجمه: «نهی کرده رسول الله (صلی الله علیه وسلم) از گردانیدن چهره به طرف راست و چپ و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) گفت این فریب و حيله گری از فریب های شیطان در نماز است». یا اینکه چهار زانو در نماز نشستن؛ زیرا که این کار خلل در قاعده سنتی واقع میکند؛ زیرا که این نشستن انسان های متکبر و سرکش است، حتی اینکه گفتند: در خارج از نماز هم نشستن به این قسم مکروه است. یا اینکه دور کردن سنگریزه ها است؛ زیرا که این کار بی فائده است، مگر از جهت ضرورت، قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم): (يَا أَبَا ذَرٍّ مَرَّةً أَوْ ذَرٍّ) (162). ترجمه: «یا ابا ذر یک مرتبه و بیشتر از آن». رد کردن سلام بر زبان خویش؛ زیرا که سلام از سخنان مردم است، یا رد کردن سلام توسط دست خویش؛ زیرا که در آن معنی سلام وجود دارد. یا دست های خود را دراز کردن، یا خمیازه کشیدن؛ زیرا که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم): (نَهَى عَنِ النَّثَاؤِبِ فِي الصَّلَاةِ، فَإِنْ غَلَبَهُ كَظْمٌ مَا اسْتَطَاعَ وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى فَمِهِ) (163). ترجمه: «نهی کرده رسول الله (صلی الله علیه وسلم) از خمیازه کشیدن در نماز، اگر غلبه کرد ببندد دهن خود را آنچه که در توان اش است، و بگذارد دست خود را در دهن خود»، به همین کار پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) دستور داده اند. یا اینکه چشم های خود را پنهان کند، زیرا که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) از آن نهی کرده است. یا اینکه بشمارد تسبیحات و آیات قرآن کریم را، امام ابویوسف رحمه الله گفت مکروه نیست، و روایت از امام محمد رحمه الله هم چنین آمده است. و از امام محمد رحمه الله روایت دیگر مثل روایت امام ابوحنیفه رحمه الله است. دلیل برای امام ابویوسف رحمه الله این است که: سنت که وارد شده رابطه به قرائت آیات شمار شده در نماز و این کدام راهی دیگر نیست به جز شمار کردن آیات، و روایت دیگر از امام ابویوسف رحمه الله این است که، شمار کردن آیات را جواز قرار داده اند خاص در نماز های نفلی؛ زیرا که در آن چشم پوشی کرده میشود در حالیکه در فرض چشم پوشی کرده نشود. دلیل برای امام ابوحنیفه رحمه الله این است که: حساب کردن آیات و تسبیحات محل بر طریقه سنت است، پس مشابهت دارد به یک چیزی عبث و بی فایده، و به تحقیق پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) گفت: (كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ فِي الصَّلَاةِ) (164). ترجمه: «نگاه دارید دست هایتان را در نماز». اگر آیات و تسبیحات توسط قلب حساب گردد از خشوع باز داشته است، پس همسان میسازد تفکر را به امور دنیا، اما مقدار سنت در آیات و تسبیحات

(160) شافعی، إتحاف الخيرة المهرة بزوائد المسانيد العشرة، 69- باب في الخشوع و ترك الالتفات، شماره حدیث: (1420)، (240/2).

(161): عثيمين، شرح رياض الصالحين، باب كراهة الالتفات في الصلاة لغير عذر، (511/6).

(162) عینی، شرح سنن أبي داود، 167- باب: الإختصار في الصلاة، (214/4).

(163) موصلی، الاختيار لتعليل المختار، باب ما يكره للمصلي، (62/1).

(164) سرخسي، المبسوط، باب مكروهات الصلاة، (31/1).

ممکن است که در خارج از نماز هم حساب کرده شود و طبق آن قرائت شود، پس ضرورت به حساب کردن در داخل نماز را ندارد. مصنف رحمه الله گفت: کشتن مار و گزردم در داخل نماز کدام باکی ندارد، لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (اَقْتُلُوهُمَا وَلَوْ كُنْتُمْ فِي الصَّلَاةِ) (165). ترجمه: قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) است که فرمودند: «مار و گزردم را بکشید اگرچی که در نماز باشید». مصنف رحمه الله گفت: اگر کسی خورد و نوشید، یا سخن گفت، یا از روی قرآن کریم قرائت کرد، نماز اش فاسد شده است». اما خوردن و نوشیدن از جمله عمل کثیر است و از جمله اعمال داخل نماز نیست. اما در ارتباط سخن گفتن: حدیث پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) (إِنَّ صَلَاتَنَا هَذِهِ لَا يَصْلُحُ فِيهَا شَيْءٌ مِنْ كَلَامِ النَّاسِ) (166). ترجمه: «یقیناً نماز ما همراه با سخن گفتن صلاحیت چیزی از سخنان مردم را ندارد». اما در ارتباط قرائت از روی قرآن، نظر امام ابوحنیفه رحمه الله این است که، فاسد کننده نماز است، نزد صاحبین فاسد کننده نماز نیست؛ زیرا که نظر کردن در قرآن کریم عبادت است پس فاسد کننده نماز نیست، مگر اینکه مکروه است بخاطریکه مشابهت به اهل کتاب پیدا نکند. دلیل برای امام ابوحنیفه رحمه الله این است که: اگر قرآن کریم برداشته شود و از روی خوانده شود عمل کثیر است؛ زیرا که در آن برداشتن و گرداندن اوراق قرآن کریم است. اگر چی که قرآن کریم در زمین باشد، پس این تعلیم و عمل کثیر است، پس فاسد کننده نماز است طوری که یاد میگیرد از دیگر کس. مصنف رحمه الله گفت: همچنان وقتیکه آه کشید و ناله کرد، یا دردمند شد و گریان با آواز کرد، زیرا که اینها از جمله سخنان مردم است، مگر گریه اگر از نکر جنت و دوزخ باشد، گریه کردن بخاطر ذکر جنت و دوزخ از زیادت خشوع و عاجزی است نماز را مکروه نمی سازد. فصل در مورد موضوع است که اگر کسی را پیش شد بی وضوی در داخل نماز وضوء نموده نماز خود را تکمیل کند. لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (مَنْ قَاءَ أَوْ رَعَفَ فِي صَلَاتِهِ فَلْيُنْصِرِفْ وَلْيَتَوَضَّأْ وَلْيَبْنِ عَلَى صَلَاتِهِ مَا لَمْ يَتَكَلَّمْ) (167). ترجمه: «کسی استفرغ کرد، یا خون بینی شد در نماز از ادای نماز منصرف شود وضوء بگیرد و نماز خود را تکمیل نماید تا وقتیکه صحبت نکرده باشد، اگر تنها گذار باشد، خواست به مکان اصلی اش برگردد و اگر خواست در منزل خودش تمام نمایید. مقتدی و امام دو باره نماز های خود را ا عاده میکنند، مگر اینکه امام نماز خود را تکمیل کرده باشد، اختیار دارد که دو باره اعاده میکند و یا نمی کند، اما دو باره اعاده کردن بهتر است، بخاطر خارج شدن از اختلاف. تا اینکه فاصله بین افعال نماز و افعال که در نماز نیست نباید. گفته شده که اگر امام باشد یا مقتدی دو باره نماز را از آغاز خواندن بهتر و نگه داری فضیلت جماعت است. اگر امام باشد، جای نشین انتخاب کند: لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (أَيُّمَا إِمَامٍ سَبَقَهُ الْوَحْدُ فِي الصَّلَاةِ فَلْيُنْصِرِفْ وَلْيَنْظُرْ رَجُلًا لَمْ يَسْبِقْ بِشَيْءٍ فَلْيَقْدِّمَهُ

(165) موصلی، الاختیار لتعلیل المختار، باب ما یکره للمصلی (62/1).
(166) نسائی، السنن الصغری للنسائی، باب الکلام فی الصلاة، شماره حدیث: (1218)، (14/3).

لِيُصَلِّيَ بِالنَّاسِ» (168). ترجمه: قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم): «هر امامیکه برایش بی ضوی پیش شود از ادای نماز منصرف گردیده و نظر کند به شخصیکه در پشت سرش قرار دارد و او مسبوق به چیزی نباشد او را پیش نماز کند تا نماز را برای مردم تکمیل نمائید». جایز است بنا کردن نماز در صورتیکه نمازگذار در جریان ادای نماز بی ضوء شده باشد بخاطر ادای نماز افعال که مهم است اگر انجام داد مشکل در تکمیل نمازش وارد نمی کند، مثلاً: راه رفتن، با دست خود آب را گرفتن و او را نوشیدن، یا سوراخ کردن و دوختن سطل، یا وصل کرد به سوی دریای پس تجاوز کرد بسوی غیرش در آن صورت نماز شخص فاسد میشود. مصنف رحمه الله گفت: اگر دیوانه شد، یا خواب کرد و شیطان بازی داد، یا به بی هوشی روبرو شد، وجود همین اشیاء کم است و قیاس کرده نمی شود بر موارد شرعیت؛ زیرا که نص که وارد شده رابطه به وضوء و غسل بیشتر از آن است پس قیاس کرده نمی شود بر آن. و همچنان ضرورت به برهنه ساختن عورت میشود که قطع کننده نماز است. و همچنان نظر کرد و انزال شد. مصنف رحمه الله گفت: اگر برای نمازگذار بی وضوی بعد از تشهد پیش آمد، وضوء گرفته سلام دهد؛ زیرا که از نماز شخص، غیر از سلام چیزی دیگری باقی نمانده است، اگر قصداً خود را بی وضوء ساخت، نماز اش تکمیل گردیده است؛ زیرا که برای نمازگذار چیزی از ارکان اسلام باقی نمانده است، به تحقیق بنا کردن نماز در جای که عمل قصدی شده متعذر است. هنگامیکه چیزی از ارکان نماز باقی نمانده باشد نماز اش تمام شده و بیان آن قبلاً گذشت. اگر برای نمازگذار نجاست از بیرون رسید، یا زخمی شد سری او، نماز را بنا نکند، و امام ابویوسف رحمه الله به این نظر است که، نماز خود را بنا کند طوری که اگر برای نمازگذار بی وضوی پیش شد بنا میکرد. ما میگویم که در اینجا بر میگردد به قیام نمودن وضوء، پس نمی باشد در معنی آنچه که نص وارد شده است، پس به اصل قیاس باقی میماند. فصل در مورد نماز های قضایی است، قضاء آورده میشود نماز های فوت شده را هنگامیکه به یاد آورد که او نماز ها در حالت مقیم بودن باشد و یا در جریان سفر باشد، لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (مَنْ نَامَ عَنْ صَلَاةٍ أَوْ نَسِيَهَا فَلْيُصَلِّهَا إِذَا ذَكَرَهَا، فَإِنَّ ذَلِكَ وَفَتْهَا لَا وَقْتَ لَهَا غَيْرُهُ) (169). ترجمه: قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) است: «کسی خواب کرد از نماز، یا فراموش کرد پس باید اداء نماید آن نماز ها را هنگامیکه به یاد میآورد، پس همان است وقت آن نمازها، دیگر وقتی برای آن نماز ها نیست». وقول حضرت پیغمبر (صلی الله علیه وسلم)، طوری که نماز فوت شد، یقیناً نماز قضای حکایت از نماز ادای میکند. مصنف رحمه الله گفت: نماز قضایی از نماز ادای مقدم کرده میشود تا وقتیکه ترس فوت شدن نماز وقتی نباشد. و نماز های فوت شده را ترتیب

(167) عسقلانی، الدرایة فی تخریج أحادیث الهدایة، باب الحدث فی الصلاة، شماره حدیث: (215)، (174/1).
(168) با عین الفاظ حدیث از کتب سنته یافت نشد اما به اعتبار مشابهت داشتن به معنی حدیث در کتاب: فوری، علاء الدین علی بن حسام الدین المتقی الهندی البرهان متوفی: سال (975هـ)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، محقق: بکری حیاتی - صفوة السقا، طبع پنجم: 1401هـ - 1981م)، شماره حدیث: (20401)، الناشر: مؤسسة الرسالة، (591/7).

نموده و قضاء آورده میشود، اصل این است که ترتیب در بین نماز قضائی و وقتی و نماز های فوتی شرط است. لِمَا رَوَى ابْنُ عُمَرَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ نَسِيَ صَلَاةً فَلَمْ يَذْكُرْهَا إِلَّا وَهُوَ مَعَ الْإِمَامِ فَلْيُصَلِّ مَعَ الْأَمَامِ ثُمَّ لِيُصَلِّ الَّتِي نَسِيَ، ثُمَّ لِيُعِدَّ الصَّلَاةَ الَّتِي صَلَّى مَعَ الْإِمَامِ» (170). ترجمه: طوریکه عبدالله ابن عمر رضی الله تعالی عنهما روایت کرده است، مصنف رحمه الله گفت: «کسی فراموش کرد نمازی را پس به یاد آورد در حالیکه همراه با امام نماز میخواند، پس همراه با امام نماز خود را ادا کند و بعداً نماز قضای را ادا کند. باز اعاده کند نماز را که همراه با امام اداء کرده است». اگر ترتیب در قضایی نماز ها شرط نمی بود، پس امر نمی کرد پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) به دو باره اعاده کردن آن نماز ها. وَمَا رُوِيَ «أَنَّ عَلَيْهِ الصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ فَاتَّهَ أَرْبَعُ صَلَوَاتٍ يَوْمَ الْخَنْدَقِ فَقَضَاهُنَّ عَلَى التَّرْتِيبِ وَقَالَ: صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» (171). ترجمه: و آنچه که روایت کرده شده از پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «برای حضرت پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) چهار نماز در روز خندق فوت شد پس قضاء آوردند آن نمازها را به ترتیب وگفت نماز بخوانید طوریکه میبینید من را چگونه که نماز میخوانم». مصنف رحمه الله گفت: ساقط میگردد ترتیب به فراموشی، ترس از فوت شدن نماز وقتی و زیاد شدن بیشتر از پنج وقت نماز، اما رابطه به فراموشی قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم): (رُفِعَ عَنِّ أُمَّتِي الْخَطَأُ وَالنَّسْيَانُ) (172). ترجمه: «برداشته شده از امت من خطاء و فراموشی». وآنچیکه گذشت از حدیث، و دلیل آن این است که وقتی فوت وقت به یاد آوردن است، پس اگر به یاد نه آورد آن وقت آن دو نماز در یک وقت واحد جمع نمیشود، پس در آن وقت ترتیب واجب نمی گردد. اما ترس از فوت شدن نماز وقتی، حکمت این را تقاضا نمی کند که چیزی که موجود است در طلب چیزی گم شده ضائع گردد؛ زیراکه وجود نماز وقتی به کتاب الله (جل جلاله) ثابت گردیده است و ترتیب به خبر واحد ثابت گردیده است. اگر توسع و فراخی در وقت وجود داشت به خبر واحد عمل میشود، اگر وقت ضیق بود در آن صورت عمل کردن به کتاب الله اولی است. اما زیاد شدن نماز فوتی، نهایت آن دخول وقت نماز هفتم است؛ زیراکه زیاد شدن به تکرار است، و تکرار به واجب بودن وقت ششم است و وجوب نماز ششم به آخر وقت است، تکرار که متحقق میشود به داخل شدن وقت هفتم، و معنی این سخنان ما این است که: نماز فوتی از پنج وقت زیاد شود، شش وقت میگردد، هنگامیکه شش وقت گردید وقت نماز هفتم داخل میشود. امام محمد رحمه الله گفت: وقتیکه داخل شود وقت نماز ششم ترتیب ساقط میشود؛ زیراکه جنس زیاد است، و جنس نماز پنج وقت است، و این از جمله نماز های فوت شده جدید است، اما در قدیم صحیح همان بود که ضم کرده نمی شد، به آن نماز های فوتی چون در آن حرج پیدا بود،

(169) عسقلانی، التلخیص الحبیر فی تخریح احادیث الرافعی الکبیر، باب اوقات الصلاة، شماره حدیث: (266)، (474/1).

(170) بیهقی، سنن البیهقی الکبری، باب من ذکر الصلاة و هو فی آخری قد احتج بعض، شماره حدیث: (3010)، (221/2).

(171) عسقلانی، الدراية فی تخریح احادیث الهدایة، باب سجود السهو، شماره حدیث: (262)، (206/1).

(172) فوری، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، الفصل الثانی: فی أحكام التوبة، شماره حدیث: (10307)، (233/4).

وبعضی گفته اند که، ضم کردن به نماز فوتی برای او یک جزا تعیین میشود، هنگامیکه ترتیب ساقط گردید، به زیاد شدن نماز های فوتی، آیا دو باره ترتیب اعاده میگردد هنگامیکه کم شد؟ دیدگاه مختار این است که، ترتیب بر نمی گردد؛ زیرا هنگامیکه ترتیب به اعتبار زیاد شدن ساقط گردید پس ساقط شدن ترتیب در نفس خود اولی است. صورت آن این است که: اگر فوت شد نماز یک ماه، پس قضاء آورده شود، سی نماز صبح، باز سی نماز از پیشین، به همین قسم تمام آن صحیح میگردد. ترتیب دو باره اعاده نمی گردد؛ زیرا که ساقط احتمال برگشت را ندارد. و همچنان اگر قضاء آورد تمام نماز های یک ماه را هر نماز هر روز را باز نماز وقتی و او به یاد آورنده بود آن نماز قضایی را، طوریکه بیان نمودیم جایز است. نماز وتر از جمله نماز های قضای حساب کرده نشود؛ زیرا که او از جمله نماز های فرضی نیست. اگر ما او را حساب کنیم شش وقت تکمیل میگردد، و داخل در حد تکرار نمی شود، که گرفته شده از کثرت است. و قضاء آورده میشود نماز های پنج وقته، طوریکه روایت کردیم، و نماز وتر طوریکه بیان نمودیم از واجب بودن آن. وَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (مَنْ نَامَ عَنْ وَتْرٍ أَوْ نَسِيَهُ فَلْيُصَلِّهِ إِذَا ذَكَرَهُ أَوْ إِذَا اسْتَيْقَظَ). ترجمه: قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «کسی خواب کرد از نماز وتر، یا فراموش کرد، پس باید أداء نماید آنرا وقتیکه به یاد میآورد و یا اینکه از خواب برمی خیزد». در روایت دیگر: (مَنْ نَامَ عَنْ وَتْرٍ فَلْيُصَلِّ إِذَا أَصْبَحَ). ترجمه: «کسی را خواب آمد از وتر پس باید أداء نماید وقتیکه صبح کرد». پس تمام این احادیث دلالت میکند بر واجب بودن نماز وتر. (وَسُنَّةُ الْفَجْرِ إِذَا قَانَتْ مَعَهَا)، «لِأَنَّهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ قَضَاهَا مَعَهَا لَيْلَةً (التَّعْرِيسِ)» (173). سنت نماز صبح هنگامیکه فوت شود همراه با نماز فرض: «زیرا که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) قضاء آوردن سنت نماز صبح را همراه با فرض آن در شب عروسی هنگامیکه قضاء شده بود». از نظر امام محمد رحمه الله قضاء آورده میشود سنت نماز صبح اگر به تنهای هم فوت شده باشد؛ زیرا که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) سنت نماز صبح را قضاء آورده است نه سنت های دیگر نمازها را. پس دلالت به خاص بودن آن میکند. و چهار رکعت سنت نماز پیشین اگر فوت شد بعد از فرض قضاء آورده شود. حضرت عائشه صدیقه رضی الله تعالی عنها گفت: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ إِذَا قَانَتْهُ الْأَرْبَعُ قَبْلَ الظُّهْرِ قَضَاهَا بَعْدَ الظُّهْرِ». ترجمه: «حضرت پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) بودند وقتیکه چهار رکعت نماز از پیشین فوت شده بود قضاء آوردن بعد از فرض نماز پیشین». یقیناً وقت، وقت پیشین است و سنت نماز پیشین نیز است، باز نزد امام ابویوسف رحمه الله چهار رکعت سنت نماز پیشین که قضاء شده بعد از فرض و قبل از دو رکعت خوانده میشود؛ زیرا که قبل از آن دو رکعت مشروع شده است، نزد امام محمد رحمه الله بعد از دو رکعت قضاء آورده شود، بخاطریکه چهار رکعت قضاء شده و دو رکعت سنت که بعد از فرض نماز پیشین است قضاء نشود. و این بر خلاف

(173) موصلی، الاختیار لتعلیل المختار، کتاب الصلاة، (71/1).

سنت عصر است؛ زیرا که سنت عصر در تأکید مانند چهار رکعت نماز پیشین نیست. از جهت نهی پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) از نماز خواندن بعد از نماز عصر.

مطلب اول: شرح کلمات و اصطلاحات

فرع اول: وتر: وتر مفرد است، جمع آن أوتار به معنی فرد است که عکس آن جفت است. قول تعالی: {وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ} (174). ترجمه: «قسم است به جفت و فرد». نماز وتر، رکعت نماز است بعد از دو رکعت در نماز خفتن. قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم): (اجْعَلُوا آخِرَ صَلَاتِكُمْ بِاللَّيْلِ وَتَرًا). ترجمه: «آخرین نماز شب خود را نماز وتر قرار دهید» (175).

فرع دوم: طوال مفصل، أوساط مفصل و قصار مفصل: طوال مفصل نزد امام ابوحنیفه رحمه الله از سوره حجرات الی سوره بروج، و اوساط مفصل از سوره بروج الی سوره لم یکن، قصار مفصل از سوره لم یکن الی سوره الناس میباشد. پس در نماز های صبح و ظهر از (طوال مفصل) تلاوت کرده میشود، اما سنت این است که در نماز ظهر نسبت به نماز صبح کمتر تلاوت کرده شود. در نماز های عصر و خفتن از (أوساط مفصل) تلاوت کرده میشود، و در نماز شام از (قصار مفصل) تلاوت کرده میشود (176). از نظر امام شافعی رحمه الله (طوال مفصل) از سوره حجرات الی سوره عم یتساءلون است، و (أوساط مفصل) از سوره عم الی سوره الضحی است، (قصار مفصل) از سوره الضحی الی ختم قرآن کریم است. در نماز های صبح و ظهر از (طوال مفصل) تلاوت میشود، سنت است که در نماز ظهر نسبت به نماز صبح کمتر تلاوت کرده شود، مگر نماز صبح روز جمعه استثناء است، یعنی در نماز صبح روز جمعه سنت است که در رکعت اول سوره ألم-السجدة و در رکعت دوم سوره هل أتی تلاوت شود اگرچی که از جمله (طوال مفصل) نیست. در نماز های عصر و خفتن از (اوساط مفصل) و در نماز شام از (قصار مفصل) تلاوت کرده شود (177). از نظر امام مالک رحمه الله: (طوال مفصل) از سوره حجرات الی سوره والنازعات است، و (أوساط مفصل) از سوره والنازعات الی سوره الضحی است، (قصار مفصل) از سوره والضحی الی آخر قرآن کریم است. در نماز های صبح و ظهر از (طوال مفصل)، در نماز های عصر و شام از (أوساط مفصل) و در نماز خفتن از (قصار مفصل) تلاوت کرده میشود. تمام اینها نزد فقهای اسلام مستحب بوده سنت نمی

(174) سورة الفجر، آیه:3.

(175) د أحمد مختار عبد الحمید عمر، الطبعة: الأولى، (1429 هـ - 2008 م) معجم اللغة العربية المعاصرة، (المتوفی: 1424 هـ)، بمساعدة فريق عمل، الناشر: عالم الكتب، (2396/3).
(176) کاسانی، علاء الدین، أبو بکر بن مسعود بن أحمد الكاساني الحنفي متوفی: (587 هـ)، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، باب حکم الخطبة، طبع دوم: (1406 هـ-1986 م)، (263/1).
(177) الأنصاري، زكريا بن محمد بن أحمد بن زكريا، زين الدين أبو يحيى السنكي متوفی: (926 هـ)، فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب، باب صفت الصلاة، طبع: (1414 هـ-1994 م)، دار الفكر للطباعة والنشر، (49-47/1).

باشد⁽¹⁷⁸⁾. نزد امام احمد بن حنبل رحمه الله: (طوال مفصل) از سوره ق الی سوره عمّ، و (أوساط مفصل) از عمّ الی سوره والضحی، و (قصار مفصل) از سوره والضحی الی ختم قرآن کریم است. در نماز های صبح فقط از (طوال مفصل) تلاوت کرده میشود، در نماز شام از (قصار مفصل) تلاوت کرده میشود، و در نماز های ظهر، عصر و خفتن از (أوساط مفصل) تلاوت کرده میشود. قرائت کردن در نماز صبح و غیر آن بیشتر از این حد تعیین شده از جهت عذر، مانند: سفر، مریضی مکروه است، اگر عذری نباشد فقط در نماز صبح مکروه است⁽¹⁷⁹⁾. مالیکیها به این نظر هستند که طولانی کردن نماز برای تنها گذار برابر است که در سفر باشد و یا در حضر مستحب است. شافعیها به این نظر هستند که: طولانی کردن نماز برای امام مشروط بر اینکه امام محصور به طولانی شدن آن راضی باشد سنت است⁽¹⁸⁰⁾.

فرع سوم: النیة: نیّة مفرد است جمع آن نیّات میباشد، بمعنی قصد، اراده، میل و عزم برای انجام کاری را گفته میشود، قصد کردن به انجام یک عمل، مانند: به قصد حج عازم مکه مکرمه شدند. قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم): (إِنَّمَا الْعَمَلُ بِالنِّيَّةِ)⁽¹⁸¹⁾. ترجمه: «دارمدار هر عمل موقوف به نیت است». پس هدف از نیت فرمانبرداری و تقرب و نزدیک شدن به الله متعالی است⁽¹⁸²⁾.

فرع چهارم: قضاء: قضاء در لغت به معنی أداء نمودن است، فقهاء، قضاء را به معنی اصطلاحی استعمال نموده است، بر خلاف معنی لغوی؛ زیرا که در معنی لغوی فرق میان قضاء و أداء وجود دارد. قضاء در اصطلاح: عبارت از کاری است که، بعد از پوره شدن زمان آن، به عنوان جبران آنچه قبلاً انجام داده بود، لازم است که انجام دهد، طوری که احناف میگویند. پس فرق بین قضاء و أداء نزد جمهوری از علماء این است که، در أداء وقت قید گردیده است، اما در قضاء وقت قید نگردیده است. نزد احناف مرعات کردن عین در أداء و مثل در قضاء است؛ زیرا که أداء طوری که گذشت، فعل مأمور شده است در وقت که به آن نسبت داده شده است نزد جمعی از فقهاء. نزد احناف و در هر وقت زمانه کی نسبت به آن وقت محدود نشده باشد⁽¹⁸³⁾.

(178) القروی، محمد العربي، الخلاصة الفقهية على مذهب السادة المالكية، باب مندوبات الصلاة، دار الكتب العلمية - بيروت، (78/1).

(179) ابن قدامة، شمس الدين أبي الفرج عبد الرحمن بن محمد بن أحمد بن قدامة، الشرح الكبير على متن المقنع، المقدسي متوفى سنة (682)، (مسأله) باب ثم يقرأ بعد الفاتحة سورة تكون في، تحقيق الشيخ محمد رشيد رضا، دار الكتاب العربي للنشر والتوزيع - بيروت، (532/1).

(180) الجزيري، عبدالرحمن بن محمد عوض، المتوفى: (1360هـ)، الفقه على المذاهب الأربعة، الطبعة: الثانية، (1424 هـ - 2003 م)، دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، (233/1).

(181) شيباني، مسند الإمام أحمد بن حنبل، اول- مسند عمر بن خطاب رضي الله تعالى عنه، شماره حديث: (300)، (393/1).

(182) د أحمد مختار عبد الحميد عمر، معجم اللغة العربية المعاصرة، (المتوفى: 1424 هـ) بمساعدة فريق عمل، الطبعة: الأولى، (1429 هـ - 2008 م)، الناشر: عالم الكتب، (2311/3).

(183) علي بن نايف الشحود، موسوعة فقه العبادات، (1/6).

فرع پنجم: سفر: سفر در لغت قطع کردن فاصله دوری را گفته میشود، و جمع آن أسفار است، منظور از سفر در شریعت اسلامی عبارت از فاصله ی راهی است که احکام را تغییر می دهد. مسافر در هر چهار رکعت دو رکعت فرض را أداء میکند، نظر به حدیث حضرت عائشه صدیقه رضی الله عنها و پدرش که فرمود: (فرضت الصلاة في الأصل ركعتين فزيدت في الحضر وأقرأت في السفر)(184). ترجمه: «نماز در اصل دو رکعت فرض بود. دو رکعت دیگر برای شهرنشین زیاد شد و در سفر دو رکعت باقی ماند»، در این قسمت به جز توقیف چیزی دیگر دیده نشده است. وقال عمر رضي الله عنه: (صلاة السفر ركعتان)(185). ترجمه: «عمر رضی الله عنه فرمودند که: نماز سفر دو رکعت است»(186).

فرع ششم: حضر: حاضراً با ضاد معجمه که (حَ ضَرَّ) است که جمع شوند حَضَرَ میشوند، عبارت از جای است که: همه در آنجا حاضر باشند و یا خانه و مکانی که در آنجا همه جمع و حضور داشته باشند بنام حضر گفته میشود(187).

مطلب دوم: توثیق و بیان مسائل:

احکام مربوط به صلاة وتر:

إمام نسفی(188) رحمه الله ذکر نموده است که: جماعت کردن نماز وتر در رمضان برای من بهتر است، و علماء ما رحمه الله به او اجازه دادند که نماز وتر را در ماه رمضان در خانه خود بخواند؛ زیرا عمر رضی الله عنه در آنجا به نماز تراویح می پرداختند در ماه رمضان، و ابی بن کعب آنها را إمامت نکرد. نماز وتر نزد إمام ابوحنیفه رحمه الله سه رکعت است، إمام شافعی رحمه الله گفته است که اگر خواست نماز وتر را یک رکعت، سه رکعت، پنج رکعت، هفت رکعت و یا هم یازده رکعت آدا نماید. لقوله عليه السلام: (من شاء أوتر برکعة، ومن شاء أوتر بثلاث أو بخمس)(189). ترجمه: (کسی خواست نماز وتر را یک رکعت و کسی خواست نماز وتر را سه و یا پنج رکعت آداء کند).

دلیل برای إمام ابوحنیفه رحمه الله روایت حضرت عائشه صدیقه رضی الله عنها و حضرت عبدالله ابن مسعود رضی الله عنهم است که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: أن النبي عليه السلام (أوتر بثلاث

(184) حنفی، أنیس الفقهاء في تعريفات الألفاظ المتداولة بين الفقهاء، باب القضاء الفوائت، (35/1).
(185) ابن ماجه، سنن ابن ماجه، 73- باب تقصير الصلاة في السفر، شماره حدیث: (1063)، (338/1). درجه حدیث را البانی رحمه الله صحیح گفته است.

(186) الحنفی، قاسم بن عبد الله بن أمير علي القونوي الرومي، (المتوفى: 978هـ)، أنیس الفقهاء في تعريفات الألفاظ المتداولة بين الفقهاء، المحقق يحيى مراد، الطبعة: (2004م-1424هـ)، الناشر: دار الكتب العلمية، (35/1).

(187) المطرزی، ناصر بن عبد السيد أبي المكارم ابن علي، أبو الفتح، برهان الدين الخوارزمي، المغرب في ترتيب المعرب، (المتوفى: 610هـ)، الطبعة: بدون طبعة وبدون تاريخ، الناشر: دار الكتاب العربي، (120/1).

(188) نجم الدين، أبو حفص عمر نسفی حنفی فقیه، مفسر، متکلم، محدث، ادیب، شاعرو تاریخ نویس قرن پنجم و ششم هجری بود، تاریخ وفات او به 12 ربیع الاول سال 537 هـ برابر به 1142 م گزارش شده است او را در سمرقند در حظیره به نام «چا کرد یزد» در نزدیکی قبر امام ابومنصور ماتریدی به خاک سپردند. الجواهر المضیة فی طبقات الحنفیة، (657/2 - 660)

رکعات). ترجمه: یقیناً پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) نماز وتر را سه رکعت أداء کردند، و امام حسن رحمه الله گفت: إجماع کردند مسلمانها بر اینکه نماز وتر سه رکعت است و سلام داده نمی شود مگر در آخر. آنچه را که امام خصم نقل کرده است بر اساس آنچه پیش از استقرار نماز وتر آمده است. نماز وتر سنت است نزد امام ابویوسف و امام محمد رحمه الله علیهما. نزد امام ابوحنیفه رحمه الله سه روایت است: در یک روایت واجب است، در روایت سنت است و در روایت دیگر فرض است. روایت صحیح نزد امام ابوحنیفه رحمه الله این است که نماز وتر واجب است. ومعنی قول امام صاحب اینکه نماز وتر فرض است، عملاً است و اعتقاداً نیست؛ زیرا که انکار کننده آن کافر نمی شود. و معنی قول امام ابوحنیفه رحمه الله که نماز وتر سنت است، وجوب سه رکعت نماز وتر به اساس سنت ثابت گردیده است. دلیل امام ابویوسف و امام محمد رحمه الله علیهما در این قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) است: (ثلاث کتبت علی ولم تکتب علیکم الوتر والضحی والأضحی) (190). ترجمه: (سه چیز است که برای من نوشته شده است درحالی که قبلاً برای شما نوشته نشده بود، که عبارت از نماز وتر، نماز چاشت و قربانی است)؛ زیرا که برای نماز وتر اذان، اقامت، جماعت و وقت مشروع نشده است، و قرائت در تمام رکعات آن مشروع شده است. تمام اینها آشکار میسازد که نماز وتر سنت است، فرض و واجب نیست. دلیل برای امام ابوحنیفه رحمه الله روایت است که از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) آمده: (إن الله تعالی زادکم صلاة علی صلواتکم الخمس ألا وهي الوتر، فحافظوا علیها). ترجمه: (یقیناً الله متعالی زیاد کرده برای شما نماز را پس اداء نمائید آن نماز را که در میان نماز خفتن آخرت الی طلوع صبح صادق أداء میشود او نیست مگر نماز وتر است). پس استدلال کردن بر آن دو صورت دارد:

- 1- پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) نماز وتر را زیادت نام گذاری کرده بخاطریکه از جنس مزید علیه است، گفته نمی شود که زیاد کرده برای من میوه را وقتیکه ببخشد.
- 2- امر کرده بر محافظت کردن بر آن و امر برای وجوب است، و آنچه که روایت کرده شده از حدیث حمل شده بر ابتداء، و اینکه اذان و اقامت و جماعت نماز وتر مشروع نشده بخاطر است که فرض نیست. اذان و اقامت و جماعت بخاطر فرض مشروع شده که اعتقاداً و عملاً است و نماز وتر نزد ما عمل فرض است اما اعتقاداً فرض نیست (191).

(189) العینی، أبو محمد محمود بن أحمد بن موسی بن أحمد بن حسین الغیتابی الحنفی بدر الدین (المتوفی: 855هـ)، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، کتاب الوتر، دار إحياء التراث العربی - بیروت، (4/7).

(190) علی بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدین الملا الهروی، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، شماره حدیث: (1478)، الطبعة: الأولى، 1422هـ - 2002م، دار الفکر، بیروت - لبنان، (1090/3).

(191) حنفی، المحيط البرهانی فی الفقه النعمانی فقه الإمام أبي حنيفة رضي الله عنه، فصل الرابع عشر فی التراویح و الوتر مسائل التراویح تشتمیل علی أنواع، الطبعة: الأولى، 1424هـ - 2004م، دار الکتب العلمیة، بیروت - لبنان، (468-473/1).

مطلب سوم: تخريج أحاديث و آثار

فرع اول: تخريج حديث: (إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى زَادَكُمْ صَلَاةً إِلَى صَلَاتِكُمْ الْخَمْسِ أَلَا وَهِيَ الْوُتْرُ فَحَافِظُوا عَلَيْهَا):

بخارى، صحيح البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، باب ساعات الوتر، شماره حديث: (996)، طبع اول: (1422هـ)، دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي)، (25/2).

فرع دوم: تخريج حديث: (ثَلَاثٌ كُتِبَتْ عَلَيَّ وَلَمْ تُكْتَبْ عَلَيْكُمْ):

درجه حديث: أبي يعلى رحمه الله إسناده حديث را ضعيف گفته است.

أبي يعلى، مسند أبي يعلى، أحمد بن علي بن المثنى أبو يعلى الموصلي التميمي، تحقيق: حسين سليم أسد، باب تابع مسند عائشه رضي الله عنها، شماره حديث: (4788)، طبع اول، (1404هـ، 1984م)، دار المأمون للتراث – دمشق، (221/8).

فرع سوم: تخريج حديث: (أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُوتِرُ بِثَلَاثٍ لَا يُسَلِّمُ إِلَّا فِي آخِرِ هُنَّ):

درجه حديث: صحيح گفته اند به شرط شيخين.

ابن البيع، المستدرک على الصحيحين، أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري متوفى: (405هـ)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، باب وأما حديث بكر بن وائل، شماره حديث: (1140)، طبع اول، (1411هـ، 1990م)، دار الكتب العلمية – بيروت، (446/1).

فرع چهارم: تخريج حديث: (أَنَّ اللَّهَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقْنُتُ فِي الثَّلَاثَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ):

درجه حديث: بيهقي رحمه الله ضعيف گفته است.

بيهقي، السنن الكبرى وفي ذيله الجوهر النقي، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي، علاء الدين علي بن عثمان المارديني الشهير بابن التركماني، 627- باب من قال يقنت في الوتر، شماره حديث: (5061)، طبع اول: (1344هـ)، مجلس دائرة المعارف النظامية الكائنة في الهند ببلدة حيدر آباد، (41/3).

فرع پنجم: تخريج حديث: (مَا قَنَّتْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي صَلَاةِ الصُّبْحِ إِلَّا شَهْرًا لَمْ يَقْنُتْ قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ):

درجه حديث: أبي يعلى رحمه الله إسناده حديث را ضعيف گفته است.

أبي يعلى، مسند أبي يعلى، أبو يعلى أحمد بن علي بن المثنى بن يحيى بن عيسى بن هلال التميمي،
الموصلية متوفى: (307هـ)، محقق: حسين سليم أسد، 113- باب مسند عبدالله ابن مسعود، شماره
حديث: (5043)، طبع اول: (1404هـ - 1984م)، دار المأمون للتراث - دمشق، (457/8).

فرع ششم: تخريج حديث: (أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنِ الْقُنُوتِ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ):
درجه حديث: البانى رحمه الله موضوعى گفته است.

ابن ماجه، سنن ابن ماجه، (145)، باب ماجاء فى القنوت فى الصلاة الفجر، شماره حديث: (1242)،
(393/1).

فرع هفتم: تخريج حديث: (أَنَّ اللَّهَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُتُّ فِي صَلَاةِ الصُّبْحِ):
درجه حديث: البانى رحمه الله صحيح گفته است.

ابن ماجه، سنن ابن ماجه، (145)، باب ماجاء فى القنوت فى الصلاة الفجر، شماره حديث: (1243)،
(394/1).

فرع هشتم: تخريج حديث: (لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ):

بخارى، صحيح البخارى، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخارى الجعفي، محقق: محمد زهير بن ناصر
الناصر، باب وجوب القراءة للإمام و المأموم، شماره حديث: (756)، طبع اول: (1422هـ)،
دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي)، (151/1).
مسلم، صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي،
باب وجوب القراءة الفاتحة فى كل ركعة، شماره حديث: (36)، دار إحياء التراث العربى - بيروت،
(295/1).

فرع نهم: تخريج حديث: (الْجَمَاعَةُ مِنْ سُنَنِ الْهُدَى):

مسلم، صحيح المسلم، 44- باب الصلاة الجماعة من سنن الهدى، شماره حديث: (44)، (452/1).

فرع دهم: تخريج حديث: (يَوْمَ الْقَوْمِ أَفْرُؤُهُمْ لِكِتَابِ اللَّهِ):

مسلم، صحيح المسلم، 53- باب من أحق بالإمامة، شماره حديث: (290)، (465/1).
درجه حديث: البانى رحمه الله صحيح گفته است.

نسائي، سنن نسائي، باب من أحق بالإمامة، شماره حديث: (780)، (77/2).

درجه حديث: أبو داود رحمه الله صحيح گفته است.

أبو داود، سنن أبو داود، 61- باب من أحق بالإمامة؟، شماره حديث: (582)، (214/1).

فرع يازدهم: تخريج حديث: (مَنْ صَلَّى خَلْفَ عَالِمٍ تَقِيٍّ فَكَأَنَّمَا صَلَّى خَلْفَ نَبِيِّ):

درجه حديث: جابر رحمه الله مرفوع گفته است.

السخاوي، المقاصد الحسنة في بيان كثير من الأحاديث المشتهرة على الألسنة، شمس الدين أبو الخير محمد بن عبد الرحمن بن محمد السخاوي متوفى: (902هـ، محقق: محمد عثمان الخشت، طبع اول: (1405هـ، 1985م، شماره حديث: (764)، دار الكتاب العربي - بيروت، (486/1).

فرع دوازدهم: تخريج حديث: (أَفْتَانُ أَنْتَ يَا مُعَاذُ صَلِّ بِالْقَوْمِ صَلَاةَ أَضْعَفِهِمْ فَإِنَّ فِيهِمُ الصَّغِيرَ وَالْكَبِيرَ وَذَا الْحَاجَةِ):

بخارى، صحيح البخارى، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، باب إذا طول الإمام، و كان لرجل حاجة...، شماره حديث: (700)، طبع اول: (1422هـ، دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي)، (141/1).

مسلم، صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري متوفى: (261هـ، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، 36- باب القراءة فى العشاء، شماره حديث: (178)، دار إحياء التراث العربي - بيروت، (339/1).

فرع سيزدهم: تخريج حديث: (صَلُّوا خَلْفَ كُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ):

درجه حديث: البانى رحمه الله ضعيف گفته است.

أبو داود، سنن أبو داود، أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني متوفى: (275هـ، محقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، باب إمارة البر و الفاجر، شماره حديث: (594)، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت، (162/1).

فرع چهاردهم: تخريج حديث: (أَخْرَوْهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَخْرَهُنَّ اللَّهُ):

درجه حديث: سيوطى رحمه الله مرفوع گفته است.

السيوطي، الدرر المنتثرة في الأحاديث المشتهرة، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين متوفى: (911هـ، تحقيق: الدكتور محمد بن لطفي الصباغ، شماره حديث: (7)، عمادة شؤون المكتبات - جامعة الملك سعود، الرياض، (45/1).

فرع پانزدهم: تخريج حديث: (الْإِثْنَانِ فَمَا فَوْقَهُمَا جَمَاعَةٌ):

درجه حديث: البانى رحمه الله ضعيف گفته است.

ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ابن ماجه أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني، وماجة اسم أبيه يزيد متوفى: (273هـ، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، باب الاثنان جماعة، شماره حديث: (972)، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي، (312/1).

فرع شانزدهم: تخريج حديث: (لَيْلِي أَوْلُو الْأَحْلَامِ مِنْكُمْ):

مسلم، صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري متوفى: (261)هـ، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، 28- باب تسوية الصفوف، أقامتها، و فضل، شماره حديث: (122)، دار إحياء التراث العربي - بيروت، (323/1).

درجه حديث: البانى رحمه الله صحيح گفته است.

أبو داود، سنن أبو داود، أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني متوفى: (275)هـ، محقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، باب من أحق بالإمامة، شماره حديث: (582)، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت، (159/1).

فرع هفدهم: تخريج حديث: (بِئْسَ خَيْرٌ لَّهُنَّ).

درجه حديث: البانى رحمه الله إسناده حديث را صحيح گفته است.

ابن خزيمة، صحيح ابن خزيمة، محمد بن إسحاق بن خزيمة أبو بكر السلمي النيسابوري، تحقيق: د. محمد مصطفى الأعظمي، باب اختيار صلاة المرأة في بيتها على، شماره حديث: (1684)، طبع اول: (1390)هـ، (1970)م، المكتب الإسلامي - بيروت، (92/3).

فرع هزدهم: تخريج حديث: (الإمام ضامن).

درجه حديث: البانى رحمه الله صحيح گفته است.

أبو داود، سنن أبو داود، 32- باب ما جاء على المؤذن من تعاهد الوقت، شماره حديث: (517) **درجه حديث:** ابن ماجه رحمه الله صحيح گفته است.

ابن ماجه، سنن ابن ماجه، (47)، باب ما يجب على الإمام، شماره حديث: (981)، (314/1).

فرع نزدهم: تخريج حديث: (أَنَّ عَمْرَو بْنَ الْعَاصِ أَجْنَبَ فِي لَيْلَةٍ بَارِدَةٍ فَنَتَمَّمَ وَصَلَّى بِأَصْحَابِهِ، ثُمَّ أَخْبَرَ بِذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمْ يَأْمُرْهُ بِالْإِعَادَةِ).

بخاري، صحيح البخاري، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة الجعفي البخاري،

محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، باب إذا خاف الجنب على نفسه المرض اولموت، شماره حديث:

(344)، طبع اول: (1422)هـ، دار طوق النجاة، (355/1).

فرع بيستم: تخريج حديث: (إِذَا اسْتَطْعَمَكَ الْإِمَامُ فَأَطْعِمْهُ).

درجه حديث: عسقلانى رحمه الله مرفوع گفته است.

العسقلاني، التلخيص الحبير في تخريج أحاديث الرافعي الكبير، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر متوفى: (852)هـ، باب شروط الصلاة، شماره حديث: (453)، طبع اول: (1419)هـ-

(1989)م، دار الكتب العلمية، (677/1).

فرع بيست و يكم: تخريج حديث: (نَهَى أَنْ يُصَلِّيَ الرَّجُلُ وَرَأْسُهُ مَعْقُوصٌ).

مسلم، صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري متوفى: (261)هـ، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، باب أعضاء السجود، و النهى عن كشف الشعر و الثوب و عقص الرأس فى الصلاة، شماره حديث: (492)، دار إحياء التراث العربي - بيروت، (355/1).

فرع بيست و دوم: تخريج حديث: (كُفُوا أَيْدِيَكُمْ فِي الصَّلَاةِ):

درجه حديث: البانى رحمه الله صحيح الإسناد كفته است.

النسائي، السنن الصغرى للنسائي، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، متوفى: (303)هـ، تحقيق: عبد الفتاح أبو غدة، باب وجوب الجهاد، شماره حديث: (3086)، طبع دوم: (1406هـ-1986م)، مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب، (2/6).

فرع بيست و سوم: تخريج حديث: (إِنَّ صَلَاتَنَا هَذِهِ لَا يَصْلُحُ فِيهَا شَيْءٌ مِنْ كَلَامِ النَّاسِ):

مسلم، صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري متوفى: (261)هـ، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، 7- باب التحريم الكلام فى الصلاة، و نسخ ما، شماره حديث: (33)، دار إحياء التراث العربي - بيروت، (381/1).

فرع بسيت و چهارم: تخريج حديث: (مَنْ قَاءَ أَوْ رَعَفَ فِي صَلَاتِهِ فَلْيُنْصَرِفْ وَلْيَتَوَضَّأْ وَلْيُبَيِّنْ عَلَى صَلَاتِهِ مَا لَمْ يَتَكَلَّمْ):

درجه حديث: دارقطنى رحمه الله صحيح كفته است.

الدارقطنى، سنن الدارقطنى، أبو الحسن علي بن عمر بن أحمد بن مهدي بن مسعود بن النعمان بن دينار البغدادي الدارقطنى متوفى: (385)هـ، باب فى الوضوء من الخارج من البدن كرعاف، شماره حديث: (572)، طبع اول: (1424هـ-2004م)، مؤسسة الرسالة، بيروت - لبنان، (283/1).

فرع بيست و پنجم: تخريج حديث: (مَنْ نَامَ عَنِ صَلَاةٍ أَوْ نَسِيَهَا فَلْيُصَلِّهَا إِذَا ذَكَرَهَا، فَإِنَّ ذَلِكَ وَقْتُهَا لَا وَقْتَ لَهَا غَيْرُهُ):

بخارى، صحيح البخارى، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخارى الجعفي، محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، باب من نسى صلاة فليصل إذا ذكر، و لايعد، شماره حديث: (597)، دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي)، (122/1).

مسلم، صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري متوفى: (261)هـ، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، 55- باب قضاء الصلاة الفائتة، و استحباب، شماره حديث: (314)، دار إحياء التراث العربي - بيروت، (477/1).

فرع بيست و ششم: تخريج حديث: (مَنْ نَسِيَ صَلَاةً فَلَمْ يَذْكُرْهَا إِلَّا وَهُوَ مَعَ الْإِمَامِ فَلْيُصَلِّ مَعَ الْأَمَامِ ثُمَّ لِيُصَلِّ الَّتِي نَسِيَ، ثُمَّ لِيُعِدَّ الصَّلَاةَ الَّتِي صَلَّاهَا مَعَ الْإِمَامِ):

درجه حديث: بيهقى رحمه الله موقوف كفته است.

بيهقي، سنن البيهقي الكبرى، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، طبع: (1414هـ - 1994)، باب من ذكر الصلاة و هو في أخرى قد احتج بعض، شماره حديث: (3010)، مكتبة دار الباز - مكة المكرمة، (221/2).

فرع بيست و هفتم: تخريج حديث: (أَنَّ عَلَيْهِ الصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ فَاتَتْهُ أَرْبَعُ صَلَوَاتٍ يَوْمَ الْخَنْدَقِ فَقَضَاهُنَّ عَلَى التَّرْتِيبِ وَقَالَ: " صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي):
با جستجوی زیاد حدیث مذکور در کتب سته یافت نشد اما در کتاب ابن حجر، الدراية في تخريج

أحاديث الهداية، باب سجود السهو، (206/1)، شماره حديث: (262) و کتاب مرغینانی مع نصب الراية تخريج أحاديث الهداية للعلامة جمال الدين الزيلعي اعنتی بهما ایمن صالح شعبان، نصب الراية، (217/3) ذکر شده است.

فرع بيست و هشتم: تخريج حديث: (رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي الْخَطَأُ وَالنَّسْيَانُ):

درجه حديث: ابن ماجه رحمه الله صحيح گفته است.

ابن ماجه، سنن ابن ماجه، محمد بن يزيد أبو عبدالله القزويني، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي باب طلاق المكره والناسي، شماره حديث: (2043)، دار الفكر - بيروت، (659/1).

فرع بيست و نهم: تخريج حديث: (مَنْ نَامَ عَنْ وَثْرٍ أَوْ نَسِيَهُ فَلْيُصَلِّهِ إِذَا ذَكَرَهُ أَوْ إِذَا اسْتَيْقَظَ):

درجه حديث: الباني رحمه الله صحيح گفته است.

أبو داود، سنن أبو داود، أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني متوفى: (275)هـ، محقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، باب في الدعاء بعد الوتر، شماره حديث: (1431)، (65/2)، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.

فرع سی او م: تخريج: (مَنْ نَامَ عَنْ وَثْرٍ فَلْيُصَلِّ إِذَا أَصْبَحَ):

درجه حديث: حسن صحيح.

آبادي، عون المعبود شرح سنن أبي داود، باب في وقت الوتر، شماره حديث: (1224)، (369/3).

فرع سی و یکم: تخريج حديث: (إِذَا فَاتَتْهُ الْأَرْبَعُ قَبْلَ الظُّهْرِ قَضَاهَا بَعْدَ الظُّهْرِ):

درجه حديث: الباني رحمه الله ضعيف گفته است.

ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ابن ماجه أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني، وماجة اسم أبيه يزيد متوفى: (273)هـ، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، 106- باب من فاتته الاربع قبل الظهر، شماره حديث:

(1158)، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي، (366/1).

مطلب چهارم: تخريج قواعد و ضوابط فقهی

قاعدة: (280): (ما يدركه المسبوق في الصلاة، هل هو آخر صلاته أو أولها)

ترجمه: (آنچی راکه دریافت کند مسبوق در نماز آیا او در آخر نماز است و یا در اول نماز).

توضیح: مسبوق در نماز کسی است که إقتداء میکند به إمام بعد از رکوع در رکعت اول، و آنچیزیکه به رکعت اول نزدیک است، واجب است برای مسبوق متابعت إمام تا وقتی سلام دادن، بعد از سلام مسبوق به آن رکعات بیاید که از او فوت شده است، یک رکعت باشد و یا بیشتر از آن، پس إمام مثلاً اگر در رکعت دوم باشد و مسبوق از رکعت اول آغاز میکند. آیا رکعت اول برای مسبوق رکعت دوم اعتبار دارد مانند إمام، کاری که بعد از سلام دادن امامش انجام می دهد رکعت اول است یا آخرین رکعت برای او رکعت اول محسوب می شود و کاری که بعد انجام می دهد مطابق آن قرار می گیرد(192).

تطبیقات

چندین فوائد بر این اختلاف مرتب میشود:

- 1- محل آغاز: در رکعت اولی که می خواند، چون اول نمازش است، آغاز میکند و در رکعت دومی آغاز میکند: در رکعت اولی که می خواند، چون اولش است.
- 2- تعوذ: بنا بر اولی، هنگام قیام به نماز مخصوصاً پناه می برد، و بر اساس دومی، به رکعت اولی که می خواند، پناه می برد پناه بردن مخصوص رکعت اول است اگر بگوییم: در هر رکعتی جایز است، این منفعت باطل می شود.
- 3- طرز خواندن با صدای بلند و بی صدا: اگر دو رکعت اول مغرب یا عشاء را از دست داد، چنانکه امام احمد در روایت الاثرم فرموده است، بدون اجبار با صدای بلند بخواند. اگر در هر دو إمامت کرد میگوییم جایز است، بر او واجب است که با صدای بلند بخواند و این طبق روایت اول است و طبق روایت دوم در اینجا بلند خواندن آن نیست.
- 4- اگر پیش از او به امام برسد، اگر بگوییم: آنچه را که در آخر نمازش می گیرد، دیگر قنوت نمی کند، زیرا قنوت با امام در جای خود واقع میشود و تکرار نمی کند. و اگر بگوییم: اول آن است که در رکعت آخر تکرار شود تا بجا آورد(193).

(192) الزحیلی، د. محمد مصطفی، القواعد الفقهية وتطبيقاتها في المذاهب الأربعة، قاعده: 280، الطبعة: الأولى، 1427 هـ - 2006 م، الناشر: دار الفكر - دمشق، (985/2).
 (193) الزحیلی، د. محمد مصطفی، القواعد الفقهية وتطبيقاتها في المذاهب الأربعة، قاعده: 280، الطبعة: الأولى، 1427 هـ - 2006 م، الناشر: دار الفكر - دمشق، (985-986/2).

فصل دوم

احکام نماز نفل و نماز تراویح

مبحث اول: احکام نماز نفل

این مبحث دارای چهار مطلب میباشد

متن کتاب (المختار للفتوی)

بَابُ النَّوَافِلِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ تَابَرَ عَلَى ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ: رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْفَجْرِ، وَأَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَهَا، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْعِشَاءِ». وَيُسْتَحَبُّ أَنْ يُصَلِّيَ بَعْدَ الظُّهْرِ أَرْبَعًا، وَقَبْلَ الْعَصْرِ أَرْبَعًا، وَبَعْدَ الْمَغْرِبِ سِتًّا، وَقَبْلَ الْعِشَاءِ أَرْبَعًا وَبَعْدَهَا أَرْبَعًا، وَيُصَلِّيَ قَبْلَ الْجُمُعَةِ أَرْبَعًا، وَبَعْدَهَا أَرْبَعًا (س)، وَيَلْزَمُ التَّطَوُّعُ بِالشُّرُوعِ مُضِيًّا (ف) وَقَضَاءً (ف)، فَإِنْ افْتَتَحَهُ قَائِمًا ثُمَّ قَعَدَ لِغَيْرِ عُدْرٍ جَازٍ (س) وَيُكْرَهُ. وَصَلَاةُ اللَّيْلِ رَكْعَتَانِ بِتَسْلِيمَةٍ أَوْ أَرْبَعٌ أَوْ سِتٌّ (س) أَوْ ثَمَانٍ، وَيُكْرَهُ الزِّيَادَةُ عَلَى ذَلِكَ، وَفِي النَّهَارِ رَكْعَتَانِ أَوْ أَرْبَعٌ (ف)، وَالْأَفْضَلُ فِيهِمَا الْأَرْبَعُ، وَلَا يَزِيدُ فِي النَّهَارِ عَلَى أَرْبَعٍ بِتَسْلِيمَةٍ، وَطَوَّلُ الْقِيَامِ أَفْضَلُ مِنْ كَثْرَةِ السُّجُودِ، وَالْقِرَاءَةُ وَاجِبَةٌ فِي جَمِيعِ رَكْعَاتِ النَّفْلِ (194).

ترجمه متن کتاب (المختار للفتوی)

باب در مورد نفل است، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «کسی بر دوزارده رکعت نماز در یک شبانه روز مواظبت کند بنا میکند الله (جل جلاله) برایش در روز قیامت خانه در بهشت. دو رکعت قبل از فرض نماز صبح، چهار رکعت قبل از فرض و دو رکعت بعد از نماز فرض پیشین، دو رکعت بعد از نماز شام، دو رکعت بعد از نماز خفتن». مستحب است که چهار رکعت بعد از نماز ظهر، چهار رکعت قبل نماز عصر، شش رکعت بعد از نماز شام، چهار رکعت قبل و چهار رکعت بعد از نماز خفتن، چهار رکعت قبل و چهار رکعت بعد از نماز جمعه، خوانده شود. نفل با شروع کردن لازم میگردد، فعلاً باشد و یا قضاءً، اگر شخصی نفل را ایستاده آغاز کرد و باز نشست و بدون عذر نفل را ادامه داد در این صورت مکروه است. نماز شب دو رکعت به یک سلام است، یا چهار رکعت به یک سلام است، یا شش رکعت به یک سلام است، یا هشت رکعت به یک سلام است اگر از این زیاد شد مکروه است. در روز دو رکعت یا چهار رکعت، اما بهترین نماز نفل در روز چهار رکعت است،

(194) موصلی، الاختیار لتعلیل المختار، (1 / 65 - 68).

وزیاد نکند در روز بر چهار رکعت به یک سلام. طولانی کردن قیام بهتر است از سجده های زیاد کرده، و قرائت کردن در تمام رکعات نماز های نفل واجب است.

ترجمه متن (الاختیار لتعلیل المختار)

باب در مورد نوافل است: از حضرت ام حبیبیه، عائشه صدیقه رضی الله تعالی عنهما و ابی موسی اشعری و عبدالله ابن عمر رضی الله تعالی عنهم روایت است گفتند که: رسول الله (صلی الله علیه وسلم): گفت: «مَنْ تَابَرَ عَلَى ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ: رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْفَجْرِ، وَأَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَهَا، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْعِشَاءِ». ترجمه: «کسی مواظبت کند بر دوازده رکعت نماز در یک شبانه روز بنا کرده الله (جل جلاله) در روز قیامت خانه در بهشت. دو رکعت قبل از فرض نماز صبح، چهار رکعت قبل از فرض و دو رکعت بعد از نماز فرض پیشین، دو رکعت بعد از نماز شام، دو رکعت بعد از نماز خفتن». پس این تأکیدات است که مناسب نیست ترک کردن آن، فَقَدْ (قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ فِي رَكْعَتِي الْفَجْرِ: صَلَّوْهُمَا وَلَوْ أَدْرَكْتُمْ الْخَيْلَ) (195). ترجمه: به تحقیق پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) گفت در ارتباط دو رکعت نماز سنت صبح بخوانید ولو که شما را گروه از اسب سواران دستگیر میکند»، قَالَ (هُمَا خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا) (196). ترجمه: و گفت: «اداء دو رکعت سنت نماز صبح از دنیا و آن چی که در دنیا است بهتر است». وَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (مَنْ تَرَكَ أَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ لَمْ تَنْلُهُ شَفَاعَتِي). ترجمه: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) گفت: «کسی چهار رکعت سنت نماز قبل از ظهر را ترک کند، به شفاعت من نمی رسد». (از حضرت عائشه صدیقه رضی الله تعالی عنها روایت شده است که: حتی اگر کسی دو رکعت سنت نماز صبح را نشسته بدون عذر بخواند مکروه است. مستحب است که بعد از نماز پیشین چهار رکعت خوانده شود، ام حبیبیه رضی الله تعالی عنها گفت: من از پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) شنیدم، میگویند که: (مَنْ حَافِظَ عَلَى أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ قَبْلَ الظُّهْرِ، وَأَرْبَعِ بَعْدَهَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَى النَّارِ). ترجمه: «کسی محافظت کند بر چهار رکعت قبل و چهار رکعت بعد از نماز پیشین حرام گردانیده الله (جل جلاله) برای او شخص آتش دوزخ را». و قبل از نماز عصر چهار رکعت، و از امام ابوحنیفه رحمه الله دو رکعت بعد از نماز صبح نقل شده است، و تمام این نظریات از پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) حدیث روایت شده است. بعد از شام شش رکعت. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (مَنْ صَلَّى بَعْدَ الْمَغْرِبِ سِتَّ رَكَعَاتٍ لَمْ يَتَكَلَّمْ فِيمَا بَيْنَهُنَّ بِشَيْءٍ عَدَلْنَ لَهُ عِبَادَةٌ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ سَنَةً) ترجمه: از حضرت ابو هریره رضی الله تعالی عنه روایت است که فرمودند: کسی بعد از نماز شام شش رکعت نماز بخواند

(195) موصلی، الاختیار لتعلیل المختار، باب النوافل، (65/1).
(196) مناوی، فیض القدر، فیض القدر، شماره حدیث: (5500)، الجزء 4، (320/15).

و در میان آن رکعات سخن نگوید برای او عوض آن ثواب عبادت دوازده شبانه روز می رسد»، و نماز خواندن بعد از نماز شام فضیلت زیاد دارد، و گفته شده که نخستین ساعات شب است، که بنام نماز رجوع و توبه هم گفته میشود، از حضرت عائشه صدیقه رضی الله تعالی عنها روایت شده است که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) گفت: «مَنْ صَلَّى بَعْدَ الْمَغْرِبِ عَشْرِينَ رَكْعَةً بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ». ترجمه: کسی بعد از شام بیست رکعت نماز آدا نماید خداوند (جل جلاله) برای او خانه ای در بهشت بناء میکند». پیش از چهار رکعت نماز خفتن، بعضی گفتند که دو رکعت، بعد از نماز خفتن چهار رکعت، و بعضی گفتند که دو رکعت، از حضرت عائشه صدیقه رضی الله تعالی عنها روایت است که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: (كَانَ يُصَلِّي قَبْلَ الْعِشَاءِ أَرْبَعًا، ثُمَّ يُصَلِّي بَعْدَهَا أَرْبَعًا ثُمَّ يَضْطَجِعُ). ترجمه: «رسول الله (صلی الله علیه وسلم) پیش از نماز خفتن چهار رکعت بعد از آن چهار رکعت نماز می خواندن باز به پهلو می خوابیدن، قبل از نماز جمعه چهار رکعت، و بعد از آن چهار رکعت نماز می خواندن، به همین قسم روایت کرده شده از حضرت عبدالله ابن مسعود رضی الله تعالی عنهما. حضرت ابوهریره رضی الله تعالی عنه روایت کرده است که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) گفت: «مَنْ كَانَ مُصَلِّيًا الْجُمُعَةَ فَلْيُصَلِّ قَبْلَهَا أَرْبَعًا وَبَعْدَهَا». ترجمه: «کسی که نماز گذار نماز جمعه باشد، پس پیش از نماز جمعه چهار رکعت، و بعد از آن چهار رکعت نماز بخواند». بعضی گفته اند که بعد از آن شش رکعت بخواند به دو سلام، روایت کرده شده از حضرت علی کرم الله وجهه و مذهب امام ابویوسف رحمه الله هم همین است. و هر نماز فرض که بعد از آن نماز سنت داشته باشد نشستن بین سنت و فرض مکروه است، بلکه خود را دفعتاً به خواندن سنت مشغول سازد، تا اینکه فاصله میان نماز فرض و سنت نیاید. و از حضرت عائشه رضی الله تعالی عنها روایت است: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُعْعِدُ مِقْدَارَ مَا يَقُولُ: اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَاللَّيْلُ يَعُودُ السَّلَامُ تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، ثُمَّ يَقُومُ إِلَى السُّنَّةِ». ترجمه: پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) به مقدار خواندن همان دعا که میگویند که: ای خدا تو سلامت دهنده هستی و از طرف تو سلامتی است و بسوی تو برمیگردد سلامتی با برکت هستی تو ای صاحب بزرگی و عزت، باز ایستاد شده سنت را میخواند». و در جایکه فرض را اداء نمودند نفل را نمی خواندن، لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (أَيَعْجَزُ أَحَدُكُمْ إِذَا فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ بِسُبْحَتِهِ). از جهت قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم): «آیا عاجز و ناتوان است یکن از شما و قتیکه از ادای نماز فرض فارغ شد توسط تسبیحات نماز سنت خویش را تقدیم و تاخیر کند؟». و همچنان مستحب گردانیده شده برای جماعت شکستن صف ها تا اینکه گمان نشود که آنها داخل در فرض است، گفت: نفل به شروع کردن لازم میگردد، فعلاً باشد و یا قضاءً باشد، قول تعالی: {وَلَا تُبْطَلُوا أَعْمَالَكُمْ} (197). ترجمه: «اعمال های خود را نابود نسازید». قیاس کرده

میشود بر روزه، پس واجب میگردد روزه فعلاً و قضاءً از جهت عدم فاصله. وَلِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ لِلصَّائِمِ: (أَجِبَ أَحَاكَ وَأَفْضَى يَوْمًا مَكَانَهُ) (198). ترجمه: قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) برای روزه دار: «اجابت کن برای برادرت و قضاء بیاور روزی در جای آن». (وَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ لِعَائِشَةَ وَحَفْصَةَ وَقَدْ أَفْطَرْنَا فِي صَوْمِ التَّطَوُّعِ: أَفْضِيَا يَوْمًا مَكَانَهُ وَلَا تَعُودَا). ترجمه: «پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند برای حضرت عائشه و حضرت حفصه رضی الله تعالی عنهما به تحقیق خورده میتوانید در روزه نفلی، قضاء بیاورید به عوض آن و دو باره برگشت نمی کند». نماز نفل را با وجود داشتن قدرت و توان به استاده شدن و نشسته نماز خواندن درست است، لِقَوْلِ عَائِشَةَ: (كَانَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ يُصَلِّي قَاعِدًا، فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَرْكَعَ قَامَ فَفَرَأَ آيَاتٍ ثُمَّ رَكَعَ وَسَجَدَ ثُمَّ عَادَ إِلَى الْقُعُودِ) (199). ترجمه: از جهت قول حضرت عائشه صدیقه رضی الله تعالی عنها: «پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) نماز نفل را نشسته میخواندن، و قتیکه میخواستند رکوع کنند، ایستاد شده قرائت میکردند آیات الله جل جلاله باز رکوع و سجده میکردند باز بر می گشتند به رکوع و سجده»؛ زیرا که نماز بهترین موضوع خیر است، پس اگر گاهی ایستاد شدن مشکل میشود برای نماز گذار نفل، برای او اجازه است که نشسته نماز بخواند و این کار یک ذخیره برای او است. تا و قتیکه کدام خلاف نقل نشده باشد. گفت: اگر نماز نفل را شروع کرد استاده شده باز نشسته بدون عذر باقی آنرا ادا نماید جایز است لکن مکروه میشود. صاحبین به این نظر هستند که جایز نیست به نذر اعتبار میدهند. دلیل برای امام ابوحنیفه رحمه الله این است که: فوت ایستاد شدن در نماز نفل در ابتداء باعث باطل شدن نفل نمیشود و در جریان آن نیز باعث بطلان نیست؛ زیرا که ایستاد شدن در نماز یک صفت زائده است، پس لازم نمی گردد، مگر به التزام صریح، مانند پی در پی بودن در روزه، از همین جهت با نذر مخالفت کرده است. گفت: نماز شب دو رکعت، چهار رکعت، شش رکعت به یک سلام است، و تمام اینها در نماز تهجد حضرت پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) ذکر شده است. زیاده از این مکروه گردانیده شده است. و بعضی میگویند که مکروه نیست، مانند هشت رکعت به یک سلام خوانده میشود. گفت: در روز دو رکعت و یا چهار رکعت نفل خوانده میشود، اما بهتر در شب و روز چهار رکعت است. صاحبین به این نظر هستند که بهتر در شب دو دو رکعت است اعتبار میکنند به نماز تراویح، وَلِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (صَلَاةُ اللَّيْلِ مَثْنَى مَثْنَى). ترجمه: قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «نماز شب دو دو رکعت است». و در میان هر دو رکعت یک سلام است، دلیل برای امام ابوحنیفه رحمه الله قول حضرت عائشه صدیقه رضی الله تعالی عنها است: (كَانَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ يُصَلِّي بَعْدَ الْعِشَاءِ أَرْبَعًا لَا تَسْأَلُ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطُولِهِنَّ، ثُمَّ أَرْبَعًا لَا تَسْأَلُ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطُولِهِنَّ). ترجمه: «حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) بعد از نماز

(198) موصلی، الاختیار لتعلیل المختار، باب النوافل، (66/1).

خفتن چهار رکعت نماز می خواندن از خوبی و طول آن سوال نکنید، یعنی بی اندازه خوب و طولانی بود، باز چهار رکعت بعد از آن از خوبی و طول آن سوال نکنید، یعنی بی اندازه خوب و طولانی بود. حضرت پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) همیشگی میکردند به چهار رکعت نماز چاشت به یک سلام، چون نهی دائمی است، هر چه سخت تر باشد بهتر است. قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا) (200). أَيُّ أَشَقُّهَا. ترجمه: (بهترین اعمال آنهای است که سخت باشد از روی انجام عمل). اما نماز تراویح با جماعت أداء میگردد، پس بنا کردن آن نماز بر تخفیف است بخاطر دفع نمودن مشکل از نماز گذاران. اما قول حضرت پیغمبر (صلی الله علیه وسلم): «مَثْنَى مَثْنَى»، ترجمه: «دو دو است». معنی اش این است که الله (جل جلاله) عالمتر است. شخص نماز گذار در هر رکعت تشهد را میخواند، دو رکعت بخاطر نامگذاری شده است که: در میان هر دو رکعت فاصله توسط تشهد واقع شده است، تأیید میکند او را آنچه که روایت کرده شده است: پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: (كَانَ يُصَلِّي أَرْبَعًا قَبْلَ الْعَصْرِ يُفْصِلُ بَيْنَهُنَّ بِالسَّلَامِ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَمَنْ تَابَعَهُمْ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ) (201)، ترجمه: «پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) نماز میخواندن چهار رکعت پیش از نماز عصر، فاصله ایجاد میکرد در میان شان توسط سلام دادن به فرشته های مقرب الله (جل جلاله) و کسانی که آنها را پیروی میکنند از جمله مسلمانان و مؤمنین». امام ترمذی رحمه الله گفت که معنی فاصله ایجاد کردن در میان نماز توسط تشهد به این معنی است که: زیاد کرده نمیشود در روز بیشتر از چهار رکعت به یک سلام؛ زیرا که آن نقل نشده است، طولانی نمودن قرائت در نماز بهتر است از زیادت سجده کرده، طوریکه از حضرت جابر رضی الله تعالی عنه روایت شده است، گفت: «قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الصَّلَاةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: طُولُ الْقُنُوتِ». ترجمه: «گفته شد برای رسول الله (صلی الله علیه وسلم) کدام نماز بهتر است، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: طول قنوت؛ زیرا که، این کار مشقت است، و در آن قرائت قرآن کریم است. و قرائت از گفتن تسبیح کرده بهتر است. گفت: قرائت کردن در تمام رکعات نماز نفل واجب است؛ زیرا که هر جفت نماز است، پس به تحقیق واجب نمی گردد توسط تکبیر تحریمه غیر از یک جفت، و ایستاده شدن در رکعت سوم مانند تکبیر تحریمه که شروع شده است، حتی اینکه گفتند مستحب گردانیده شده دو باره آغاز کردن در رکعت سوم. برای سواره اگر نماز نفل میخواند به هر طرف که روبرو میشود به اشاره جایز است، وقتیکه خارج از شهر باشد، حضرت عبدالله ابن عمر رضی الله تعالی عنهما گفت: «رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي عَلَى حِمَارٍ وَهُوَ مُتَوَجِّهٌ إِلَى خَيْبَرَ يَوْمَئِذٍ إِيْمَاءً». ترجمه: «دیدم رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را که نماز میخواندن بالای مرکب که او به

(199) بزار، مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار، مسند عائشة أم المؤمنين رضی الله تعالی عنها، شماره حدیث: (317)، (265/18).

(200) عینی، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، باب فضل الصلاة الفجر فی جماعة، شماره حدیث: (651)، (169/5).

(201) حنفی، تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق وحاشیة الشلبي، باب الوتر والنوافل، (172/1).

سوی خیبر روبرو بود اشاره میکرد به اشاره کردنی». از حضرت امام ابوحنیفه رحمه الله نقل است که: در دو رکعت نماز صبح نماز گذار باید پایان شود؛ زیرا که آن دو رکعت نماز صبح نسبت به نفل و یا سنت های دیگر تاکیدات بیشتر شده است. و از امام ابویوسف رحمه الله نقل است که میگویند، در شهر نیز جایز است. امام محمد رحمه الله به این نظر هستند که مکروه است. امام ابوحنیفه رحمه الله به این نظر هستند که: جایز نیست؛ زیرا که دلیلی که وارد شده خارج از شهر است، اکثراً حاجت به سوار شدن سواری در شهر نیست، پس قیاس کرده نمی شود خارج شهر را برشهر.

مطلب اول: شرح کلمات و اصطلاحات فقهی

فرع اول: تطوع: تطوع بمعنی فرمانبرداری، به طور اختیاری و داوطلبانه عملی را انجام دادن است، یعنی عبادت را با میل و رغبت انجام دادن، بدون اینکه الله متعالی برای او فرض کرده باشد، قول تعالی: {فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ} (202). ترجمه: «وهرکه کار خیر را پذیرا شود (و بر مقدار فدیة بیفزاید، و یا علاوه از روزه فرض، روزه سنت نیز بگیرد) برای او بهتر است. این عمل را تطوع گفته میشود (203).

فرع دوم: نذر: نذر عبارت از یک وسیله نزدیک شدن به الله متعالی و مشروع است، قربانی مشروع است، پس آن چی که به عنوان وسیله تقرب جستن است عبارت اند از: روزه، نماز، حج، آزاد کردن غلام، صدقه و غیره میباشد. دلایل مشروعیت و فاء به نذر: قَالَ تَعَالَى: {وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ} (204). ترجمه: «وبه نذرهای خویش (اگر نذر کرده اند) وفا کنند». وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (فَبِئْذَرِكِ) (205). ترجمه: «پس به نذرت وفا کن»، وَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (مَنْ نَذَرَ وَسَمَّى فَعَلَيْهِ الْوَفَاءُ بِمَا سَمَّى) (206). ترجمه: «هرکه نذر کند و نذر خود را تعیین نماید پس باید به آن چی که نذر کرده وفاء کند». آحادیث زیاد رابطه به وفاء نمودن نذر وجود دارد به همین آحادیث اکتفاء میکنیم. مشروعیت وفاء به نذر از نظر اجماع: نذر درست نیست مگر به هدف نزدیک شدن به الله متعالی که از نوع همان نذر که در بالا ذکر شد درست و واجب است، نذر که از جنس خود نوع نداشته باشد مانند: گفتن

(202) سورة البقرة، آية: 184.

(203) إبراهيم مصطفى - أحمد الزيات - حامد عبد القادر - محمد النجار، المعجم الوسيط - تحقيق: مجمع اللغة العربية، دار النشر: دار الدعوة. (1422/2).

(204) سورة الحج، آية: 29.

(205) سمرقندی، مسند الدارمی المعروف بـ (سنن الدارمی)، باب الوفاء بالنذر، شماره حدیث: (2378)، (1505/3).

(206) مرغینانی مع نصب الرایة تخريج أحادیث الهدایة للعلامة جمال الدین الزیلعی اعتنی بهما ایمن صالح شعبان، نصب الرایة، (51/6).

تسبیح، تممید، خبرگیری از مریض، تکفین میت و حاضر شدن در جنازه، ساختن مسجد و غیره باشد واجب نیست(207).

فرع سوم: تهجد: از کلمه هجد و هجوداً گرفته شده بمعنی بیداری کردن، خوابیدن و بعد در قسمت آخر شب بیدار شدن برای اداء نماز است، که هَجَدَ جمع آن هجود میباشد، پس تهجد بمعنی بیدار شدن، یا بیداری کشیدن برای ادای نماز است. قال الله تعالی: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ﴾ (208). ترجمه: «در قسمت شب از خواب برخیز و در آن نماز تهجد بخوان، این یک فریضه اضافی (و افزون بر نماز های پنجگانه) برای تو است». پس تهجد کوشش کردن برای اداء نماز شب است(209).

مطلب دوم: توثیق و بیان مسائل:

نفل از دید امام ابوحنیفه رحمه الله، دو رکعت و یا چهار رکعت در روز به یک سلام مباح است، زیاده از آن مکروه است. اما در شب به مقدار هشت رکعت نماز نفل به یک سلام مباح است و زیاده از آن مکروه است. دلایل کراهیت آن: پیغمبر صلی الله علیه وسلم از این مقدار زیاد نکرده است، اگر مکروه نمی بود پیغمبر صلی الله علیه وسلم حتمن بخاطر تعلیم جواز قرار میداد. و این را صاحب قدوری رحمه الله و فخر الإسلام رحمه الله اختیار نموده است. اما از نظر شمس الأیمة رحمه الله صحیح این است که زیادت از هشت رکعت نماز در شب کراهیت ندارد بلکه جواز دارد. لروایت ابن مسعود رضی الله تعالی عنهما: «أَنَّه - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - صَلَّى ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً» (210)، ترجمه: (پیغمبر صلی الله علیه وسلم سیزده رکعت نماز در شب خواندن). هشت رکعت نماز نفل، سه رکعت نماز وتر و دو رکعت سنت نماز فجر(211).

از دیدگاه امام مالک رحمه الله: نماز نفل در شب و روز دو دو رکعت به یک سلام است و نماز نفل در روز چهار رکعت است. عن ابن عمر «أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ النَّبِيَّ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ - عَنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ فَقَالَ: " صَلَاةُ اللَّيْلِ مَثْنَى مَثْنَى... » (212). عبدالله ابن عمر رضی الله تعالی عنهما: (مردی در مورد نماز شب از پیغمبر صلی الله علیه وسلم سوال کرد و پیغمبر صلی الله علیه وسلم گفتند که نماز

(207) الموصلي، عبد الله بن محمود بن مودود البلدي، مجد الدين أبو الفضل الحنفي، (المتوفى: 683هـ) الاختيار لتعليل المختار، طبع: (1356هـ- 1937م)، مطبعة الحلبي - القاهرة (وصورتها دار الكتب العلمية - بيروت، وغيرها)، (76/4).

(208) سورة الإسراء، آية: 79.

(209) إبراهيم مصطفى - أحمد الزيات - حامد عبد القادر - محمد النجار، تحقيق / مجمع اللغة العربية، المعجم الوسيط، دار النشر: دار الدعوة، (972/2).

(210) البستي، محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي، صحيح ابن حبان، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة الثانية، 1414 - 1993، شماره حديث: (2627)، درجه حديث: اسناد صحیح، باب النوافل: (6/356).

(211) البابر تي، محمد بن محمد بن محمود، أكمل الدين أبو عبد الله ابن الشيخ شمس الدين ابن الشيخ جمال الدين الرومي، (المتوفى: 786هـ) العناية شرح الهداية، بدون طبعة وبدون تاريخ دار الفكر، (450-446/1).

(212) أبو داود، سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (المتوفى: 275هـ)، سنن أبي داود، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت، شماره حديث: (1326)، درجه حديث: الباني رحمه الله صحيح گفته است، باب الصلاة الليل مثنى مثنى، (36/2).

شب دو دو رکعت است...). و ثابت گردیده از پیغمبر صلی الله علیه وسلم: «أَنَّه كَانَ يُصَلِّي قَبْلَ الظُّهْرِ رَكْعَتَيْنِ، وَبَعْدَهَا رَكْعَتَيْنِ، وَبَعْدَ الْمَغْرِبِ رَكْعَتَيْنِ، وَبَعْدَ الْجُمُعَةِ رَكْعَتَيْنِ، وَقَبْلَ الْعَصْرِ رَكْعَتَيْنِ» (213). ترجمه: (پیغمبر صلی الله علیه وسلم قبل از نماز ظهر دو رکعت، بعد از آن دو رکعت، بعد از مغرب دو رکعت، بعد از نماز جمعه دو رکعت و قبل از نماز عصر دو رکعت أداء می نمودند) (214).

از نظر امام شافعی رحمه الله: رُوِيَ عَنِ ابْنِ عُمَرَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: " صَلَاةُ اللَّيْلِ مَثْنَى مَثْنَى " ترجمه: حضرت عبدالله ابن عمر رضی الله تعالی عنهما روایت کرده: (رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند نماز شب دو دو رکعت است). در این حدیث دو دلالت است، یک اینکه نماز شب دو دو رکعت به سلام جداگانه است، و وتر یک رکعت است. پس نماز نفل را دو دو رکعت أداء می نماید برابر است که ایستاده باشد و یا نشسته، لکن در خانه باشد. اگر مسافر باشد به هر طرف که چهار پای و یا سواری اش حرکت کند به همان طرف أداء نماید (215).

از نظر امام احمد بن حنبل رحمه الله: نماز نفل دو دو رکعت است، اگر در روز چهار رکعت نفل أداء نمود کدام باکی ندارد. اگر نماز نفل را نشسته أداء نماید برایش جواز دارد (216).

مطلب سوم: تخریج احادیث و آثار

فرع اول: تخریج حدیث: (مَنْ ثَابَرَ عَلَى ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ: رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْفَجْرِ، وَأَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَهَا، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْعِشَاءِ):

درجه حدیث: البانی رحمه الله صحیح گفته است.

ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ابن ماجه أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني، وماجة اسم أبيه يزيد متوفى: (273)هـ، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، 100-باب ما جاء في ثنتي عشرة ركعة من، شماره حدیث: (1140)، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي، (361/1).

فرع دوم: تخریج حدیث: (مَنْ تَرَكَ أَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ لَمْ تَنْلُهُ شَفَاعَتِي):

(213) الدارمي، عبدالله بن عبدالرحمن أبو محمد، سنن الدارمي، تحقيق: فواز أحمد زمرلي، خالد السبع العلمي، الطبعة الأولى، 1407، دار الكتاب العربي - بيروت، شماره حدیث: (1437)، درجه حدیث: الدارمی رحمه الله اسناد حدیث را صحیح گفته است، باب فی الصلاة السنة، (396/1).

(214) ابن رشد الحفید، أبو الولید محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد بن رشد القرطبي، بداية المجتهد ونهاية المقتصد، (المتوفى: 595هـ)، الناشر: دار الحديث - القاهرة، الطبعة: بدون طبعة، تاريخ النشر: 1425هـ - 2004 م، الباب الثالث فی النوافل، (217/1).

(215) الماوردي، أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي، (المتوفى: 450هـ)، الحاوي الكبير في فقه مذهب الإمام الشافعي وهو شرح مختصر المزني، المحقق: الشيخ علي محمد معوض - الشيخ عادل أحمد عبد الموجود، الطبعة: الأولى، 1419 هـ- 1999 م، دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، (288-289/2).

(216) الخرقى، أبو القاسم عمر بن الحسين بن عبد الله (المتوفى: 334هـ) متن الخرقى على مذهب ابي عبد الله أحمد بن حنبل الشيباني، الطبعة: 1413هـ-1993م، دار الصحابة للتراث (28/1).

درجه حديث: مرغينانى رحمه الله نهايت غريب گفته است.

المرغينانى، نصب الراية، الهداية شرح بداية المبتدى لشيخ الاسلام برهان الدين المرغينانى مع نصب الراية تخريج احاديث الهداية للعلامة جمال الدين الزيلعى اعتنى بهما ايمن صالح شعبان، باب النصب الراية - الجزء 2، شماره حديث: (186)، دار الحديث القاهرة، (214/3).

فرع سوم: تخريج حديث: (مَنْ حَافِظٌ عَلَى أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ قَبْلَ الظُّهْرِ، وَأَرْبَعٍ بَعْدَهَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَى النَّارِ):
درجه حديث: البانى رحمه الله صحيح گفته است.

أبو داود، سنن أبي داود، باب الأربعة قبل الظهر وبعدها، شماره حديث: (1269)، (23/2).
فرع چهارم: تخريج حديث: (مَنْ صَلَّى بَعْدَ الْمَغْرِبِ سِتِّ رَكَعَاتٍ لَمْ يَنْكَلَمْ فِيمَا بَيْنَهُنَّ بِشَيْءٍ عَدَلْنَ لَهُ عِبَادَةَ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ سَنَةً):

درجه حديث: البانى رحمه الله ضعيف جداً گفته است.
ترمذى، سنن الترمذى، باب: فضل التطوع وست ركعات بعد المغرب، شماره حديث: (435)، (298/2).

فرع پنجم: تخريج حديث: (مَنْ صَلَّى بَعْدَ الْمَغْرِبِ عِشْرِينَ رَكْعَةً بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ):
درجه حديث: البانى رحمه الله موضوعى گفته است.

ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ابن ماجه أبو عبد الله محمد بن يزيد القزوينى، وماجة اسم أبيه يزيد متوفى: (273)هـ، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، (185) باب ماجاء فى الصلاة بين المغرب، شماره حديث: (1373)، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابى الحلبي، (437/1).

فرع ششم: تخريج حديث: (كَانَ يُصَلِّي قَبْلَ الْعِشَاءِ أَرْبَعًا، ثُمَّ يُصَلِّي بَعْدَهَا أَرْبَعًا ثُمَّ يَضْطَجُعُ):
حديث فوق با جستجوی زياد در كتب احاديث دريافت نشد، اما در كتب فقهي از جمله كتاب زحيلي، الفقه الإسلامى وأدلتُهُ، باب النوافل المستقلة، (1061/2) وكتاب حنفي، مراقى الفلاح شرح متن نور الإيضاح، (146/1) ذكر شده است.

فرع هفتم: تخريج حديث: (أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَفْعُدُ مَقْدَارَ مَا يَقُولُ: اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، ثُمَّ يَقُومُ إِلَى السُّنَّةِ):
درجه حديث: البانى رحمه الله صحيح گفته است.

مسلم، صحيح مسلم، 26-باب استحباب الذكر بعد الصلاة وبيان، شماره حديث: (135)، (414/1).
خراساني، السنن الصغرى للنسائي، باب الإستغفار بعد التسليم، شماره حديث: (1337)، (68/3).

فرع هشتم: تخريج حديث: (أَيَعِزُّ أَحَدُكُمْ إِذَا فَرَعَ مِنْ صَلَاتِهِ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ بِسُبْحَتِهِ):
درجه حديث: البانى رحمه الله صحيح گفته است.

أبو داود، سنن أبو داود، أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني، 196- باب في الرجل يتطوع في مكانه الذي، شماره حديث: (1008)، دار الكتاب العربي - بيروت، (384/1).

فرع نهم: تخريج حديث: (وَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ لِعَائِشَةَ وَحَفْصَةَ وَقَدْ أَفْطَرْنَا فِي صَوْمِ النَّطُوعِ: أَفْضِيًا يَوْمًا مَكَانَهُ وَلَا تَعُودَا):

درجه حديث: البانى رحمه الله ضعيف گفته است.

الترمذى، سنن الترمذى، محمد بن عيسى بن سؤرة بن موسى بن الضحاك، الترمذى، أبو عيسى متوفى: (279)، تحقيق وتعليق: أحمد محمد شاكر، باب ما جاء فى ايجاب القضاء عليه، شماره حديث: (735)، طبع دوم: (1395-هـ-1975م)، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابى الحلبي - مصر، (103/3).

فرع دهم: تخريج حديث: (صَلَاةُ اللَّيْلِ مَثْنَى مَثْنَى):

درجه حديث: ترمذى رحمه الله صحيح گفته است.

بخارى، صحيح البخارى، باب ماجاء فى الوتر، شماره حديث: (990)، (24/2).

مسلم، صحيح مسلم، 20- باب صلاة الليل مثنى مثنى و الوتر ركعة، شماره حديث: (145)، (516/1).

ترمذى، سنن الترمذى، باب ماجاء أن صلاة الليل مثنى مثنى، (300/2)، شماره حديث: (437).

فرع يازدهم: تخريج حديث: (كَانَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ يُصَلِّي بَعْدَ الْعِشَاءِ أَرْبَعًا لَا تَسْأَلُ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطَوْلِهِنَّ، ثُمَّ أَرْبَعًا لَا تَسْأَلُ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطَوْلِهِنَّ):

بخارى، صحيح البخارى، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخارى الجعفي، محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، باب فضل من قام رمضان، شماره حديث: (2013)، طبع اول: (1422)، دار طوق النجاة مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي، (45/3).

فرع دوازدهم: تخريج حديث: (قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الصَّلَاةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: " طُولُ الْقُنُوتِ):

درجه حديث: ابن ماجه رحمه الله صحيح گفته است.

مسلم، صحيح مسلم، باب أفضل الصلاة طول القنوت، شماره حديث: (165)، (520/1).

ابن ماجه، سنن ابن ماجه، 200- باب ما جاء فى طول القيام فى، شماره حديث: (1421)، (456/1).

فرع سيزدهم: تخريج حديث: (رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يُصَلِّي عَلَى حِمَارٍ وَهُوَ مُتَوَجِّهٌ إِلَى خَيْبَرَ يَوْمَئِذٍ إِيْمَاءً):

درجه حديث: البانى رحمه الله صحيح گفته است.

أبو داود، سنن أبو داود، باب التطوع على الراحلة و الوتر، شماره حديث: (1226)، (9/2).

مطلب چهارم: تخریح قواعد و ضوابط فقهی

قاعدة: (193): (النفل أوسع من الفرض)

ترجمه: (نفل از فرض کرده وسعت دارد)

توضیح: نفل عبارت از مستحب است که شارع آنرا بدون قطع طلب نموده است، انجام دهنده آن مستحق ثواب میگردد و ترک کننده آن مستحق عذاب نمی گردد. فرض عبارت از آن است که شارع طلب نموده آنرا بطور قطع و ثواب داده میشود انجام دهنده آن و عذاب داده میشود ترک کننده آن و فرض مهم تر است نسبت به نفل از همین جهت نیت در فرض شرط است در حالیکه نیت در نماز نفل شرط نیست. بعضی احکام که توسط نفل واجب نمی گردد اما توسط فرض واجب میگردد.

تطبیقات

- 1 - واجب نمی گردد قیام در نماز نفل، ادای نماز نفل نشسته بدون عذر هم صحیح میگردد، فرض بدون قیام صحیح نمی گردد، در نماز فرض قیام واجب است مگر از جهت عذر.
- 2 - استقبال قبله در حالت سفر در نماز نفل واجب نمی گردد، اما استقبال قبله در نماز فرض در حالت سفر واجب میگردد.
- 3 - دوباره کوشش کردن بخاطر قبله در نماز نفل بیشتر از دو مرتبه واجب نمی گردد اما دو باره کوشش کردن بخاطر قبله در هر نماز فرض واجب میگردد.
- 4 - تکرار تیمم در هنگام نماز نفل دیگر واجب نمی گردد اما تکرار تیمم در هنگام انجام هر فرض واجب میگردد.
- 5 - واجب نمی گردد نیت کردن از شب بخاطر گرفتن روزه نفلی، لکن صحیح میگردد نیت کردن بخاطر روزه نفلی بعد از طلوع صبح صادق، بعد از طلوع آفتاب حتی قبل از زوال. واجب می گردد نیت کردن از شب بخاطر گرفتن روزه فرضی و نذری تا قبل از صبح صادق. نیت فرضی و نذری بعد از صبح صادق، طلوع آفتاب حتی قبل از زوال صحیح نمی گردد.
- 6 - نفل به شروع لازم نمی گردد و جایز است ترک نفل بعد از شروع، و واجب نیست تمام کردن نفل، اما فرض با شروع کردن لازم میگردد، و ترک آن بدون عذر جایز نیست. لقله تعالی: (وَلَا تُبْطَلُوا أَعْمَالَكُمْ)⁽²¹⁷⁾. ترجمه: (کارهایتان را با انجام زشتی ها ضایع نگردانید).

مستثنی:

گاهی نفل از فرض قید میگردد در چند صورت، برگردانیده میشود به یک قاعده:

قاعد: (22): (ما جاز للضرورة یتقدر بقدرها).

(217) سورة محمد، آیه: 33.

صورتها:

- 1- واجب بودن فرض برکسانیکه فاقد پاکی ها هستند اما نفل جایز نیست.
- 2- برای شخص برهنه نماز فرض است و بس، لاکن نفل اجازه نیست.
- 3- شخص جنوب که پاکی را دریافت کرده نمی تواند قرائت نکند غیر از سوره فاتحه، پس جایز است برای او قرائت سوره فاتحه؛ زیرا که او فرض است، و قرائت نکند سوره و یا کدام آیت را؛ زیرا که او نفل است (218).

مبحث دوم: احکام نماز تراویح

که این مبحث دارای چهار مطلب میباشد

متن کتاب (المختار للفتوی)

فَصَلِّ التَّرَاوِيحَ سُنَّةً مُؤَكَّدَةً، وَيَنْبَغِي أَنْ يَجْتَمَعَ النَّاسُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ بَعْدَ الْعِشَاءِ، فَيُصَلِّي بِهِمْ إِمَامُهُمْ خَمْسَ تَرَوِيحَاتٍ، كُلُّ تَرَوِيحَةٍ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ بِتَسْلِيمَتَيْنِ يَجْلِسُ بَيْنَ كُلِّ تَرَوِيحَتَيْنِ مَقْدَارَ تَرَوِيحَةٍ، وَكَذَا بَعْدَ الْخَامِسَةِ، ثُمَّ يُوتِرُ بِهِمْ، وَلَا يُصَلِّي الْوُتْرُ بِجَمَاعَةٍ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، وَوَقْتُهَا مَا بَيْنَ الْعِشَاءِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ، وَيُكْرَهُ قَاعِدًا مَعَ الْقُدْرَةِ عَلَى الْقِيَامِ. وَالسُّنَّةُ خَتْمُ الْقُرْآنِ فِي التَّرَاوِيحِ مَرَّةً وَاحِدَةً، وَالْأَفْضَلُ فِي السُّنَنِ الْمَنْزِلُ إِلَّا التَّرَاوِيحَ (219).

ترجمه متن کتاب (المختار للفتوی)

فصل در مورد نماز تراویح است، تراویح یک سنت مؤکده است، لازم است در هر شب از ماه مبارک رمضان مردم بعد از نماز خفتن جمع شوند و امام برایشان پنج ترویحه بخواند، هر ترویحه چهار رکعت به دو سلام است، بین هر ترویحه مقدار یک ترویحه مینشینند. باز امام برایشان وتر را میخواند، نماز وتر به جز در ماه رمضان دیگر به جماعت خوانده نمی شود. وقت نماز تراویح بعد از نماز خفتن آغاز الی طلوع صبح صادق ادامه دارد، کسی اگر قدرت ایستاده شدن را داشت نشسته اگر بخواند برایش مکروه است. یک بار ختم کردن قرآن کریم به طورمکمل در نماز تراویح سنت است، خواندن سنت بهتر این است که در خانه خوانده شود، مگر نماز تراویح را بهتر است که در مسجد به جماعت خوانده شود.

ترجمه متن (الإختیار لتعلیل المختار)

(218) الزحلی، د. محمد مصطفی، القواعد الفقهية وتطبيقاتها في المذاهب الأربعة، قاعده: 193، الطبعة: الأولى، 1427 هـ 2006 م، الناشر: دار الفكر - دمشق، (751-750/2).
(219) موصلی، الإختیار لتعلیل المختار، (70-68/1).

فصل در مورد نماز تراویح است، تراویح یک سنت مؤکده است؛ زیرا که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) أداء نموده آنرا در بعضی از شب ها، و عذر ترک همیشگی آنرا بیان نموده به ترس اینکه برای مان فرض نشود، خلفای راشدین و تمام مسلمانها برانجام آن ملازمت کردند، از زمان حضرت عمر رضی الله تعالی عنه الی امروز. قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: «مَا رَأَى الْمُسْلِمُونَ حَسَنًا فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ حَسَنٌ». ترجمه: پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) گفتند که: «آنچه را که مسلمانها خوب میبینند پس او نزد الله متعالی خوب و نیک است». روایت کرده حضرت اسد ابن عمرو رضی الله تعالی عنهما امام ابو یوسف رحمه الله گفتند: سوال کردم از ابوحنیفه رحمه الله در ارتباط مسئله تراویح که حضرت عمر رضی الله تعالی عنه چگونه فعل کرده؟ پس امام ابوحنیفه رحمه الله گفت: تراویح یک سنت مؤکده است، حضرت عمر رضی الله تعالی عنه از پیش خود او را رخصت نداده و در آن کدام عمل بدعتی نیز انجام نداده است، و امر ننموده بر آن مگر از آن اصلی که نزدش بود و از زمان حضرت پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) باقی مانده. حضرت عمر رضی الله تعالی عنه این نماز را سنت گردانیده و جمع کرد مردم را به امامت اُبی بن کعب رضی الله تعالی عنه و نماز جماعت را خواندن صحابه کرام هم خیلی زیاد بودند: از جمله حضرت عثمان، حضرت علی، حضرت عبدالله ابن مسعود، حضرت عباس، و پسرشان، حضرت طلحه، حضرت زبیر، حضرت معاذ، حضرت اُبی ابن کعب و غیره از مهاجرین و انصار رضوان الله علیهم اجمعین حضور داشتند. و هیچ کدام از ایشان رد نکردند، بلکه کمک و موافقت نموده و به انجام آن دستور دادند. نماز تراویح سنت است که به جماعت خوانده شود، لکن سنت کفای است، اگر اهل مسجد جماعت نماز تراویح را ترک کنند گناه کار شدند، اگر مخالفت کردند تعدادی از افراد از جماعت آن و در خانه های خود خواندن گناه کار نمی شوند، مصنف رحمه الله گفت: لازم است در هر شب از ماه مبارک رمضان مردم بعد از نماز خفتن جمع شوند و امام برایشان پنج ترویحه نماز بخواند، هر ترویحه چهار رکعت به دو سلام است، بین هر ترویحه مقدار یک ترویحه بنشینند. باز امام برایشان وتر را بخواند، بعد از ترویحه پنجم، همین قسم حضرت اُبی ابن کعب برای صحابه کرام نماز وتر را خواندن. و عادت اهل حرمین هم همین بود. نماز وتر را به جماعت به جز در ماه مبارک رمضان دیگر به جماعت نمی خواندن. بر آن اجماع صورت گرفته است. امام ابویوسف رحمه الله گفت: وقتی که دعای قنوت را خواندید در نماز وتر پس بلند نخوانید، و مقتدی ها نیز دعای قنوت را میخوانند، بهتر است که دعای قنوت خفیه خوانده شود، امام محمد رحمه الله به این نظر است که: امام دعای قنوت را بلند بخواند و مقتدی ها آمین گوید. و قرائت کرده نشود بخاطریکه مشابهت به قرآن کریم پیدا نکند. و صحابه در این که آیا از او بوده یا نه، اختلاف کردند؟ تنها گذار اگر خواست بلند بخواند، و اگر خواست خفیه بخواند، کسیکه از نماز مانده اگر همراه با امام یکبار خواند دو باره نخواند آنچه قضاء میآورد؛ زیرا که مقتدی مامور است به خواندن دعای قنوت و تابع است برای

إمام، پس گردیده نماز وتر محل برای دعای قنوت. اگر دعای قنوت را دوباره خواند، پس تکرار میشود برای او در غیر محل اش، و این کار مشروع نیست. در نماز تراویح علاوه از خواندن تشهد چیزی دیگر زیاد کرده نمیشود. اگر میداند که در جماعت نماز تراویح سنگینی نمی کند زیاد کند، عقب تکبیر افتتاح دعاء و ثناء را بخواند. وقت نماز وتر بعد از وقت نماز خفتن آغاز الی طلوع صبح صادق ادامه دارد در این وقت اگر خوانده شود صحیح و درست است، اگر کسی قبل از نماز خفتن نماز وتر خواند جایز نیست، بعد از نماز خفتن جایز است؛ زیرا که نماز وتر تابع برای نماز خفتن است، و نماز خفتن تابع برای نماز وتر نیست. وقت نماز وتر بهتر این است که اکثری اوقات شب را در برمیگیرد؛ زیرا که آن نماز قیام اللیل بوده و نیت نماز تراویح را کند، یا نماز سنت و یا نماز قیام اللیل در رمضان. نشسته خواندن نماز وتر مکروه است، در صورتیکه توانائی ایستاده شدن را داشت. بخاطریکه زیاد تأکید شده است. سنت است که قرآن کریم یک مرتبه در نماز تراویح ختم شود. از امام ابوحنیفه رحمه الله چنین نقل شده است که: در هر رکعت نماز ده آیت قرائت کرده شود، تا اینکه ختم شود. اما در زمان ما بهتر این است که: مقدار از آیات خوانده شود که باعث فرار مردم از جماعت نشود. بهتر است که قرائت بین دو سلام تنظیم شود و همچنان بین دو رکعت به یک سلام. خواندن نماز سنت بهتر است که در خانه خوانده شود: **لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (أَفْضَلُ صَلَاةِ الرَّجُلِ فِي بَيْتِهِ إِلَّا الْمَكْتُوبَةَ).** ترجمه: قول پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: بهترین نماز شخص که می خواند در خانه اش است، مگر نماز های فرضی، مصنف رحمه الله گفت: مگر تراویح، نماز تراویح در خانه خوانده نشود؛ زیرا که مشروع شده به جماعت طوریکه بیان شد.

مطلب اول: شرح کلمات واصطلاحات فقهی

فرع اول: تراویح: التراویح، جمع ترویحه است و این در اصل نام است برای مطلق جلسه، نامگذاری شده جلسه ای که بعد از چهار رکعت نماز در شب های رمضان انجام میشود بخاطر آرام شدن و راحت شدن مردم در آن شب، باز هر چهار رکعت نماز را مجازاً ترویحه میگویند بخاطر اینکه در آخر آن نماز گذاران راحتی حاصل میکنند. یا به عبارت دیگر: تراویح جمع ترویحه است در اصل بمعنی حاصل شدن راحتی یک مرتبه. در اصطلاح شرعی: تراویح نام است برای چهار رکعت نماز مخصوص که در شب های رمضان خوانده میشود و آن سنت مؤکده است، و تراویح در مجموع نام است برای بیست رکعت نماز که در شب رمضان خوانده میشود(220).

(220) محمد بن علی ابن القاضي محمد حامد بن محمد صابر الفاروقی الحنفی التهانوی (المتوفی: بعد 1158هـ)، موسوعة کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، الطبعة: الأولى - 1996م، الناشر: مکتبة لبنان ناشرون - بیروت، (409/1).

فرع دوم: استیعاب: الاستیعاب: به معنی در بر گرفتن همه چیز، همه چیز را شامل شدن، تمام سخن را در بر گرفتن معنی میدهد، فهمیدن تمام معنی یا به طوریکه گفته میشود که: در بر گرفتن تمام عضو توسط مسح، یعنی مسح کشیدن تمام عضو (221).

فرع سوم: الدعاء: دُعاء مفرد است که جمع آن ادعی به معنی خواستن، و عاجزی و مناجات کردن بسوی الله (جل جلاله) است، یا وسیله قرار دادن بسوی الله که کلان و بزرگ است، قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم): (الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ) (222). ترجمه: «دعا مغز عبادت است». قال الله تعالی: {رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءَنَا} (223)، ترجمه: «پروردگارا! دعا و نیایش مرا بپذیر». دعا عبارت از صدای خالی بدون معنی است که تقضای کلام را میکند. قال الله تعالی: {كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعُقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً} (224). ترجمه: «همچون مثل کسی است که (چوپان، گوسفندانی باشد) و آنها را صدا بزند، ولی آنها چیزی جز سر و صدا نشنوند (و بدون این که حقیقت و مفهوم گفتار او را درک کنند، با اشاره او بی اراده سر به زیر اندازند و به این طرف و آن طرف بروند)» (225).

مطلب دوم: توثیق و بیان مسائل:

أمت به مشروعیت و جواز نماز تراویح اجماع نموده اند و کسی از اهل علم نماز تراویح را انکار ننموده است به جز اهل روافض.

از دیدگاه امام ابوحنیفه رحمه الله تعداد رکعات نماز تراویح بیست رکعت است به غیر از نماز وتر، و نماز تراویح باید به جماعت أداء گردد. نماز تراویح از جمله سنت های است ترک آن جواز ندارد. زیرا که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) در بعضی از شب ها در مسجد آن نماز را به جماعت أداء نموده، و عذر ترک همیشگی آنرا بیان نموده به خوف اینکه برای امت فرض نشود، خلفای راشدین و تمام مسلمانها برانجام آن ملازم کرده است: وَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - «عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ مِنْ بَعْدِي» (226)، ترجمه: (لازم بگیرید برای خود سنت من و سنت خلفای راشدین که بعد از من می آیند). مستحب است که بعد از هر ترویحه اندکی راحت گرفته شود، به همین خاطر تراویح را تراویح گفته میشود که بعد از أداء نمودن هر چهار رکعت راحت گرفته میشود. در قسمت نیت

(221) محمد رواس قلجی - حامد صادق قنیبی، معجم لغة الفقهاء، الطبعة: الثانية، (1408 هـ - 1988 م)، الناشر: دار النفائس للطباعة والنشر والتوزيع، (67/1).

(222) ترمذی، الجامع الكبير - سنن الترمذی، باب ماجاء فی فضل الدعاء، شماره حدیث: (3371)، (316/5).

(223) سورة إبراهيم، آية: 40.

(224) سورة البقره، آية: 171.

(225) د أحمد مختار عبد الحمید عمر (المتوفی: 1424 هـ) بمساعدة فريق عمل، معجم اللغة العربية المعاصرة، الطبعة: الأولى،

(1429 هـ - 2008 م)، الناشر: عالم الكتب، (749/1).

(226) القزوينی، إمام الحافظ أبي عبدالله محمد بن يزيد ابن ماجه رحمه الله، سنن ابن ماجه، طبع دوم: (1402 هـ)، الناشر: مكتبة

البشرى، شماره حدیث: (42)، درجه حدیث: ابن ماجه رحمه الله صحیح گفته است، باب اتباع سنة الخلفاء الدرشدين المهديين، (122/1).

تراویح اختلاف است: صحیح این است که نیت تراویح، سنت، یا قیام اللیل را بکند اگر مطلق نماز را نیت کند نیت شخص از تراویح صحیح نشده است. در مقدار آیات که در هر رکعت نماز تراویح تلاوت شود اختلاف است: بعضی میگویند که مقدار آیات که در نماز مغرب خوانده میشود در نماز تراویح هم همان مقدار خوانده شود، از جهت تخفیف. بعضی دیگر به این نظر هستند که در هر رکعت از نماز تراویح از بست الی سی آیت تلاوت شود، حسن رحمه الله از امام ابوحنیفه رحمه الله روایت کرده است که: امام در نماز تراویح در هر رکعت ده آیت بخواند و این بهتر است، زیرا که در ماه مبارک رمضان یک مرتبه ختم مکمل قرآن کریم سنت است: پس تعداد رکعات نماز تراویح در یک ماه مکمل رمضان به شش صد رکعت میرسد و تعداد آیات قرآن کریم بیشتر از شش هزار آیات میباشد، پس اگر در هر رکعت از نماز تراویح که ده آیت خوانده شود قرآن کریم هم ختم میگردد. اگر کسی نماز تراویح را بدون عذر نشسته بخواند قول صحیح این است که جواز دارد. در این قسمت بحث ها زیاد شده اینجا گنجایش آن نیست(227).

در رابطه به تعداد رکعات نماز تراویح نزد علماء سه قول است:
 قول اول: نماز تراویح از نظر محدثین و محققین هشت رکعت است.
 قول دوم: نماز تراویح از دیدگاه ائمه ثلاثه: (إمام ابوحنیفه رحمه الله، امام شافعی رحمه الله و امام احمد بن حنبل رحمه الله) بست رکعت است.
 قول سوم: نماز تراویح از دیدگاه امام مالک رحمه الله سی و شش رکعت است(228).
 بخاطر اختصار دلایل اقوال فوق ذکر نشده، جهت معلومات بیشتر به منبع داده شده مراجعه شود.

مطلب سوم: تخریح احادیث و آثار

فرع اول: تخریح حدیث: (مَا رَأَى الْمُسْلِمُونَ حَسَنًا فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ حَسَنٌ):

درجه حدیث: مرغینانی رحمه الله مرفوع گفته است.

المرغینانی، نصب الرایة، الهدایة شرح بدایة المبتدی لشیخ الاسلام برهان الدین المرغینانی مع نصب الرایة تخریح احادیث الهدایة للعلامة جمال الدین الزیلعی اعتنی بهما ایمن صالح شعبان، باب نصب الریة- الجزء 1، شماره حدیث: (20)، (37/1)، دار الحدیث القاهرة.
فرع دوم: تخریح حدیث: (أَفْضَلُ صَلَاةِ الرَّجُلِ فِي بَيْتِهِ إِلَّا الْمَكْتُوبَةَ):

(227) شمس الأئمة، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (المتوفى: 483هـ)، المبسوط، الطبعة: بدون طبعة، تاریخ النشر: 1414هـ-1993م، دار المعرفة - بیروت، باب التراویح، (2/ 157-143).
 (228) الأعظمی، محمد ضیاء الرحمن، صلاة التراویح، طبع پانزدهم، رجب - شعبان - رمضان سال: (1403هـ)، الناشر: الناشر: الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة، (34/1).

بخاری، صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، محقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، طبع اول: (1422هـ)، باب الصلاة اللیل، شماره حدیث: (731)، دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقیم محمد فؤاد عبد الباقي)، (147/1).

مسلم، صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری النیسابوری متوفی: (261هـ)، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، باب استحباب صلاة النافلة فی بیته، وجوازها فی المسجد، شماره حدیث: (781)، دار إحياء التراث العربي - بیروت، (539/1).

مطلب چهارم: تخریج قواعد وضوابط فقهی

القاعدة: (27): (درء المفساد أولى من جلب المنافع):

ترجمه: دفع نمودن مفساد مقدم است نسبت به جلب منافع کرده

توضیح: در اصل شریعت بخاطر جلب منفعت و دفع مفسده آمده است، و قتیکه مصلحت با مفسده در تعارض قرار گیرد دفع مفسده نسبت به جلب منفعت غالباً مقدم کرده میشود؛ زیرا که شریعت به دنبال جلوگیری از فساد است و به حرام بیش از امر به معروف توجه می کند.

اصل این قاعده قول رسول الله (صلی الله علیه وسلم) است که فرمودند: (ما نهیتکم عنه فاجتنبوه، وما أمرتکم به فأتوا منه ما استطعتم) (229). ترجمه: (به آن چی که شما را نهی کرده ام از آن دوری کنید و به آن چی که شما را امر کرده ام تا می توانید انجام دهید).

تطبیقات:

1- مکروه است أداء نمودن نماز تراویح در خانه و قتیکه مفضی شود بسوی ترک مساجد، از جهت تقدیم کردن آن برای دفع مفساد که عبارت از تعطیل مساجد است بر حصول مصلحت که عبارت از نماز خواندن در خانه است (230).

فصل سوم

نماز کسوف، خسوف، استسقاء و احکام سجده سهو

که این فصل دارای دو مبحث میباشد

مبحث اول: نماز خسوف، کسوف و استسقاء

که این مبحث دارای چهار مطلب میباشد.

متن کتاب (المختار للفتوی)

فَصَلِّ صَلَاةَ كُسُوفِ الشَّمْسِ رَكَعَتَيْنِ كَهَيْئَةِ (ف) النَّافِلَةِ، وَيُصَلِّي بِهِمْ إِمَامُ الْجُمُعَةِ، وَلَا يَجْهَرُ (ف) وَلَا يَخْطُبُ (ف)، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ صَلَّى النَّاسُ فُرَادَى رَكَعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعًا، وَيَدْعُونَ بَعْدَهَا حَتَّى تَنْجَلِيَ الشَّمْسُ، وَفِي كُسُوفِ الْقَمَرِ يُصَلِّي كُلُّ وَحْدَهُ (ف)، وَكَذَا فِي الظُّلْمَةِ وَالرَّيْحِ وَخَوْفِ الْعَدُوِّ. فَصَلِّ لَا صَلَاةَ فِي الْإِسْتِسْقَاءِ (ف سم)، لَكِنَّ الدُّعَاءَ وَالْإِسْتِغْفَارَ، وَإِنْ صَلَّوْا فُرَادَى فَحَسَنٌ، وَلَا يَخْرُجُ مَعَهُمْ أَهْلُ الذِّمَّةِ (231).

ترجمه متن کتاب (المختار للفتوی)

فصل در مورد نماز آفتاب گرفتگی است، دو رکعت به صورت نفل است، و نماز می خواند برایشان امام نماز جمعه، قرائت بلند خوانده نمی شود، و خطبه ندارد. اگر امام نماز جمعه وجود نداشت، نماز بخوانند به تنهای دو رکعت یا چهار رکعت، و دعا می نمایند تا وقتی که آفتاب روشن شود. در مهتاب گرفتگی نماز خوانده میشود هر کس به تنهایی و همچنان در تاریکی، باد شدید و ترس از دشمن نیز نماز خوانده میشود به تنهای. فصل در مورد استسقاء یا طلب باران است، که در آن نماز نیست، لکن دعاء و استغفار یا طلب مغفرت است، اگر نماز را به تنهای خواندن پس این بهتر است، و اهل ذمی همراهی شان خارج نشود

ترجمه متن (الإختیار لتعلیل المختار)

فصل در مورد نماز آفتاب گرفتگی است، نماز آفتاب گرفتگی به صورت نفل دو رکعت است، طوری که از جماعه از صحابه کرام روایت کرده شده است. از جمله حضرت عبدالله ابن مسعود،

(230) الزحلی د. محمد مصطفی، القواعد الفقهية وتطبيقاتها في المذاهب الأربعة، قاعده: 27، الطبعة: الأولى، 1427 هـ - 2006 م، الناشر: دار الفكر - دمشق، (238-243/1).

حضرت عبدالله ابن عمر، حضرت سمرة و حضرت ابو موسی اشعری رضوان الله تعالى عليهم اجمعين: «أَنَّ النَّبِيَّ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ صَلَّى فِي كُسُوفِ الشَّمْسِ رَكْعَتَيْنِ كَهَيْئَةِ صَلَاتِنَا وَلَمْ يَجْهَرْ فِيهِمَا». ترجمه: «یقیناً پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند که: نماز آفتاب گرفتگی دو رکعت به صورت نماز ما است و در هر دو رکعت بلند خوانده نمی شود». با توجه به آن مانند نمازهای دیگر است و پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) گفت: (لَمَّا كَسَفَتِ الشَّمْسُ: إِذَا رَأَيْتُمْ شَيْئًا مِنْ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ فَأَفْزَعُوا إِلَى الصَّلَاةِ) (232). ترجمه: «هنگامیکه آفتاب گرفته شد و قتیکه دیدید شما چیزی از همین چیزها را پس پناه ببرید به نماز». پس بر گردید بسوی نماز تعیین شده که ما ذکر کردیم. مصنف رحمه الله گفت: نماز بخواند برای مردم امام نماز جمعه؛ زیرا که یک اجتماع است، پس شرط است که، قایم مقام امام باشد تا از فتنه پرهیز کرده شود، مانند نماز جمعه. در نماز آفتاب گرفتگی قرائت بلند نشود، طوریکه گذشت، خطبه نیز خوانده نشود؛ زیرا که خطبه نقل نشده است. قرائت در این نماز طولانی کرده شود، طوریکه روایت شده است: پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) ایستاد شدند در رکعت اول نماز آفتاب گرفتگی به اندازه سوره بقره، و در رکعت دوم به اندازه سوره آل عمران، پس اگر امام و یا نائب امام نبود نماز آفتاب گرفتگی تنها گذار خوانده شود دو رکعت، یا چهار رکعت؛ زیرا که از جمله نوافل است، اصل در آن تنها گذار خواندن است تا از فتنه پرهیز و دوری شود. بعد از نماز دعا کرده شود تا و قتیکه آفتاب تجلی و روشنی پیدا کند. فعل پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) همین قسم بوده، مصنف رحمه الله گفت: (إِذَا رَأَيْتُمْ شَيْئًا مِنْ هَذِهِ الْأَفْزَاعِ فَأَرْغَبُوا إِلَى اللَّهِ بِالِدُّعَاءِ وَالذِّكْرِ وَالِاسْتِغْفَارِ). ترجمه: «وقتی که شما چیزی از همین ترس و پریشانی را دیدید بشتابید بسوی الله (جل جلاله) با دعاء، ذکر و استغفار». در نماز مهتاب گرفتگی هر کی به تنهای نماز بخواند؛ زیرا که شب است و جمع شدن مردم در شب مشکل است. و همچنان در تاریکی، باد شدید و ترس از دشمن طوریکه روایت کردیم چنین است. فصل در مورد این است که: در طلب باران نماز نیست، لکن دعاء و استغفار است. اگر مردم به تنهای نماز بخوانند پس بهتر است. قَالَ تَعَالَى: {اسْتَغْوِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا}، {يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا} (233). ترجمه: «از پروردگار خویش طلب آمرزش کنید که او بسیار آمرزنده است (و شما را می بخشاید)، اگر چنین کنید خدا از آسمان باران های پر خیر و برکت را پیاپی می باراند». وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: {وَيَا قَوْمِ اسْتَغْوِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ} (234)، قول تعالی: «ای قوم من! از پروردگار تان آمرزش (گناهان و لغزش هایتان) را بطلبید و به سوی او بر گردید تا آسمان را بر شما ریزنده و بارنده کند (وباران و برکات آن را بر شما پیاپی و فراوان

(231) موصلی، الاختیار لتعلیل المختار، (70-72/1).

(232) عینی، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، باب الصلاة فی کسوف الشمس، شماره حدیث: (1)، (61/7).

(233) سوره نوح، آیه: 10 الی 11.

(234) سوره هود، آیه: 52.

گرداند) و نیروئی بر نیرویتان (وعزت و شکوهی بر عزت و شکوهتان) بیفزاید. معلق ساخته الله (جل جلاله) ریزاندن باران را به طلب کردن بخشش. حدیث مشهور است: (أَنَّ أَعْرَابِيًّا دَخَلَ عَلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلَكْتَ الْكُرَاعُ وَالْمَوَاشِي، وَأَجْدَبَتِ الْأَرْضُ فَادْعُ اللَّهَ أَنْ يَسْقِينَا، فَرَفَعَ يَدَيْهِ وَدَعَا، قَالَ أَنَسٌ: وَالسَّمَاءُ كَأَنَّهَا زُجَاجَةٌ لَيْسَ بِهَا قَرَعَةٌ، فَنَشَأَتْ سَحَابَةٌ وَمَطَرَتْ، حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ الْقَوِيَّ لَتَهُمُّهُ نَفْسُهُ حَتَّى عَادَ إِلَى بَيْتِهِ، وَمُطِرْنَا إِلَى الْجُمُعَةِ الْآخِلَةِ). ترجمه: یقیناً صحرانشینی به نزد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) داخل شد در روز جمعه، گفت یا رسول الله! هلاک شد گله اسب ها و چهارپایان و زمین ها خشک شد. پس دعاء بکن به الله که برای ما آب را نازل کند، پس رسول الله (صلی الله علیه وسلم) بلند کردند دست های خود را و دعا کردند، حضرت انس رضی الله تعالی عنه گفت که آسمان مانند شیشه ای بود که در آن کدام توته کوچک ابرهم نبود، پس ابر های بارانی پیدا شد، حتی اینکه از شدت باران مرد قوی از هلاکت نفس خود ترسید و به خانه خود برگشت و باران تا جمعه پیش روی ادامه پیدا کرد». پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) یک مرتبه این نماز را می خواندن و یک بار ترک میکردند، پس سنت نمی باشد. و حضرت عمر رضی الله تعالی عنه به دعای حضرت عباس رضی الله تعالی عنه توسل جسته از خداوند متعالی طلب باران کردند، وگفت: به تحقیق طلب باران کردم برای شما به ستاره گان آسمان آن ستاره گان که نازل کرده میشود توسط آن باران. امام ابویوسف رحمه الله گفت: نماز می خواند امام دو رکعت بدون اذان و اقامت. بلند خوانده میشود هر دو رکعت به قرائت، باز خطبه می خواند تکیه زده شده به کمان یا به شمشیر اش. روایت کرده حضرت ابن کاس⁽²³⁵⁾ رحمه الله از محمد که او تکبیر میگفت مانند تکبیر عید، طوریکه عبدالله ابن عباس رضی الله تعالی عنهما از پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) روایت کرده: «نماز خواندن در طلب باران دو رکعت مانند نماز عید است». و امام ابویوسف رحمه الله گفت: تکبیر گفته نشود به اساس یک روایت مشهور به روایت عبدالله ابن عامر ابن ربیعة رضوان الله تعالی علیهم اجمعین، یقیناً پیغمبر (صلی الله علیه وسلم): «نماز خواندن در نماز طلب باران، دو رکعت مانند دو رکعت نماز عید تکبیر گفته نمی شود، مگر یک تکبیر افتتاح در آغاز گفته میشود». قیاس کرده میشود بر تمام چیزی های ترساننده، روبرو کند خود را بسوی قبله به دعاء کردند، و چادر خود را چپ بگرداند. امام ابو حنیفه رحمه الله گفت: این دعاء مانند دعاء های دیگر سنت نیست. اینکه قلب یا دور میدهد چادر خود را از جانب راست بر چپ و از طرف چپ به طرف راست، باز دعاء کند امام ایستاده و مردم به طرف قبله نشسته باشند.

(235) علی بن محمد بن الحسن، ابوالقاسم نخعی کوفی فقیه و حنفی معروف به «ابن کاس». الذهبی می گوید: او در دمشق و جاهای دیگر قاضی بود و امام در فقه نیز بود، بزرگ مردی از اولاد الشتر نخعی بود، شنید حسن بن علی بن عفان العامری، و ابراهیم بن عبدالله القصار، حسن بن مکرم و غیر از اینها، عامری، ابراهیم بن عبدالله القصار، الحسن بن مکرم و دیگران. از او: ابوعلی بن هارون، الدرقطنی، ابن شاهین و دیگران. در روز عاشورا در آب غرق شد و با گلوله خون از دهانش خارج شد، سپس از دنیا رفت که شافعی در آن حکایتی نوشت، ولی نصر مقدسی به آن پاسخ داد. تاج التراجم، أبو الفداء زین الدین أبو العدل قاسم

امام محمد رحمه الله گفت: بهتر برای من این است که مردم سه روز پی در پی بخاطر طلب باران خارج شوند. اکثراً چنین روایت کرده اند. مصنف رحمه الله گفت: اهل ذمه همایشان خارج نشود؛ زیرا که عبدالله ابن عمر رضی الله تعالی عنهما نهی کرده از خارج شدن اهل ذمه همراهی مسلمانان در اقامه نماز طلب باران؛ زیرا که اجتماع کفار مکان است که احتمال نزول لعنت در آن میرود. پس در وقت طلب رحمت خارج نشوند، قَالَ تَعَالَى: {وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ} (236). ترجمه: «دعای کافران (پرستش ایشان) جز سرگستگی و بیهوده کاری نیست».

مطلب اول: شرح کلمات واصطلاحات فقهی

فرع اول: کسوف و خسوف: کسوف جمع کسف و کسفه است که به معنی پوشانیدن آفتاب و مهتاب است، کسوف: جمع (کسف) است که اشاره به خورشید و ماه با هم دارد و همچنین در مغرب علمای ادب در کلمه «ماه گرفتگی» از محمد بن الحسن انتقاد کردند و گفتند: کلمه کسوف فقط در رابطه با ماه به کار می رود. قَالَ اللهُ تَعَالَى: {فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ وَخَسَفَ الْقَمَرُ} (237)، (هنگامی که چشم ها (هول و هراس) سراسیمه و آشفته می شود و مهتاب بی نور و روشنایی می گردد).

و در «القاموس» ذکر شده است که: مهتاب کسف است یا کسوف خورشید، و مهتاب گرفتگی یا کسوف زمانی که قسمتی از آن ناپدید شود، و همه آن کسوف است، و بهتر این است که در مهتاب گرفتگی خسف استعمال گردد و در آفتاب گرفتگی کسف استعمال گردد. ابن همام (238) رحمه الله گفت: خورشید گرفتگی خداوند مضاعف است، و کسوف بیش از خورشید نیست، ممکن است به معنای پنهان شدن چیزی و ناپدید شدن آن به خودی خود باشد (239).

فرع دوم: استسقاء: س ق ي واستسقاء مفرد است که مصدر آن استسقی میشود به معنی طلب باران است. یا اینکه طلب کردن انسان از الله (جل جلاله) نزول باران را در وقت داشتن حاجت شدید بر آن، دو

بن قُطُوبِغَا السُّودَنِي (نسبة إلى معتق أبيه سودون الشيوخوني) الجمالي الحنفي (المتوفى: 879هـ)، محقق محمد خير رمضان يوسف، الناشر: دار القلم - دمشق، طبع اول: (1413هـ - 1992م)، (212-213/1).

(236) سورة الرعد، آية: 14.

(237) سورة القيامة، آية: 7-8.

(238) ابن هَمَّام (000 - نحو 100 هـ = 000 - نحو 718 م) عبد الله بن هَمَّام بن نبيشة بن رباح السلولي، از قبیله بني مرة بن صعصعة: از جمله شاعر اسلام بود. وارد شده بود نزد معاویه، باقی ماند نزد معاویه تا همان روز هایکه سلیمان بن عبدالملک بود یا بعد از آن، برای او اخباری هم است، گفته شده که او کسی بود که یزید بن معاویه به بیعت کردن با پسر معاویه روان کرده، او را عطر فروش میگفتند بخاطر زیبای مویش. الأعلام لخیر الدین الزرکلی (143/4).

(239) الكفوي، أيوب بن موسى الحسيني القريني، الحنفي أبو البقاء متوفى: (1094هـ)، محقق: عدنان درويش، محمد المصري، الكليات معجم في المصطلحات والفروق اللغوية، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، (771/1).

خطبه برای طلب باران: تضرع و عاجزی و دعا کردن برای الله (جل جلاله) بخاطر نزول باران و ضمناً نماز خواندن در آن روز بخاطر طلب باران از الله (جل جلاله) است(240).

فرع سوم: الكراع: ك ر ع: (كَرَعَ) به معنی زانو زدن در آب، نوشیدن آب از همان جایش توسط دهن خود بدون نوشیدن توسط کف دست و یا کدام طرفی دیگر، در اینجا لغت دیگر بخاطر فهم وجود دارد، کُراع گله ای از گاو ها، گوسفندان، شتران و غیره را گفته میشود و یا اینکه کُراع، نام است که اسب ها را گرد هم جمع می نماید(241).

مطلب دوم: توثیق و بیان مسائل

نماز کسوف: اصل در این حدیث حضرت عبدالله ابن مسعود رضی الله تعالی عنهما است، گفت: (انْكَسَفَتِ الشَّمْسُ يَوْمَ مَاتَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ النَّاسُ: إِنَّمَا انْكَسَفَتِ الشَّمْسُ لِمَوْتِهِ فَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: إِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آيَاتَانِ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ تَعَالَى لَا يَنْكَسِفَانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ وَلَا لِحَيَاتِهِ فَإِذَا رَأَيْتُمْ شَيْئًا مِنْ هَذِهِ الْأَهْوَالِ فَأَفْرَعُوا إِلَى الصَّلَاةِ)(242). ترجمه: (آفتاب و قتیکه گرفته شد در روزی که ابراهیم فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) از دنیا رفت، پس مردم گفتند: آفتاب فقط به خاطر مرگ او گرفت شده است، و رسول الله (صلی الله علیه و سلم) فرمودند: آفتاب گرفتگی و مهتاب گرفتگی، دو نشانه خداوند متعال هستند، بخاطر مرگ و زندگی کسی گرفته نمی شود پس اگر هر یک از این وحشت ها را دیدید به نماز بشتابید). در حدیث ابی موسی اشعری رضی الله تعالی عنه روایت شده است که گفت: نماز آفتاب گرفتگی مانند تمام نماز های دیگر دو رکعت و هر رکعت دارای یک رکوع و دو سجده است نزد امام ابوحنیفه رحمه الله. نزد امام شافعی رحمه الله هر رکعت دارای دو رکوع و دو سجده میباشد، لِحَدِيثِ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا وَابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: (أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَّى فِي كُسُوفِ الشَّمْسِ رَكْعَتَيْنِ بِأَرْبَعِ رُكُوعَاتٍ وَأَرْبَعِ سَجَدَاتٍ)(243). ترجمه: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) فرمودند: (نماز خواندن در آفتاب گرفتگی دو رکعت نماز را با چهار رکوع و چهار سجده). دلیل امام ابوحنیفه رحمه الله حدیث عبدالله بن عمر و نعمان بن بشیر و ابی بکره و سمرة بن جندب به الفاظ مختلف آمده است. (أَنَّ النَّبِيَّ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ صَلَّى فِي كُسُوفِ الشَّمْسِ رَكْعَتَيْنِ

(240) د أحمد مختار عبد الحميد عمر (المتوفى: 1424هـ) بمساعدة فريق عمل، معجم اللغة العربية المعاصرة، الطبعة: الأولى، 1429 هـ - 2008 م، الناشر: عالم الكتب، (1081/2).

(241) الرازي، زين الدين أبو عبد الله محمد بن أبي بكر بن عبد القادر الحنفي (المتوفى: 666هـ)، مختار الصحاح، الطبعة: الخامسة، (1420هـ - 1999م)، المحقق: يوسف الشيخ محمد، الناشر: المكتبة العصرية - دار النموذجية، بيروت - صيدا، (268/1).

(242) البغوي، الحسين بن مسعود، شرح السنة - للإمام البغوي، باب الركعتين بعد العشاء، الطبعة: الثانية، المكتب الإسلامي - دمشق - بيروت - 1403 هـ - 1983 م، (326/1).

(243) السرخسي، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة، (المتوفى: 483هـ)، المبسوط، باب الصلاة الكسوف، بدون طبعة، 1414هـ - 1993م، دار المعرفة - بيروت، (74/2).

كَأَطْوَلِ صَلَاةٍ كَانَ يُصَلِّيَهَا فَانْجَلَتْ الشَّمْسُ مَعَ فَرَاغِهِ مِنْهَا). ترجمه: (پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) دو رکعت نماز خواندن که طولانی ترین نمازی بود که تا به حال خوانده بود و پس از اتمام آن، آفتاب طلوع کرد).

در مورد مهتاب گرفتگی، تاریکی، باد شدید و ترس نماز خواندن خوب است. لفظ خسوف در مهتاب گرفتگی استعمال می‌گردد طوری که در آیات هفت و هشت سوره قیامت گذشت. خسوف عبارت از بین رفتن روشنی اطراف مهتاب را گفته میشود و اما کسوف عبارت از بین رفتن روشنی آفتاب را گفته میشود. نماز خواندن در مهتاب گرفتگی به طوری تنها گذاری خوانده میشود و نه به جماعت؛ زیرا که شب است اجتماع مردم در شب مشکل است و از طرف دیگر ترس از فتنه است. و از پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) هم کدام روایت نقل نشده است که نماز مهتاب گرفتگی را جماعت کرده باشند. اصل در نماز های نفلی تنها گذاری است و جماعت نیست. نماز آفتاب گرفتگی مانند نماز های نفل دیگر در اوقات مکروهه خوانده نمی شود (244).

مطلب سوم: تخریج احادیث و آثار

فرع اول: تخریج حدیث: (لَمَّا كَسَفَتِ الشَّمْسُ: إِذَا رَأَيْتُمْ شَيْئًا مِنْ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ فَأَفْرَعُوا إِلَى الصَّلَاةِ): بخاری، صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، محقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، باب خطبة الإمام فی الكسوف، شماره حدیث: (1046)، طبع اول: (1422)ه، دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي)، (35/2).

مطلب چهارم: تخریج قواعد و ضوابط فقهی

قاعدة: (260): (من أتى بما ينافي الفرض دون النفل بطل فرضه، وهل تبقى صلاته نفلاً أم تبطل؟) ترجمه: (کسی به کار بیاید که منافی فرض است و نه نفل، نماز فرض اش باطل شده آیا نماز فرض باطل شده اش نفل حساب میشود یا باطل شده است).

توضیح: مکلف فعل را انجام دهد که منافی فرض است و منافی نفل نیست، در اول فرض و در جریان فرض، فرض باطل شد، آیا نماز فرض باطل شده اش نفل حساب میشود یا باطل شده است؟.

در این مسئله دو قول است، در فروعاً ترجیح مختلف است: علماء ترجیح داده است، در این قاعده بر اینکه همان فرض باطل شده مطلقاً نفل حساب میشود، وقتیکه باشد غیر نماز آفتاب گرفتگی با چگونگی کامل آن.

تطبیقات:

در فروعاً ترجیح داده میشود و نظر اول نفل حساب میشود:

- 1- وقتیکه تکبیر تحریمه را بخاطر فرض انجام داد که جماعت قایم شد پس سلام داد در دو رکعت تا اینکه جماعت را بگیرد پس صحیح همین است که نفل حساب شده است.
- 2- اگر از روی ناهمی قبل از وقت نماز فرض تکبیر تحریمه را بخاطر فرض بسته کرد، صحیح این است که نفل حساب میشود.
- 3- اگر به تکبیر تحریمه بیاید یا به بعض از تکبیرات تحریمه در رکوع به طور ناهمی بیاید صحیح این است که نفل حساب میشود (245).

مبحث دوم: احکام سجد سهو

که این مبحث دارای چهار مطلب میباشد

متن کتاب (المختار للفتوی)

بَابُ سُجُودِ السَّهْوِ وَيَسْجُدُ لَهُ بَعْدَ السَّلَامِ (ف) سَجْدَتَيْنِ ثُمَّ يَتَشَهَّدُ وَيُسَلِّمُ، وَيَجِبُ إِذَا زَادَ فِي صَلَاتِهِ فِعْلًا مِنْ جَنْسِهَا، أَوْ جَهَرَ الْإِمَامَ فِيمَا يُخَافُتُ بِهِ أَوْ عَكْسَ (ف)، وَلَا يَلْزَمُ لِتَرْكِ ذِكْرِ إِلَّا الْقِرَاءَةَ وَالتَّشَهُدَيْنِ وَالْقُنُوتَ وَتَكْبِيرَاتِ (ف) الْعِيدَيْنِ، وَإِنْ قَرَأَ فِي الرُّكُوعِ أَوْ الْقُعُودِ سَجَدَ لِلْسَّهْوِ، وَإِنْ تَشَهَّدَ فِي الْقِيَامِ أَوْ الرُّكُوعِ لَا يَسْجُدُ، وَمَنْ سَهَا مَرَّتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ تَكْفِيهِ سَجْدَتَانِ، وَإِذَا سَهَا الْإِمَامُ فَسَجَدَ سَجَدَ الْمَأْمُومِ وَإِلَّا فَلَا (ف)، وَإِنْ سَهَا الْمُؤْتَمُّ لَا يَسْجُدَانِ، وَالْمَسْبُوقُ يَسْجُدُ مَعَ الْإِمَامِ ثُمَّ يَفْضِي، وَمَنْ سَهَا عَنِ الْقَعْدَةِ الْأُولَى ثُمَّ تَذَكَّرَ وَهُوَ إِلَى الْقُعُودِ أَقْرَبُ عَادَ وَتَشَهَّدَ، وَإِنْ كَانَ إِلَى الْقِيَامِ أَقْرَبَ لَمْ يَعُدْ وَيَسْجُدُ لِلْسَّهْوِ، وَإِنْ سَهَا عَنِ الْقَعْدَةِ الْأَخِيرَةِ فَقَامَ عَادَ مَا لَمْ يَسْجُدْ، فَإِنْ سَجَدَ ضَمَّ إِلَيْهَا سَادِسَةً (ف) وَصَارَتْ نَفْلًا، وَإِنْ قَعَدَ فِي الرَّابِعَةِ قَدَّرَ التَّشَهُدَ ثُمَّ قَامَ عَادَ وَسَلَّمْ، وَإِنْ سَجَدَ فِي الْخَامِسَةِ ثُمَّ فَرَضَهُ، فَيَضُمُّ إِلَيْهَا رَكْعَةً سَادِسَةً وَيَسْجُدُ لِلْسَّهْوِ وَالرُّكْعَتَانِ لَهُ نَافِلَةٌ. وَمَنْ شَكَّ فِي صَلَاتِهِ فَلَمْ يَدْرِ كَمْ صَلَّى وَهُوَ أَوْلَى مَا عَرَضَ لَهُ اسْتَقْبَلَ (ف)، فَإِنْ كَانَ يَعْزِضُ لَهُ الشُّكُّ كَثِيرًا بَنَى عَلَى غَالِبِ ظَنِّهِ (ف) فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ ظَنٌّ بَنَى عَلَى الْأَقْلِّ. وَمَنْ تَلَاها فِي الصَّلَاةِ فَلَمْ يَسْجُدْهَا فِيهَا سَقَطَتْ، وَمَنْ كَرَّرَ آيَةَ سَجْدَةٍ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ تَكْفِيهِ سَجْدَةٌ وَاحِدَةٌ، وَإِذَا أَرَادَ السُّجُودَ كَبَّرَ (ف) وَسَجَدَ، ثُمَّ كَبَّرَ وَرَفَعَ رَأْسَهُ (246).

ترجمه متن کتاب (المختار للفتوی)

- (244) السرخسي، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة، المبسوط، باب الصلاة الكسوف، 1414هـ-1993م، دار المعرفة - بيروت، (74-78/2).
- (245) الزحيلي، د. محمد مصطفى، القواعد الفقهية وتطبيقاتها في المذاهب الأربعة، قاعده: 260، طبعه: اول: (1427هـ-2006م، دار الفكر - دمشق، (933/2).
- (246) موصلی، الاختيار لتعليل المختار، (76-72/1).

باب در مورد سجده سهو است، سجده کرده میشود برای نماز، بعد از سلام دادن دو سجده باز تشهد خوانده میشود و سلام داده میشود. وقتیکه فعل از افعال از جنس نماز زیاده کرده شود، یا نماز گذار بلند قرائت کند در آن نماز هائیکه آهسته خوانده میشود و یا آهسته خواند در آن نماز هائیکه بلند خوانده شود سجده سهو واجب میگردد. به ترک ذکر سجده سهو لازم نمی گردد، مگر بخاطر ترک قرائت، هر دو تشهد، قنوت و تکبیرات هر دو عید سجده سهو لازم میگردد. اگر در رکوع و یا در قعه (نشستن) قرائت کرد سجده سهو لازم می گردد، اگر در رکوع و یا در حالت قیام (ایستاده شدن) تشهد را قرائت کرد سجده سهو لازم نمی گردد. کسی اگر سهو کند دو مرتبه، یا بیشتر از دو مرتبه دو سجده کفایت میکند. وقتیکه امام در نماز سهو کرد مقتدی همراه با امام سجده سهو میکنند. اگر مقتدی سهو کند برای امام سجده سهو لازم نمی گردد. کسیکه از یک رکعت یا بیشتر از آن مانده باشد سجده سهو میکند همراه با امام باز رکعات باقی مانده را قضاء می آورد. کسی قعه اول را فراموش کرد باز به یاد آورد، اگر به نشستن نزدیک بود برگردد بسوی قعه تشهد را بخواند و اگر بسوی ایستادن نزدیک بود بسوی قعه بر نگرند نماز خود را ادامه دهد و در آخر سجده سهو کند. اگر سهو کرد از قعه اخیر پس ایستاد شد برگردد بسوی قعه تا وقتیکه سجده نکرده باشد، اگر سجده کرد، رکعت ششم را ضمیمه کند تا نفل گردد، و اگر نشست در رکعت چهارم، به مقدار تشهد باز ایستاد شد، برگردد و سلام دهد. اگر سجده کرد در رکعت پنجم، فرض اش تمام شده، پس ضمیمه کند همراهی پنج رکعت یک رکعت، تا شش رکعت تکمیل گردد و در آخر سجده کند برای سهو، دو رکعت آخر نفل حساب میشود. کسیکه شک کند در نماز اش، پس نداند که چند رکعت نماز أداء نموده است، و این شک اگر بار اول باشد که شخص نماز گذار به آن روبرو شده است نماز را دو باره اعاده کند، پس اگر برای او شک زیاد پیش میشد در نماز اش، بنا کند نماز اش را بر غالب گمانش و اگر برای او گمان نبود بنا کند از کمترین مقدار آن. کسی تلاوت کرد در نماز، پس اگر سجده نکرد برای او سجده سهو ساقط میگردد. کسی بار بار آیات سجده تلاوت را در یک جای واحد خواند برای او یک سجده کفایت میکند. وقتیکه اراده سجده را کردید تکبیر گوید و سجده کنید باز تکبیر گفته سری خود را بلند کنید.

ترجمه متن (الإختیار لتعلیل المختار)

باب در مورد سجده سهو است، سجده فراموشی واجب است، بعضی از علماء گفته اند سجده فراموشی سنت است، و قول اول صحیح تر است؛ زیراکه سجده فراموشی مشروع شده بخاطر نقص که در نماز جابجای شده است. از بین بردن آن نقص واجب است، پس سجده هم واجب است. سجده سهو واجب نمی گردد مگر به ترک واجب و به ترک سنت سجده سهو واجب نمی گردد، و واجب است که بخاطر سهو به معذور نظر کرده شود نه به شخصیکه قصدی میکند. مصنف رحمه الله گفت:

نماز گذار برای سجده سهو بعد از سلام دادن دو سجده انجام میدهد، سپس تشهد را خوانده و سلام میدهد. قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (لِكُلِّ سَهْوٍ سَجْدَتَانِ بَعْدَ السَّلَامِ). ترجمه: پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) فرمودند: «برای هر سهو یا فراموشی بعد از سلام دو سجده است». وَرَوَى عِمْرَانُ بْنُ حُصَيْنٍ وَجَمَاعَةٌ مِنَ الصَّحَابَةِ: «أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَجَدَ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ بَعْدَ السَّلَامِ». ترجمه: روایت کرده حضرت عمران بن حصین و جماعه از صحابه کرام رضوان الله تعالی علیهم اجمعین: «یقیناً پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) سجده کردن دو سجده فراموشی بعد از سلام». باز گفته شده که سلام داده شد دو سلام و بعضی دیگر گفته است یک سلام و همین یک سلام دادن خوبتر و نیکوتر است. باز تکبیر گفته شود و تاخیر کند سجده سهو را و تسبیح گفته شود. باز سری خود را بلند کند، و چنین فعل را بار دوم انجام دهد، باز تشهد خوانده و دعاء کند؛ زیرا که محل دعاء آخر نماز است. مصنف رحمه الله گفت: واجب میشود وقتیکه زیاد کرده شد فعلی را در نماز از جنس خود نماز، مانند: زیاد کردن در رکوع، سجده، قیام و قعده؛ زیرا که انجام چنین کارها خالی از ترک و تأخیر واجب از محل اش نیست، و این باعث میشود که سجده سهو واجب گردد؛ زیرا که پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) ایستاده شد در رکعت پنجم تسبیح گفت به آن، پس برگشت و سجده سهو کرد. مصنف رحمه الله گفت: بلند خواند امام در آن نماز هائیکه آهسته خوانده می شود، یا آهسته قرائت کند در آن نماز هائیکه بلند خوانده میشود، زیرا که بلند قرائت کردن و خفیه قرائت کردن درجه های خودشان در حق امام واجب است. و معتبر در قرائت مقدار آنچه است که نماز جواز قرار گیرد، صرف نظر از اختلاف؛ زیرا هر چیزی کمتر از آن ناپیروز است و ممکن نیست که در آن احتیاط کرد. مصنف رحمه الله گفت: سجده سهو بخاطر ترک ذکر، لازم نمی گردد مگر بخاطر ترک قرائت، تشهد، دعای قنوت تکبیرات هر دو عید، انجام اینها واجب است، غیر از اینها که اذکار، تکبیرات زوائد و تسبیحات است واجب نیست بلکه سنت است. اگر در رکوع و در قعده قرائت کرد، سجده سهو میکند. اگر در حالت ایستاده شدن و یا رکوع کردن تشهد را خواند سجده سهو لازم نمی گردد؛ زیرا که حالت نشسته و رکوع هر دو محل قرائت نیست، پس تغییر میکند، سجده سهو واجب میگردد. و قیام یا ایستاده شدن به نماز محل ثناء و تعریف و توصیف الله (جل جلاله) است پس تغییر نمی کند، سجده سهو واجب نمی باشد. و بعضی گفته اند که اگر نماز گذار در قعده یا حالت نشسته شروع به خواندن تشهد کرد و باز به قرائت، سجده سهو برایش واجب نیست. اگر سلام داد سهو کننده پیش از تمام کردن سجده سهو؛ زیرا که او در جای خود نیست سجده سهو واجب نمی گردد. کسی فراموش کرد دو مرتبه و یا بیشتر از دو مرتبه دو سجده برایش کفایت کننده است، لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (سَجْدَتَانِ بَعْدَ السَّلَامِ يُجْزِيَانِ عَنْ كُلِّ زِيَادَةٍ وَنُقْصَانٍ). ترجمه: قول پیغمبر (صلی الله علیه و سلم): «دو سجده کردن بعد از سلام کفایت کننده تمام زیادت و نقصانها است». مصنف رحمه الله گفت: وقتیکه امام سهو کرد، پس سجده کند امام و مقتدی و اگر امام سجده

نکرد مقتدی هم سجده نکند»، از جهت متحقق شدن موافقت در میان امام و مقتدی، در صورت سجده نکردن امام مقتدی ها هم سجده نکند. اگر مقتدی ها سهو کردند در نماز جماعت سجده فراموشی نمی کنند. نه امام سجده میکند و نه هم مقتدی؛ زیرا که اگر مقتدی سجده کرد از امام خود مخالفت کرده است. و اگر امام به تنهای سجده کرد بر میگردد موضوع بسوی پیروی کردن امام برای مقتدی، مصنف رحمه الله گفت: کسیکه از یک یا بیشتر از یک رکعت عقب مانده همراه با امام سجده میکند، بخاطر اینکه موافقت بیاید. باز آن رکعات که بالای اش باقی مانده قضاء بیاورد. اگر در رکعات قضاء شده مقتدی فراموش کرد سجده فراموشی میکند؛ زیرا که او تنها گذار است. اگر فراموش کرد لاحق در قضاء سجده نمی کند؛ زیرا که او مقتدی است، و عقب امام است، اگر همراهی امام سجده کرد حساب نمی شود زیرا که او اول باید نماز خود را قضاء بیاورد، هنگام سجده کند که از نماز فارغ شود؛ زیرا که محل سجده فراموشی آخر نماز است طوری که گذشت، مقیم (کسی است که در خانه باشد)، در سجده فراموشی حکم کسی را دارد که از یک رکعت و یا بیشتر از آن مانده باشد، مصنف رحمه الله گفت: کسی فراموش کرد از قعدۀ اول باز به یادش آمد اگر بسوی قعدۀ نزدیک باشد برگردد و تشهد بخواند؛ زیرا که آن چی که نزدیک شود به چیزی حکم همان چیز را میگیرد و سجده فراموشی نمی کند، و این قول صحیح است. بخاطریکه ایستاد نشده است. اگر بسوی ایستاده شدن نزدیک بود بر نگردد؛ زیرا حالت که نزدیک به ایستادن بود او در حقیقت ایستادن است. بخاطر ترک واجب سجده فراموشی واجب میگردد؛ زیرا که پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) چنین فعل نموده است. مصنف رحمه الله گفت: اگر فراموش کرد نماز گذار در قعدۀ اخیر پس ایستاد شد، برگردد بسوی قعدۀ تا وقتیکه سجده نکرده باشد، طوری که ما روایت کردیم: (أَنَّ عَلَيْهِ الصَّلَاةَ وَالسَّلَامُ قَامَ إِلَى الْخَامِسَةِ فَسَبَّحَ بِهِ فَعَادَ). ترجمه: «یقیناً پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) ایستاد شد به رکعت پنجم، تسبیح گفت به رکعت پنجم و پس برگشت». و یقیناً که باقی مانده است بالای ایشان یک رکن که او قعدۀ اخیر است، پس برگردد و بیاید به محل که فرض اش تمام شود و سجده کند سجده فراموشی طوری که بیان نمودیم. اگر در رکعت پنجم سجده کرده بود در این صورت همراه با رکعت پنجم رکعت دیگر را ضم نموده تا که شش رکعت تکمیل گردد؛ زیرا که توسط سجده به نفل انتقال میکند. رکعت توسط یک سجده نماز است. از همین ضرورت او از فرض خارج شده، پس به تحقیق خارج شده از فرض و باقی مانده بر بالای آن رکن، پس فرض آن شخص باطل شده است و ضم کند همراهی آن رکعت ششم را؛ زیرا که نفل به پنج رکعت مشروع نیست. مصنف رحمه الله گفت: امام محمد رحمه الله به این نظر است که: بنا بر اصل نماز شخص باطل شده است. دلیل برایشان این است که: نزد امام محمد رحمه الله هنگامیکه فرض باطل شد اصل نماز نیز باطل میشود؛ زیرا که تکبیر تحریمه بسته شده برای فرض پس به باطل شدن تکبیر تحریمه فرض نیز باطل میشود. نزد صاحبین رحمة الله اصل نماز باطل نمیشود؛ زیرا که باطل شدن

از لحاظ وصف ایجاب بطلان اصل را نمی‌کند؛ زیرا که تکبیر تحریمه گره است برای فرض. مصنف رحمه الله گفت: اگر قعه کرد در رکعت چهارم به مقدار تشهد باز ایستاد شد، برگردد و سلام دهد؛ زیرا که همین شیوه از پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) باقی مانده است. آن چی که کمتر از رکعت باشد به جای فرض پس برگردد. اگر سجده کرد در رکعت پنجم فرض اش تمام شده است. لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (إِذَا قُلْتَ هَذَا أَوْ فَعَلْتَهُ فَقَدْ تَمَّتْ صَلَاتُكَ). ترجمه: قول پیغمبر (صلی الله علیه و سلم): «وقتی که گفتید یا در رکعت پنجم سجده کردید، پس به تحقیق نماز شما تمام شده». پس ضم کرده شود رکعت ششم را و سجده کرده شود برای فراموشی، چهار رکعت اول فرض حساب میشود و دو رکعت اخیر نفل حساب میشود؛ زیرا که صحیح است شروع کردن شخص نماز گذار در نفل بعد از تمام کردن فرض، پس ضم کرده شود رکعت ششم را بخاطر نهی از قطع کردن، و به تحقیق باقی مانده از رسول الله در فرض که پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) از جایش او را تاخیر کرد و برای فراموشی اش سجده کرد. مصنف رحمه الله گفت: کسی شک کرد، در نماز اش، پس ندانست که چند رکعت خوانده است؟ اولین بار بوده که به چنین شک روبرو شده است، اگر شک زیاد برایش پیش میشد پس بنا بر گمان غالب خود نماز خود را بنا کند، اگر برایش کدام گمان غالب پیدا نشد از حد کمتر بنا کند. و به تحقیق از پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) در این باره اخبار زیاد روایت کرده شده است. روایت کرده از پیغمبر (صلی الله علیه و سلم)، یقیناً گفت: (إِذَا شَكَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ فَلَمْ يَدْرِ أَثَلَاثًا صَلَّى أَمْ أَرْبَعًا وَذَلِكَ أَوَّلَ مَا سَهَا اسْتَقْبَلَ). ترجمه: «وقتی که شک کرد یکی از شما در نماز اش، پس ندانست که چند رکعت خوانده است، سه رکعت و یا چهار رکعت، و این اولین بار بوده که چنین فراموشی پیش شده است». یقیناً دلیل بیان نموده پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) در مسئله اول. روایت کرده حضرت عبدالله ابن مسعود رضی الله تعالی عنهما از پیغمبر (صلی الله علیه و سلم): در هنگام ایجاد شک تحقیق و فکر کرده شود، پس حمل میکنیم او را بر زیاد بودن شک. حضرت عبدالله ابن عوف و حضرت خدری رضی الله تعالی عنهما روایت کردند از پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) که نماز به یقین بنا شود. پس حمل میکنیم ما او را بر آن موارد که برای او کدام نظر نباشد، به تمام نصوص عمل شود. باز وقتی که بنا کند، قعه میکند در هر موضع که احتمال دارد که آن موضوع آخر نماز باشد، خود داری کند از ترک فرض بودن قعه.

مطلب اول: شرح کلمات و اصطلاحات فقهی

فرع اول: شک: عبارت است از اعتدال و مساوات دو چیزی متضاد در انسان است، و این ممکن است به دلیل وجود دو علامت مساوی در او در دو حد و یا عدم وجود علامت در آنها باشد و شک نوع از جهل است و خاصتر از جهل است؛ زیرا که جهل گاهی علم به افراط و تفریط اصلاً نمی‌باشد و پس هر شک جهل است و اما هر جهل شک نیست. (هر چند طرفی باشد وقوع و عدم وقوع به همین

صورت است). اگر یکی از دو طرف راجح و دیگری مرجوح باشد، آنچه را که مرجوح گفته میشود او عبارت از وهم است، و راجح اگر مطابقت با مرجوح را داشته باشد او را گمان گفته میشود، و اگر مطابقت نداشته باشد او را جهل مرکب گفته میشود. شک عبارت از آنست که ترجیح داده نشده باشد یک طرف آن او را مطلق تردد گفته میشود. قول تعالی: **الله متعال می فرماید: (لَفِي شَكِّ مِثْلٍ)**(247). ترجمه: (راجع به آن در شک و گمانند). شک چیزی است که در مقابل علم است، امام جوینی رحمه الله میگوید: شک از اینکه مساوی باشد، دو عقیده است یا مساوی نباشد، اما هیچ یک به درجه ظاهری که عقلاً امور مورد نظر را بر آن استوار میکند توجه نمی کند.

ریب، عبارت از آنست که به درجه یقین نرسد، اگر نوع ظهور آن ظاهر شود او را شک مریب گفته میشود و ریب مشکک گفته نمی شود. هر چند ظاهری ظاهر شود، و گفته شود: شک مشکوک، و گویند: شک مشکوک، و نیز گفته شود: فلان چیز به من رسید. و نگفته است: من در آن شک دارم که گویی شک است یا نه، و از شک او ناشی می شود. و شک ممکن است به معنای اضطراب و آشفتگی باشد. قول رسول الله (صلی الله علیه و سلم): **(دَعِ مَا يَرِيْبُكَ اِلٰى مَا لَا يَرِيْبُكَ " فَاِنَّ الصَّدَقَ طَمَآئِنِيَّةٌ وَاَلْكَذِبَ رِيْبِيَّةٌ)**(248). ترجمه: (ترک کن آنچه را که در شک می اندازد بسوی آنچه یقین است تو را در شک نمی اندازد؛ زیرا که راستی اطمینان قلب است و دروغ شک و تردد است)(249).

فرع دوم: الیقین: (ي ق ن)، یقین که مفرد است، مصدر آن یَقِنَ است و صفت مشبه است که دلالت بر ثبوت میکند، آنچه انسان میدانند از علم که کدام شک در آن وجود ندارد. شک را از بین برده و امر تحقق بخشیده است، قال الله تعالی: **{كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِيْنِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيْمَ}**(250). ترجمه: «نه چنان است که اگر آگاهی قطعی و یقینی داشته باشید (و از فرجام کار خود کاملاً باخبر باشید، شما قطعاً دوزخ را خواهید دید)». **{وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِيْنٍ}**(251). ترجمه: «من برای تو از سرزمین سبا یک خبر قطعی و مورد اعتماد آورده ام». پس امر یقین به معنی ثبوت راستی است، من از خودم مطمئن ام، قول تعالی: **{وَاَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِيْنُ}**(252). ترجمه: «و پروردگارت را پرستش کن تا مرگ به

(247) سورة النساء، آية: 157.

(248) ابن الترمذی علاء الدین علی بن عثمان الماردینی، الجوهر النقی، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي، 77 باب كراهية مبايعة، شماره حدیث: (11134)، الطبعة: الأولى 1344هـ، مجلس دائرة المعارف النظامية الكائنة في الهند ببلدة حيدر آباد، (335/5).

(249) أبوب بن موسى الحسيني القريني الكفوي، أبو البقاء الحنفي (المتوفى: 1094هـ)، المحقق: عدنان درويش - محمد المصري، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، (528/1).

(250) سورة التكاثر، آية: 6/5.

(251) سورة النمل، آية: 22.

(252) سورة حجر، آية: 99.

سراخ تو می آید (و سرای فانی را وداع می گوئی، و سرای باقی آغاز می گردد و پرده ها به کنار می رود و حقائق در برابر چشمانت جلوه گر می شود)(253).

مطلب دوم: توثیق و بیان مسائل

در صورت زیاد و کم کردن در نماز بعد از سلام برای سهو و یا فراموشی سجده کرده میشود، باز تشهد خوانده سلام میدهد، سجده سهو در صورت زیاد کردن شخص در نماز چیزی از جنس نماز که او مناسب برای نماز نباشد لازم میگردد. وقتیکه یک فعل مسنون، قراءه سوره فاتحه، دعای قنوت، تشهد، تکبیرات عیدین ترک شود سجده سهو لازم میگردد. اگر امام در نماز هائیکه آهسته خوانده می شود بلند بخواند، یا در نماز هائیکه بلند خوانده شود آهسته بخواند سجده سهو لازم میگردد. فراموشی امام برای مقتدی سجده سهو را لازم میگرداند، اگر امام سجده سهو نکرد برای مقتدی هم سجده سهو لازم نمی گردد. اما فراموشی مقتدی سجده سهو را برای امام لازم نمی گرداند. کسی سهو کرد در قعدۀ اول باز یادش آمد که سهو کرده اگر به قعدۀ نزدیک باشد برگردد قعدۀ نموده و تشهد بخواند. اگر به ایستادن نزدیک بود برگردد و در آخر سجده سهو نماید. اگر در قعدۀ اخیر سهو کرد حتی اینکه به رکعت پنجم ایستاد شد تا زمانیکه سجده نکرده باشد، به قعدۀ اخیر برگردد رکعت پنجم لغو گردیده و سجده سهو نماید برای سهو. اگر رکعت پنجم را بخاطر سجده قید نمود فرض باطل شده و نماز شخص نزد امام ابوحنیفه رحمه الله و امام ابویوسف رحمه الله نفل حساب میگردد(254).

سجده سهو نزد فقهاء به موارد ذیل واجب میگردد:

- 1- در جای ایستاده شود که مناسب برای ایستاد شدن نباشد.
- 2- در جای بنشیند که مناسب برای نشستن نباشد
- 3- بلند قرائت کردن در رکعات که بلند خوانده نمی شود.
- 4- آهسته قرائت کردن در رکعات که بلند خوانده میشود.
- 5- فراموش کردن تشهد.
- 6- فراموش نمود دعای قنوت.
- 7- فراموش نمودن تکبیرات عیدین.
- 8- در عین فرض چیزی زیاده و یا کم کردن.

(253) د أحمد مختار عبد الحمید عمر (المتوفی: 1424هـ) بمساعدة فريق عمل، معجم اللغة العربية المعاصرة، الطبعة: الأولى، (1429هـ-2008م)، الناشر: عالم الكتب، (2516/3).

(254) المرغینانی، علي بن أبي بكر بن عبد الجليل الفرغاني أبو الحسن برهان الدين، متن بداية المبتدي في فقه الإمام أبي حنيفة، متوفی: (593هـ)، الناشر: مكتبة ومطبعة محمد علي صبح - القاهرة، (23/1).

مطلب سوم: تخريج احاديث و آثار

فرع اول: تخريج حديث: (لِكُلِّ سَهْوٍ سَجْدَتَانِ بَعْدَ السَّلَامِ):

درجه حديث: البانى رحمه الله حسن گفته است.

أبو داود، سنن أبي داود، أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني متوفى: (275)، محقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، باب من نسي أن يتشهد و هو جالس، شماره حديث: (1038)، (272/1)، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.

فرع دوم: تخريج حديث: (أَنَّه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَجَدَ سَجْدَتَيْ السَّهْوِ بَعْدَ السَّلَامِ):

بخارى، صحيح البخارى، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخارى الجعفي، محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، باب التوجه نحو القبلة حيث كان، شماره حديث: (401)، طبع اول: (1422)، دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي)، (80/1).

مسلم، صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري متوفى: (261)هـ، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، 19- باب السهو فى الصلاة و سجود له، شماره حديث: دار إحياء التراث العربي - بيروت. (400/1)،

فرع سوم: تخريج حديث: (سَجْدَتَانِ بَعْدَ السَّلَامِ يُجْزِيَانِ عَنْ كُلِّ زِيَادَةٍ وَنُقْصَانٍ):

بخارى، صحيح البخارى، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخارى الجعفي، محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، باب التوجه نحو القبلة حيث كان، شماره حديث: (401)، طبع اول: (1422)، دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي)، (89/1).

مسلم، صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري متوفى: (261)هـ، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، 19- باب السهو فى الصلاة و سجود له، شماره حديث: (55)، دار إحياء التراث العربي - بيروت.

فرع چهارم: تخريج حديث: (أَنَّه عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ قَامَ إِلَى الْخَامِسَةِ فَسَبَّحَ بِهِ فَعَادَ):

با جستجوی زياد حديث مذکور در كتب حديث يافت نشد، اما در كتاب فقهى عينى، البناية شرح الهداية، باب متى يلزم سجود السهو، (621/2). و كتاب كاسانى، بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع، فصل بيان المتروك ساهياً هل يقضى أم لا؟، (171/1). ذكر شده است.

فرع پنجم: تخريج حديث: (إِذَا قُلْتَ هَذَا أَوْ فَعَلْتَهُ فَقَدْ تَمَّتْ صَلَاتُكَ):

(255) السُّعْدِي، أبو الحسن علي بن الحسين بن محمد حنفي، مطلب وجوب سجود السهو، الطبعة: الثانية، 1404-1984، دار الفرقان / مؤسسة الرسالة - عمان الأردن / بيروت لبنان، (97-98/1).

بخاری، صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، محقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، باب التّشہد فی آخره، شماره حدیث: (831)، (166/1)، طبع اول: (1422)، دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي).

مسلم، صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری النیسابوری متوفی: (261)هـ، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، 19- باب التّشہد فی الصّلاة، شماره حدیث: (55)، دار إحياء التراث العربي - بیروت، (301/1).

درجه حدیث: البانی رحمه الله صحیح گفته است.

أبو داود، سنن أبو داود، 150-باب صلاة من لا یقیم صلبه فی الركوع، شماره حدیث: (856)، (318/1).

فرع ششم: تخریج حدیث: (إِذَا شَأْنٌ أَحَدِكُمْ فِي صَلَاتِهِ فَلَمْ يَدْرِ أَتَلَاثًا صَلَّى أَمْ أَرْبَعًا وَذَلِكَ أَوْلَى مَا سَهَا اسْتَقْبَلَ):

مسلم، صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری النیسابوری متوفی: (261)هـ، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، 19- باب السهو فی الصّلاة و السجود له، شماره حدیث: (88)، دار إحياء التراث العربي - بیروت، (400/1).

مطلب چهارم: تخریج قواعد وضوابط فقهی

قاعدة: (188)، (الواجب لا یتترك إلا لواجب)

ترجمه: (ترك کرده نمی شود واجب مگر بخاطر واجب)

توضیح: واجب عبارت از آنست که طلب کرده شارع انجام اورا به طلب کردن قاطع، انجام دهنده آن مستحق ثواب و ترک کننده آن مستحق عذاب میگردد. پس ترک آن جایز نیست لکن بخاطر واجب دیگر ترک کرده میشود و این ترک مقید بر این است هر دو واجب مشروع شده باشد در یک محل واحد، پس اختیار کرده میشود در عمل میان آن دو واجب، مانند: پوشاندن بعضی عورتش توسط دست خود پس اختیار دارد که توسط دست خود عورت خود را میپوشاند و یا اینکه دست خود را به سجده میگذارد.

مستثنی:

سجده سهو و سجده تلاوت همزمان واجب نمی گردند، اگر مشروع نشوند جایز هم نمی شوند (256).

(256) الزحيلي، د. محمد مصطفى، القواعد الفقهية وتطبيقاتها في المذاهب الأربعة، قاعدة: 188، طبعة: اول: (1427-2006)م، دار الفكر - دمشق، (741-740/2).

نتیجه گیری

و بعد: به فضل و توفیق خداوند (جل جلاله) تحقیق کتاب (الإختیار لتعلیل المختار) ابواب معینه آنرا تا آنجاکه توان داشتیم به اتمام رسانیدم، امید است احاطه پسندیده روی تحقیق کتاب مذکور کرده باشم؛ اگر تقصیری در تحقیق حاضر وجود داشته باشد از نارسائی من است امید میبرم تحقیق ام روی کتاب (الإختیار لتعلیل المختار) یک مقدمه خوب برای تحقیقات سایر کتب فقهی و ابواب باقی مانده کتاب (الإختیار لتعلیل المختار) باشد، همچنان یک وسیله خوبی جهت آگاهی متقاضیان معلومات در کتب فقهی بوده باشد. از خلال بحث به مجموعه از معلومات دست یافته ام که مهمترین آن ها قرار ذیل است.

1: مسایل اختلافی دیگر مذاهب را امام موصلی بشکل رموز در کتاب خویش ذکر نموده است؛ که این رموز عبارتند از: (س) امام ابویوسف رحمه الله، (م) امام محمد رحمه الله، (ز) امام زفر رحمه الله و (ف) به امام شافعی رحمه الله دلالت می نماید.

2: وقت نماز فجر از طلوع صبح صادق آغاز و الی قبل از طلوع آفتاب ختم میگردد. با طلوع صبح صادق نماز صبح داخل شده و وقت نماز خفتن خارج می شود، سحری خوردن در آن وقت درست نیست. اما با طلوع صبح کاذب وقت نماز فجر داخل نشده، و وقت نماز خفتن خارج نمی شود و سحری خوردن در این هنگام نیز درست است.

وقت نماز ظهر هنگام میلان آفتاب از طرف چپ به طرف راست بسوی قبله آغاز میشود. در اول وقت آن اختلاف نیست. اما در آخر وقت آن اختلاف است.

آخر وقت نماز پیشین نزد امام ابوحنیفه رحمه الله هنگامی است که سایه هر چیز دو برابر سایه اصلی اش گردد. آخر وقت نماز پیشین نزد صاحبین رحمة الله هنگامی است که سایه هر چیز یک برابر سایه اصلی اش گردد.

اول وقت نماز عصر هنگامی است که وقت نماز پیشین بنا بر هر دو قول خارج شود، قول امام ابوحنیفه رحمه الله و قول صاحبین رحمة الله. از نظر امام ابوحنیفه رحمه الله اول وقت نماز عصر وقتی است که سایه هر چیز غیر از سایه زوال دو برابر گردد، وقت نماز عصر داخل میشود.

نزد صاحبین رحمة الله، اول وقت نماز عصر هنگامی است که سایه هر چیز غیر از سایه زوال یک برابر گردد و وقت نماز عصر داخل میشود. آخر وقت نماز عصر هنگامی است که آفتاب غروب

نکرده باشد، این قول اکثری اهل علم است. امام شافعی رحمه الله در صحیح که نص وارد شده است نیز به نظر فوق است.

اول وقت نماز شام هنگامی است که آفتاب غروب کرده باشد. آخر وقت نماز شام وقت است که آفتاب غایب نشده باشد.

وقت نماز خفتن هنگامی است که شفق یعنی: (رنگ سرخ است که، هنگام غروب خورشید در افق نمایان می شود و تقریباً تا قبل از شام ادامه می یابد) غایب شود، و این اجماع است بر اختلاف که روی شفق است. آخر وقت نماز خفتن هنگامی است که صبح صادق طلوع نکرده باشد، و این اجماع است، به استثنای اترازی کسی دیگر مخالفت نکرده است. اترازی رحمه الله به این نظر است که: با سپری شدن سوم و یا نصف شب وقت نماز خفتن خارج می شود و نماز بعد از آن قضاء می گردد.

اول وقت نماز وتر بعد از نماز خفتن است، و آخر وقت نماز وتر تا وقتی است که صبح صادق طلوع نکرده باشد.

3: نماز صبح بهتر است که به روشنائی روز و یا روشن شدن صبح ادا گردد. وقتیکه آسمان بدون ابر و صحیح و درست باشد، با روشن شدن صبح ادا کردن نماز صبح بهتر است. مگر برای حاجی صاحبان در مزدلفه اداء کردن نماز صبح در تاریکی بهتر است، تأخیر نکنند؛ زیرا که شک در طلوع آفتاب واقع می شود.

نماز ظهر در موسم تابستان بهتر است سرد کرده و با تأخیر خوانده شود و در موسم زمستان بهتر است و قتر خوانده شود.

نماز شام بهتر است که وقت خوانده شود و نماز خفتن بهتر است که در سوم قسمت شب خوانده شود.

4: نماز خواندن در سه وقت جایز نیست: وقت طلوع آفتاب، وقت زوال آفتاب، وقت غروب آفتاب.

نزد امام ابوحنیفه رحمه الله اداء نماز های فرض در اوقات مکروهه جواز ندارد و همچنان اداء نماز های نفل هم در بعضی روایات جواز ندارد.

نزد امام شافعی رحمه الله اداء فرض در اوقات مکروهه در تمام شهرها و نماز های نفل در اوقات مکروهه در مکه جواز دارد.

5: خیر دادن به وقت نماز توسط الفاظ معلوم و مأثور بر یک صفت خاص که یک سنت محکم و تأکید شده است. امام ابوحنیفه رحمه الله علیه گفته اند که: قومیکه نماز جماعت اداء کنند در شهر بدون اذان و اقامت خلاف سنت کار کردند و گناه کار نیز شده اند. بعضی میگویند اذان و اقامت واجب است و این قول امام محمد رحمه الله است که میگویند اگر جمع شوند مردم یک شهر بر ترک اذان

البته همایشان جنگ کرده شود، و این قول دلالت بر وجوب اذان میکند، جمع میان دو قول بر این است که گناه ترک سنت مؤکده مانند واجب یکسان است، علیه تارکین اذان جهاد کرده میشود، چونکه اذان از جمله خصوصیات و شعائر دین مقدس اسلام است.

6: افتتاح نماز متعلق به انجام فرض ها و سنن دارد، پس بدون جمع کردن فرایض فرض صحیح نمی گردد و بدون انجام سنت ها فرض تمام نمی شود.

اما شرایط شش گانه از نماز که عبارت از: پاکی بدن، پوشانیدن عورت، استقبال قبله، وقت، نیت و تکبیر افتتاح است. در پنج آن اختلاف نیست لکن در تکبیر افتتاح اختلاف است.

پس نزد ابي بکر الأصم شروع نماز به مجرد نیت کردن صحیح میگردد نه تکبیر افتتاح. و نماز بدون نیت فاسد میگردد.

نزد امام ابوحنیفه و امام محمد رحمهما الله شروع نماز به هر ذکر که تنای خالص الله (جل جلاله) در آن باشد و بزرگی الله متعالی را بیان کند. مثلاً: بگوید که: الله اکبر، الله أعظم و یا هر نام الله (جل جلاله) که همراهی صفت ذکر شود بگوید. مانند: الرحمن أعظم، الرحيم أجل یا اینکه الحمد لله، سبحان الله یا لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ برابر است که تکبیر را زیبا کند یا نکند صحیح میگردد. نزد امام ابویوسف رحمه الله تکبیر شرعی نمی گردد تا زمانیکه از الفاظ تکبیر مشتق نشده باشد و این سه الفاظ است: الله أكبر، الله الأكبر و الله الكبير.

7: فرایض داخلی نماز شش است که عبارت اند از: تکبیر افتتاح، قیام، قرائت، رکوع، سجده و قعده اخیر به مقدار تشهد. بحث تفصیلی فرایض داخلی شش گانه نماز همراه با اختلافات آن در متن ذکر شده است.

8: نماز وتر نزد امام ابوحنیفه رحمه الله سه رکعت است، امام شافعی رحمه الله گفته است که اگر خواست نماز وتر را یک رکعت، سه رکعت، پنج رکعت، هفت رکعت و یا هم یازده رکعت أداء نماید. نماز وتر سنت است نزد امام ابویوسف و امام محمد رحمهما الله.

نزد امام ابوحنیفه رحمه الله سه روایت است: در یک روایت واجب است، در روایت سنت است و در روایت دیگر فرض است. روایت صحیح نزد امام ابوحنیفه رحمه الله این است که نماز وتر واجب است.

9: از حضرت ام حبیبه، عائشه صدیقه رضی الله تعالی عنهما و ابي موسى اشعری و عبدالله ابن عمر رضی الله تعالی عنهم روایت است گفتند که: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «کسی مواظبت کند بر دوزارده رکعت نماز در یک شبانه روز بنا میکند الله (جل جلاله) در روز قیامت خانه در بهشت. دو رکعت قبل از فرض نماز صبح، چهار رکعت قبل از فرض و دو رکعت بعد از نماز فرض پیشین، دو

رکعت بعد از نماز شام، دو رکعت بعد از نماز خفتن». پس این تأکیدات است که مناسب نیست ترک کردن آن.

10: از جمله تطبیقات قاعده (27): (درء المفسد اولی من جلب المنافع): ترجمه: «دفع نمودن مفسد مقدم است نسبت به جلب منافع کرده». نماز تراویح مکروه است که در خانه خوانده شود، و قتیکه مفیضی شود بسوی ترک مساجد، از جهت تقدیم کردن آن برای دفع مفسد که عبارت از تعطیل مساجد است بر حصول مصلحت که عبارت از نماز خواندن در خانه است.

11: آفتاب گرفتگی نظر به این حدیث: ترجمه: (آفتاب و قتیکه گرفته شد در روزی که ابراهیم فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) از دنیا رفت، پس مردم گفتند: آفتاب فقط به خاطر مرگ او گرفت شده است، و رسول الله (صلی الله علیه و سلم) فرمودند: آفتاب گرفتگی و مهتاب گرفتگی، دو نشانه خداوند متعال است، به خاطر مرگ و زندگی کسی گرفته نمی شود پس اگر هر یک از این وحشت ها را دیدید به نماز بشتابید). در حدیث ابی موسی اشعری رضی الله تعالی عنه روایت شده است که گفت: نماز آفتاب گرفتگی مانند تمام نماز های دیگر دو رکعت و هر رکعت دارای یک رکوع و دو سجده است نزد امام ابوحنیفه رحمه الله. نزد امام شافعی رحمه الله هر رکعت دارای دو رکوع و دو سجده میباشد، در مورد مهتاب گرفتگی، تاریکی، باد شدید و ترس نماز خواندن خوب است.

لفظ خسوف در مهتاب گرفتگی استعمال میگردد طوری که در آیات هفت و هشت سوره قیامت ذکر شده است. خسوف عبارت از بین رفتن روشنی اطراف مهتاب را گفته میشود و أما خسوف عبارت از بین رفتن روشنی آفتاب را گفته میشود. نماز خواندن در مهتاب گرفتگی به طوری تنها گذاری خوانده میشود و نه به جماعت؛ زیرا که شب است اجتماع مردم در شب مشکل است و از طرف دیگر ترس از فتنه است. و از پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) هم کدام روایت نقل نشده است که نماز مهتاب گرفتگی را جماعت کرده باشند. اصل در نماز های نفلی تنها گذاری است و جماعت نیست. نماز آفتاب گرفتگی مانند نماز های نفل دیگر در اوقات مکروهه خوانده نمی شود.

12: سجده السهو: در موارد از جمله: در جای بنشیند که مناسب نشستن نباشد، بلند قرائت کند در رکعات که بلند خوانده نمی شود، آهسته قرائت کند در رکعات که بلند خوانده میشود، فراموش کردن تشهد، دعای قنوت، تکبیرات عیدین، یا در عین فرض چیزی اضافه و یا کم کردن، در غیر محل سلام، سلام دادن در این صورتهای سجده سهو لازم میگردد.

پیشنهادات:

1. تحقیق کتب فقهی در مذهب احناف و مذاهب دیگر به اساس منهجی که بنده به تحقیق پرداخته و یا منهج بهتر از آن.
2. تحقیق متباقی ابواب کتاب (الإختیار لتعلیل المختار)
3. ترجمه و توثیق مسائل سایر کتاب های فقهی در تمام مذاهب
4. شرح و بیان کلمات و اصطلاحات کتب فقهی در تمام مذاهب
5. توحید سازی و یکجا نمودن تمام ابواب کتب فقه احناف مخصوصاً کتاب الإختیار لتعلیل المختار به زبان های ملی کشور (دری و پشتو).

در پایان نواقضی که در تحریر این اثر وجود داشته باشد از خداوند توانا پوزش طلبیده و از اوتعالی میخواهم که سعی بنده را خالصانه بخاطر رضای خویش قبول فرموده و سبب نفع دیگران شود.

فهرست آيات قرآن كريم

ترتيب آيات حسب حروف هجاء است

شماره	آيات	سورة	شماره آيت	صفحه
1	أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ	البقرة	157	13
2	إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا	النساء	103	9
3	الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الإسلام ديناً	المائدة	3	1
4	ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا	الحج	77	58
5	رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً	البقرة	103	74
6	رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءَ	ابراهيم	40	113
7	سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى	الأعلى	1	53
8	فَوَلَّوْا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ	البقرة	144	41
9	فَأَيْنَمَا تُولَّوْا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ	البقرة	115	41
10	فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ	البقرة	184	104
11	فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ	يونس	71	15
12	فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ	النحل	98	53
13	فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (98) إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ	النحل	98-99	62
14	فَاقْرَءُوا مَا نَيَّسَرَ مِنَ الْقُرْآنِ	المزمل	20	75
15	فَاقْرَءُوا مَا نَيَّسَرَ مِنْهُ	المزمل	20	75
16	فَإِذَا قَرَأْتَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ	القيامة	18	14
17	فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ وَخَسَفَ الْقَمَرُ	القيامة	7-8	119
18	فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ	الإنشقاق	16	14
19	لَفِي شَكِّ مِنْهُ	النساء	157	127
20	مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي	الفتح	29	64

			وَجُوهِهِمْ مِنْ أُنْفِ السُّجُودِ	
27	216	البقرة	وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ	21
44	221	البقرة	وَلَأَمَّةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ	22
61	78	البقرة	وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي	23
55	204	الأعراف	وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا	24
9	103	التوبة	وَصَلِّ عَلَيْهِمْ	25
12	103	التوبة	وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ	26
31	3	التوبة	وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ	27
117	52	هود	يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ	28
119	14	الرعد	وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ	29
105	79	الإسراء	وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ	30
39	26	الحج	وَطَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ	31
57	77	الحج	وَاسْجُدُوا	32
104	29	الحج	وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ	33
40	31	النور	وَلَا يُبَدِّلُ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا	34
44	33	النور	وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَانُوا لَهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا	35
44	32	النور	وَأَنْكَحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ	36
127	22	النمل	وَجِنَّتِكَ مِنْ سَبَأٍ بَنِيًا يَقِينٍ	37
101	33	محمد	وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ	38
51	15	الأعلى	وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى	39
88	3	الفجر	وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ	40
39	31	الأعراف	يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ	41

فهرست آحادیث نبوی

فهرست آحادیث نبوی حسب حروف هجاء

شماره	آحادیث	راوی حدیث	صفحه
1	«إِنَّ لِلصَّلَاةِ أَوَّلًا وَآخِرًا وَإِنَّ أَوَّلَ وَقْتِ صَلَاةِ الْفَجْرِ حِينَ يَطْلُعُ الْفَجْرُ، وَآخِرُ وَقْتِهَا حِينَ تَطْلُعُ الشَّمْسُ»	ابی هریره رض	10
2	«أَمَّنِي جِبْرِيلُ مَرَّتَيْنِ عِنْدَ النَّبِيِّ، فَصَلَّى بِي الظُّهْرَ فِي الْيَوْمِ الْأَوَّلِ حِينَ زَالَتْ الشَّمْسُ، وَالْعَصْرَ حِينَ صَارَ ظِلُّ كُلِّ شَيْءٍ مِثْلَهُ، وَصَلَّى بِي فِي الْيَوْمِ الثَّانِي الظُّهْرَ...»	ابن عباس رض	10
3	«أَوَّلُ وَقْتِ الْمَغْرِبِ حِينَ تَسْقُطُ الشَّمْسُ»	أبی هریره رض	11
4	«أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَمَرَ بِتَأْخِيرِ الْعَصْرِ»	رافع ابن خدیج رض	21
5	«أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - نَهَى عَنِ الصَّلَاةِ فِي هَذَيْنِ الْوَقْتَيْنِ»	أبی سعید الخدری ر ض	26
6	«إِنَّ بِاللَّيْلِ يُؤَدُّنُ بِلَيْلٍ لِيَرْكَعَ قَائِمُكُمْ، وَيُوقِظُ نَائِمُكُمْ، وَيَتَسَحَّرَ صَائِمُكُمْ»	.	34
7	«أَنَّ جَمَاعَةً مِنَ الصَّحَابَةِ اشْتَبَهَتْ عَلَيْهِمُ الْقِبْلَةَ فِي لَيْلَةٍ مُظْلِمَةٍ، فَصَلَّى كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ إِلَى جِهَةٍ وَخَطَّ...»	.	42
8	«إِذَا افْتَتَحْتَ الصَّلَاةَ فَارْفَعْ يَدَيْكَ حِذَاءَ أُذُنَيْكَ»	وائل بان حجر رض	51
9	«أَنَّهُ كَانَ إِذَا كَبَّرَ لِافْتِتَاحِ الصَّلَاةِ قَرَأَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ»	ابن مسعود، ابن مالك رض	52
10	«أَنَّهُ سَمِعَ ابْنَهُ يَجْهَرُ بِهَا فَقَالَ: يَا بُنَيَّ إِنِّي وَالْحَدِيثُ فِي الْإِسْلَامِ، صَلَّيْتُ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَخَلْفَ أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ وَكَانُوا لَا يَجْهَرُونَ بِالتَّسْمِيَةِ، فَإِذَا أَرَدْتَ الْقِرَاءَةَ فَقُلْ: {الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ}»	عبدالله بن مغفل رض	54
11	«إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ، فَإِذَا قَرَأَ فَأَنْصِتُوا»	ابی هریره رض	55
12	«إِذَا رَكَعْتَ فَضَعْ يَدَيْكَ عَلَى رُكْبَتَيْكَ وَفَرِّقْ بَيْنَ أَصَابِعِكَ»	انس بن مالك رض	55
13	«أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَنْهَضُ عَلَى صُدُورِ قَدَمَيْهِ»	ابی هریره رض	58

73	ابن مسعود، ابن عباس، أبي بن كعب... رض	«أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُوتِرُ بِثَلَاثٍ لَا يُسَلِّمُ إِلَّا فِي آخِرِهِنَّ»	14
74	على، ابن مسعود و أبي ابن كعب رض	«أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقْنُتُ فِي الثَّلَاثَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ»	15
81	عمرو ابن العاص رض	«أَنَّ عَمْرَو بْنَ الْعَاصِ أَجْنَبَ فِي لَيْلَةٍ بَارِدَةٍ فَتَيَّمَمَ وَصَلَّى بِأَصْحَابِهِ، ثُمَّ أَحْبَرَ بِذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمْ يَأْمُرْهُ بِالْإِعَادَةِ»	16
74	انس بن مالك رض	«أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقْنُتُ فِي صَلَاةِ الصُّبْحِ»	17
101	عائشه صديقه رض	«أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقْعُدُ مِقْدَارَ مَا يَقُولُ: اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَالْيَاكُوعُ يَعُودُ السَّلَامُ تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، ثُمَّ يَقُومُ إِلَى السُّنَّةِ»	18
117	ابن مسعود، ابن عمر، رضوان الله عليهم	«أَنَّ النَّبِيَّ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ صَلَّى فِي كُسُوفِ الشَّمْسِ رَكَعَتَيْنِ كَهَيْئَةِ صَلَاتِنَا وَلَمْ يَجْهَرْ فِيهِمَا»	19
124	عمران بن حصين	«أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَجَدَ سَجْدَتِي السُّهُوِ بَعْدَ السَّلَامِ»	20
78	انس ابن مالك رض	«أَقَامَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالْيَتِيمَ وَرَاعَهُ، وَأَمَّ سُلَيْمٍ وَرَاعَانَا»	21 22
9		«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ...»	23
25	عقبه ابن عمر جهنى رض	«ثَلَاثَةُ أَوْقَاتٍ نَهَانَا رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَنْ نُصَلِّيَ فِيهَا وَأَنْ نُقْبَرَ فِيهَا مَوْتَانَا: عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ حَتَّى تَرْتَفِعَ، وَعِنْدَ زَوَالِهَا حَتَّى تَزُولَ، وَحِينَ تَصَيِّفُ لِلْغُرُوبِ حَتَّى تَغْرُبَ»	24
53	عبدالله ابن مسعود رض	«خَمْسٌ يُخْفِيهِنَّ الْإِمَامُ: التَّعَوُّدُ، وَالتَّسْمِيَةُ، وَالتَّأْمِينُ، وَرَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، وَالتَّشَهُدُ»	25
57	عبدالله ابن عباس رض	«رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْجُدُ عَلَى كَوْرِ عِمَامَتِهِ»	26
103	عبدالله ابن عمر رض	«رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي عَلَى حِمَارٍ وَهُوَ مُتَوَجِّهٌ إِلَى خَيْبَرَ يَوْمَ إِيمَاءَ»	27

39	أبي الدرداء رض	«صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ مُتَوَشِّحًا بِهِ قَدْ خَالَفَ بَيْنَ طَرَفَيْهِ»	28
54	انس بن مالك رض	«صَلَّيْتُ خَلْفَ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَخَلْفَ أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ وَكَانُوا يَفْتَتِحُونَ الْقِرَاءَةَ بِالْحَمْدِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، وَفِي رِوَايَةٍ: «كَانُوا يُخْفُونَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»	29
32	أبي مخذورة رض	«عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - الْأَذَانَ حَمْسَ عَشْرَةَ كَلِمَةً، وَالْإِقَامَةَ سَبْعَ عَشْرَةَ كَلِمَةً»	30
103	جابر بن عبدالله رض	«قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الصَّلَاةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: " طُولُ الْقُنُوتِ »	31
33	بلال رض	«قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : يَا بِلَالُ ثَوْبٌ بِالْفَجْرِ وَلَا تُثَوِّبُ فِي غَيْرِهَا»	32
21	انس ابن مالك رض	«كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا كَانَ الشِّتَاءُ بَكَرَ بِالظُّهْرِ، وَإِذَا كَانَ الصَّيْفُ أَبْرَدَ بِهَا»	33
60	عبدالله ابن عباس رض	«كَانَ يُسَلِّمُ عَنْ يَمِينِهِ حَتَّى يَرَى بَيَاضَ خَدِّهِ الْأَيْمَنِ، وَعَنْ شِمَالِهِ حَتَّى يَرَى بَيَاضَ خَدِّهِ الْأَيْسَرِ»	34
87	عائشه صديقه رض	«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ إِذَا فَاتَتْهُ الْأَرْبَعُ قَبْلَ الظُّهْرِ قَضَاهَا بَعْدَ الظُّهْرِ»	35 36
34	بلال رض	«لَا تُؤَدِّنْ حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكَ الْفَجْرُ هَكَذَا وَمَدَّ يَدَهُ عَرْضًا»	37
39	.	«لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ امْرِئٍ حَتَّى يَضَعَ الطُّهُورَ مَوَاضِعَهُ»	38
55	شعبي رض	«لَا قِرَاءَةَ خَلْفَ الْإِمَامِ»	39
22	جابر رض	«مَنْ خَافَ أَنْ لَا يَقُومَ آخِرَ اللَّيْلِ فَلْيُوتِرْ أَوَّلَهُ، وَمَنْ طَمَعَ..»	40
74	عبدالله ابن مسعود رض	«مَا قَنَّتْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي صَلَاةِ الصُّبْحِ إِلَّا شَهْرًا لَمْ يَقَنَّتْ قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ»	41
100	ام حبيبه، عائشه، أبي موسى، ابن عمر رضوان الله عليهم	«مَنْ تَابَرَ عَلَى ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ: رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْفَجْرِ، وَأَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَهَا، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْعِشَاءِ»	42
101	عائشه صديقه رض	«مَنْ صَلَّى بَعْدَ الْمَغْرِبِ عِشْرِينَ رَكْعَةً بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»	43
101	أبي هريره رض	«مَنْ كَانَ مُصَلِّيًا الْجُمُعَةَ فَلْيُصَلِّ قَبْلَهَا أَرْبَعًا وَبَعْدَهَا»	44

86	عبدالله ابن عمر رض	«مَنْ نَسِيَ صَلَاةً فَلَمْ يَذْكُرْهَا إِلَّا وَهُوَ مَعَ الْإِمَامِ فَلْيُصَلِّ مَعَ الْإِمَامِ ثُمَّ لِيُصَلِّ الَّتِي نَسِيَ، ثُمَّ لِيُعِدَّ الصَّلَاةَ الَّتِي صَلَّاهَا مَعَ الْإِمَامِ»	45
111	عمر رض	«مَا رَأَى الْمُسْلِمُونَ حَسَنًا فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ حَسَنٌ»	46
82	أبي ذر رض	«نَهَانِي خَلِيلِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ ثَلَاثٍ: عَنْ أَنْ أَقْرَعَ نَقْرَ الدَّيَكِ، أَوْ أَقْعِي إِفْعَاءَ الْكَلْبِ، أَوْ أَفْتَرِشَ افْتِرَاشَ الثُّغْلَبِ»	47
9	.	«وَصَلَّتْ عَلَيْكُمْ الْمَلَائِكَةُ»	48
26	عمرو ابن عنبسة رض	وَعَنْ عَمْرِو بْنِ عَبْسَةَ قَالَ: «قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - هَلْ مِنْ السَّاعَاتِ سَاعَاتٍ أَفْضَلُ مِنَ الْأُخْرَى؟ قَالَ: " جَوْفُ اللَّيْلِ الْأَخِيرِ أَفْضَلُ ... »	49
59	وائل و عايشه رض	«وَالْتَشَهُدُ: التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»	50
78	عبدالله ابن عباس رض	«وَقَفْتُ عَنْ يَسَارِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَخَذَ بِذَوَابْتِي فَأَدَارَنِي إِلَى يَمِينِهِ»	51

فهرست اعلام

فهرست اعلام حسب حروف هجاء است

شماره	اعلام	صفحه
1	أحمد بن محمد بن سلامه بن سلمه ازدي، طحاوي	21
2	ابو اسحق بن قاسم بن سويد	61
3	أبي قلابه	22
4	أبي مَحْدُورَةَ	32
5	ابراهيم بن يزيد بن قيس بن الأسود، أبو عمران نخعي	59
6	ابن منظور، عبدالله محمد بن مكرم	62
7	اسد ابن عمرو	11

23	إبراهيم بن إسماعيل بن أحمد بن إسحاق بن شيث بن الحكم أبو إسحاق مشهور به قاضى خان	8
59	حماد بن ابي سليمان، مسلم كوفى	9
14	حسان بن ثابت انصارى	10
22	خالد حذاء	11
11	خليل ابن احمد العروضى	12
21	رافع بن خديج	13
64	راغب اصفهانى	14
2	علامه عبدالله بن محمود بن مودود الموصلى الحنفى	15
26	عمرو ابن عنبسة	16
31	عبدالله بن زيد بن عبد ربه	17
59	عبيد الله بن حسين كرخي، أبو الحسن	18
119	عبد الله بن همّام بن نبيشة بن رياح السلولي	19
45	عبدالرحمن بن كيسان، أبوبكر الأصم	20
43	محمد بن حسن رحمه الله	21
12	محمد بن عبد الله بن محمد بن عبد الله بن أحمد المعافري الاندلسي الإشبيلي مشهور به ابن العربى	22
90	نجم الدين، أبو حفص عمر نسفى حنفى	23
52	وائل ابن حجر	24
118	وعلي بن محمد بن الحسن، أبو القاسم النخعي، الكوفي، الفقيه، الحنفي المعروف بـ"ابن كأس"	25

فهرست منابع و مصادر

القرآن الكريم

1. أبو داود، سنن أبي داود، باب ما جاء في الدعاء لرب، دار الفكر.
2. الدارمي، عبدالله بن عبدالرحمن أبو محمد، سنن الدارمي، تحقيق: فواز أحمد زمرلي، خالد السبع العلمي، الطبعة الأولى، 1407، دار الكتاب العربي - بيروت.
3. القزويني، إمام الحافظ أبي عبدالله محمد بن يزيد ابن ماجه رحمه الله، سنن ابن ماجه، طبع دوم: (1402هـ)، الناشر: مكتبة البشري.
4. أبو داود، سنن أبي داود، سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (المتوفى: 275هـ)، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.
5. المرغيناني، الهداية شرح بداية المبتدى لشيخ الاسلام برهان الدين مع نصب الراية تخريج أحاديث الهداية للعلامة جمال الدين الزيلعي اعتنى بهما ايمن صالح شعبان، نصب الراية، باب نصب الراية.
6. الموصلي، عبد الله بن محمود بن مودود الموصللي البلدحي، مجد الدين أبو الفضل الحنفي، متوفى (683هـ) الاختيار لتعليل المختار، تاريخ النشر: (1356هـ 1937م)، الناشر: مطبعة الحلبي، القاهرة (وصورتها دار الكتب العلمية - بيروت، وغيرها).
7. ابن سيده، ابوالحسن على بن اسماعيل النحوي، المخصص، طبع اول، سال: (1417هـ)، مطابق 1993، الناشر: داراحياء التراث العربي.
8. الجابرتي، محمد بن محمد بن محمود، أكمل الدين أبو عبد الله ابن الشيخ شمس الدين ابن الشيخ جمال الدين الرومي، (المتوفى: 786هـ) العناية شرح الهداية، بدون طبعة وبدون تاريخ دار الفكر.
9. أبو الحسن برهان الدين، علي بن أبي بكر بن عبد الجليل الفرغاني المرغيناني، (المتوفى: 593هـ) متن بداية المبتدي في فقه الإمام أبي حنيفة، الناشر: مكتبة ومطبعة محمد علي صبح - القاهرة.
10. الزبيدي، محمد بن محمد بن عبدالرزاق، تاج العروس، دارالهداية.
11. الجرجاني، علي بن علي الزين الشريف، التعريفات، اول، طبع اول، سال: (1403هـ)، مطابق (1983م)، الناشر: دارالكتب العلمي، بيروت، لبنان.
12. ابن خزيمة، أبوبكر محمد بن إسحاق بن خزيمة بن المغيرة بن صالح بن بكرالسلمي، متوفى (311هـ)، صحيح ابن خزيمة، المحقق: د. محمد مصطفى الأعظمي، الناشر: المكتبة الإسلامي - بيروت.

13. البستي، محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي، صحيح ابن حبان، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، الطبعة الثانية، 1414 - 1993، مؤسسة الرسالة - بيروت.
14. المطرزي، ناصر بن عبد السيد أبي المكارم ابن علي، ابوالفتح، برهان الدين الخوارزمي، المغرب في الترتيب المعرب، (ب، ت)، دار الكتاب العربي.
15. التهانوي، محمد بن علي ابن القاضي محمد حامد بن محمد صابر الفاروقي الحنفي، موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، طبع اول، سال: (1996م)، مكتبة لبنان ناشرون، بيروت.
16. الحنفي، قاسم بن عبدالله بن امير علي القنوي الرومي، انيس الفقهاء في تعريفات الالفاظ المتداوله بين الفقهاء، طبع: (2004م-1424هـ)، محقق: يحيى حسن مراد، ناشر: دارالكتب العلمية.
17. الإفريقي محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين ابن منظور الأنصاري الرويفعي، لسان العرب، متوفى: (711هـ)، طبع سوم: سال (1414)، دار صادر- بيروت.
18. العيني، المؤل أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفي بدر الدين، متوفى (855هـ)، البناية شرح الهداية، الطبعة: الأولى، (1420هـ-2000م)، دارالكتب العلمية - بيروت، لبنان.
19. الجزري، أبو السعادات المبارك بن محمد، النهاية في غريب الحديث والأثر، باب الحاء مع الراء، بيروت، (1399هـ-1979م)، المكتبة العلمية.
20. الزبيدي، محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني، أبو الفيض، الملقب بمرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، دار الهداية.
21. الزحيلي، د. محمد مصطفى، القواعد الفقهية وتطبيقاتها في المذاهب الأربعة، قاعده (27)، درء المفسدات أولى من جلب المنافع، الطبعة: الأولى، (1427هـ-2006م)، الناشر: دار الفكر - دمشق.
22. الإفريقي، محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين ابن منظور الأنصاري الرويفعي، متوفى: (711هـ)، لسان العرب، الطبعة: الثالثة، (1414هـ)، دار صادر- بيروت.
23. التويري، محمد بن ابراهيم بن عبدالله، مختصر الفقه الإسلامي في ضوء القرآن والسنة، طبع: 11، سال: (1431هـ، 2010م)، دار أصداء المجتمع، المملكة العربية السعودية.
24. العيني، ابو محمد محمود بن احمد بن موسى بن احمد بن حسين الغيتابي، بدر الدين، متوفى (855هـ)، البناية شرح الهداية، طبع: اول، سال: (1420هـ-2000م)، دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان.
25. السرخسي، محمد بن احمد بن ابى سهل شمس الائمة، المبسوط، متوفى: (483هـ)، طبع: بدون طبع، (1414هـ-1993م)، دار المعرفة- بيروت.

26. السمرقندي، محمد بن احمد بن ابي احمد، ابوبكر علاء الدين، متوفى: (540هـ)، تحفة الفقهاء، طبع دوم: (1414هـ)، (1994م)، دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان.
27. أن دوزي، رينهارت بيتر، متوفى: (1300هـ)، تكملة المعاجم العربية، طبع اول: (1979)- (2000م)، وزارة الثقافة والإعلام، الجمهورية العراقية.
28. الزبيدي، محمد بن محمد بن عبدالرزاق، أبو الفيض، الملقب بمرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، الناشر دار الهداية.
29. ابو حبيب، د:سعدى، القاموس الفقهي لغة واصطلاحا، الطبعة الثانية (1408هـ-1988م)، دار الفكر. دمشق - سورية.
30. الجزيري، عبدالرحمن بن محمد عوض، متوفى: (1360هـ)، الفقه على المذاهب الأربعة، الطبعة: الثانية، (1424هـ-2003م)، دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان.
31. الحنفي، قاسم بن عبد الله بن أمير علي القونوي الرومي، متوفى (978هـ)، أنيس الفقهاء في تعريفات الألفاظ المتداولة بين الفقهاء، المحقق يحيى مراد، الطبعة، (2004م-1424هـ)، دار الكتب العلمية.
32. المطرزي، ناصر بن عبد السيد أبي المكارم ابن علي، أبو الفتح، برهان الدين الخوارزمي، المغرب في ترتيب المعرب، متوفى: (610هـ) الطبعة: بدون طبعة وبدون تاريخ، دار الكتاب العربي.
33. العيني، أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفي بدر الدين، متوفى: (855هـ)، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، دار إحياء التراث العربي - بيروت.
34. الهروي، علي بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدين الملا، مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، الطبعة: الأولى، (1422هـ-2002م)، دار الفكر، بيروت - لبنان.
35. الزحيلي، د. محمد مصطفى، القواعد الفقهية وتطبيقاتها في المذاهب الأربعة، قاعده: 280، الطبعة: الأولى، (1427هـ-2006م)، الناشر: دار الفكر دمشق.
36. التهانوي، محمد بن علي ابن القاضي محمد حامد بن محمد صابر الفاروقي الحنفي، متوفى (1158هـ)، موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، الطبعة: الأولى (1996م)، مكتبة لبنان ناشرون - بيروت.
37. الرازي، زين الدين أبو عبد الله محمد بن أبي بكر بن عبد القادر الحنفي، متوفى (666هـ)، مختار الصحاح، الطبعة: الخامسة، (1420هـ-1999م)، المحقق: يوسف الشيخ محمد، المكتبة العصرية، الدار النموذجية، بيروت - صيدا.

- 38.** البغوي، الحسين بن مسعود، شرح السنة للإمام البغوي، باب الركعتين بعد العشاء، الطبعة الثانية، المكتب الإسلامي، (1403هـ-1983م)، دمشق - بيروت.
- 39.** السرخسي، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة، متوفى: (483هـ)، المبسوط، باب الصلاة الكسوف، بدون طبعة، (1414هـ-1993م)، دار المعرفة - بيروت.
- 40.** ابن التركماني، علاء الدين علي بن عثمان المارديني، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي، الجواهر النقي: 77- باب كراهية مبايعة من أكثر، الطبعة: الأولى (1344هـ)، مجلس دائرة المعارف النظامية الكائنة في الهند ببلدة حيدر آباد.
- 41.** الزيلعي، عثمان بن علي بن محجن البارعي، فخر الدين الحنفي، متوفى (743هـ)، تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق وحاشية الشلبي، باب سجود التلاوة، الطبعة: الأولى، (1313هـ)، المطبعة الكبرى الأميرية - بولاق، القاهرة.
- 42.** الزحيلي، د. محمد مصطفى، القواعد الفقهية وتطبيقاتها في المذاهب الأربعة، قاعده: 188، الطبعة: الأولى، (1427هـ-2006م)، دار الفكر - دمشق.
- 43.** بخارى، صحيح البخارى، باب دعاؤكم إيمانكم، طبعة: أولى (1422هـ)، محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة.
- 44.** ترمذي، الجامع الكبير، سنن الترمذي، باب ما جاء في مواقيت الصلاة عن النبي صلى الله عليه وسلم، سال طبع: (1998م)، دارلغرب الإسلامى - بيروت.
- 45.** جمال الدين أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي، التحقيق في أحاديث الخلاف، مسألة سجدة ص شكر و عنه و أنها من سجود، الطبعة: الأولى، (1415)، متوفى: (597هـ)، دار الكتب العلمية، بيروت.
- 46.** حسن عز الدين بن حسين بن عبد الفتاح أحمد الجمل، مخطوطة الجمل - معجم وتفسير لغوي لكلمات القرآن، الطبعة: الأولى، (2003 - 2008م)، الهيئة المصرية العامة للكتاب، مصر.
- 47.** حنفي، المحيط البرهاني في الفقه النعماني فقه الإمام أبي حنيفة رضي الله عنه، فصل الرابع عشر في التراويح و الوتر مسائل التراويح تشتمل على أنواع، الطبعة: الأولى، (1424هـ-2004م)، دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان.
- 48.** زيدان، د. عبدالكريم، الوجيز في اصول الفقه، طبع جديدة، سال: (2004م)، صنعاء، ناشر: مكتبة فاروقيه.

49. زركشي، أبو عبد الله بدر الدين محمد بن عبد الله بن بهادر، **المنثور في القواعد الفقهية**، تكرار الأذان، الطبعة: الثانية، 1405هـ - 1985م، وزارة الأوقاف الكويتية.
50. سمرقندي، **تحفة الفقهاء**، باب افتتاح الصلاة، طبعة: الثانية، (1414هـ-1994م)، دارالكتب العلمية، بيروت - لبنان.
51. شمس الأئمة، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (المتوفى: 483هـ)، **المبسوط**، الطبعة: بدون طبعة، تاريخ النشر: 1414هـ-1993م، دار المعرفة - بيروت.
52. عمر، د.احمد مختار عبدالحميد، طبع اول: سال (1429هـ-2008م)، **معجم اللغة العربية المعاصرة**، متوفى: (1424هـ)، بمساعدة فريق عمل، عالم الكتب.
53. عبدالحميد عمر، د أحمد مختار، **معجم اللغة العربية المعاصرة**، متوفى: (1424)، طبع اول، سال: 1429هـ، 2008م، الناشر: عالم الكتب.
54. عبيسي، **الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار**، طبعة الأولى، 1409، مكتبة الرشد - الرياض.
55. غينابي، **البنية شرح الهداية**، باب مواقيت الصلاة، طبعة الأولى، (1420هـ-2000م)، دارالكتب العلمية - بيروت، لبنان.
56. فوري، **كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال**، متوفى: (975هـ) محقق: بكري حياي - صفوة السقا، طبع پنجم: (1401هـ-1981م)، الناشر: مؤسسة الرسالة.
57. قنبيي، محمد رواس قلنجي حامد صادق، **معجم لغة الفقهاء**، الطبعة: الثانية، (1408هـ-1988م)، دار النفائس للطباعة والنشر والتوزيع.
58. مسلم، **صحيح مسلم**، باب توفيره صلى الله عليه وسلم، دار إحياء التراث العربي - بيروت.
59. محمد نجار، حامد عبدالقادر، احمد الزيات، ابراهيم مصطفى، **المعجم الوسيط**، تحقيق اللغة العربية، دارالنشر: دار الدعوة.

Summary of the Research:

In this thesis titled scientific and research treatise of the book (**Al-Ikhtiyar Latalil Al-Mukhtar**), certain chapters of it have been researched and examined, which consists of an introduction and three chapters.

The introduction contains the introduction and importance of the subject, main questions, background, materials and methods, objectives, research problems and its plan.

In the first chapter of this treatise, there are the times of prayer, Better prayer times, the times of prayer that are forbidden, the rules of the call to prayer, the external obligations of prayer, the internal obligations of prayer, the expression of the obligatory chord, recitation, congregation, and the abominations of prayer. Al-Akhtiyar la-Talil al-Mukhtar has been researched and reviewed in order, which includes the following:

- Each of the chapters has been written separately in the Arabic text of **Al-Mukhtar Lalfatwa** and has been translated free with a hyphen.

The words and terms of the mentioned chapters separately from each chapter, such as the words: Salat, Zawal, Qazab, Sadiq, Asfar, Shafaq, Adhan, Wajib, Farz, Makatbah, Umm-Wald, Ummah, Al-Hurrah, Mamum, Tawz, Sanaa, Amen, Tashahhud, Masbuq, Sajdah, Witr, Qada, have been explained.

- Validation and statement of the issues that the rulings and issues of each chapter in the Hanaf religion are generally stated from the books attributed to the Hanaf and in other religions based on the same codes as in the text of **Al-Mukhtar lalfatwai**, such as: the letter M "to Imam Muhammad", the letter S from For "Imam Abi Yusuf", the letter "F" refers to Imam Shafi'i and the letter "Z" refers to Imam Zafar, may God have mercy on him.

- Takhrej ahadith for each chapter separately, where the location of the ahadith in books and important sources of hadith is mentioned by mentioning the name of the book, chapter, volume, page, number of the hadith and chapter number of the hadith, and the degree of the hadith in terms of authenticity and weakness is also mentioned.
- Takhreej of jurisprudence rules and regulations, the rules related to each chapter have been taken from the authentic books of jurisprudence rules.

In the second chapter of this treatise, chapters such as: the rulings of Nafil prayer, Witr prayer, and Taraweeh prayer are examined. The Arabic text of these chapters was written and translated from the book of **Al-Mukhtar lalfatwa**, and the text of **Latalil al-Mukhtar** was translated without writing its Arabic text.

The words and terms of these mentioned chapters, such as the words: voluntarism, vow, tahjud, nafilah, Taraweeh, Istiab, supplication... have been explained and expressed.

Statement of the issues that the mentioned chapters were examined in the first stage in the Hanaf religion and in the second stage of the chapter in other religions based on the codes mentioned in the text of Al-Mukhtar Lalfatwai book from the book attributed to the same religions, the hadiths of the mentioned chapters were written. It has been stated that the location of the hadith and its ruling have been stated.

In the third chapter, the chapters related to eclipse prayer, eclipse, istaqqa and the rulings of prostration by mistake and prostration of recitation are examined.



Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master Program in Jurisprudence & Law



Islamic Emirate of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

Al-Akhtiyar la-Talil al-Mukhtar

From the book of Salat to the chapter of Al-Sujud al-Sho, (translation, explanation of terms, interpretation of hadiths, confirmation and statement of jurisprudential issues and rules).

A Master's thesis

Student: Abdul bashir (Ebadi)

Supervisor: Dr.Mohammad Salim (Madani)

Year:2023



Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master Program in Jurisprudence & Law



Islamic Emirate of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

Al-Akhtiyar la-Talil al-Mukhtar

From the book of Salat to the chapter of Al-Sujud al-Sho,
(translation, explanation of terms, interpretation of hadiths,
confirmation and statement of jurisprudential issues and rules).

A Master's thesis

Student: Abdul bashir (Ebadi)

Supervisor: Dr.Mohammad Salim (Madani)

Year:2023